



نومره نشرات انجمن تاریخ  
(۶۵)

## مزارات کابل

تأليف

المصاح

محمد ابراهيم خليل

تعداد طبع ۷۰۰ جلد

تاریخ طبع ۱۳۳۹ هـ ش

دولتی مطبعه





فاضل گرامی بیاغلی محمد ابراهیم خلیل عضو انجمن تاریخ افغانستان که همگان  
از ذوق شاعری و هراتب فنون زیبا نویسی ایشان آگاهند بعد از سالها تجسس  
و تحقیق و گردش در بقعه های متبرکه بالاخره کتابی جالب ، در باب متون سنگنگ  
لبسته های قبور و زارات کابل و اطراف نزدیک آن ترتیب داده اند که اینک  
بنظر خوانندگان گرامی میرسد :

ترتیب و تصنیف چنین کتابی علاوه بر تجسس و تحقیق در مطالعه کتب ،  
گردش های زیادی را در نقاط مختلف ایجاب میکرد که بذات خود کار پست  
دامنه دار و مشکل :

انجمن تاریخ سیار مسرور است که به همت و پشت کار بیاغلی محمد ابراهیم خلیل  
قسمتی معتنا به از سنگنگ متون لبسته ها را لوایح زارات که متأسفانه هر آن در معرض  
لایبودی است اجابت یافته و خاطره هایی از گذشتگان به صیاح تر برگردیم خاطر :  
چند کلمه یا چند سطر ی که زندگان بر مرز ارمر دگن حک کرده اند از لیستی اجابت  
یافته و در اوراق کتابی جمع و مدون گردیده است :

استاد محمد ابراهیم خلیل در حالیکه روح گذشتگان را شاد ساخته خدمتی به  
موقع در تاریخ افغانستان هم انجام داده اند این خدمت را از ان جهت به هر قع  
میخوانیم که هر چند در آن تعال بعمل نمی آمد دامنه ضایعات بیشتر میشد ، یقین  
دارم این اثر مفید که در آن خاطره گذشتگان بسیاری از خالواده ها و اسلاف  
ایشان درج است مورد توجه زبان مردم و اهل تشع قرار خواهد گرفت :

احمد علی کهزاد

۳۹ / ۵ / ۱۱

## مزارات واقع شهدای صالحین

الف- مزار واجب العظیم حضرت تمیم رضی اللہ تعالیٰ عنہ

این مزار بطرف جنوبی کابل بدامنه کوه باصفا و ارغوان زاری قرار دارد که در آن دو قبر طولانیست و از سالمیاد دراز بنام جابر انصاری رص شهرت دارد و سنگی هم فراز دروازه عمارت سابق این مزار نصب بود که حال هم در آنجا وجود داشته حاوی تاریخ تعمیر است که در سنه ۱۲۳۷ از طرف الله وردی خان نامی بیا یافته و مطابق بهر ت تنها از جابر انصاری رضی نامبرده نه از حضرت تمیم رضی یادگیری و تسمیه لوح مذکور بدین قرار است :-

بار گاهی که در برش زو قار	چرخ چرخ خردلیس بمقدار
عرش اگر گویمش سزد که درو	هست آسو ده جابر انصاری رضی
از کوا کب طسق طبق آرد	بحنا بش فاکت ب- رای ست- ار
خاک این در ز تو تیا خوشتر	هست در دیده اولو الا بتار
کرده الله وردی خایش بنا	مزد یاسدر حیدر کرار رص
گر بجویسی امید تار یخش	(گرد این آستان ز دیده بر آر)

۱۴۴۷

چند سال قبل هنگامیکه آرامگاه دو صحابه بزرگوار حضرت تمیم رضی (بطور یقین) و جمیری جابر رضی (بطور گمان) ساخته میشد درین باره تتبع و تدقیق بعمل آمد که منابع موثق و معتبر، حیات حضرت تمیم رضی و شهادتش را در کابل تصدیق نمود که مدارک و نتایج تحقیقات ذیلاً نگاشته میشود.

۱- علامه ابی بشر محمد بن احمد حمادالدولابی متولد ۲۲۴ و متوفای ۳۱۰ در کتاب الکنی والاسماء در باره حضرت تمیم رضی چنین نوشته است :

«ابورفاعه عدوی» محمد بن عبدالله بن یزید مقرئ حدیثی را از پدر خود برای ما نقل کرد که پدرش روایت کرده از سلیمان بن مغیره و او از حمید بن هلال و او از ابو رفاعه عدوی و عدوی گفته است که من بحضور نبی کریم (ص) در حالی مشرف شدم که بخواندن خطبه مشغول بودند پس من بحضورش عرض کردم که ای رسول خدا یک شخص مسافر آمده و از اصول دین میپرسد که از دین چیزی یاد ندارد، پس نبی



۱. بورفاعه تمیم ابن اسید و قیل ابن اسید و قیل اسمہ عبد اللہ بن الحارث بن اسید بن عدی بن عامر بن مالک بن تمیم العدوی، کان من افضل الصحابه نزل بالبصره روی عن حمید بن هلال و هلال بن اسیم قتل بسکابل سنه اربع و اربعین (۴۴) — برادر صاحب جامع الاصول، عزالدین ابی الحسن علی ابن محمد بن عبد الکریم جزری مؤرخ معروف متوفای ۶۳۰ در کتاب اسد الغابه فی معرفه

الصحابه در جزء اول نسبت بحضرت تمیم (رض) چنین مینویسد:

«کنیه او بورفاعه است مؤرخین در اسم او اختلاف دارند احمد بن حنبل و ابن معین میگویند که نام او تمیم بن اسید است. بعضی میگویند که تمیم بن ایاس است، و بعضی میگویند که نام او حمید ابن هلال است حمید ابن هلال از وی روایت کرده که میگوید: من به حضرت رسول صلی الله علیه و سلم آمدم و آنحضرت مصروف جز اندک خطبه بودند من عرض کردم که یک عمر در مسافرت آمده در موضوع دین از شما معلومات میخوانم حضرت رسول صلی الله علیه و سلم خطبه را گدشته مقابل من روی یک کرسی نشسته تعلیمات الهی و اوامر آسمانی را بمن تلقین نمودند. ابو عمر میگوید که در قطنی در خصوص نام ابی رفاعه گفته که تمیم ابن اسید است بفتح همره و کسر سین و دیگر جا از یحیی بن زبیر و ابن الصواف

● جعفر محمد مروری است مصنف این کتاب به ۶۹ سالگی در ماه دی قمری سنه ۱۲۸۲ این کتاب را تا تمام رسانیده است. و مختصر دیگر از مؤلفات شرف الدین مهنا الله بن عبد الرحیم بن بهاری الحموی الشافعیست که در ۷۳۸ وفات نموده و مختصر خود را با اسم تحریر الاصول مسمی کرده دیگر این اثر است که این کتاب را بطریق تعمق مطالعه نموده و کتابی جهت استفادۀ عوام ترتیب داده

دیگر مختصر شرح صلاح الدین حمیل بن کبلیکدی العلانی الدمشقی است که در سنه ۷۶۱ و حلت نموده و مختصر او بنام تهذیب الاصول مسمی است. دیگر مختصر شیخ عبد الرحمن بن علی که مشهور با بن الریح شیبانی یمنی است که در سنه ۹۴۴ وفات کرده مختصر او از بهترین مختصرات این کتاب شمار میرود که بنام تیسیر الوصول الی جامع الاصول مسمی است. مختصر دیگر از مؤلفات شیخ مجد الدین ابی طاهر محمد بن یعقوب فیروز آبادی است که در سنه ۸۱۷ وفات کرده مختصر او بنام تسهیل طریق الوصول در احادیث رائده جامع الاصول است که از مؤلفات ناصر بن اشرف یمسی است و در رانجام جامع الاصول مختصر جداگانه از مؤلفات مجد الدین احمد بن عبد الله طبری است که در سنه ۶۹۴ وفات یافته اسبق نقل با اختصار از کشف الظنون عن اسامی کتب ذاللفظ باب الحیم سنه ۳۵۸ و ۳۶۰ نسخه خطی جامع الاصول متعلق بجناب عبد ارب حان.

کریم (ص) سویی من توجه فرموده یک کرسی را آوردند من خیال کردم که پاهایش از آن است، حمید میگید: اگر چه در حقیقت پاهایش از چوب سیاه بود. ولی او گمان آن کرده بود. پس رسول خدا (ص) در آن کرسی نشستند و به تعلیمی که خداوند او را دانسته کرده بود مراد استه گردانید، بعد از آن بخواندن خطبه آغاز کرده و خطبه را با تمام رسانیدند. این را از عباس بن محمد شنیده بودم که او میگفت که من از یحیی بن معین شنیده بودم که او میگفت که نام او ابورفاعه عدوی تمیم بن اسد است (۱)

**۲** حافظ ابی عمر یوسف بن عبدالله معروف بابن عبدالبر نمری قرطبی متوفای ۴۶۳ در کتاب استیعاب فی معرفة الاصحاب چنین مینویسد: (ابورفاعه العدوی من بنی عدی بن عبدمناف بن ادبن طانحه اخي مزینه نسبه خلیفه فقال ابورفاعه اسمه عبدالله بن الحارث بن عبدالحارث بن اسد بن عدی بن جندل بن عامر بن ملک بن تمیم بن الدول بن حسل بن عدی بن عبدمناف بن ادبن طانجه بن الیاس بن مضر. قال ابو عمر کان من فضلاء الصحابه اختلاف فی اسمه فقیل تمیم بن اسید و یقال ابن اسد و قیل عبدالله بن الحارث یعد فی اهل البصره قتل بکابل سنه اربع و اربعین (۴۴) روی عنه صله بن ائیم و حمید بن هلال و قال الدارقطنی تمیم بن اسید بالفتح و قال غیره بالضم و الله اعلم (۲)

**۳** ابی سعادت مبارک بن محمد بن عبدالکریم جزری معروف بابن اثیر متوفای ۶۰۶ در جامع الاصول الاحادیث الرسول (۳) نسبت به حضرت تمیم (رض) چنین مینویسد:

- 
- (۱) کتاب الکی والاسماء ح ۱ ص ۲۹ طبع حیدرآباد. کی.  
 (۲) نسخه قلمی که در ماه رمضان ۷۸۵ به خط محمود بن عجم شاه بن محمود شاه من اصل کرمانه در کرمان نوشته شده.  
 (۳) این کتاب محتوی سه ارکانست: اول در مبادی دوم در مقاصد سوم در خواتیم.  
 رکن اول دارای یک مقدمه و چهار فصل است. در فصل اول این کتاب انتشار علم حدیث و باعث جمع بودن و تالیف احادیث را ذکر کرده، در فصل دوم اختلاف اقراض و مقاصد مردم را در تصنیف علم حدیث و در فصل سوم اقتدای متأخرین به تقدیمین و باعث احتصار کتب و تالیفات در حین مطالعه و استقصائیکه در جمع احادیث داشتم بکتاب دوزخ برخوردیم که از همه کتب فخیم تر و برصحااحسته (صحیح بخاری، مسلم، موطاء، مالک، جامع رمزی سنن ابی داؤد و نسائی) که ۲۱ کتب و جامع احادیث مشهور و مستند اند حاوی بوده پس با خود سنجیدم و لازم شد مردم که در این کتاب جامع اشتغال باید کرد و اساس کار قرار بیاورد. درین کتاب کتابهای مختصری نیز بوجود آمده که یکی از آنها مختصر ۶ پی ۱۱

۹ - ابن حجر عسقلانی در کتاب تهذیب التهذیب خود نوشته است :

( بخ ، م ، س (۱) ابورفاعه العدوی قیل اسمه تمیم بن اسد و قیل ابن اسید و قیل اسمه عبدالله بن الحارث بن اسد بن عدی بن جندل بن عامر بن مالک بن تمیم بن الدول بن حسن بن عدی بن عبدمناف بن اد بن طابخیه بن الیاس بن نصر روى عن النبی صلی الله علیه وسلم وعنه حمید بن هلال وصائب بن اشیم العدویان البصریان قال ابن عبدالبرکان من فصحاء الصحابة بالبصرة قتل بكابل سنة اربع واربعین ۴۴ قلت وقال خلیفه بن خیاط سنة اربع واربعین ۴۴ فتصح ابن عامر کابل وقتل بها ابوقتاذه العدوی ویتقال الذي قتل ابورفاعه العدوی . (۲)

۱۰ اقوال بالانوشته بلاذری در فتوح البلدان و نگارش ابن اثیر در کامل مطابق میکند ، چنانچه ابن اثیر در جلد ۳ ص ۲۲۱ - الکامل مینویسد و در سه ۴۳ عبد الله بن عامر که فرماده لشکریو دعدالرحمن بن سمره را باعماد بن الحصین الحبطی که سمت شجنگی آن سمت را بعهده داشت و سائر اعیان که یکی از آنها عمر بن عبدالله بن معمر بود بالمشکر مکمل و مجهز در تحت قیادت عبد الرحمن بن سمره بمسمت ناحیه سیستان نسبت بعهده شکنی و ارتداد اهل آنجا اعزام و بمجرد رسیدن جنگ را آغاز نموده سیستان را فتح کرد و از ناحیه لشکر جرار طرف کابل رهسپار شده کابل را محاصره کردند . اهل کابل چندین ماه به جنگ و محاصره دوام ورزیده نگذاشتند که کابل از طرف لشکر اسلام مسخر شود . بالاخره مسلمین توسط منجینی ها دیوار حصار کابل را کوبیده و حصار حصین کابل را با خاک یکی کردند ، عباد بن الحصین بعد از غلبیدن دیوار تمام شب مشغول قتال بود ، چون اهل کابل و مدافعین کابل با سداد دیوار و استحکام قلعه قادر نماند پس ارمیدن سفیده صبح بعنوان جنگ و مقاومت بیرون آمده و بهر ارنهادند و لشکر اسلام کابل را بحملات شدید خود فتح نمودند . »

این بود مضامین کتب و توف و روایات ، بمتمد نسبت بحضرت ابورفاعه عدوی تمیم ابن اسید رضی الله تعالی عنه که یکی از صحابه پیگوار حضرت رسول خدا صلی الله علیه وسلم بوده و حضرت خاتم النبیین علیه افضل الصلوة و اکمل التحیات

(۱) اشاره به نجاری ، مسلم و زبائی است .

(۲) جز - ثانی مجلد ۹۶ طبع حیدرآباد دکن .

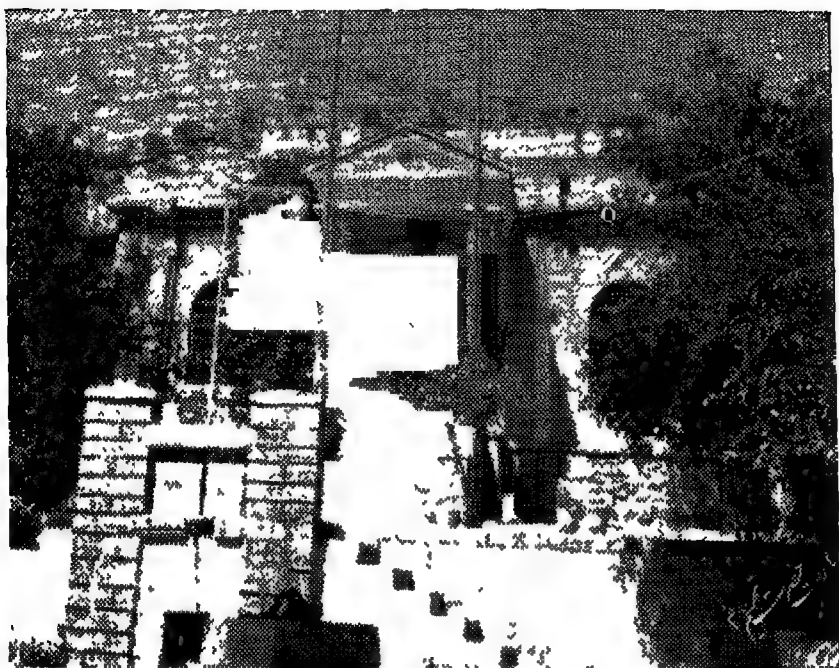
و عبدالله بن احمد بن حنبل روایت می‌کند که تمیم بن نذر است. و هم ابو عمر می‌گوید که ابن مده است. ابو نعیم بعد از ترجمه حال او نام او را تمیم بن اسید قید کرده و الله اعلم.

۵ - محمد ابن سیرین و حمید ابن هلال از تمیم روایت کرده اند ، و کنیه او را مخالف کنیه ها نیست که در فوق ذکر یافت چنین می‌ویسند : « ابو رفاعه تمیم بن اسید بضم الهمزة » و هم گفته اند که ابو رفاعه عدوی است و در بصره سکونت داشته و در سجستان با عبدالرحمن ابن سمره وفات یافته (۱)

۶ - شیخ الاسلام قاضی القضاة احمد ابن علی الکنانی الحسینی المصری الشافعی معروف باین حجر متوالد ۷۷۳ و متوفای ۸۵۲ در کتاب معروف خود (الاصابه فی تمیز الصحابه) در باب الکنی جلد ۷ طبع مصر ص ۶۷ چنین می‌ویسند : « ابو رفاعه عدوی تمیم بن اسید بفتح تین » بحاری نیز در همین طریقۀ نامش را یاد کرده است و اسید را بعضی بفتح اول و کسر دوم و بعضی - صحر هم گفته اند .

۷ - خلیفه و غیره گویند اسمش عبدالله ابن حارث بوده از آن سیرت صلی الله علیه و سلم حدیث روایت کرده و از و حمید ابن هلال و صاهه ابن اثیم که هر دو عدوی بصری بودند روایت کرده اند حدیث تمیم در صحیح مسلم وارد است بر روایت حمید که از وی گفت : « بحضور حضرت رسالت ما بی صلی الله علیه و سلم مشرف شده عرض کردم : مرد مسافری از دین خود می‌برد بنابر آن آن حضرت صلی الله علیه و سلم رویم آورد و از منبر فرود آمد و بر کرسی که پایه هایش از آهن بود نشست ، تمیم رض می‌گوید آن حضرت من آنجا زخمی بودم با آن تعلیماتی که خدا ی تعالی عز اسمه با و نموده بود بمن تعلیم دهد ا لبح . »

۸ - حاکم از طریق مصعب زبیری روایت میکند که ابو رفاعه عدوی ناهش عبدالله بن حارث بن اسید بن عدی بن مالک بن غنم بن دول بن حنبل بن علی بن مناف بوده ، دولت صحبت نبوی (ص) برایش میسر شده در سجستان با عبدالرحمن بن سمره بنز آمده و بقول ابن عبدالبر ، از فضلی صحابه بوده و در کابل به سنه ۴۴ شهید گردیده ، خلیفه می‌گوید ابن عامر کابل را در ۴۴ فتح نمود و در اینجا ابو رفاعه عدوی کشته شد .



متعلق صفحہ ۶



متعلق صفحہ ۶

در حق او التفات نرورده از منبر فرود آمده، تعلیمات خدائی و اوامر آسمانی را باور ساند، این ذات بزرگوار بطور محقق در کابل بشهادت رسیده مشهد و مدفنش همین جاست که اکنون مرا از فیض آثارش در آنجا واقع است و بتربته جابر انصار در ض کسب شهرت نموده بود.

و اینکه مؤلف اسد الغابه وفات شانرا در سجستان نوشته، البته مطلب از افغانستان جنوبی داشته که در اوقات غالباً بام سجستان یاد و زایل و کابل جزء آن شمرده میشد، ورنه سجستان نام خاص کدام هر ض و شهری نبوده که بدان اشارت مینمود. اما نسبت جابر، یا جبر رضی الله تعالی عنهما فعلاظها ر عقیده نمیتوانیم زیرا در مآخذ و مدارك معتبری که بدان اعتماد باید کرد تاکنون بر نخورده ام که آهنگ و شهادت حضرت جبر (رض) را بکابل اثبات نماید.

در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داؤد و نسائی و دارقطنی و کتاب الکنی و الاسماء دو لابی و اسمعیل بنی و راه الا صاحب نمری قرطبی و سنن کبری و بیهقی و جامع الاصول ابن اثیر جرری و اسد الغابه ابن اثیر جرری و اصحابه فی تمیز الصحابه و تهذیب الیهذیب ابن حجر عسقلانی از چندین جابر و جبر (رض) ذکر و شرح حال هر یک بطور واضح نوشته شده ولی مشهد یا مدفن یکی از انهارا در کابل سراغ نمیدهند صرف افواه عام است که سینه بسینه رسیده و مآخذ اصلی معلوم نیست که از چه سعی این شهرت تراوش کرده.

بهر حال چون در مشهد و مدفن حضرت حمیم رضی عنایه جای شبهه و تردید باقی نماند و عمارت سابق آن که رو بانهدام آورده بود مجدداً بنا یافت و چشمه آن که خشک شده بود از چشمه ریارتی که در نزدیکی آن مشهور بنظر گاه خضر (ع) است توسط نل، آب رسانید و کتیبه برای آن لزوم دیده شد تا از این را اطلاع برانته حاصل باشد، بنام بنده الله مطالب را در ۲۹ بیت درج نموده یک دفعه بمجله نمبر ۹۲ آریانا و همچنان بروزنامه انیس ۱۸ جوزای ۱۳۲۶ به نشر گذاشتم، بعد آنکه ما بقی کار مزار و لوح سنگی آن آماده گشت و موقع تحریر رسید و نوشتنش هم بمعهد بنده گذاشته شد باز موضوع را بروزنامه انیس ۱۰ جوزای ۱۳۳۱ بغير رضی استشاره از اهل خبرت و تشیع شایع نمودم، پس از مدتی که در ان باره کدام اعتراض و یا اظهار صدور سهوی صورت نگرفت و از طرف وزارت معارف هم

تصدیق شد بنوشتن لوح مذکور بر داختم . در آغاز اولاً بسم الله الرحمن الرحیم  
و بعد آیه کریمه (ولا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله اموات ط بل احياء و لكن  
لا تشعرونه) را بخط ثلث نگاشته سپس این عبارت را با پانزده بیت که در  
جمله ابیات ذیل بعدد نشانی میشود بخط نستعلیق نگاشتم :

(این حظیره اقدس و این مرجع انس ، مهد آرام و خوابگاه بر دوام جسد  
مطهر و بابرکت و جسم نورانی و ذی سعادت حضرت (ابور فاعه عدوی تمیم رضی الله  
تعالی عنه ) است که بطور محقق مشهود و مدفنش همینجاست : )

۱ این مرقد سیف که با عرش همسراست

وین روضه شریف که با خلد همبر است

۲ این خوشه! مژگ که ارباب حال را

شوقش نزونتراز چمن قدس در سراست

این برگزیده منزل عالی که خاک او

خوشبوی ترز عنبر و از مشک اذ فر است

این آستان حرش که بهر دره هراس

صد آفتاب رحمت جاوید مضمراست

این منظره ری که منظر با ریایش

از به فلک ملائکه ایستاده بردار است

این فیض ده حریم که در چشم قدسیان

گردش بکحل دید : حورایرا پیراست

۳ آرامگاه ذات شریف مکرهست

کز مهر و ماه رتبه عالیش برتر است

۴ نامش (تمیم) و کنیه او (بور فاعه) است

این (اسید) و از (عدی) آن پاک گوهر است

در عالم و فضل و رتبه والای باطنی

روشن بروز گار چو خورشید خاور است

۵ از هجرت رسول ص بسال چهل و چار

از جسمش این محل بجهان فیض گستر است



۱۴-

دارد ز بس متانت و تعجیل و احتشام  
نظاره اش باهل نظر روح پرور است  
از جوش سبز و گل و اشجار رنگ رنگ  
با غشش بچشم عفل بهشت مصور است  
از چشمه خضر شد سیراب چشمه اش  
حوضش نمونه عجب از حوض کوثر است

۱۴-

مقبول باد مصرف و جهدش بنزد حق  
چون نیتش بمرضی دادار داور است

۱۵-

کلک خلیل زد رقم از سال اختتام  
( اکسیر نزد دیده دل گرد این در است )

۱۳۵۹ هـ ق

ناگفته نماند که نخود این لوح که عکسش را مقابل صفحه از ملاحظه میگذرانند  
از سنگ سفید مزین بقایهای متین سنگ سیاه میباشد و بدیوار در پیچه داخل عمارت  
فراز هر دو مرقد که یکی آن بموجب تحقیقات فوقالذکر از حضرت ( تمیم رض )  
و دیگرش نامعلوم است نصب شده ، هر دو قبر طولانی به بهترین سنگهای شفاف  
رنگارنگ بصورت خیلی زیبا پوش گردیده و با طرافش کتاره سیمی ساخته شده ،  
صحن داخل گنبد سنگهای سفید و سیاه خشتی مفروش است ، کفشکن و زینه دارج  
گنبد و ماحول آن بخشهای سنگی مروجه مرتب گردیده .

شک نیست که این مزار مبارک از بزرگترین مزارات محترم و طنست و رجوع  
مردم باستانش زاید ، اهالی شهر دائم الوقت از فیض زیارتش بهره اندوز میشوند  
در روزهای پنجشنبه علی الدوام یک ختم قرآن مجید از طرف حفاظ جید در آنجا  
میشود . در ماه رمضان مبارک چه در بهار ، چه در زمستان در مسجدش ریفش که بالای  
عمارت زیارت است در نمازهای تراویح ختمهای متعدد میشود و ذوقمندان بکمال  
دلچسپی درین ختمات شمولیت میورزند ، خدا بتعالی نمازها و ختمها را قبول درگاه  
بی نیازی خود فرموده روح شریفش را بارواح انبیا علیهم السلام محشور داشته برکاتش  
را بتمام اسلام خاصاً هموطنان عزیز ما مستدام داراد بمحمد و آله الامجاد .

چون راجع بحضرت تمیم ( رض ) تحقیقات و معلومات و نقل کتیبه جدید بمفصیلات

- ۶ بی شبهه از صحابه خیر الرسل (ص) بود  
لاریب فیض یاب حضه و رپیهر (ص) است  
به به ، به بختیاری چشمش که تا ابد  
زان نور ذات قدس الهی (ج) منور است  
در رفع شرك، اوز سران مجاهد است  
در راه نشر دین شهیدان اکبر است  
هر کس یراه حق ز سرو جان خود گذشت  
از ذکر خیر زندۀ جاوید و اشهر است
- ۷ چون هیچ شبهه نیست که ذات شریف او  
مدفون با ین مقام چو گنجینه زراست
- ۸ گر شرح و بسط آن بنمایم درین سطور  
تحصیل حاصل است و حدیث مکرر است
- ۹ تعمیر سابقش چو مرمت پذیر شد  
زیرا بهر اساس خراسی مقدر است
- ۱۰ (ظاهرش) جوان جوان نبخت کامگار  
کز لطف کردگار عنان دار کشور است
- ۱۱ امر اکید داد بتجدید این بنا  
چون دوستدار اهل حق آن نیک اختر است
- ۱۲ بر او بعدت سه سال و چند ماه  
اتمام شد چنانکه کون حیرت آور است  
از بس به پخته کاری اماشش بنا شد  
دیوارهاش همسر سد سکندر است  
سنگ و سمنت ز بسکه دران صرف شد زیاد  
گوئی بطن کوه یکی کوه دیگر است  
پوش مزار او شد از سنگ رنگ رنگ  
فرش حریم او همه از سنگ مرمر است  
آز بسکه صرف جهد بزیایش شد  
همچون قصور باغ جنان نیک منظر است

مزار جناب مرحوم حافظ محمد عابدی که سنگ صندوق نما ی  
 متین دارد و کلمه طیبه در بالای سر آن مرقوم است و تنها نقل همان  
 سنگ کتیبه برای همه گونه معرفی این حافظ جید کافی میباشد  
 «جل من لا يموت» درین خوا بگاه ابدی جسم نورانی و وجود روحانی خفته  
 است که اکثر حفاظ قرن (۱۴) چهارده این خطه اسلامی بوا سطه یابلا و اسطه  
 افتخار شاگردی ایشان را دارند، اسم گرامی این استاد محترم حافظ محمد علی  
 خان بن محمد نظام خان است که در خیل و تبار از اصیل زادگان قریه (آبدره)  
 پنجشیر میباشد. مرحوم مبرور قرآن مجید را در سال یک هزار و سه صد و هفت  
 هجری قمری بعمر ده سالگی از نزد مجود و قاری قرائت سبعة یعنی جناب  
 فضا ئل ماب حقائق اکتساب قاری نیک محمد خان (که در علم تجوید و قرائت  
 شاگرد شیخ ابراهیم سعد مصری از هری شیخ قراء عصر، و در علوم دین عام  
 سیند یافته مدرس صولتیه مکه معظمه را دالله شرفها بودند.) بقرائت امام عاصم  
 و روایت حفص رضی الله عنهما حفظ کرده و سند حاصل نمودند و از آن بعد  
 مدت چهل و سه سال بتدریس قرآن پاک مشغول مانده و بچندین لهجه و احکام نیکه  
 دل را آب میسازد تلاوت و قرائت مینمودند، و در لوح سینه و محفوظه دماغ شان  
 کلام ربی بضابطه جاگزین شده بود که مدت العمر و در تمام ختمهای تراویح  
 حتی بیک کسر یا ضمه هم سهو نشدند تا کسی با ایشان فتحه دهد از تسلیم و توکلی  
 که داشته مادام الحیاة دوارا بلب نز دیک نکرده؛ وقتی در مرض الموت و حالت  
 غشی که میخواستند غافلانه دوارا بد هنش بریزند با پشت دست آنرا رد کرده  
 و آیه مبارک کریمه (وان یمسک الله بضر فلا کاشف له الا هو) را خواندند و  
 چشم ظاهر شان از زخارف دنیا پوشیده بود اما نور بصیرت از سینه و جبین شان  
 هویدا و آشکارا دیده میشد بالاخر در پنجم شهر جمادی الثانی سنه یک هزار و سه  
 صد و شصت هجری قمری دنیا را با هزاران مخلصین خود وداع کرده و اینک  
 در این مقام تامادام القیام رحمت عام ایزدی را انتظار و استرحام دارند»  
 این مرحوم طوریکه در کتیبه فوق مرقوم است واقعا بهمین صفات موصوف  
 بوده و شاگردان لائق و جید بسیار از خود بیادگار گذاشته که از انجمله حافظ  
 محمد عمر پسر ارشد شان است که در هر هفته بعد از فوت پدر خود یک ختم در زیارت

ساختمان عمارت و غیر آنرا نگاشتم و عدم صحت مزار حضرت جابر (رض) را  
مختصری تذکر دادم اینک مناسب مینماید تا بصورت مثال از چند جابر و جبر  
ذکر نمایم که بحضور خوانندگان محترم بخوبی مثبت ادعایم شده بتواند:-

۱- ابو محمد بن جبر بن مطعم بن عدی بن یوسف بن عبد مناف قریشی که از صحابه معتبر  
حضرت رسول اکرم صلعم بود و قبل از فتح مکه بشرع اسلام مشرف گشته بود  
و بقول صاحب تاریخ سیستان حضرت امیرالمومنین عثمان ذی النورین (رض) را  
همین جبر بن مطعم بعد از سه روز پشت کفن کرد، وفات وی در مدینه با اختلاف  
اقوال ۵۹-۵۷-۵۴ می باشد.

۲- جابر بن سلیم تمیمی (رض) مسکن اویصره بوده و در همان بصره وفات نموده.  
۳- جابر بن سمره بن جناده بن جندب ابن حجر ابن حسیب ابن سوار ابن  
عامر ابن صعصعه العامری که خواهرزاده سعد بن ابی وقاص (رض) است در کوفه  
سکونت داشته و در سنه ۶۶ یا ۷۴ در کوفه وفات کرده است.

۴- جابر بن عبد الله بن عمرو بن حرام بن عمرو بن سواد بن مساعة الانصاری سلمی، از  
مشاهیر صحابه است و در بیعت عقبه و غزو بدر شامل بود. و در شام و مصر نیز تشریف  
برده اند، وفات حضرتش در مدینه منوره با اختلاف اقوال در ۷۴-۷۷-۷۸ می باشد.  
جابر بن تمیم بن قیس بن اسود از بنی کعب، بعضی گویند از بنی نجار است، در  
جنگ بدر و سایر غزوات شامل بوده اند، وفات شان به سنه ۶۱ در مدینه طیبه اتفاق  
افتاده. اینک از ذکر حضرت تمیم (رض) که مشهد و مدفنش در اینجا ثابت است  
۵- جابر و جبر (رض) که تا کنون مدفن شان در اینجا به ثبوت نه پیوسته بهمینقدر کفایت  
کرده و در ذکر بعضی از دیگر مدفونین احاطه این مزار مبارک و بعداً در ذکر مدفونین  
نزدیک بجوارشان میپردازم:-

بعض مزارات داخل محوطه و باغچه این زیارت تساجدائیکه روشن است و  
بمرور دهوار زمین فرشته برخی از روی کتیبه و بعضی از روی معرفت مجاورین  
و غیره بدون شک و تردید هویدا است و

قبر خود محمد یونس خان هم در همین احاطه است اما سنگی در وی نیست  
قبر خود سر دار محمد یوسف خان که چهل سال قبل وفات کرد در سمت شمال قلعه  
هنال که نشیمن گاه خود او بود واقعست سنگی ندارد. و نیز در همین احاطه قبر  
(نور جاذ) بنت سر دار محمد عمر خان است که بسنگ ساخته شده و حجر پری  
هم دارد. متصل بان قبر محمد عظیم جان پسر جوان بزرگ سر دار محمد عمر جان  
است که در سنه ۱۳۴۵ هـ ق وفات کرده و چند قبر دیگر نیز از همین  
خانواده در آنجا است.

اما بزرگ محمد عظیم جان مصیبت عظیمی بوده زیرا جوانی با تعلیم و تربیه  
و حسن اخلاق و آداب و کمال زیبائی و رعنائی بود که اکثر موزون طبعان در  
رثایش شعرها سرودند و از آن جمله یک بنداز مسدسی که به خاطر مانده  
آورده میشود.

ای عظیم جان پسر ارشد دانای وطن ای بخود دهر ده نه خاک تمنای وطن  
خیز و یکبار ببین ماتم و غوغای وطن  
گریه زار وطن سحر تماشا دارد  
زانکه داغ تو بدل ای گل رعنا دارد

### ۳- قبر خداداد .

در همین جا گنبدی بهاوی مسجداست که قبری در آن ساخته شده و سنگی  
بزرگ هم بالای آن موجود است اما از سنگ چیزی مرقوم و منقوش نیست .  
صاحب قبر بشهادت مجاورین و دیگر مردم بصورت یقین خدا داد خان است که  
از غلام بهجه های مقرب و نیکنام ضیاؤ الملة و الدین بوده .

### ۴- مزار علیا جاه

بطرف جنوب و زیارت گشندی بلد و حصه است : در حصه اول ، مزار علیا جاه که  
والد مرقوم سر دار عنایت الله خان معین السلطنه میباشد و آبادی این گنبد و ترتیب  
سنگ آنهم از طرف معین السلطنه شده . عبارتیکه درین سنگ مرقوم است  
بدینقرار است :-

« هو الباقی ز خاک ما قدم آهسته بردار مبادا بشکند در زیر پادل  
در سنه ۱۳۳۷ هـ ق حجاب عصمت ماب غفت آیاب علیا جاه بدر الحرم صاحبه

حضرت تمیم (رض) که قبر و الدش هم ملحق و در ط آت است مینما بسد .  
 و در ماه رمضان مبارک گاه یکت حنه و گاه د و ختمه در همدین زیارت در نماز  
 تراویح مینماید و در چند سالی که نگارنده نیز شرف شمول در ختمات تراویح شان  
 حاصل کرده ام این خلف المصدق آن مرحوم نیز مثل پادشاه خود هیچوقت حاجت  
 بفتحه نشده اند خدایتعالی بطول عمر و توفیق تعلیم جمعه و ختمات به ایشان بفرزاید

#### ۴- مزار ابو جانی و بر خنی از خانواده مرحومه

اسم محضه اش بی بی حلیمه و شهرتش ابو جانی است بلکه معروفه خدیجه الحلة  
 والدین امیر عبد الرحمن خان و در حدود ۱۳۰۰ او را بدو هر و بنگاه زمان بوده  
 ذکاوت فطری و نجابت ذاتی و غریبه شاعری و عذر همت و انبهره من الشمس است  
 موصوفه بنت میر عتیق الله ابن حاجه میادجی از روستا غنچه صاحب معروف  
 و نامور است .

ضیاء الحلة و الدین را با این حرم و حجره مشی و لستکم و علامه خاصی بوده  
 و از این ملکه تنها یک مرزند بنام سردار محمد عمر جان بر جای ماند بعد وفات  
 شوهر تاجدار خود در پادشاهی سراج الحلة و الدین امیر حبیب الله خان هم معززانه  
 گشتانده و در عصر پادشاهی امان الله خان بقیه زبورت خود در آن روستا بلی در  
 پغمان بنا کرد که بنام پل حلیمه خاتم است و با جمعی از زنان و مردان بسفر حر مین  
 شریفین رفته و این فریضه مقدس را نیز ادا نموده بالاخره سرانجام دانی شتافت .  
 شفاخانه پغمان نیز از ابنیه خیر است که به بقعه را و حسینش به حد از فوت  
 مرحومه ساخته شده .

قبرش در محوطه طرف جنوبی زیارت واقع است و سنگ های بسیار همین  
 ساخته شده و این عبارت در آن منقور است .

و عالیة معظمه بی بی حلیمه مشهور به (بو جانی) همسر زانمور اهل حضرت  
 ضیاء الحلة و الدین امیر عبد الرحمن خان که بتاريخ ۲ جوزای ۱۳۰۱ شمسی وفات  
 نموده اند . انا لله و انا الیه راجعون در پهلوی مرقد معروفه قراراخت السراج  
 (بی بی هاجره) همشیره امیر حبیب الله خان شهید که همسر سردار محمد یونس خان  
 پسر سردار محمد یوسف خان این امیر دوست محمد خان بود ، میباشد که بصورت  
 خوبی از سنگهای متین ساخته شده اما نوشته ندارد .

قبر خود محمد یونس خان هم در همین احاطه است اما سنگی در وی نیست  
 قبر خود سر دار محمد یوسف خان که چهل سال قبل وفات کرده در سمت شمال قلعه  
 منال که نشیمن گاه خود او بود واقعست سنگی ندارد. و نیز در همین احاطه قبر  
 (نور جان) بنت سر دار محمد عمر خان است که پسنگ ساخته شده و تحریری  
 هم دارد. متصل بان قبر محمد عظیم جان پسر جوان مرگ سر دار محمد عمر جان  
 است که در سنه ۱۳۴۵ هـ ق وفات کرده و چند قبر دیگر نیز از همین  
 خانواده در آنجا است.

اما مرگ محمد عظیم جان مصیبت عظیمی بوده زیرا جوانی با تعلیم و تربیه  
 و حسن اخلاق و آداب و کمال زیبایی و رعنائی بود که اکثر موزون طبعان در  
 رنایش شمع -رها سروزند و از انجمله یک بنداز مسدسی که به خاطر مانده  
 آورده میشود.

ای عظیم جان پسر ارشدو دانای وطن ای بخودبرده تۀ خاک تمنای وطن  
 خیز و یکبار بین ماتم و غوغای وطن  
 گریه زار و طن سحت تماشا دارد  
 ز آنکه داغ تو بدل ای گل رعنا دارد

### ۳ - قبر خداداد .

در همین جا گنبدی پهلوی مسجد است که قبری در آن ساخته شده و سنگی  
 بزرگ هم بالایش موجود است اما در سنگ چیزی مرقوم و منقوش نیست .  
 صاحب قبر بشهادت مجاورین و دیگر مردم بصورت یقین خدا داد خان است که  
 از غلام بچه های مقرب و نیکنام ضیاؤ الملة والدين بوده .

### ۴ - مزار علیا جاه

بطرف جنوبی زیارت ، گنبدی بدو حصه است : در حصه اول ، مزار علیا جاه که  
 والده مرحوم سر دار عنایت الله خان معین السلطنه میباشد و آبادی این گنبدو ترتیب  
 سنگ آنها از طرف معین السلطنه شده . عبارتیکه درین سنگ مرقوم است  
 بدینقرار است :-

« هو الباقي زخاک ما قدم آهسته بر دار مبادا بشکند در زیر پادل  
 در سنه ۱۳۳۷ هـ ق جناب عصمت ماب عفت آلیاب علیا جاه بدر الحرم صاحبه

حضرت تمیم (رض) که قبر والدش هم ملحق و سر به و ط آن است مینماید .  
 و در ماه رمضان مبارک گاه یک ختم و گاه در همدین زیارت در نماز  
 تراویح مینماید و در چند سالی که نگارنده نیز شرف شمول در ختمات تراویح شان  
 حاصل کرده ام این خلف الصدق آن مرحوم نیز مثل پدر خود هیچوقت حاجت  
 بفتح نشده اند خدا تعالی بطول عمر و توفیق تعلیم حفاظ و ختمات پرایش بیفزاید  
 ۴- مزار بو جوجان و برخی از خانواده مرحومه

اسم محضه اش بی بی حلیمه و شهرتش بو جوجان است ملکه معروفه ضیاء الملة  
 والدین امیر عبد الرحمن خان و در جود و سخا فرید و هر و یگانه زمان بود .  
 ذکاوت فطری و نجات ذاتی و قریحه شاعری و علو همت او اظهر من الشمس است  
 موصوفه بنت میر عتیق الله ابن حافظ میانجی ابن مری و اعظم صاحب معروف  
 و نامور است .

ضیاء الملة والدین را با بن حرم محترمش دلبستگی و علاقه خاصی بود .  
 و ازین ملکه تنها یک فرزند بنام سردار محمد عمر جان برجای ماند . بعد وفات  
 شوهر تاجدار خود در پادشاهی سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان هم معزز افه  
 گذشتانده و در عصر پادشاهی امان الله خان بقیه زیورات خود را فروخته بلی در  
 پغمان بنا کرد که بنام پل حلیمه خانم است و با جمعی از زنان و مردان بسفر حرمین  
 شریفین رفته و این فریضه مقدس را نیز ادا نموده بالاخره بسرای جلو دانی شتافت .  
 شفاخانه پغمان نیز از اینیه خبر اوست که به قرار و صیفتش بهمد اثر فوت  
 مرحومه ساخته شده .

قبرش در محوطه طرف جنوبی زیارت واقع است و بسنگ های بسیار متین  
 ساخته شده و این عبارت در آن منقور است .

«عالیة معظمه بی بی حلیمه مشهوره (بو جوجان) همسر نامور اهل بیت حضرت  
 ضیاء الملة والدین امیر عبد الرحمن خان که بتاریخ ۲ جوزای ۱۳۰۴ شمسی وفات  
 نمود اند . انا لله وانا الیه راجعون» در پهلوی مرقد موصوفه قبر اخراج  
 (بی بی هاجر) همشیره امیر حبیب الله خان شهید که همسر سردار محمد یونس خان  
 پسر سردار محمد یوسف خان ابن امیر دوست محمد خان بود ، میباشد که بصورت  
 خوبی از سنگهای متین ساخته شده اما نوشته ندارد .

قبر خود او در مزار شریف در جوار مزار امیر شیر علی خان است :  
بعد از وی منصب لوینابی به پسرش خوشدل خان داده شد و این مرد نامور  
هم تا اواسط سلطنت امان الله خان بامور مهمه و عالیله کشور اشتغال داشت .  
در مرتبه ثانی داخل احاطه گنبدی است پخته کاری و در آن دو قبر است که  
سنگ پوش نیست و کتیبه هم ندارد یکی از خوشدل خان لویناب است و دیگری  
از عیالش :

در بهاولی این گنبد قبریست سنگ پوش شده و سنگ صنوبر نامبر آن موجود  
امانوشته ندارد . این قبر علی احمد خان پسر خوشدل خان لویناب است که در  
عصر امیر حبیب الله خان شهید شاغاسی ملکی و در زمان پادشاهی امان الله خان والی  
کابل بود . بالاخره در وقت حبیب الله بسجده سقوط و مقتول و در اینجا  
بخاک سپرده شده .

علیا حضرت سراج الخواتین حرم امیر حبیب الله خان شهید که والد :  
امان الله خان بود و حالا هم که سنه ۱۳۳۸ ش ۱۳۷۹ ق میباشد حیات است  
دختر همین شاغاسی شیردل خان لویناب و همشیره علاقی خوشدل خان میباشد که  
والده اش را بعد فوت پدرش بایگرا م محمد سرور خان بقدر  
خود در آورد . مقبره دیگری متصل با اینجاست و قبر آراسته سنگ های  
اعلی در آن است که یکی از لوجه مرحوم محمد ابراهیم خان پسر بایگرا م  
و دیگری صبیبه وی خانم سلطان احمد خان لوا مشر میباشد .

قبر خود بابای گرام که یکی از افراد نامور و شامل امورات مهمه در هر  
عصر بود و آخر چشم از جهان پوشیده در محل دیگری است که علیحد  
ذکر خواهد شد :

محمد ابراهیم خان مذکور که در عصر امان الله خان وزیر عدلیه و بازر رئیس  
تنظیمیه هرات بوده در هرات مدفون است .

زوجه محترمه اعلیٰ حضرت سراج الملة والدين وداع عالم فانی گفته بسرای سرور  
جاودانی شتافت ، اکنون این ، تود و خاك و دخمه عبر تنالك نخستن منزلیست از منازل  
آخرت این ! مغفوره که تا یوم موعود امیدوار رحمت بی نهایت بود . به آسودگی  
دران اطراق خواهد نمود اللهم اغفر لها ولجميع المؤمنين آمین «  
۵- قبر والده امیر حبیب الله خان شهید .

در حصه دوم گنبد فوق قبر والد : امیر شهید است که کدام کتیبه ندارد .  
۶- قبر غلیار تبه .

طرف جنوبی زیارت دو گنبد متصل پخته کاری و درین آن سه قبر است که  
وسطی آن دارای پوشهای سنگ مرمر و بعد از بسم الله شریف و کلمه طیبه این  
عبارت مرقوم است :

«وفاته مغفوره مرحومه عصمت و عفت مابه مسماة بی بی زهرا الملقب  
به اعلیٰ رتبه ستر الحرم صبیبه مرحوم مغفور خلد آشیان سردار محمد ابراهیم خان  
ولد خاقان مغفور مرحوم جنت مکان اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان ابن  
امیر کبیر مرحوم امیر دوست محمد خان قوم محمد زائی و از طرف والد :  
ماجد خود سردار مرحوم خلد آرا مگاه سردار محمد امین خان مرحوم نواده  
میباشند عیال اعلیٰ حضرت امیر شهید سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان  
که از شهادت شوهر تاجدار خود دو ماه و نه یوم بعد یکشنبه ۲۶ ماه رجب سنه  
۱۳۳۷ هجری از دار فنا بدار بقا رحلت نمود . »

مسجدی که در گذر اندرابی بنام «مسجد علیا رتبه» شهرت دارد یکی از بناهای  
خیر این بانوی مرحومه پاك طینت و مظهر علاقه مفرط او به حسنات است ؛ در پیرون  
گنبد متصل همین مقبره قبر فرخ تاج خواهرش و سردار عید اواحد پرادرش  
و هکذا قبر دا کتر شهد سلطان و چند قبر دیگر است .

#### ۷- قبر لویناب

لویناب لقب شاغسی شیردل خان قوم عمر خیل بارکزائی بود که در سلطنت  
اعلیٰ حضرت شیر عای خان بمراتب عالیله و مناصب میزیسته و سجع مهرش چنین بود .  
« علی است شیر خدا و امیر شیر علی

کسی که خدام شیران بود چه شیردل است »

مخور فریب فسون زمانه ای هشیار  
 ز خواب غفلت و طول امل بشو بیدار  
 بدانکه هیچکسی در جهان نمیاند  
 بهیر ذات خداوند باقی و غفار  
 رئیس عهد ا لاحد خان که بود صاحب قدر  
 بنزد شاه و گداو همی صغار و کبار  
 باین اواخر عمرش رئیس شهری بود  
 بملت و بحکومت بادی بسی عمخوار  
 همیشه بود بحد و تگگذاری ملت  
 بنزد پادشهان زمانه داشت و قار  
 چو بود او پسر قاضی غلام محی الدین  
 بقوم وردك و بیکو خصال و خوش اطوار  
 گشت عمر عریزش تمام با عزت  
 ز بخت میمنت آمو دوطالع بیدار  
 بمقتل و فکرو فراست فرید دوران بود  
 صبور و قانع و دو الفضل و جود و همایون  
 رسید عمر به هفتاد و دهمرد نجیب  
 نمود ترك جهان را بجمستگی یکبار  
 و امیل شنبه سوم بود ماه ذوالحججه  
 که روح او به هشت برین گرفت قرار  
 رسال رحلت او حومه ام چنین گشت  
 (غمش روز یاد بود) هشت عدد از ان بردار  
 ۱۳۷۴ - ۸ = ۱۳۶۶ ه ق

گویند این تاریخ بناغلی حاجی رفق است.

در پهلوی این، فیر عبد الله خان برادر کلان ویست که پخته کاری ساخته  
 شده ارجی برایش از طرف بناغلی محمد اسمعیل خان پسرش فرمایش شده و هنوز  
 نصب نگردیده ابیات کتبه آنرا که به بنده تکلیف نموده بود قرار آتی است:

# ۸ - گنبد حیدر پخته کاری

این گنبد با اندازه یک قبر است و قبر هم از رئیس ضبط احوالات میا شد که سنگ پوش شده و لوح دارد یکطرف لوح آیه الکرسی شریف و در دیگر طرف آن مرثیه وی است که جناب بیتاب انشاد نموده و سه بیت آن این است .

داد و پیداد از جفای چرخ دون سنگدل

آه و افغان از ستمهای جهان حیل کار

نی فلک دارد غم دلهای خون آلوده را

نی بمهر و الفت دهر است هرگز اعتبار

برد از پیش نظر فرزان نه مردی را قضا

ساخت از هر گش دل احباب را یکسر فگار

در پهلوی این قبر ، محمد یعقوب خان وزیر دربار امان الله خان مدفون است که قبرش بسنگ های زیبا آراسته شده و بسم الله شریف با یک آیه مبارکه و نام و تاریخ فوتش که اول جدی ۱۳۲۹ میا شد تحریر یافته .

\* \* \*

بیرون گنبد بطرف سرآرامگاه حضرت تمیم (رض) قبر حاجی عبدالرؤف تاجر است که خیلی چسارت کرده و درین مقام دفن نموده اند و لوحی بر آن نصب است که بتاریخ ۲ ربیع الاول ۱۳۷۰ بعمر ۷۰ فوت کرده .

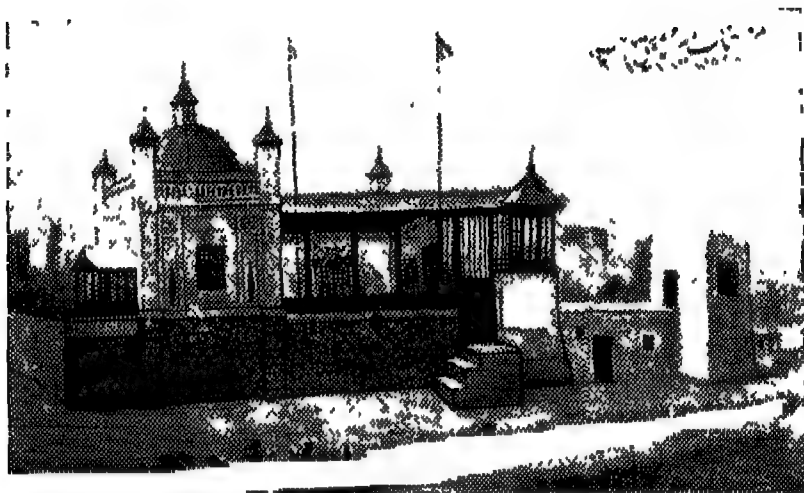
\* \* \*

مزار حاجی عبدالرحیم تی - که دار بیرون گنبد زیر قدم حضرت تمیم (رض) بسنگ های بسیار اعلی ساخته شده .

۹ احاطه مرتبه آخرین : درین احاطه طرف جنوبی قبر ستانیست و درین قبرستان قبور ذیل به سنگهای زیبا و همین بنا یافته ، بعد از بسم الله شریف و کدام آیه قرآن عظیم الشان عبارات مندرجه آورده میشود :

۱ «این تربت عسکر نامدار محمد انور نائب سالار ، خان قوم نور زائیسست که بتاریخ ۱۳۳۴ شمسی ، ۴ شعبان ۱۳۷۴ بر حمت حق پیوسته .

۲ مرقد خانم موصوف در پهلوی وی است .



منوط به صفحه ۲۲

درد دل این خاک خفته مرد با نام و نشان  
 نیک کردار نکو اطوار عبد الله خان  
 قوم وردك خادم صادق بتوم و مملکت  
 از ضمیر صاف یگرو با همه آئینه سان  
 بسکه پا بندی بدین بودش بصد سال حیات  
 یکنفس غافل نشد از یاد رب مهر بان  
 عز خیر المرسلین و چار بار و اهل بیت  
 ساز دش از دولت دید از خود حق شادمان  
 روز و ماه و سال فوتش مصرعی گفتم خلیل  
 (هژد: ماه محرم دیده بست آه از جهان)  
 ۱۳۷۲ هـ ق

۵ با لاترا زین متبره دو قبر ذوب سنگ های سفید و سیاه متین ساخته شده  
 و بعد بسم الله شریف و کلامه طیبه و آیتی آیات مبارکه قرآنی این عبارت دران  
 تحریر است :  
 الف. آرا هگاه مرحوم جناب ذوالفقار خان ابن معین گل محمد خان  
 که در تاریخ ۵ برج اسد ۱۳۳۲ بعمر ۵۵ بر حمت ایزدی پیوسته «  
 ب: «مرقد مرحوم میر محمد صدیق خان ولد میر سکندر خان که بعمر ۶۸  
 بتاریخ ۱۲ سرطان ۱۳۳۴ وفات یافته «  
 ۱۰ از سردار عبد القدوس خان

ابن سردار سلطان محمد خان برادر امیر کبیر دوست محمد خان که از رجال  
 نامور سرداران با شهرت و مقرب سلاطین وطن بوده رتبه اعتماد الدوله گئی  
 و صدرا عظمی را نیز نائل شده بود. این مزار با مزارات بسیاری یگری بطرف  
 شمال زیارت است تنها مزار این مرد با نام پخته کاری شده و لوحی دارد  
 که این ابیات دران مرقوم است :  
 سرور سردار علی صدراعظم فرد عصر  
 آنکه مر ذاتش نمودی فخر عز و افحیمی  
 صاحب فکر عمیق و مالک رای دقیق  
 زبده ارباب بینش نور چشم مردمی

بسکه عا لیتد روعا لای و عا لی جاه بود  
 نزد شاها ن در همه ا سراسر بودش محرمی  
 چون خلوص خدمت اسلام و دین پاک داشت  
 رفت سوی ملک عقی با هزاران حرمی  
 مزد هاشم قدوسیان دادند کای پاک اعتقاد  
 در بهشت جاودانی هم تو (صدرالاعظمی)  
 ۱۳۴۶ هـ

گویند این اشعار مرحوم آقا سید احمدخان است ، نمی دانم قدسیان چرا  
 نگفته که قدوسیان گفته ؟

\* \* \*

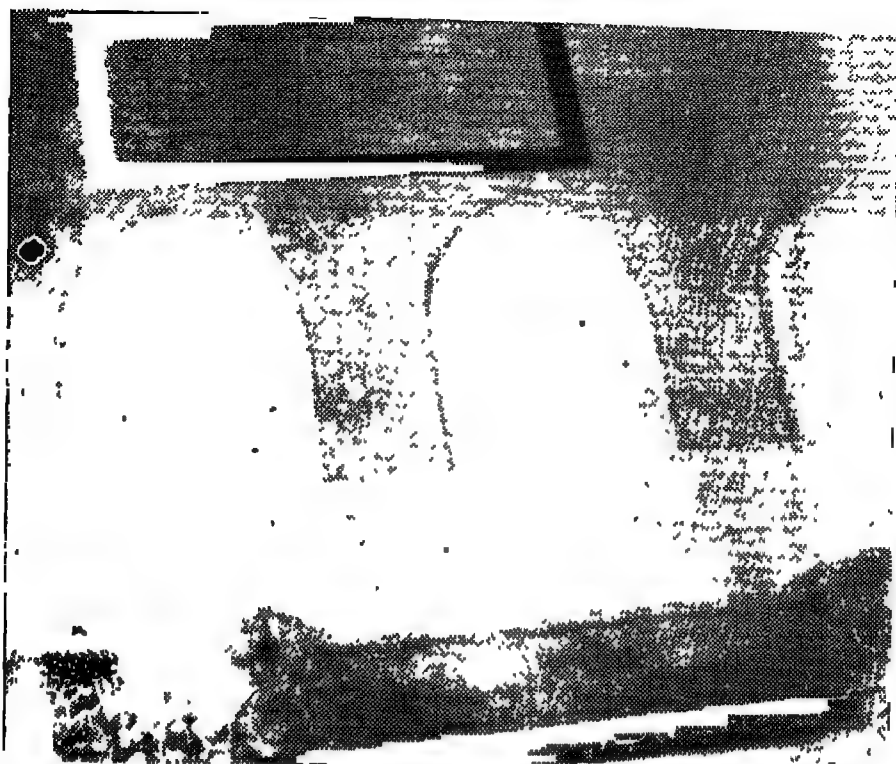
اینک که مقابر معروف و کتیبه دار داخل احاطه زیارت پیاپان رسید بدگر  
 مقابر یکده در جوار این مزار فیض آثار است تا حد ممکن میپردازیم

## ۱ مزار میر صاحب قصاب کوجه .

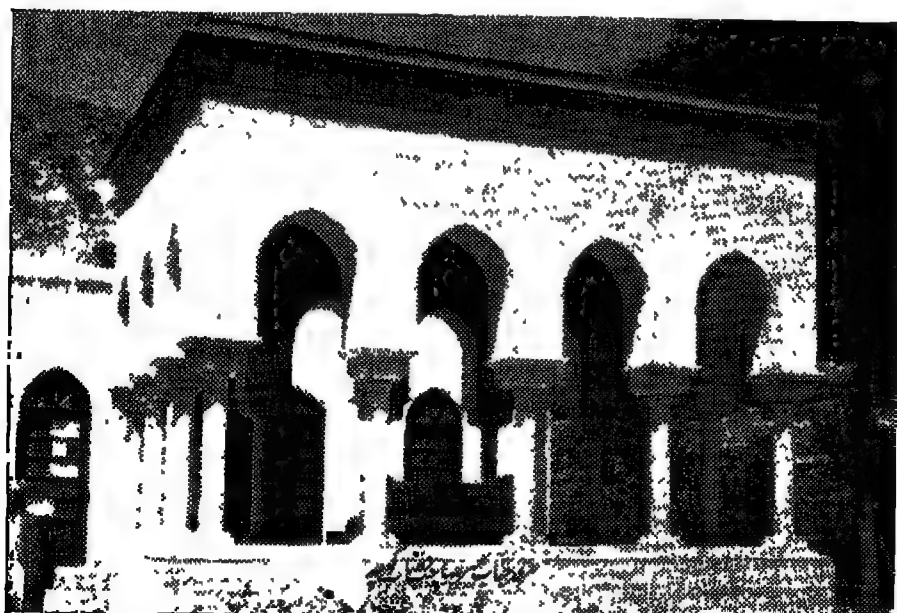
این مزار تقریباً صد قدم از احاطه زیارت پائین است و احاطه وسیع دارای در و  
 دیوار دار دآب از چشمه کوهیکه مقابل طرف جنوبی آنست و بعد از فوت  
 میر صاحب موصوف نظر بالتجای مزید و صرف خیرات ها و انور مخلصین ظهور کرده  
 بلد ریمه نزل در انجا آورده شده ، این آب برای نوشیدن و وضو و ساختن زائچین  
 و شاداب داشتن باغچه مزار نعمت لاتعدو لا تحصه است .

احاطه خود زیارت بدو حصه منقسم است : در وسط حصه اول ، عمارت مزار  
 است که بسنگ های بسیار زیبا تر تب یافته و از زمین بقدر چهار فیت باند می باشد و  
 ضو رت قبر بالای اصل مرقد خیلی زیباتر ساخته شده و چهار طرف آن به پایه های  
 سنگی مزین و پوشش آنهم سنگی و سرسنگ آهن چادر بواسطه حفاظت از یخ و برف  
 نصب شده خیلی زیبا و حیرت آور و یکی از نمونه های حجاری امر و زیست :

طرف مشرق مزار مسجدی بنایافته و پیش روی مسجد هم دوسه اطاق ساخته  
 شده و دوسه قبر می باشد که یکی از انها قبر حسین افندی ترکی است که از مدت ها  
 در افغانستان اقامت داشته و روزگار زیاد رئیس گمرک کابل بود و مشخص نیک  
 و خدا جوی بود .



مربوط صفحه ۱۹



مربوط صفحه ۱۹

معنوی را بطریقه انیقه قادریه شریفه از حضرت والدد بزرگوار خویش که  
برایشان از مقام فضل و موهبت طور لدن رسیده بود نموده و تکمیل علوم  
طاہری را هم تا سن ۱۸ بحضور مبارک نموده بعد ارتحال والد ماجد خویش  
وارد کابل و بسجای عبدالستار خان در قصاب کویچه کابل ۴۵  
سال اقامت داشتند.

حالات متعددی را در ولایت داخله افغانستان بمزارات تبرک انجام  
و بدفعات بحرین شریفین مشرف و دفعه اخیر یکسال در مدینه منوره مستفیض  
بوده تمام اماکن مقدس را در عربستان و هندوستان زیارت و بسال دوم  
تشرفشان بحرین شریفین بروضه حضرت فخر عالم غوث الاعظم صاحب  
رحمة الله تعالی عایه شرفیاب و برای چندی حلوت بوده بعداً مرء ارشاد ثانوی  
را از حضور قدوة العرفا پیر سید احمد شرف الدین صاحب کلید ارنائل  
شدند، چون میل و تصمیمشان تحریر و انزوا و مجاهدت مستدام بود خود  
را از مرید گرفتن معذور معرفی میفرمودند باوصف استوار و اخفای کمالات  
صیت شهرت و کرامات کامله شان سر تا سر آفاق را گرفته و هر روزه در اعداد  
معتدین بتمام بلاد و حصص اسلامی افزوده لکها نفر مستفید گردیده و بالاخره  
بروز ۲۲ شهر رجب المرجب سن ۱۳۶۴ هـ قیامی اجل رالیک گفته جانفش  
بجان آفرین و اصل و جسمش در پنجا که جو از مرز ارفیض بار حضرت صاحب  
بزرگوار تمیم انصار رضی الله تعالی عنه است دفن شد ( انالله وانا الیه راجعون )  
بیدل فرماید :

مرگت صاحب دلد جهانی را دابل کلف است

شمع چون خاموش گردد داغ محفل میشود

کتبه محمد ابراهیم خلیل

عبارات طرف غربی

هو الحی القیوم ( یا الله ) لا انا و لیا الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون و حج صلی  
( یا محمد ) هو الحق الباقی

( یا بابک رضی ) بار یابی چو بخاک در صاحب نظران بیدل ( رح ) ( یا عمر رضی )  
چین دامان ادب کن خط پیشانی را

دیگر اطراف آن همه گلکاری و نهال شانی شده است که صورت یک باغچه پرگل و درخت را به خود گرفته زاپریسن را حفظ روحانی و تلد ذ نظری می بخشد .

حصه دوم که از همین حصه اول جدا می شود از صحن حصه اول پانصد و سه پنه زینه بلندتر ، اول درواز است و کفشکن ، طرف مشرق کفشکن یک اطاق برای مجاورین و خدمت گاران است و به طرف غربی یک اطاق و دنبال آن دیگر اطاق باز شتاب و گاه خانه تعمیر یافته که اوریسی های اینها همه بطرف حصه اول است .

در ظهر این اطاق ها حویلی دیگری است که در انجا بیت الخلا و سه چهار اطاق دیگر تهیه شده و صحن آنهم بقدر کفایت است .

چون همه ساله در حیات جناب میر صاحب در روز مو او دمسعد حضرت خیر المرسلین صلی الله علیه و سلام طعام بسیار طبخ و بمساکین داده میشد حالا که از چند سال است اینجا آباد شده همان مرلودی در همینجا طبخ و صرف میشود .

و همچنین در هر سال عرس جناب میر صاحب در همینجا صورت میگردد و هکذا در شبهای رمضان المبارک خصوصاً در شب ختمیکه در مسجد اینجا میشود برای تعداد کثیر طعام مناسب تهیه و صرف میگردد ، معرفی این مرد بزرگوار را نوشته های که بدو طرف فوقانی دیوار سنگی هزار بالاتر از حد پایه هاست مینماید که آنهمه بخانه این فقیر و بدین ترتیب است .

بطرف شمال و سر مرقد بسم الله شریف و کلمه طیبه بدو نوع خط عربی و بطرف مشرق عبارت نر ، بطرف مغرب قطعه شهر زاد طبع فقیر که نثر و نظم مذکور عین آورده می شود .

#### عبارات طرف شرقی

( هو الحی الذی لا یموت ) در صدف این خاک گوهر تابناک یعنی جسد مطهر و عنصر معنیر عارف متشرع و زاهد متورع حضرت پیر عبد السمیع خان شاه معروف به ( میر صاحب قصاب کوچه علیه الرحمه ) بن حضرت میر محمد موسی صاحب بن حضرت سید عبد الاستار صاحب است که در سنه ۱۳۰۱ ه ق در کلنگ راهوگر دپا بساحه عالم گذاشته و ولی مادر زاد بود ، تحصیل علوم

چنان بگنج فناءت گرفت کنج فراخ  
 که از علاقه ما چیز ماسوی الله دست  
 بتان آرزو هوا و هوس زکعبه دل  
 خلیل وار به نائید کرد گمار شکست  
 از و نماند بجز نام نسک بعد از مرگ  
 نبرد بسکه گرفتار دهر و نفس پرست  
 نظر نکرد بسوی جهان و ما فیها  
 به پیش طبع بلندش ز بس نمودی پست  
 هزار حیف که آن عارف حقیقت جو  
 بهر شست و سه از دهر دون نظر بر بست  
 زمانه را بخمار غم فراق نه شاند  
 اگر چه خود ز شراب طهور شد سر مست  
 ز سال و روز و هفته رحلتش نگاشت خیال  
 (به بست و دوم ماه رجب بحق پیوست)  
 ۱۳۶۴ هـ ق

\* \* \*

(یل عثمان رضی) اثر طبع و خواه محمد ابراهیم-جلیل (یاعلی رضی)  
 کرده حجاری این لوح وسطور دوستدار اهل دل عبد الله کور

### ۳ مزارات مفترقه

الف: در بیرون احاطه مزار حضرت تمیم رضی متصل به مزار میرزا صاحب  
 در بین چار دیواری قبر سید امیرخان ابریدیسست که از ماه دین پنهانستان  
 بود و بکابل اقامت گرفته بر وز ۴ قوس ۱۳۲۸ هـ ش بعمر ۶۵ وفات نموده و  
 از سنگ کتیبه اش همینقدر استتباط میشود.

ب: بعد از مقبره میر صاحب در اتصال آن، قبر اولین قوامان طیار و وطن است  
 که تقریباً ۱۵۰ قدم از زیارت دور است پخته کاری و سنگ پرش و از طرف  
 و زیارت حریه ساخته شده و این عبارت در سنگ آن در قوام است:

جناب نجبة سادات میر سبوحان شاه

یگانه هست می معرفت ز جام الست (۱)

بهمت از سر دنیا بزند گسی پر خاست

بکنج حق طلبی بر خلاف نفس نشست

دقیقه ز حیات عزیز خویش نداد

بجزم براه رضا جوئی خدا از دست

(۱) در اینجا که ذکر جمیل مختصری این عارف به پایان میرسد نسبت مناسب است انساب می نماید از والد بر گوارش نیر غمة متذکر شوم گر چه مزارش دو کابل نی بلکه در لاهور گرد است . این مزار در کلنگار لاهور گرد واقع و دارای تدمر حاوی بربک گنبد بالا و تربت و ربک مسجد متصل بگنبد و یک اذ ایوانه و چند پته زینه و کفشکن خورد است که همه پخته کاری بسنگ و خشت پیخته و چونه و سمنت و آهن پر شرمی با شد این بنا تقریباً در سنه ۱۳۵۷ هـ ق از طرف همین خلف اصدق ایشان اعمار گردیده و عکس آن را در صفحه مقابل ملاحظه میدارید ، در بین گنبد یکی قبر خود میر صاحب موصوف است که کتیبه بدو از بالای سرش در سنگ مرقوم یافته و در پائین این سطور آورده میشود و یکی قبر محمد افضل خان لاهور گردی است ( محمد افضل خان که اکنون اولاد و احفادش در اطراف و نواحی مزار قلمه و زمین و امرا و حیات دارند از خوانین معروف زمان خویش و صاحب جوان و اعتبار لاهور گرد بود ) جناب میر محمد موسی از مسکونین وردک بودند برای گوشه گیری در کلنگار آمده بعد چندی که اقارب و عزیزان شان آگهی یافتند جمعی ز دش آمده و تقاضای هودت شان را کردند ، چون غرض از نواداشته و میخواستند بجائی باشند که شناخت با مردم کمتر داشته فارغ ابال بطاعت و عبادت خداوندی پرداخته بتوانند همانست که مراجعت را نپذیرفتند ، محمد افضل خان که با ایشان اخلاص و علاقه و مرطوب پیدا کرده بود بهلا حفظه که باز این خواهش را از نو نکنند و اگر نمایند هم قبول نشود و به هیچجا متوطن گردند و به شوره خود را به عقد نکاح میر صاحب موصوف در آورده که جناب میر عبدالعجیل مشهور بمیر صاحب قصاب کوچ از همین پدر و مادر متولد شده .

هینا نقل کتیبه از طبع جناب شاد علی بهتاب

بود اینجا مرقد میر محمد موسی صاحب	که در وقت تجلی رازها میگفت بامولا
سلوکش در طریق قادری تامننها حاصل	رسیدی و ارادتش دمیدم از عالم بالا
بعلم ظاهر و باطن فرید عصر خود بوده	نهیده کس نظیرش را نه در زهد و نه در تقوا
چو آفتاب مبارک کرد ترک عالم دانی	زمان رحلتش از خامه برسیدم بن گفتا
سرو حدت بیعزا بر سر مصرع بگو وانکه	بهشت جاودان را دش الهی منزل و ما را
بطور عام فهم برمی اگر از من بگویم من	در هجرت پیکر از سر صموده بود و بالا

عز خیر الامر ساین و چار یاره در ده اهل بیت (ره)  
 حسی امانتی ... شاید گرافزون یا کم است  
 سال دو تش را بگو شه ز شمه کراک خیال  
 کتبت (آه و حجب در کابل فوای ماتم است)  
 ۱۳۷۶ ه ق

#### ۴ قبرستانی عبدالکریم خان نائب الکرامه :

درین قبرستانی قبر خود عبدالکریم خان و دو نفر مربو طین انا بیه شان  
 است ، مشار الیه پسرنام و تره ذی القعدة سعد الدیخان نائب یخان عام بود  
 که ابا جد قاضی القضاة و از مشاهیر علمای وطن بوده اند ، کتیبه سنگی  
 مزارش که زاده طبع این فقیر است قرار آتی است ،  
 مرد بزرگست هست با نام و بانسان

صاحب سلوک و عاقل و دانا و خوش زبان  
 از بوسه تان خان عام ، اولین شه جگر  
 از باح عالم ، دوحه با زیب و عز و شه - ان  
 پیر حوان طه بیعت و پارک زانی نسب  
 یاسنجش و همد برو با فکرو کساردان  
 باشد بهر ت بلند بهر شهر ه شهر  
 درین قوم نامور (عبدالکریم خان)  
 بسیار عمر خدمت این مهاسکت نمود  
 کتبه نائب الکرامه و گه بود حکمران  
 در کسار هازمه دق نمیکرد انحراف  
 رفتار خدش داخل زمان داشت هر زمان  
 چندین مراتب از مدد حین عافیت  
 شد باریاب خانه یزدان لامه - کان  
 هفتاد و هشت سال چنین برد خوش بسر  
 آخر بست دنده ازین تیره خاکسپاردان  
 یارب ز فیض عام گسنا ها و بیخش

ابتدا کبر-

« محمد احسانخان فرقه‌مشر او این پیلوت افغان که در سال ۱۲۷۹ تولد و در سنه ۱۳۲۴ داعی اجل را ابیک گفته نسبت به خدمات برجسته و قابل قدرش که در دوران حیات موصوف در پیشرفت شعبه فضائی بهشاهده پیوسته بهاسخدماتش درین لوحه تذکار یافت »

\* \* \*

طرف شمال راه عام که بزیارت میرود بیرون احاطه‌های زیارت چند قبرستان جدید احداث شده که متصل با آنها قبرستان برادران ترکی و پاکستانی ماست) از بعضی مقابر که کتیبه یا شهریاری دارند مختصرآ تذکر میدهم :  
۱) قبرستانی استاد قاسم

درین مقبره تنها قبر خود استاد قاسم است که پسر ستار جو میباشد و پدر کلانش ارکش میربکا بل توطن گزین شده و خود قاسم جو در فن موسیقی صاحب شهرت بزرگ و مقام استادی بوده علاوه بر کمالاتیکه در فن موسیقی داشت خوش صحبت و راست آشنا و دوستدار اهل الله و مخلص فقرا و پابنده وفاداری چون سه سال از وفاتش میگذرد تا حال بقبرش آبادی نشده و گمان غالب است که بوجه خوب آباد نشود قطعه که در تاریخ وفاتش بنده سروده ام و بهامه خود من تحریر یافته و به عکس مرحوم در مجلات زنگوگراف شده بود و از و ما می‌آرم :

در خرابات مغان امروز سازها تم است

بوچه جانسوز غم در نغمه زیرو بم است

از مقام عیش می‌آید سرود غم به گوش

داریا خاموش چون دلدادگان در هم است

هیخلد در دل برنگش چنگ شاهین صوت چنگ

پردۀ عشاق را ساز ترنم پر نسیم است

تار عمر، استاد قاسم را بمضرب اباجل

هشتم ماه بهر دوران گسسته از هم است

روح موسیقی ز درد خسار ج آهنگی او

چو رقلوب دسته‌های ساز، زار و برهم است

یافت از مزار یسکه در بالای کوه این زیارت واقع و موسوم به قبر نذاف است نیز باید  
تذکره داد شود :

### قبر نذاف

فراز قلعه که کوه آسمانی و کوه زبور کت شاه نام می پیوندند با ستوای  
زیارت حضرت مجیم (رض) در همانجا اندی که باید طرف شهدای صالحین و با نظری  
حد و دباغ بابر شاه تا اصل آباد می باشد ( و در حصه پائین کمر این کوه با آنسو غار  
یا ول هم واقع است ) مزاری وجود دارد که در همان سطح مرتفع سنگ ها ی  
طبعی بسیار کسان کسان از زمین بقدر سه فوت بلند بلند برده شده  
و لایه لایه به آن داده شده و صورت صحن و ساختمان قبر بخیلی خوبی  
در تیب شده و وصل به آن باندازه گنجایش پنج ، شش نفر در صحن همان  
سنگ ها مسجد قرار یافته که دارای محراب است ، و این همه  
ارنگ های طبعی و خلی منظم بهم ارتباط داده شده ، مبرهن است که اگر  
چندین هزار سال بگذرد و عمارات پخته کاری سربلک کشید و از بین  
برود این مسجد بی در و دروازه و این مرقد بی سقف و بی دستکاری معمار و نجار  
بر حال خواهد بود .

پس طاق شد خراب و همان بیستون بهجا است

بنیاد عشق بسین که چسبان محکم او فند ؟

• • •

و قتی که انسان در آنجا میرسد خصوصاً در موسم بهار گمان میکند که  
بیکطرفش کتاب گلستان و بلدیگر جابش بوستان کشوده است ، زیرا با نظری  
که نظرا بد اخته میشود تمام حصص چهاردهی تا قلعه قاضی و دور تر از آن  
و با نظری که التماس میگرداند از بی حصار تاده سبز و دشت قلعه حاجی صاحب  
و بی بی مور و غیر نظر بینند و را جلب میکند بالای قبر از همان سنگ های طبعی  
بصورت لوحی نصب است اما نوشته ندارد ،

چهل سال قبل از هجده السنه ۱۳۷۷ ه ق از زبان حضرت قبله ام میرزا

فضل احمد خان ۱۲۹۱-۱۳۶۰ ه ق را جمع بمعرفی این مزار شرحی شنیده بودم

آسوده دارش از کرم خود با نجهان  
از تاب آفتاب قیامت ز فضل وجود  
اورا به ظل رحمت خود دازد را مان  
بنوشت سال رحلت وی خاتم خلیل  
(یارب عطا کن از کرم خو به وی جنان)  
۱۳۶۸ هـ ق

۴ ملحق بطرف شمالی این قبرستانها چند قبرستان دیگر نیز تشکیل یافته  
که در آن یک چار دیواری مربوط باین فقیر است و تا اکنون دوسه نفر با یک  
دخترم در آنجا دفن شده اند این دخترم عزیزه نام داشت و بر زیور علم و ادب  
آراسته و در سن ۲۴ بحالت حرمان آوری بتاريخ ۱۵ شوال ۱۳۷۰ هـ ق  
جان بجان آفرین سپرد؛ مرثیه طولانی در تحسرا و سروده ام که از آن جمله  
این ابیات را در سنگ مرورش نوشته اند:

هی می که چو برق از نظر رفت  
هی می بشتاب چون سحر رفت  
وز تیر نگاه تیز تر رفت  
چون گرد آژین سواد در رفت  
و ختی که بوی محبت بود  
با هر سر مویش الفت بود  
ای گمشده نور دیدن  
ای آهوی نورمیدن  
ای نخل بسر رسیدن  
رحمی بقدر خمیدن  
رفتی اگر گرم ز چشم بیدار  
بنمای مرا بخواب دیدار  
ای باغ و بهار من کجاست  
ای لاله عذار من کجاست  
شمع شب تار من کجاست  
خوش نغمه هزار من کجاست  
گر روی نمی نمائی آخر  
بفرست پیاپی ای مسافر

\* \* \*

حالا که مزارات داخل احاطه زیارت و مزارات ملحق بجوار زیارت تاحدی انجام

## فطرگاه و یادگار حضرت ولید السلام

زیارت مشهور و نظرگاه حضرت عابد السلام در وسط کوه، دارای عمارات و باغچه و چشمه آب است :

اولاً باید نسبت تعیین این نام را باید تمام توضیح کنم :

چیزیکه از روی کانام معانی باشد درین باب، به نظر و دروده اما آنچه از موسنفیدانده از حقایق در گذشته اندک شده چنین است : وقتی که عازی سلطان محمود تغلق از ایلان در خانه دارد و حمله بهار وارد کابل شد عساکر و سپاهیان را در یک یار و شاید منظم نبوده باغ من و شویش خاطرش گشته با جمعی از هتریان خود روزی، از بهین جا بسر میبرد. اتفاقاً خواب بروی استراحت نمود چون ساعتی به خواب فرو نهد و بیدار شد فرمود : حضرت عابد السلام را در اینجا و این ایلان داد ایام و سعی را که حضرت خضر ع. در آنجا دیده بود بنام عابد السلام و حرم. این اسم و عماراتی در آن تعبیه نموده بلا تردد اقدام به حرم خود کرده موقوف آمد.

از آنوقت تا حاضر شهرت این محل به همین نام و هیله جای خاص و عام است. ثانیاً صورت موجود آن :

درینجا احاطه دارای عمارات و باغچه های مرتبه دار و اطاقها میباشد و گنبدی وجود دارد و در زیر گنبد چشمه آب است که از کوه شهدای صالحین می برآید اصل چشمه از گنبد تعمیر موجود و پنج پله زینه پایدان و سمچی میباشد و دران سمج کتاره چوبی تقریباً ۳ فوت در ۳ فوت بوده در عقب کتاره تخمیناً بیست فیت سمج میباشد و این سمج کنگری سنگ کوه و خشت کاری پخته قدیمه معاوم میشود آب از همین سمج می آید .

بدینار گنبد متصل چشمه یک سنگ قدیمی نصب و دران آیه الكرسی شریف مرقوم است و در دیوار بیرون گنبد ، سنگی نصب و این ایات دران مند رج است :

بهر این چشمه جای خضر نبی	چرخ مزدور، عقل بسنا شد
دست قدرت نهاد تهادت پیش	مهر و مه خشت خشت اینجا شد
کهکشان کا کهگلش در پشت	چون غریبان زقریه پیدا شد



سطح طرف: پا «تاریخ وفات معصومه» و «رحومه بیگه گل ها»  
بنت خواجه سلطان قلی دلال سنه ۱۰۰۴

سنگ سوم: طرف فوقانی هشتاد و نه باقی اطراف آیات قرآن مجید مرقوم است  
طرف پا: «تاریخ وفات مرحومه» و «بیگه» و «رحومه» و «گل ها» و «رحوم»  
منفور خواجه سلطان قلی سنه ۹۷۵

سنگ چهارم: طرف فوقانی: «تاریخ وفات» و «رحومه» و «بیگه» و «گل ها» و «رحوم»  
مزمین با آیات قرآنی هشتاد و نه باقی اطراف: «تاریخ وفات مرحومه» و «رحومه»  
آغا بیگه بنت خواجه رحومه سنه ۹۷۵

بد و طرف قبورها و سنگها و «تاریخ وفات» و «رحومه» و «بیگه» و «گل ها» و «رحوم» و «تاریخ از آن»  
معلوم شد.

در بیرون کبریا و «تاریخ وفات» و «رحومه» و «بیگه» و «گل ها» و «رحوم» و «تاریخ از آن»  
است «سطح فوقانی» و «تاریخ وفات» و «رحومه» و «بیگه» و «گل ها» و «رحوم» و «تاریخ از آن»  
پا: «تاریخ وفات مرحوم» و «رحومه» و «بیگه» و «گل ها» و «رحوم» و «تاریخ از آن»  
سنه نهصد و شصت و پنج

### در از حدیقه و سبزه آل آقا

در پایان منظره نظار ما در حدیقه و سبزه آل آقا، تی باین نام مرحوم و دارای دو  
قبر و چراغدان های گلی است. آثار تهنیت د یوارها و ریخته های خشت پخته  
و چوبه مظهر است که عسارت عالی در آن مزاج وجود داشته اما حالا چیزی  
باقی نمانده صرف چیزی یک از بین نرفته لواحق سنگی همین دو قبر است که ذیلا  
تذکره میا بد:

الف لوح مزرا خود موصوف:

۱ در بالای سر: کلمه طیبه و آیه الکرسی شریف

۲ در متن:

زنسل غوث الاعظم شاه جیلان به بیمعنی شاه خطا بش کرد مبران  
تا ریخ وفات مرحوم منفور حضرت غوث زمانه حضرت سید جلال الدین  
المشهور المعروف به بیمعنی شاه حسنی الحسینی بغدادی غفر ذنبه در ۱۷ شهر شوال  
المکرم سنه ۱۱۹۹ بود که در . . . . .

بهرنقا شیش عطار رد نیز بادوات و هلم سه را ز پا شد  
چشمه جاری نبود، ند مسدود را عب این چشمه را چوره و اشد  
بهرنار بنخ و طرح تعمیرش نطق جاری چو آب دریا شد  
پای عقل از ادب گرفت و بگفت جاری این چشمه بهر کلاهها شد

تخلص را غب و ناهم جهان خسار ۱۲۲۰

در صلب بیگ ظفر سا میرزا احسان

معلوم است این ترمیمات و وضع چشمه در سنه ۱۲۲۰ شده و روشن میسازد  
در هر وقت که به عمارتش حرا بیرو میداد آب میشد و حالا هم عمارت  
آن موضع فرح بهشایب صورت پخته کاری از چند سال است تجدید شده .  
و نیز این بیت میرزا صائب که در قصید معروف کابل آن شاعر شهید درج  
است مفید ریائی و دلکشی این موضع خوشماست .  
خضر چو گوشه بگرفته است از دامن کوهش؟

اگر خوشتر یا مد از بهشت این طرف کهسار ش

در پایان این منظره دو گنبد متصل بهم بوده گنبد بیرون آن حراب هده  
دیوارهای خرابه آن باقیست و گنبد درون آن پخته کاری و هنوز هم آباد است  
اما درین گنبد آباد کدام لوح سنگ و آثاری وجود ندارد .

### زیارت شیر سرخ

درین راه سه الف و پنجه شاه گنبدیست که سقف آن از بین رفته و در  
دیوارهایش اثر خرابی ظاهر شده اصل این گنبد پخته کاری بوده و نزد عموم  
بهمین نام «شیر سرخ» شهرت دارد درین گنبد چهار قبرها و ی هم وجود  
دارد و سر قبرها سنگهای صندوقی مرتبه دار مکعب مستطیل میباشد که  
بدین تفصیل در سنگها تحریر است :

از طرف مشرق سنگ اول : همه اطراف آن بکلمه طیبه و آیات قرآنی مزین  
و منقش و طرف پای این عبارت درج است « تاریخ وفات جناب متهفرت

مات خواجه ارباب تیموزا بن ارباب خواجه سپو میرزا است ۱۰۰۳ »

سنگ دوم : منقطع و قافی : کلمه طیبه و چند بیت که ابیات خوب حقانده  
نمیشود بدیگر سطوح آیات قرآنی .

## زیارت بجانباژ

شهرت این زیارت بجا نیاز بلا گردان و در آخر شهدای صالحین در دامن او  
موضعی زیبا و فرخ بخش و دارای گل بته ها و چشمه آب و حوض است ؛  
اصل مرقد میان گنبد پخته کاری واقع و روی قبر بصورت صندوق ، چونه  
کاری و رنگ سنگ نموده است مشهور است که اسم محضه اش خواجه  
شمس الدین و از خلفای حضرت سلطان بهاؤالدین شاه نقشبند رحمة الله علیه است (۹)  
بهروچه مقام روحانیت بزرگ داشته و مزارش از سالیان دراز نزد عامه مردم  
محترم است . خود زیارت سنگ و کتیبه ندارد ؛ اما در جوارش از آنوقت تا حال  
بزرگان و مشاهیر دفن شده اند که از اکثر سنگی نبوده و اگر بود هم بهرور زمان  
از بین رفته و از بعضی که سنگی بود و باقی مانده در یلا تسوید میشود :

۱ پیش روی زیارت طرف مشرق قبری است دارای لوحی که که این ابیات در آن مرقوم  
است :-

ازو صال حواجه نصر الله بر چرخ برین  
سوخت حور شیدو فلک خون جگر بر سر فشانند  
عارف عالم امام و مقتدای اهل فضل  
رفت از دنیا و داغی بردن احساب هائند  
شد بسوی جنت و در عزم دین بر روزگار  
از تصانیف کتب نقش عجیبی بر فشانند  
چون بیستم سال تار بخش مسیحابر فلک  
بر کشیده آه گفتا خواجه نصر الله نمائند

۱۱۶۰

۲ در طرف پای لوح قبر دیگری

رفت مسهر علی ز دار فنا  
رخست بر بسخت سروی ملک بقا  
حضرت ذوالسجلا و الاکرام  
کرد رحمت ز لطف خویش عطا  
بودد اسم بلد کبر حق مشغول  
زانه سیب یافت منزلت ز خدا

باقی سنگ زیر گل بود و بر آوردنش بیحد شکل .

۴ در حاشیه بالا :

سید و سلطان فقیر و خواجه مخدوم و ای ادشاهای شیخ مولانا محی الدین جلی

۴ در طرف راست حاشیه :

سینش کامل و عاشق تولد رفاهت و داند تو هم شوق الهی

میخواستم نظاره آن دار با کنم فرستند که گریه که من چشم واکنم

۵ در طرف چپ حاشیه :

شب تالیک دوستان شد ای مینماید چو روز رخشنده

این سعادت بزور بازو نیست تا نبخشند خدای بخشنده

ب لوح دوم که از حرمشان است باین آیات و عبارات مقصور میباشد .

دریغ از ماه محبوب جلال که جز خوبی نبودی در سرشتش

چو بودی زوجه سید جلال آن بعالم سر نژاد فعال زشتش

خد اسید کمالش داد فرزندان که آمد هر کمال از سر نوشتش

درینمزرع چو تخم نیکوئی ریخت دهنده حاصل بر وز حشر کشتش

قضار چون ز جور گردش چرخ زمسند گشت ، بالین خاک و خشتش

چرخ خادم خواست از ریخ و فاش شو دمسکن بگفتا (در بهشتش)

وفات مرحومه منفوره والدۀ ماجده صاحبزاده سید کمال الدین در غرۀ ربیع الآخر

سنه ۱۲۱۱

از مفاد مرگومات مبرهن شده که صاحب مرقد حضرت سید جلال الدین بغدادی

و از نسل شریف حضرت غوث الثقلین رحمه الله علیه است که به بیمعنی شاه

ملقب بوده و صاحب مقام روحی است دیگر ابیاتی را که نوشته اند متعلق

باوصاف و تاریخ ولادت و عمر و رحلت حضرت غوث الاعظم صاحب است

بصاحب مرقد جز ارتباط سلسله نسب دیگر تعاق ندارد ، و مرقد دوم بلا شبهه

از زوجه شان است .

چون عمارت سابق این مزار از بین رفته و تنها صورت قبرها برجای مانده بود

سه سال قبل از حال که سال ۱۳۳۸ هـ است شخصی را خدا تعالی توفیق داد

که تجدید تعمیر حصص قبرها را به سنگ و سمنت انجام دادند و ایش اجرا داد .

**۵** قبر دیگری متصل آن دارای دو لوح است، لوح طرف سر کلمه طیبه و آیات بیانات قرآنی لوح طرف پای این عبارت :

« وفات مرحومه منوره جنت مکان والدۀ سردار حیات الله خان ابن الامیر - ر سراج الملک و الدین امیر حبیب الله خان تاریخ یوم چهارشنبه بیست و ششم شهر شعبان المعظم ار دار فایدار بقار حیات نمود در سنه ۱۲۲۶ » اعلاط این سنگ .  
(والیده، آیات الله، ابن ل امیر - سعاد .)

**۶** در یک قبر دیگری، نیز در لوح است در لوح الای سر آیه انکسر فی شریف و کلمه طیبه مرقم است . در لوح طرف پای این ابیات :

ایدریغ ار ... ادثبات گردش چرخ کهود  
ای فغان از سنا نجات عالم پر انقلاب  
حیف حیف از چرخ زیر نیلی هام شد  
این تدبیر صالحه مستوره عایا جم - باب  
مریم ایاب با القوس زمان سواره سیر  
این حدیجه حوی حوا طنیت حوری حداد  
اخترا لاله تمکین آفات قدر و شان  
که هر بحرین فخر و رفعت و ستروقت - باب  
مریم ناز مسمر بوده و هم افعال ایک  
همچو مریم روز شب اندر تلاوت در کتاب  
بنت شاه معلاست دستور امیر با وفار  
حسره اعلی محمد اعظم مالک رقاب  
در شب جمعه جمعه - اد دومی بدید ازده  
جان حق تسلیم کرد و رفت زین دیر خراب  
سال فوتش جستم از پیر خرد گهتا بگو  
در بهشتش فاء و او افزا .... بیاب

جستم از پیر عقل تار بدش  
گفت با ما ز روی صدق و صفای  
سال تار یخ آن خجسته خصال  
گشت از (ح - ع - ط - پ - پی - د)  
۱۰۷۹

۳ در همین احاطه قبر یکی از عیال های امیر حبیب الله خان شهید است که والدۀ  
قمر البنات صاحبۀ خانم والا حضرت شاه محمد و دخان غازی میباشد، این قبر یک  
مرتبه سنگ خشتی و باز سر آن بصورت صندوق از سنگ مرمر ساخته شده نوشته  
ندارد.

۴ قبر دیگری در پهلوی آن سنگ پوش است دارای دو لوح در اوج بالای سر  
کلمۀ طیبه و بسم الله شریف و اسماء الحسنی مرقوم است و در اوج طرف پای  
این ابیات

ایده یخ از حادثات گردش چرخ کبود	ای جهان از ساجدات عالم پر املا ب
و چه اجسام بزرگان خود کرد زیر خاک	و چه فرق ناجدار از سده دستان زیر تراب
حیف حیف از ده رچرخ پیر نیل فام شد	این عقیقه صالحه مستوره عالیۀ جام
مریم ایام بلقیس زمان ساره سیر	این حدیقه حوی خراطینیت چه زنی محتاج
اختلاف کین و شکوه و قدر و شان	گوهر بحرین و حریر رفعت و سترو نقاب
آفتاب چرخ عروج و زب و احترام	بد افلاک بر رنگی خاور عصمت با آب
سره نو حیز گلستان جلال و سلطنت	عنچۀ نشگفته تارار عرو احتجاب
آنکه از بهر ثمار مقده اش از آسمان	مهر رحمت طل بار آورده ماه نور کاب
بت سردار معلی جام عالی مزلت	خسرو عالی محمد اعظم عالم ک رفاب
یوم جمعه از بیع اولیه نیست و دوم	همچو مهر خاوری خاور نهان شد در تراب
ار سراد طلمت آباد فادله گک شد	رفت سوی جنت و طوبی لهم حسن الماب
شد بهر ۲۲ ساله ز عمر خویش سیر	خوش ایام ترقی اول عهد شباب
تا که در زیر تراب این مهر او ر شد بهان	دارد احبابش فدای ایبتی کنت تراب

باقی ابیات و سه در زیر گل فرو رفته کشیدن سنگ دشوار بوده صرف نظر شد.

## هزاره سرشاه محمود افغان

این مزار بطرف شمال و قریب بزیارت جانباز گنبد یست پخته کاری که رو بخرابی آورده و خوابگاه ابدی یکی از ملکه های بانام و نشان افغان میا شد .

این ملکه افغان حرم خاص و همسر با وفای شاه محمود هوتکی فاتح اصفهان است که کارامه های درخشان او اظهار من الشمس و البهر من الامس میا شد این شاه کشر کشا پسر بزرگت میرویس خان هوتکیست ، میر ویس خان کسیست که تسلط صدها را از قندهار محو و معدوم ساخته قندهار را استقلال کامل بخشیده بعد از هشت سال زمامداری میرویس خان برادرش پادشاه شد ولی این شاه جدید با فارس عهدی بست ، شاه محمود داین عهد را که صدمه با استقلال افغانستان وارد میکرد پسند نکرده ، بعد از یک جنگ با ابدالیان هرات در سنه ۱۱۳۳ هجری بمکرمان هجوم کرده آن شهر را اگرچه فتح کرد ولی بیاعتشورش قندهار را محاصرت نمود ، سال بعد یعنی ۱۱۳۴ هجری بایرویی سوار و پیاده خود دلیرانه از کرمان گذشته و به یزد آمده بسوی پایتخت آنوقت که اصفهان بود روی آورده با وجود هرگونه مداخله و مقابله شهرهای بین کرمان و اصفهان را تسخیر کرده افواج فارس را در کلون آباد شکست فاحش داد و بعد از هشت ماه محاصره اصفهان را شجاعانه فتح و تصرف نمود ، چنانچه جو داس هنری انگلیس درباره بر خور د دوسپاه و فتح درخشان افغانه چنین مینویسد :

«آفتاب تازه در افق پدیدار شده بود که دوشکر با دقنی که از خواص این موقع و هشت انگیز است بدیدن یکدیگر ایستاده بودند .

سپاه فارس با درخشان ترین زبورهای درباری خود را مزین ساخته از شهر بیرون آمده بود چنانکه گوی بنما پشی یا بجشنی میروند نه بمیدان جنگ ، گرانبهائی و رنگارنگی سلاح و لباس و زیبائی اسبان و زربو و اهریکه که برخی از اینها را پوشانیده بود ، و شکوه سرا پرده های لشکر ، همه اینها ، اردوگاه فارس را جلجل و باشکوه و آراسته جلوه میداد .

از انسو گروه کمتری از جنگجویان که خستگی و تابش آفتاب رنگ شازرا دگرگون ساخته و پوست شازرا سوزانده بود انتظار میکشیدند ، لباسی شان باین

۷ متصل باعچه زیارت هبرستانی است که فعلاً ویرانه شده دوسنگگ قدیمه بالای  
دوقبردران موجود همه اطراف یکی آن لشم وصفا و در طرف پای آن مرقوم است :  
« تاریخ وفات المرحوم المهور مستو علی ابن خواجه بلبک خان سنه ۹۶۱ »  
سنگگ دیگر آن در بالایش کلمه طیه به خط کوفی معلوم میشود و دیگر نوشته هایش  
محو شده در حصه نگارش نام ، نوشته ها معلوم میگردد اما از خواندن برآمده .  
بالا تر از اینجا بالای قبر دیگری هم یک سنگگ کهنه است منتش و بساط افش  
آیه الکرسی مرقوم طرف پای تاریخ وفات خوانده میشود و دیگر آن  
از خواندن برآمده .

۸ در سمت مغرب زیارت در یک بلندی قبر است که صندوق سنگگ ، مکعب مستطیل  
دارد در سطح طرف پای مرقوم است : « تاریخ وفات مولانا ای المرحوم المغفور  
مولانا درویش محمد ابن المولانا الخطیب المرحوم مولانا .... محمد طاب الله  
ثراه وجعل الجنة منواه فی الشهر المحرم سنه ثمان و سبعین و ... ماته »

۹ در یک احاطه علیحد بطرف شمال زیارت قبر پروانه خان نائب سالار است که در  
عصر امیر عبدالرحمن خان مقام عالی و اعتبار کافی داشته تاریخ وفاتش  
یوم شنبه ۳ دیحجه ۱۳۱۰ می باشد و لوحی حاوی برایات زیاده دارد که  
مهجور شا عرا وقت سنه فوتش را از کلمه غشی برآورده .

۱۰ بطرف مشرق ، جنوب احاطه زیارت ، سردابه و بالای آن سنگیست با این  
عبارت « بتاریخ دوم جمادی الثانی ۱۰۹۴ بود که سیادت پناه میرا هوا لفتح  
بن میر عبدالغنی از اولاد حضرت میر سید امیر کللال رحلت نمود »

۱۱ قبرستانی بصورت خامه در زیر زیارت بنا یافته دارای پنج قبر است در  
یک قبر بالای سر سنگی نصب و بسم الله شریف و کلمه طیه و آیه الکرسی  
و این عبارت در آن مرقوم است :

« هذا مرقد پیر طریقت استاد شریعت فقیر سالک درویش تارک سیادت نسب  
مولینا و مرشد نا جناب میر صاحب علیه الرحمه »

## طرف دوم:

ای سرو سایه از سر ما برگرفته  
 خود رفته و عالم دیگر گرفته  
 ای خاک تیره دلبر ما را عز یزدار  
 این نور چشم ماست که در بر گرفته  
 لوح دیگری بالای سر قبر مد کوره نیر هست که شکسته ولی از پارچه های  
 شکسته اش آیات بینات قرآنی خوانده میشود .

\* \* \*

نزدیک گنبد مذکوره یک قبر دیگر است که دو لوح سنگ دارد. در لوح  
 بالای سر کلمه طیه و آیات قرآنی و در لوح طرف پاچین در قوم است .  
 «وفات مرحومه مغفوره بی بی زایش بنت مرحومی حاجی الحرمین حاجی رسول  
 غلجائی هوتکی شاه عالم خیلی بتاریخ سیم شهر ربیع الثانی از دار فنا پدار بقا  
 رحلت نمود سنه ۱۲۱۹»

## زیارت پنجه شاه

در سمت جنوبی شهدای صالحین بدانته کوه موضعی باین شهرت واقع و دارای  
 سبزه و اشجار و گل بته هاست و گنبدی دارد که تقریباً تا ۶۰، ۷۰ سال قدمت  
 خود را نمایندگی میکند ، در دیوار سمت مغرب گنبد سنگی بدیوار نصب است  
 نشان پنجه در آن حک شده درین نزدیکیها متصل گنبد یک مسجد خور و دو پرند  
 مختصر هم ساخته شده .

در صحن پیش روی گنبد مردگانرا دفن کرده اند و بطرف مشرق صحن  
 مد کور عمارت حرا به ایست ؛ آب کمی از موضع بعیده درینجا می آید .  
 نعش مرحوم آزاد را در همین قبرستان دفن کردند که بالای جنازه و دفنش  
 حاضر بودم بعد یکسال پسر موصوف چمدینی بغرض اوحی برایش ارمن خواست  
 ولی ندیده ام که لوحی گرفته اند و ابیات را نوشته اند یاخیر اما بیاد بود آن  
 شاعر ابیات ۱۰ ذیلا م . آ . م .

سفر دراز باندازد کهنه و پاره پاره شده بود که بسختی آنهارا از سرما محفوظ  
مینمود ، زینت اسبان شان تنها از چرم و برنج بود و هیچ چیز دیگر درخشان  
نداشتند مگر نیزه و شمشیر »

این پادشاه نامی افغان در ۱۲ شعبان ۱۱۳۷ هـ ق در سن ۲۸ سالگی در پایتخت اصفهان  
در حین تاجداری و فرمانفرمایی پدرود ردتائی نموده پسر عمویش اشرف شاه  
بر اورنگت شاهی فارس متمکن گردید.

این ملکه افغان که در فارس شمع روشن بزم محمود نامدار بوده بعد از بسر بردن  
۳۳ سال بماتم مفارقت و اندوه مهاجرت آن شوهر تاجدار خود چشم از زندگی  
بر بسته و بخاك پاك وطن عزیز خویش بخواهگاه ابدی غنود  
در لوح سنگ منقش و مزینی که بالای تربت است بدو طرف چنین ترسیم و  
ترقیم یافته :

طرف اول :

بتاریخ ۹ شهر رجب یوم سه شنبه ۱۱۷۰ بی بی صاحب پیغم بنت کامران زوجه  
شاه محمود رحلت نمود .

چو بی بی صاحب از عالم سفر کرد

ازین ماتم شفق در خون نشست است

بمصمت نور چشم کامران بود

که خاک تربتش عنبر سرشت است

بایران شمع بزم شاه محمدود

کنون بالین او در خاک خشت است

چو شد واصل نشان او بجستم

که جز تخم نیکو نامی نکشت است

بجنت حور با روی بقا گفست

مکان و سال تاریخش ( بهشت است )

عده ( بهشت است ) ۱۱۶۸ میشود ، روی بقا ( ب ) و عدد ش ( ۲ ) جمله

( ۱۱۷۰ )

## طرف دوم:

ای سرو سایه از سر ما بر گرفته  
خود رفته و عالم دیگر گرفته  
ای خاک تیره دلبر ما را عز یزدار  
این نور چشم ماست که در بر گرفته  
لوح دیگری بالای سر قبر مذکوره نیز هست که شکسته ولی از پارچه های  
شکسته اش آیات بینات قرآنی خواصه میشود .

\* \* \*

نزدیک گنبد مذکوره یک قبر دیگر است که دو لوح سنگ دارد. در لوح  
بالای سر کلمه طیه و آیات قرآنی و در اوج طرف پانچمین رقوم است .  
«وفات مرحومه معفوره بی بی زلیخ بنت مرحومی حاجی الحرمین حاجی رسول  
غلامی هوتکی شاه عالم خیلی بتاریخ سیم شهر ربیع الثانی از دار فنا بدر بقا  
رحلت نمود سنه ۱۲۱۹»

## زیارت پنجه شاه

در سمت جنوبی شهدای صالحین بدامنه کوه موضعی باین شهرت واقع و دارای  
سبزه و اشجار و گل به هاست و گنبدی دارد که تقریباً تا ۶۰، ۷۰ سال قدامت  
خود را نمایندگی میکند . در دیوار سمت مغرب گنبد سنگی بدیوار نصب است  
نشان پنجه در آن حک شده درین نزدیکیها متصل گنبد یک مسجد خور دو پرند  
مختصر هم ساخته شده .

در صحن پیش روی گنبد مردگان را دفن کرده اند و بطرف مشرق صحن  
مذکور عمارت حرا به ایست : آب کمی از موضع بعیده درینجا می آید .  
نعش مرحوم آزاد را در همین قبرستان دفن کردند که بالای جنازه و دفنش  
حاضر بودم بعد یکسال پسرو صوف چندبیتی بفرص او حی برایش از من خواست  
ولی ندیده ام که لوحی گرفته اند و ابیات را نوشته اند یا خیر اما بیاد بود آن  
شاعر ابیات ، اذلا ، آ ، م

سفر دراز باندازه کهنه و پاره پاره شده بود ده بسجتهی آنها را از سرما محفوظ  
میسود ، زینت اسپان شان تنها از چرم و برنج بود و هیچ چیز دیگر در خشان  
نداشته اند مگر نیر و شمشیر »

این پادشاه نامی افغان در ۱۲ شعبان ۱۱۳۷ هـ ق در سن ۲۸ سالگی در پایتخت اصفهان  
در حین تاجگذاری و فرمایشاتی پدید آمدن زدن نمود و پسر عمویش اشرف شاه  
بر اورنگ شاهی فارس متمکن گردید.

این ملکه افغان که در فارس شمع روشن بزم محمود نامدار بوده بعد از سر بردن  
۳۳ سال به ماتم مفارقت و اندوه مهاجرت آن شوهر تاجدار خود چشم از زندگی  
بر بسته و بخاك پاك وطن عزیز خویش و حورگاه اندیشه و  
در لوح سنگی و قریش و مزینی که بالای تربت است پدید طرف چین ترسیم و  
ترقیم یافته :

طرف اول :

بتاریخ ۹ شهر رجب یوم سه شنبه ۱۱۷۰ بی بی صاحب پیغم بنت کامران زوجه  
شاه محمود در حلت نمود .

چو بی بی صاحب از عالم سفر کرد

ازین ماتم شفق در خون نشست است

بعضمت نور چشم کامران بسود

که خاك تربتش عنبر سرشت است

باپران شمع بزم شاه محمود

کنون بالین او در خاك نشست است

چو شد واصل نشان او بجستم

که جز تخم نسکه نامی ز کشت است

بهجت حور با روی به قیامت

مکان سال تاریخش (بهشت است)

عدد (بهشت است) ۱۱۶۸ میشود ، روی بقا (ب) و عدد ش (۲) جمله

(۱۱۷۰)

## قبر میان صاحب

این زیارت بسمت شمال زیارت جانباز واقع و دارای دو احاطه است که در احاطه اول ابتداء عمارت است آهن پوش و متصل به آن برای مجاورین اطای مناسب است در صحن این عمارت چاه آب و حوض و کردهای گل و چند درخت و گل به هم پیاشد در احاطه دوم مسجد بهاری و زمستانی و اطاق های متعدد است . اسم میان صاحب میا عبدالحکیم میباشد چه از اهل هند بوده یا بوده ؟ در آنجا هدایت زیاده بر سر برده و از صوفیان طریقه قادریه شریف کسب و جو ص کرده و به کمال رسیده بعضی از واگیری وارد کابل گشته و زمانی بهر نی میرفته و از مزار آنجا استمداد مینمود .

بالاخر شهرتی پیدا کرد و نشنندگان تصوف ایشان رجوع کرده از زلال علم و عرفان و فضل و کمال شان بهره ور میشدند و یکی بعد دیگر دست ارادت بایشان میدادند و بارشاهان و اعیان طایفه طریق معرفت میکردند و رفته رفته چندی کس از طرف شان خلیفه مقرر گشته و در عربی و کابل بروش سلوک ایشان ارشاد خالق الله مینمودند که معروفترین حلیفه ایشان جناب علامه نسبی صاحب بود که مردی عالم و متقی و عارف و صاحب حیات مجردانه و فضائل بزرگ و سجاای عالی و در امام عمر امام و خطیب مسجد جامع گداز علان که مشهور بمسجد میان شیخ احمد است بود .

میان صاحب را بعد از وفاتش بطریق ائمه طایفه شان که در این حدیده میشد بخاک سپردند و مدفن شان همین عمارت آهن پوش احاطه اول است ولی خلفا و مریدان و مخلصان شان در کابل و اندلس و سایر بلاد پیروی داشته و با تقیای خودشان همه ساله عرس حضرت محبوب سبحانی غوث صمدانی سید عبدالقادر جیلانی رحمه الله علیه را گرفته و علاوه عرس بخود میان صاحب نیز میگردانند و صاحب در همین حصه سال در دوه دوی عرس بزرگ انجام میداد که بسیاری از مخلصان و علاقه مندان شان در آن شرکت

دور گردون که نداری دهنری جز بیداد  
 تازه داغی بدل اهل هنر باز نهاد  
 بر دازم جمع ارباب سخن مردی را  
 که در اقسام سخن دسترسش بود زیاد  
 صاحب شهرت در علم و کمال و دانش  
 اعزای آن ( میر محمد علی خان آزاد )  
 حیف از آن طبع صفا آه از آن طینت صاف  
 که چو گنج در و گوهر بته خاک نهاد  
 یا الهی ز کرم عفو گناهانش کن  
 یا رب ازر حمت خود در روانش راشاد  
 سنه فوت و راگریه کنان طبع خایل  
 گفت چون نور ز ( چشم بلغا ) رفت آزاد  
 ۱۳۷۶ . ۱۳ = ۱۳۶۳ هـ ق

\* \* \*

در زیر این محوطه مشهور به پنجه شاه چهار سنگ صندوقی مکعب مستطیل میباشد که  
 باقی اطراف همه مزین با پات قرانی است .  
 سنگ اول : طرف پا : نام مرقوم نیست اما سنه واضحاً نهصد و هشتاد مرقوم است  
 سنگ دوم : طرف پای : « درین سنگ مزاری بی مرجان داده تا معلوم باشد »  
 جز همین عبارت مبهم چیز دیگر از آن یافته نشد .  
 سنگ سوم : ظرف پای : « تاریخ وفات المرحوم المغفور خواجه درویش بن  
 خواجه سعدالدین محمد الخراسانی می سنه ۹۱۱ نهصد و یازده  
 سنگ چهارم : طرف پای : « وفات مرحومه فاطمه جان بنت  
 خواجه صدرالدین ۹۱۰ »

## قبر میان صاحب

این زیارت بسمت شمال زیارت جانباز واقع و دارای دو احاطه است که در احاطه اول ابتدا عمارت است آهن پوش و متصل با آن برای مجاور پس اطاق مناسب است در صحن این عمارت چاه آب و حوض و کمردهای گل و چند درخت و گلستانه ها میباشد در احاطه دوم مسجد بهاری و زمستانی و اطاق های متعدد است. اسم میان صاحب میا عبدالمکریم میباشد چه اراهل هند بوده یا آمده در آنجا مدت زیاد بسر برده و از صوفیان طریقه قادریه شریف کسب و جو فیض کرده و به کمال رسیده بعضی از و انگری وارد کمال گشته و زوایای بعضی بر رفته و از مزارات آنجا استفاده مینمود.

بالاخر شهرتی پیدا کرد و تشنگان تصوف ایشان رجوع کرده از زلال عالم و عرفان و فصل و کمال شاد بهره ور میشدند و یکی بعد دیگر دست ارادت بایشان میدادند و بارشاهات و هدایات شان طی طریق معرفت میکردند و رفته رفته چندین کس از طرف شان خلیفه مقرر گشته و در عزنی و کابل بروش سلوک ایشان ارشاد خلق الله مینمودند که معروفترین حایفه ایشان جناب علام نبی صاحب بود که مدتی علم و متقی و عارف و صاحب حیات مجردانه و فضائل بزرگ و سجایای عالی و دینام عمر امام و خطیب مسجد جامع گندر سالان که شهرور بمسجد میان شیخ احمد است بود.

میان صاحب را بعد از وفاتش نظری بنمازل طاع شان که درین جا دیند و میبند بخاک سپردند و مدون شان همین عمارت آهن پوش احاطه اول است ولی خلفا و مریدان و مخلصان شان در کابل و بعضی از مساکین شان بیرون داشته و با قنای خود شاه همه ساله عرس حضرت محبوب سبحانی عوت صدقانی سید عبدالقادر جیلانی رحمه الله علیه را گرفته و علاوه عرس بخود میان صاحب قیز میگردفتند خصوصاً صاحب در همین حتمه سال در دوه و عرس بزرگ انجام میداد که بسیاری از مخلصان و علاقه مندان شان در آن شرکت

د ورگردون که ندرید هنری جز بیداد  
 تازه داغی بدل اهل هنر باز نهاد  
 بر د از مجمع ارباب سخن مردی را  
 که در اقسام سخن دسته سرشش بود زیاد  
 صاحب شهرت در علم و کمال و دانش  
 اعنی آن ( میر محمد علی خان آزاد )  
 حیف از آن طبع صفا آه از آن طینت صاف  
 که چو گنج در و گوهر بر بنه خاک نهاد  
 یا الهی ز کرم عفو گناهانش کن  
 یا رب از رحمت خود در وانش را شاد  
 سنه فوت و را گریه کنان طبع خایل  
 گفت چو نور ز ( چشم بلغا ) رفت آزاد  
 ۱۳۷۶ - ۱۳ - ۱۳۶۳ هـ ق

\* \* \*

در زیر این محوطه مشهور به پنجه شاه چهار سنگ صندوقی مکعب مستطیل میباشد که  
 باقی اطراف همه مزین با یات قرانی است.

سنگ اول: طرف پای: نام «رقوم نیست اما سنه واضحاً نهصد و هشتاد و رقوم است  
 سنگ دوم: طرف پای: «درین سنگ مزاری بی مرجان داده تا معلوم باشد»  
 جز همین عبارت مبهم چیز دیگر از آن یافته نشد.

سنگ سوم: طرف پای: «تاریخ وفات المرحوم المغفور خواجه درویش بن  
 خواجه سعدالدین محمد الخراسانی می سنه ۹۱۱ نهصد و یازده

سنگ چهارم: طرف پای: «وفات مرحومه فاطمه جان بنت  
 خواجه صدرالدین ۹۱۰

## گنجینه خلیفه صاحب

نزدیک زیارت میاں صاحب گنبدی نو بنیافته و بیرونش رنگین و جالب نظر است در داخل این گنبد مدفن خلیفه محمد اکبر صاحب است که غالباً از هذه السنه ۱۳۷۸ هـ ق ۱۸۰۱۷ سال قبل وفات نموده اند.

این بزرگوار در بزاره سگری کابل دکان خورده فروشی داشته مرد با خدا و نیک اخلاق و از طرف یکی از صاحبان طرق عالیله خلیفه بوده است در اواخر مریدان هم در حصص کمبری و شوکی پیدا کرده بودند.

بعد از وفاتش مریدان و احلاص کیشان این گنبد را بنانموده و سنگی بالای هزارش ترتیب داده اند که در علوم طاهرو باطن و جمع کمالات یگانه بوده و مثال این عبارت مبالغه آمیز بسیار در آن درجست.

چون در خوب آدمی و خایمه طریقه بودن و حسن خلقی شان جای شک نیست اما این مدحت مبالغه آمیز محاصران برای دیگر وقت ممکن است تمام مزارات این جای رانحت الشماع ایشان قرار دهد بنا بر این ایتمد رقتد کر میدهم که معلومات عامی شان ابتدائی و قد رت خواندن شان در فارسی خوب بوده است چون عبارت سنگ همه غنر بود و ادنکردم و تکرار مینمایم که مرد با خدا و صاحب ساوک و ساعی در راه تصوف و صاحب ریاضه تار مجاهدت بوده اند. و یکی از خوشبختی های آنمر حوم است که خلف الصدق محاصران بعد از رحلتش همه ساله در ماه رمضان المبارک بک ختم قرآن مجید در رتروایح بالای قبرش مینمایند.

## گنجینه سنگهای بدین ختلاف و متفرقی

این سنگها نیست قدیمی که اکثر بواسطه سیل و یابویران شدن مقابر و غیر آن از بالای قبرهای مربوطه خورده جدا شده و متفرق در هر گوشه و کنار افتاده اند.

۱- بسمت مشرقی مقبره میان صاحب در یک قبرستان تپه نما یک صندوقی ساخت سنگ مرتبه دار کلان مستطیل است طرف فوقانی منقش، باقی اطراف بایات قرآنی، طرف پایین عبارت:-

رفتی و در داغ توام یادگار ماند صد حسرت از تو در دل امیدوار ماند

آنکس که بود آرزوی جان زدست شد این جان زار مانده ندانم چه کار ماند

مینمودند، آنادی این زیارت تماماً از طرف خلیفه غلامنبی صاحب شده بلکه اضافه از همه کاریزی حفر کرده و آب آن را بنزیریه بلول درینجا آورده بود که تارمان حیات خودش درست بود آب و آفر و خوشگوار می آمد زیر اچا، این بقعه بسیار عمیق است، و احاطه دوم را قابل گذاره و بود و باش یک جمعیت ساخته مسجد و تابه خانه و غیره ضروریات آنرا کامل ترتیب کرده بود.

چون حیات خودش بصورت تجربید بود از جمله مریدان و مخلصانش مردم جدید الاسلام نورستانی بوی بیشتر گرویده بوده و دائم اوقات خدمتش را هم انجام میدادند و آنهارا اولاد خود میگفت و بنای این عمارت را نیز برای گذاره آنها ماند، بود که در زمان حیاتش زیست داشتند و بعد وفاتش بقرار تمایک و وصیتش با آنها موقوف است.

خود خایفه صاحب ۴۵ سال قبل از هذمه السنه ۱۳۷۷ هـ ق بر حمت ایزدی پیوست و در همان مقبره پهاوی مرشد خود دفن شد.

از خلیفه صاحب، یکی مخلصین زیاد، که معروف تر همه جناب ملا احمد جان غزنوی که مدت ۴۵ سال قاضی ابتدائیه محکمه کابل بوده و بکمال پاک نفسی انجام وظیفه داده و ده سال قبل از هذمه السنه وفات کرده و دیگر کتابخانه بزرگی و همین عمارت زیارت باقی ماند و بس.

عمارت متعلق مردم نورستانی شد و کتابخانه خود را که وقف نموده بود و تحت اداره قاضی صاحب بود یک دفعه دزدی شد و البته آنچه باقی مانده طلاب علوم در همان مسجد از آن استفاده میکنند:

حزار خود میان صاحب و از خایفه صاحب یکی هم سنگی ندارند.  
معلومات فوق بنده نسبت به میان صاحب شنیدگی و نسبت خلیفه صاحب دیدگی  
بست خدای تعالی ارواحشان را بکرم خود شاد دارد بمحمد و آله الامجاد.

۹ بطرف شمال زیر زیارت جانبابرهاوی يك احاطه خرابه سنگ مکعب مستطیل دیگر نیست که هر طرفش مزین به آیات قرآنی و کلمات طیبه و طرف با چنین مرقوم است : تاریخ وفات المرحوم المرحوم محبت علی بن خواجه تکداف شهر صفر ۹۲۲ .

۹ در ظهر گنبد خایه صاحب مرقده ملا محمد اعظم خلیف است که از علمای عهد امیر عبدالرحمن خان و خلیف بسیار شریف و فصیح و حق گوی و در حق گوئی خود بی هراس بوده ، میباشد که بعد از فوتش هر بر طین مملو حی براد او ح تیرش از بنده خواهش چند بیت نمودند و در سنگی حور در انجا مرقوم است .  
خلیف و عالم و عامل محمد اعظم آنک  
قدم خلاف ره شرع تا که ز ادیانند  
صحیفه نود و ششم کتاب حیات به بیست و ۲۷ هجری شمسان چو بر کشاد نمازند  
خلیل سال وفاتش رقم نمود و دو طر ( هزار و سه صد و شست آه آن چو آمد نماید )  
۱۳۶۰ هـ ق

### مدفن شیخ احمد گریز

۹ این مدفن در وسط گنبد سه الح زیارت میان صاحب واقع و دارای گنبد پخته کاری است بدیوار سمت مغرب گنبد ( از طرف بیرون ) تخته سنگها بدیوار زینه نصب است که توسط آن در بام گنبد میتوان بالا شد ( غالباً به مراعات پاک کردن برف آن است ) دروازه این گنبد سنگی یک پایه ایست ، در درون گنبد طرف قبله محراب هم دارد ، بدیوار طرف شمال یک چراغدان مخصوص قبور نیز ساخته شده . در میان گنبد چهار تیر است سه تیر لوحی ندارد و یک تیر که لوح سنگی دارد چیزی در آن تحریر نیست .

در کتاب عمدة الامتات تذکره ششم از منتخب چهارم که ذکر خلفای حضرت عروة الوثقی فرزند سوم حضرت قطب ربانی مجاهد الف ثانی رحمه الله تعالی علیهما را مینماید ازین بزرگواران در صفحه ۳۴۱ چنین نام میرسد : « صوفی مشهور بصوفی پاینده طلاء کابلی و صوفی عبدالرؤف مشهور بصوفی پاینده کرباس کابلی » و در صفحه ۳۲۶ در ضمن خرق عادات و تصرفات حضرت عروة الوثقی چنین می آرد : « از صوفی پاینده طلاء کابلی منقول است : قتی که این مخلص را مناجاز نموده رخصت فرمودید بعرض اقدس رسانیدم که مشیخت

تاریخ وفات مرحومه مغفور و مسقطه اینده سلطان... در هر دهه ششم، رجما دی الاول  
سنه ۱۰۸۰ بود که از دوازده بنابر بقرار حالت نمود.

۳- از دیک مغفور میا صاحب در یک قبرستان پاره از دیک دیگر مسقطه صدوق نه... ای  
مکعب مستطیل خور دیست، طرف سرائع و ذوالله و بسم' شایسته، طرف ورفانی  
کلمه طیه، طرف با این عبارت مرقوم است :-

تاریخ وفات میا نذیرک... می شهر چه ادی الاول تعداد نسیز و ثمانما نه

۳- در احاطه قبر عبدالحق تاجر یک صندوق نما سنگ خور دیست، طرف ورفانی  
کلمه طیه، سه طرف آیات قرآنی، طرف پا: تاریخ وفات مرحومه  
مغفور و... خورد بنت حعفر عطا رکابلی سنه ۹۰۱

۴- در زیر زیارت جانباز نذیرک یک عمارت قدیمه که دیوارهای خرابه و محراب  
مسجد آن هنوز هم باقیست یک صندوق نمایی گهواره سنگی نقش است. بالای  
سرایات قرآنی، طرف پا: هدامر قدالمرحوم المغفور ریا رحه لدین جهان اندین سواریم  
وتسعين و ثمانما نه

۵- قریب سنگ مذکور (بفاصله تقریباً پنجاه قدم) صندوق نما سنگی در یرخداک کشیده  
شد که بیکطرف آن مسطور است: تاریخ وفات سلطان خواجه حسین قلی میرزا سنه  
۶- از آن سنگ تقریباً چهل قدم دور تر صندوق سنگی مکعب مستطیل کلار دیست  
طرف سرآیه کریمه (کل شیء هالک الا وجهه) طرف ورفانی به خط کوفی  
چهارجا (الله) جل جلاله طرف پا: تاریخ وفات مرحوم محمود حسامی نداس  
ابن عبد الله شیخ خوارزمی سنه ۵۱۱

چون تاریخهای مذکور عمده و نهصد و چهل بوده اند یحتمل تاریخ سنگ  
مذکور نیز (۹۱۱) باشد و زیر عدد نه بهرور سالها پریده حال به پنج هشتبه می شود  
و یا حقیقتاً (۵۱۱) باشد؟ زیرا خط کوفی و طرز خط عربی و اسم حسامی  
دلائل بر قدمت آن میکند و اینکه تحریراتش از مفسوشیت محفوظ مانده  
و سهولت خوانده میشود بر عایتیست که زیر گل مدفون بوده.

در پهلوی آن سنگ دیگری نسبت بان خورد هم است که بدیگرا طرافش  
کلمه طیه و آیات قرآنی معلوم میشود و طرف پا وفات مرحوم مغفور...

مقتیه ز اهل عسکت ما به عالمه  
فضاه - فیاضه ، ریاضه ، ادیسه ، ناظمه  
راستگو ، حق جو ، دگر خو ، قدر دان آبرو  
فردن و از زمان خویش بی بی فاطمه  
صرف تمایج و تعلم نقد عمر خود نمود  
ثاقوایش بود بر حال و وجودش سالمه  
حطهش از مهمان شگفتی چنین مزاج از بوی خورش  
بر رخ مستاج ، مکن بدو دشمنان دائمه  
ارکمال خاقی ز کردار غایت و در حضور  
مبهودی ار همه کس احسرا م لازم  
غریق دکرد فکر و او ، ادو طائف روزها  
در دل شها به عمر خود ز سپودی نا ئمه  
روز حممه نزد هم از ماه و او د شریف  
شد به جنت در سن هشتاد و هفتم عازمه  
همصر می ار سال فوتش در قم کلک خلیل  
( لا حق جو د الهی باد و حسن خاتمه )  
۱۳۷۵ ه ق

## زیارت سه آخر (عنه الخ)

این زیارت در وسط شهدای مومنین واقع است و گنبد نهایت عالی و زیاده پخته  
کاری تمام از خشت پخته و چونه و گچ دارد که مرورده و رهم در آن جز جزئی  
تقصیسات صدمه زیاده ای نرسانده ، تنها مجاور خانه که متصل سمت مشرقی گنبد در  
خارج داشت خراب شده کاه ستمش از بین رفته و دیوارهای خرابه نمایش باقیست  
در بین گنبد پنج قبر در ای سنگ های نیلی متین و اعلای مرقوم و منقوش بسی زیاده  
هو جود است که متصل آورده میشود ، خارج گنبدش احاطه وسیعست که بسنگ  
مسمر سفید آراسته دوده و ناچال ، چهل و پنج سال قبل هم بیشتر آن از بین  
رفته بود و در يك سنگ کلا ن که آنهم سفید و در بین سنگهای دیگر در زمین نصب

را خرج خانقاه میباید و این دروش بحر نام خدا چیزی ندارم امر فرمودند که صوفی قدری کاغذ سرخ و سفید بپار تجسس نموده پاره ک-ا عدد سرخ و سفید بخدمت حاضر نمودم بدست مبارک خود از آن کاغذ باور و پیه و اشرفی مدور قطع نمودند و بلعاب دهن مبارک خود آن لوده بدست رنده دادند و پیه و اشرفی شده بودند بنظر فقیر خنطور نمود که اگر این تصرف به رنده عنایت شود خوبتر خواهد بود، ازین روپیه و اشرفی بهمچنین خطور امر نمودند که این تصرف بشما عنایت نمودم بشرطیکه زیاده از احتیاج نکنید بعده هر وقت که محتاج میشدم کاغذ سرخ را مدور نموده بلعاب دهن می برآوردم اشرفی میشد و اگر کاغذ سفید را می برآوردم روپیه می شد و این تصرف او مشهور بوده لهذا ملقب بصوفی پاینده طلاء کابلی شده بود - که ایکه صوفی پاینده کر باس نیز از هجایان ایشان بوده در وقت رخصت با پاره کر باس تنایت نموده بودند و فرمودند که درین کر باس برکت است صوفی مذکور مدت عمر خود از آن کر باس می فروخت و خرج مایحتاج خود مینمود و از کر باس هیچ کم نمی شد تا انقضای مدت حیات او بعد از تحال صوفی مذکور همچنان کر باس را تکفین او نمودند و صوفی مزبور مشهور بصوفی کر باس پاینده بود « (۱) »

۴ در وسط راه حضرت تمیم رض و زیارت هیات صاحب قریب باحاطه گنبد شیر سرخ یک سنگ صندوقی خورده وجود است که بالای سر کلمه طیبیه و بطرف پا این عبارت مرقوم است :

«تاریخ فوت جناب مرحوم محمد محسن سناحدی وستین و تسعمانه»

۳ مرقده المذنبات :

باستوای گنبد خواجه کر باس نزدیک گنبد سه ایغ قبرستانی است و در آن قبرستانی قبر این مرحومه که از عالمات درجه اول نسوان مملکت و از نخستین افراد معلمات مکاتب نسوان میباشد واقع و بسنگی بالای هر قدش با سهمله و کلمه طیبیه این ابیات اثر طبع نگارنده تحریر است :

(۱) از این مسمون واضح شد که دو ضمیمه این چهار قبر این دو نفر نیز میباشد و هر دو از بار یافتگان فیوضات و جمعی حضرت عروة الوقی رح میباشد .

نهمصد و چهل و یک؛ در حاشیه و سطحی سنگ ۱۰۰ باغنت خدا گرفتار شود آنکس که طبع به روش این سنگ کند.»

۴ سنگ قبر چهارم که بالای سر سه قبر همگور است، مضمون طرف پای: تاریخ وفات مرحومه آق بیگم بنت سلطان الع بیگم غ-ازی ۰-رح-وم سنه ۹۱۲ دیگر اطراف سنگ چزی درشته ندارد.

۵ سنگ قبر پنجم که بالای سر سه قبر مدکور است سطح فوقانی ۰ متن، دیگر اطراف آیات، باری قرآنی، ظرف پای: تاریخ وفات مرحومه منوره فخر النساء بیگم حضرت بنت سلطان الع بیگم غازی سنه ۹۱۱

عند الاقدام نگارشی این کتیبه ها از اتفاقات حسنه بدو ان حضرت خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، رخوردیم که در یکی از بزرگترین کتابخانه های کشور است، این کتاب بعد از یادداشتش خانامه معروف سادات علی المشهدی هندو و مجدول تحریر یافته که نمایش چشم انداز و مطلع در اسروری بخشید، و در صفحه آخر آن نویسنده باورش می نگارد «باهتمام جناب عمارت ماب امیر شمس الدین محمد کوکلتاش بدار السامانه هرات در تاریخ عشرين شهر ربیع المانی سنه ست و تسعين و ثمانمائة (۸۹۶) عن الهجرة النبویه صد تحریر شد»

و نیز در ذیل آن مرقوم است «در مشهد قدس در سنه ۱۲۹۸ تصحیف و تذهیب شده» چون تحریر کتاب مذکوره یکی از اشراک گرانها و یادگارهای مهمه است که باهتمام همین امیر شمس الدین محمد مدفون مرقد سوم گنبد هدیه شده که در سنه ۸۹۶ تحریر کتاب ۰ آرزویش اتمام پذیرفته و در سنه ۹۴۱ یعنی ۴۵ سال بعد شیراز ۰ کتاب حیا نشیخته.

#### مرار میر هاشم آقا

تخمیناً یکصد و پنجاه قدم پائین بحرف شهر اردیبارت سه اغ-ر قصر مرحوم میر محمد هاشم خان است که وزیر مالیه و شخص صاحب نسب و خیراندیشی بود بالای ۱۰۰ دیوارچه ساخته شده و سنگی و ران دیوار نصب و این ابیات قازی عبد الله خان مرحوم در آن تحریر است . .

و بصورت (اگر سه جای آن عمیق کننده شده بود که محکم می باشد) از ذخیله آب جهت پرندگان و یا کدام احاطه دیگر بوده باشد، مگر نزد و نام و بهمان حد و حفظ شهرت این وزارت سه اغراض است که نگارنده آنرا بکثرت دیا به بودم و خوب پیاد دارم، ولی حالا آن سنگ و وجه ندارد و در نزدیکی و درش احاطه نیز سه، چهار سنگ آن که بصورت نمونه مانده است باقی آن تمام از بین رفته، وجه دیگر شهرت این نام ممکن است از احاطه ها بوده باشد که چون اولاده ساداتان السخ بیك غازی در آن مدفون و اسماء، شان مرقوم است بکمال غلبه الخ و از قسربه صورت اغراض تلفظ نموده باشند و بزبانها بهمین نام کسب شایسته کرده، بهر وجه باید این گنبد را طوریکه در سنگهای بالای قبرهایش مرقوم است متبینه رخ ها شناخته و مضامین مندرجہ سنگهای قبرشان را در ذیل مذکور نمایم:

در بین این گنبد کلان پنج قبر است که سه قبر به دو پهلو در آرای سنگهای کلان مرقوم و مقورش مکعب مستطیل، و دو قبر بالای سر بهر های ثلاث با سنگهای خور و مکعب مستطیل مرقوم و مقورش میباشد که بدین ترتیب است.

#### ۱ از طرف مغرب گنبد در سنگ اول :

بسطح فوقانی : کلمه طیبه و اسمای مبارک حضرت زوی صلی الله علیه و سلم و ائمه و صحابه رض جانب سر و دو پهلو آیات بیست قرآنی .  
طرف پا : تاریخ وفات امیر المرحوم المغفور امیر جلال الدین و یسل از که ابن المغفور المرحوم امیر محمد المذول طاب الله نراهم روز جمعه پنجم ماه مبارک شبا ن المعظم سنه خمس و تسعمائه ( ۹۰۵ )

۲ سنگ دوم : سطح فوقانی : کلمه طیبه و اسمای نبوی ص و ائمه و صحابه رض ، طرف سر و پهلو آیات بیست قرآنی .

طرف پا : تاریخ وفات امیر زاده مرحوم مغفور امیر شیر محمد کوکلتاش ابن امیر الاحرار و اعظم تکه یسل فی يوم الخميس من شهر ذی القعدة سنه ست و تسعمائه ( ۹۰۶ )

۳ سنگ سوم : بالای سر : کلمه طیبه ، باقی اطراف آیات بابر کائنات قرآن عظیم الشان .

طرف پا : وفات امیر شمس الدین محمد ابن شیر محمد کوکلتاش فی تسارین

این (امیر سعید) سید حیدر خان امن امیر شاه مراد ملقب بمعصوم غازی ابن امیر دانیال  
خان میباشد که در سال دهم سلطنت آن مرحوم امارت بخارای شریف از طرف  
کفار روس استیلا و خودش بصورتها جرفی سبیل الله بخاک همسایه محسن و  
مسلم خود او را نشان داده شده و بعد از انقضای بیست و سه سال زیست درین  
خاک اسلامی بهمر ۶۴ سالگی روز شنبه ۹ ثور ۱۳۲۳ شمسی مطابق پنجم  
جمادی الاول ۱۳۶۲ هجری ندای رجعی را لبیک و چشم از دنیای فانی پوشیده  
حق تعالی روحش را در جوار رحمت خویش جا دهد آمین

خارج کنند در جوار منار شاه مراد صرف رازات سیاری از مهاجرین بخاراست  
که قبر حاجی بدرالدین اچراوچی دارد و این ابیات در آن تحریر است:

حیف آنسرد بسا و قسار و امین

رفت در خاک زینجهها نحرین

کرد هجرت هم اوز مالک بخار

سوی افغانستان مرجع دین

گرچه او را غنیاشده محسوب

صفت فقر داشتی زچین

کار و بارش همیشه خود را چو

در صبح و روح و هم پیشین

آخر الامر چون یکم قفسا

رست از این سرای محنت و کین

بهر فرستش بسا اسم فاکرت

گفت پیر خرد مرا بدیقین

چل و پیکت کرده کم رنگ و قربت

جنت و خلد و حاجی بدرالدین

۱۳۶۹ هجری

میر-هاشم وزیر-نام آور      آنکه گزردد بنام نیکو یاد  
 آنکه بود است چون نظام الملك      در امور محاسبه استاد  
 آنکه بود از نجابت انسی      سید نیکووی پاک نهاد  
 آنکه چل سال از عایت عزیز      در سر خدمت وطن نهاد  
 ناگهان در جمادی الاول      رفت از تنگنای بی بسیا د  
 شست و سه گر چه عمر یافت برفت      همه به یکدم از بن خراب آسا د  
 خامه زین عم الف کشیده و گفت      ( جای او در ریاض مینو باد )  
 ۱۳۴۹-۱۳۴۸ هـ ق

#### مزار غلام محی الد بنخان

این مزار در وسط راه زیارت حضرت:میم (رض) قریب قبر میر محمد هاشم خان است.

بالای قبر به درت بنار علامه ساخته شده و در آن سنگی نصب و معرفی این شخصیت را به تمام مینماید و ما به حصول آن این است :

این مرد افغان در قندهار متولد شده و خدمات زیاد کرده آخر آ مدیر دارالمعالمین بود رزمه جمعیت چنان نثاران اسلام بوده و فائش روز چارشنبه ۲۸ ذی قعدة ۱۳۳۹ هـ ق مطابق ۱۱ اسد ۱۳۰۰ ش میا شد.

بروز مرگ که روز وصال یا رانسته

کسیکه دست من آندم گرفت یار آنست

#### مزار شاه سابق بخارا

در بین راه وسط شهدای صبا الحین قریب گنبد سه الف گنبدی بنا یافته و در بین گنبد مرقد شاه مرصوف است که در صندوق سنگی فرا ز مرقدش این عبارت مرقوم میا شد :

هاتین حظیره پرالم حامل قبه، خاک امارت و فخامت پتیا سیادت پناه پادشاه هفتم و اخیر سلسله مانغیته بخارا شریف اعنی جناب عالی مغفور امیر سید عالم بخان ابن مرحوم امیر سید عبد الاحد ابن امیر سید مظفر خان ابن امیر سید نصر الله خان

که تفصیل حال و معاومات آتارش را از آن صدیحات دریافته و توانند جسدش را بفش  
 به افتاده و در وسط شهدای صالحین مقابل خانه سادات مخالك سپرد و شد چندی بعد  
 وزارت حلیه معارف قبرش را سنگ مرمر ساختند، چون در موقع وفات جنابش  
 روز و نان مرثی و قطعات تاریخ سروده و دندچین ترتیب سنگ ازین همه آثار  
 موجوده قطعه ذیل را که تراش طبع فقیر برد انتخاب و باطراف سنگ های  
 قبر پوشش ارقام فرمودند. و هو هدا :

هی هی ز بی ثباتی دوران بی وفا	وا حسترت از کج روی چرخ پر جفا
از سیل مرگ هستی و راز با فکند	هر کو فکند رخت اقامت درین سرا
قاری یگانه عالم و دانا شو وطن	آن شاعر شهیر و خدا جوی و پا رسا
آن مرد فاضلی که بهمتا دو پند سال	چون مه با وج عالم و ادب بود پر ضیا
آن مرد متقی که ز هر علم و فضل بود	پر بهره مند و فیض رسان بر شه و گدا
زین باغ شد چو بلبل طبعش گرفته دل	اما در سرس هوس گلشن بقا
در روز جمعه بیست و چهار ربیع دو	پوشید چشم خویش ز دیای غم فزا
بی گناه و پاک و طبع لطیف او	با قاریان عرش معلاست هم نو
چرازه الرحمتش ز قلم خواستم نوشت	(سبحان کد حبل بقاری جناب عطا)

۱۳۶۲ ه ق

#### مرقد میر حبیب الله

این قبر بقا سله چهار متر پائین از قبر قاری مرحوم در تانی صورت گرفته زیرا  
 و ثباتش در هشتم برج اسد ۱۳۳۵ بوده اما قبرش را پخته و بقدر یکیم متر از  
 تری پائین سنگ خشتی و بطور چوبو تره به پایه های خشت پخته جدید ساخته اند  
 و در آن را با هن چادر پوشانده اوجی سنگی بان تحریر و نصب کرده اند که  
 اثرش از جناب شائق جمال است و معرفی مرحوم را میدارد که اینک بعد از  
 پاره اول و کلامه طبعه عیناً آورده می شود :-

قنای کز گردش چرخ ستمگار	بحای آب خون از دیدگان رفته
عن از بیاد گرد و ن داغ داعم	که از جورش چها بر این ران رفته
کنون میر حبیب الله مرحوم	چو نور از پیش چشم دوستان رفته

### گنبد دوی تبیم

در وسط راه حضرت تمیم (رض) قرب سه‌الغ و متصل بمزار ساه بسارای است قدیمه و خورد و پخته کاری که دیوارهای آن رویخرا بیست، در بین گنبد یک، قبر و سر قریک صدوق سنگ مکعب، مستطیل که خیلی ریبا ساخته شده، میباشد بدیگر اطراف آن کلمه طینه و آیات قرآنی و بطرف پاچین، ساجه و راست: « تاریخ وفات هرزه دوی تبیم مغفوری، راز ابن مغفوری خو، جه سلام ابن مغفوری، خواجه احمد برکت سنه غازی جهان »

اگر چه از مضامون سنگ چیز صحیح معلوم نمیگردد لکن کدام پدیدگی و یا نقص دیگری هم در سنگ وجود ندارد که اشتباه رود و دهد، مگر بطریقه سنگت و گنبد اهمیت صاحب قبر معلوم داراست.

### مزار ملک الشعرای مرحوم قاری عبدالله خان

مرحوم یکی از اجله علمای باعمل و خدا جوی و صاحب دل ره‌شن و رفیق و چشم‌نور و در نظم و نثر فارسی استاد بود در سنه ۱۲۸۸ هـ ق در خاندانی که حفاظ و علما بودند پا بر صبه وجود گذاشت پدرش حافظ قطب الدین نام داشت، قاری پس از حفظ قرآن مجید به تحصیل علوم پرداخته و حسب ذوق بنزائاتی آغاز کرد و در علوم ادبی بیشتر توجه گماشت، در او ائیل هنگامی که اخای حضرت حبیب الله خان شهید هنوز پیا د شاهی نرسیده بود امام نماز پنجگانه اش بوده، ازان به بعد در زمره معامین وزارت جلیله معارف و طبفه تعلیم و تالیف کتب درسی را به عهده گرفت شرفیاب حرمین شریفین شده و حیطه استعلاقی را ریا می‌وشت، شهرت عالم و فضل و نظم و نثرش زود تر قوس صعودی خود را پیچوده در قطار سحروران معاصر امتیاز و استادیش مسام شد، در قصیده فتح کابل که طور مسا بقه طرح شده بود از همگان گوی سبقت رفته و به مرتبه ملک الشعرائی نائل گشت، آثار منظوم و منثور و برخی از تراجمش بطبع رسیده که اگر از هر یک آن نام ببریم بطول می‌انجامد.

یا لآخر بتاریخ روز جمعه ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۶۲ ساعت ۱۱ و پانزده دقیقه عالم فانی گردید و در مجله جوزا و سرطانی ۱۳۲۲ و سبله ۱۳۳۱ هـ ش آریانا و بعد آنهم چندین بار سوانح مفصلش در روزنامه‌ها و مجلات انتشار یافت.

هرید با اخلاص بی بی فاطمه  
( اعداد کلمه جان و ریاض جناب جا نمود ) را که جمع نمودم حاوی همان  
سنه ۱۲۷۳ میشود )

۳- ار مرید .

آه بی بی فاطمه رفت از جهان      با کمال عصمت و دین پروری  
داشت اندر فقر و تقوی شغل بس      بود رجوع زنا نش مهتری  
جان فدای جان محمد کرده بود      مر شدش بود آنجناب از سروری  
شامش یارب بروز حشر کن      حضرت زهرا که یابد برتری  
یکهزار بود و صد و هفتاد و پنج      بود کوشد زینجهان سرسری  
این را هدیه مرحومه عاتمه و شاعره هم بوده که بعقیده نگارنده دو چیز مثبت  
آن میشود

۱- در سنگ خوردی که بطرف پای بالای همین مرقد است چنین مرقوم میباشد :

«ارگفتار خود بی بی»

« خد او ندا زد ست نفس و شیطان      بعضیان روزگارم شد بیا یان »  
« کون در ماند و حیران و زارم      ز رحمت دستگیرم شو بغفران »  
۲- در یکی از یاد اشتهای قائمه مرحومه بی بی فاطمه معلومه بنیات که در صفحات  
مابعد از مشار البهایز یاد کردنی میباشم مرقوم است که این رباعی را بی بی فاطمه  
مریده ملاجان محمد شهید در تحریر طفلیک برادر خود ساخته :

طفلیکه چو جان خویشتن داشتمش      بل دوست تر از جان بیدن داشتمش  
پردش ز کنار من زمانه رفته خاک      ای خاک چنان دار که من داشتمش  
از اتفاقات در سنگی خورد بالای قبر طفلی در جوار مزار حضرت تمیم رض این  
رباعی را ندیدم اما ورق اندک در انظار آنها وجود دارد و لزوی سنگ هم  
معلوم می شود که نسبت زمان این مرحومه آن سنگ قدیمتر باشد پس واضح  
میگردد که در همان رباعی اصلاحاتی وارد نموده و اصلاحات مرحومه هم  
مثبت مقام عالی او در شعر شایسته شده میتواند، رباعی مندرجه سنگ این است:  
طفلیکه چو جان عزیزم داشتمش      یک لحظه چنان ز خود نمیداشتمش  
من پرورده ام و زمانه اش بر دیوار      ای خاک چنان دار که من داشتمش

ونگانه سید عالمی نسب بود      ز نسل و اعقاب آفتاب زمان رفت (۱)  
 مملکت جاودان زین دارفانی      چراغ روشن این خاندان رفت  
 ز پیرا سپدار بودش خلافت      طریق نقشندی را بجان رفت  
 بهر شصت آبروح بجا بست      براحت من زل باغ چنان رفت  
 هزار و سه صد و سی و پنج      که در برج اسدهشت از جهان رفت  
 تا بهی روح او حوشد و باشد      که فیضش بر تمامی مخلصان رفت  
 بشاقت هم عزیز و مهربان بود      چسازم آن رفیق مهربان رفت

### مزار ملا جان محمد شهید و دخاله اش

این دو مزار قریب باغ لطیف، متصل و طرف مشرق راه عام شهدای صالحین،  
 یک احاطه حور است در وسط احاطه دو قبر است که اول آن ارملاجان محمد  
 و تابی از بی بی فاطمه میباشد طوری که معروف است ملای موصوف از طبقه  
 علما و روحانیون ریاضیه ده و در یکی از غزوات که هات افعان با انگلیسی  
 نموده اند با جمعی از مریدان خود شامل بوده و بالاخره بشهادت رسیده و در اینجا  
 دفن شده آبادی مرارش از طرف همان مخلصه او شده که خود او نیز دو سال بعد  
 مرشد خود داعی اجل را الیک گفته و قرار و صیبتش زیر قدم مرشدش دفن شد  
 مضامین لوح پیرو مریده علاوه بر کلمه طیبه و آیات بینات قرآنی قرار ذیل است:  
 از خود مرشد:

جمیع زمان جان محمد ز دهر      برون رفت با ذکر و فکر و مسجد  
 تجرد سرشتی که در زندگی      بدانگونه بودی که گروئی نبود  
 به جز حق نمیدید سرو علین      بحق داشت پیوسته گفت و شنود  
 پیاپی نفس داشت سعی تمام      در اثبات حق بود و نفی و جرد  
 میسر رفت عمرش بصوم و صلاوة      بدی روز و شب در قیام و سجود  
 ز سال وفا تش چوپ-رمد کسی      تو گزیش بروح محمد (ص) درود  
 چون داد آنگاه با جان خود      بگمنا ریاض چنان جا نمود  
 -۱۲۷۳-

مراد از واعظ میر واعظ صاحب هانم معروف است که در مزارات گذر بارگاه  
 بد کر مختصر شان بر خواهد خورد، ناگفته نماند که فاصله چهار پنج متر دورتر  
 درین قبر یک قبری دارای طوغیست میگویند قیرید و میر واعظ مرحوم است

## مزار خلیفه قاری

اندکی دور تر از گنبد میرزا مهدی بالای قبری بزرگ صند و قی سنگی در ردی است  
بالای سر سنگ مذکور، خط من المصنوع در سن ۱۲۰۰ طبعیه تحریر شده و بدیگر  
طرف این بیت:

همیشه ندیدم در این مزار عبادی تیره

زیر خاک آمده این دیدم: بما چه نی

بدیگر اطراف هم نوشته ده امکان پریده است، بتلافی فوقانی است بحط  
کلمه طبعیه و بیت مذکور در حط و مقابله کرده شده.

«مرحوم معهور دایم غلام محمد قاری یکشنبه سیم ربیع الاول ۱۳۱۸» از خط  
و سینه مذکور معلوم میشود که در سنگ قدیمی، نام و سینه را در بالا نهشته اند

## مزار خلیفه نقشبندی

بفاصله ۴۰، ۵۰ قدم آسوده تقریباً در غلام محمد است که از خلفای سه فی صاحبان  
او ذلک عزیزی بوده و صاحب ریاضت ریاضیه و تائید و تائید آن فی حیات سرگرم طری  
مقصود محمد، روح هم خلافت حاصل کرده و تا آخر آن نفس حیات سرگرم طری  
طریق معرفت بود. صرف و همیشه از صاحب و کتاب و شیء منصرف و ریاضی هم  
داشت و دو کاتب ثناء ساز، سکناً پذیر و ده در سن ۱۳۶۰ هجری درگذشته، چون  
مرشد اول و نایب طریقه، در سن ۱۳۶۰ هجری درگذشته و بعد از وفات این شهرت را گرفته  
مزارش بدیوارهای خانه احاطه شده سنگ و نوشته ندارد.

## باغ لطیف

این باغ متصل طهر نالاحصه قدیمه کابل در آغاز عهدی صالحین از طرف کریل  
عبداللطیف خان بنیافته، کر نیل عبداللطیف خان ولد محمد و دخان (۱) رلد شیر محمد خان  
قوم مهند مسکونه قنعه شیر محمد خان (۲) سالیخ غزنوی و در بین برادران مردی  
متصب دوست و خوش معیشت و دارای رتبه کرنیلی و مشهور به کد نیل لطیف بود  
کر نیل لطیف در دهان جوانی و قتیکه امیر محمد افضل خان مدینه زبامارت نرسیده  
از طرف پدر خود امیر کر نیل دوست محمد خان مرمان فرمای کل صفحات ترکستان

(۱) در مجله سال ششم شماره هشتم آریا ما من تذکر منصور و نوری برادر کر نیل لطیف

از بن خاندان تذکر داده ام

(۲) قلعه مذکور موسوم بنام همان امیر محمد خان است که چند وی میباشد

### گنبد مشهور به میر مشهدی

در وهله اول که داخل شهدای صالحین میشویم اولین گنبدی که با ما منته کو ه  
بنظر می خورد گنبد خرا به ایست که سقف و دیوار سمت مغرب آن کامل نشراب  
و یکطرفش نیم خرا به بوده در وسط گنبد سنگیت صند وقی ، طرف  
فوقانی منقش، دیگر ا طرف تر بن با آیات قرآنی ، طرف پا این ابیات  
مرقوم است :

اختر برج حیا خورشید گرد و ن وقار

رفت چون خورشید سوی حامد و دیگر برنگست

سال تاریخ وفاتش شد عیان چون عقل گمت

شد نهان خورشید سال نصد و پنجا و هشت

در بیرون گنبد بسمت مشرق صند وق سنگ رتبه دار کلان موجود است سماع  
فوقانی منقش ، نوشته های دیگر اطراف پریده ، تحریری طرف پا یان پا : —  
« صاحب خا نزا ده زبیده بیگم بنت میررستمداری تاریخ ۹ جمادی الثانی ۱۰۰۰ که  
با تمام رسید لعنت خدا و رسول خراب کند ه گرفتار کما د»

بطرف مشرق قبرزید ه بیگم مذکوره دوا وح سنگ طویل کلان منقش ، ه .ام ر  
پشت و روی سنگها تما ما کنده و تراش شده که ممکن خرا زدن ایست ،  
بیکطرف سنگ پا یان پا به بسیار زحمت همیقند رخوا نده شد ه  
توانست :

تاریخ وفات میررستمداری

میر صا حب کمال دا نشمند

آن کـز و نـسـکـتـه قضا نـسـهـت

بودید ار چشم دانش او

آ خرا لا مر ز پر خا ک پشت

قراریان مجاور ، این قبر از میر مشهدی است و قبر میان گنبد خرا به از خانه  
نوشته های سنگ ظا هر میسازد که میررستمداری یکی از خانوادگان جایله بوده  
خودش یا عیال و اولادش در اینجا مدفونند .

## قبرستانی امیر محمد افضل خان

در قلعه حشمت خان (۱)

این قبرستانی در بین زمینهای نیست، که حالا زراعت میشود، قاعه و عمارت آن  
از بین رفته که جز دیوارهای خرابه چیز دیگر از آن باقی نمانده. خود مقبره بانداله  
دو فتنه از زمین باند و فروش سنگ مرمر است و کتاره های سنگی دارد، پیش  
رویش مسجیدی بود که حالا تنها محراب آن بادوسه دیوار از هم ریخته باقیمانده  
در این قبرستان قبور ذیل است.

۱ قبر خود امیر محمد افضل خان.

بالای این قبر یک سنگ صاف و بی نقاشی، کلان منقش است که اطراف آن  
دو مرتبه سنگ گرفته شده و بدین طریق در آن تحریر است -

هو الرحمن

در بغ و درد که هست از جهان بعالی - ام جان

شهریک که در همه شاهان بحود بداشت نظیر

یگانگی گوهر بارک زئی اثر - که بود

مهمین سال - نام آور امیر کبیر

امیر اکرم اعظم محمد افضل خان

که صیت نام بلندش بدرگشت شهر

خداش اجر چه جایی دهد که در همه عمر

زوی نبود کس آزرده از صبر و کرم

بچنگ بپا جل رفت خسروی که مدام

بزور بازوی تدبیر بست گردن شهر

شکست باد اجل که رچه بجل عرش را

و ای که نام نکو ماند زو بعالی - دیر

ز شوان نعمت او عام و خاص بهره بگرفت

مگر که طینت او ز آب فیض بود خیر

(۱) اگر چه این موضع نام قاعه حشمت خان شهرت نام دارد اما آنرا قلعه هم شمندهان

هم میگویند، عمارت آن که حاصر آن صورت قلعه که به نظر می آید از اواخر عصر امیر محمد افضل خان

مرحوم است.

و امیر عبدالرحمن خان پسر سرافسرو جنرال عسکری آنجا مقرر بود رتبه کپتانی داشت، بعد از فوت امیر کبیر مرحوم که اعلیٰ حضرت امیر شیرعلی خان پادشاه شد در اول عبد اللطیف خان در توپخانه خدمت کرد و بعد چندی کرنیل مقرر شده تا حین جلوس ضیاءالملک و الدین امیر عبدالرحمن خان به همین منصب میزیست. همینکه امیر عبدالرحمن خان بامارت رسید در آنجا کلازش عبدالقادر خان و عبد اللطیف خان و پسر بزرگش عبد اللطیف خان عبدالسلام خان را محسوس نمود که هر سه نفر یکی بعد دیگری از سنه ۱۳۰۶ هـ قی الی سنه ۱۳۰۸ در حبس بودند حیات نگفتند و در حوالی همین باغ دفن شده اند که حالا قبورشان مشخص نیست.

کرنیل اطیف خان گرچه طبعاً یکسره و قاضی در یافتن از صالح غرنی بود ولی در دور بار او کابل سکه نداشت که گذری با هم در کرنیل اطیف (تأحال مر سوم و مشهور است

کرنیل مرحوم این باغ را هنگام گریز از دستا حته که یکی از نمونه های ذوق و سلیقه و باغ مذکور منقسم به چند مرتبه باغ های مختلف داشت، از همه (دولاب) کلانی در حصه او این باغ را به ارثه حصص بود و تمام باغ را آبیاری میکرد ساخته مسجدی هم بنا کرد به دهه اول دهه اخیر دیگی مشهور و ریائی، مرکز بفریح مردم شهر از طرف عصر قرار گرفته بود و در آن بعضی ایامی بلبلها و حمام ها و ده بر دند که زبانزد مردم بود دهه اخیر از میان رفته است.

همو و شرش او، همو و کش کردن دو، بخدا باغ انقیاف است. گرچه بعد از فوتش بقوای این قبیل میرزا صاحب رح (سراشی) اکتفا صاحب نیست و برانیست (عمارش) باغ و صفائی ترتیب و زیاده آن به با در دست اما ناصر امیر حبیب الله خان شهید سنه ۱۳۳۷ هـ قی هم از دست آمد و در آن دهه آب میداد و فی الجمله بعضی مردم استفاده ترکاری از این باغهاش میکردند، عابرین از آبش و ضد ساخته در مسجدش اشای نه از میوه و دند ولی از آن به بعد رفته رفته ویران شد که حال تقریباً از ۱۶۰۱۵ سال است. مساحت قرار گرفته مگر قصا با اینکه از میدان کاره میگردند بترمیم مسجد آن نیز همت گماشته اند.

چون موضع معروف و آغاز شهدای صالحین بود باین مقدار شرح معرفی آن خود را مکلف ندیم.

۵ در سنگ قبر مرحوم سردار علام علی جان :  
 هر کس که در قلمرو ملک جهان بود  
 مد آن یقین که تیر قصار ایشان بود  
 نگرفت نام خویش کس از دهر بی ثبات  
 چندین هزار سال آگ-رکسایان بود  
 افسوس و صد دریغ که از صصر اجل  
 سر وی هگنده شد که نه در بوستان بود  
 ناکام و با مراد جوی که در جهان  
 بیار بهار و باغ جوانی عزایان بود  
 شهزاده جوان جوانی که ز غمش  
 جاری سر شک از رخ پیرو جوان بود  
 سردار نامدار غلام علی که خوش  
 از حسن حاق او دل حلق جهان بود  
 در حلم و در شجاعت و در جود و در سخا  
 کس همچو او ندیده که در این رهان بود  
 ابن ضیاء ملتود یسن آنکه خسروی  
 چو او ندیده اند در اعماقستان پیرو  
 او همچو تیر رفت ولی ما درش ز غم  
 همچون هلال لاغر و پشتش کمان بود  
 صد حیف از جوانی او که جهان پر رفت  
 هر کس شنید روز و شب او در فغان بود  
 جستم چو سال هجری شمسی ز پیر عقل  
 گفتا بگو (علام عالی در جهان بود)  
 ۱۳۰۰

چون سال هجری قمری خواستم بگفت  
 (والم نو جوان بر حمت حق شادمان بود)  
 ۱۳۳۹

ز به بعد ماتم آن شاه دل ز عیش بسکن

حساب سال و فاتش ز حشمت دران گیر

کتابه الحقیق میر عطاء محمد فوشنچی، عمل محمد زمان

بقرار جمله (ختم دران) که د مصرع اخیر ماده تازیخ تعیین شده سنه و وفات (۱۲۹۵) میشود (اگر دل ز عیش بکن) را ر نظر گرفته ده از ان کسر کنیم چندان در مصرع اول اینصورت تصریح نیست و باز هم عدد سنه فور را پوره نمیکنند. اما امیر همدوح در سپیده دم شب جمعه از ماه جمادی الثانی ۱۲۸۴ ه ق پس از یکسال و پنجاه و چند روز پادشاهی عمر ۵۴ بر و دحیات گفته و سراج التواریخ نیز مؤید آنست، گوینده شعر در استعراج ناریخ طریقه که باید مهارت تمام نداشته در تازیخ فوت که وصاحت داده شد انتباه می نیست. تحلیل

۲ در لوح فرار قبر و الله عما و الله الدین مرحوم مقور است .

و وفات مرحومه مغفوره علیین آراک، جناب عصمت باب و الله اجداد دنا ه میر و راعیه حضرت ضیا و الله باب میر عبدالرحمن باب بن مرحوم امیر محمد افضل خان بن مرحوم امیر دوست محمد خان در دیار کشائی محمد بابی بتاریخ یوم دوشنبه ۲۳ ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۰۳ از جهان فانیتهالی نمود اللهم اغفرهما، حسب الحکم شهزاده آزاده معارف پور و معین السلطه سردار عنایت الله خان فرزندار شد اعلی حضرت سراج الملک و الدین امیر حبیب الله خان پادشاه محبوب القلوب افغانستان ابن اعلی حضرت ضیا و الله الدین مرحوم بتاریخ سنه ۱۳۳۲ لوح سنگگ هذا کنده شد»

۳ در اوح بالای قبر حرم ضیا و الله الدین مرحوم تحریر است :

« وفات مرحومه مغفوره جنات آشیان حرم محترمه خاقان مغفوره اعلی حضرت ضیا و الله الدین امیر عبدالرحمن خان، و الله جنات مکان جناب عالی سردار غلام علی خان مرحوم، بتاریخ یوم پنجشنبه ۲۹ شعبان ۱۳۴۵ هجری مطابق ۱۵ حوت ۱۳۰۵ بدار بقاشافت.»

۴ در سنگگ قبر این مزار ابیات ذیل مر قوم است :

مغانکه سرو قد شاهزاده بیگم را	بوقت میوه سموم اجل نمود خزان
گللی بحاکم مذلت ل شاخ عزت ریخته	که شد گلاب غم از چشم روزگار روان
نهال نورس باغ امیر باتدبیر	مهرین سلاله افغان محمد افضل خان

۵ در سنگ قبر مر حوم سردار غلام علی خان :  
 هر کس که در قلمرو ملک جهان بود  
 میدان یقین که تیر قصا را نشان بود  
 نگرفت کام خویش کس از دهر بی ثبات  
 چندین هزار سال آگ-ر کسان بود  
 امسوس و صد دریغ که از صرصرا جل  
 سروی فگنده شد که نه در بوستان بود  
 ناکام و با مراد جوانیکه در جهان  
 بیار بهار و باع جوانی - زنان بود  
 شهزاده جوان جوانی که ز غش  
 جاری سر شک از رخ پیرو جوان بود  
 سردار نامه دار غلام علی که خوش  
 از حسن حاق او دل حلق جهان بود  
 در حلم و در شجاعت و در جود و در سخا  
 کس همچو او ندیده که در این زمان بود  
 این ضیاء ملت بود پس آنکه خسروی  
 چون او ندیده اند در افغانستان بود  
 او همچو تیر رفت و این ما درش ز غم  
 همچون هلال لاغر و پشتش کمان بود  
 صد حیف از جوانی او کز جهان بر رفت  
 هر کس شنید رو و شب او در فغان بود  
 جستم چو سال هجری شمسی ز پیر عقیل  
 گفتا بگو ( غلام علی در جهان بود )  
 ۱۳۰۰

چو ن سال هجری قمری خواستم بگفت  
 ( و آن نوجوان پر حمت حق شادمان بود )  
 ۱۳۳۹

ز بهمد ماتم آن شاه دل ز عیش بسکن

حساب سال وفاتش ز ختم دران گزیر

کتابه الحقیق میر عظام محمد فوشه جی، عمل محمد زمان

بقرار جمله (ختم دران) که در مصرع اخیر ماده تاریخ تعیین شده سه و فسات

(۱۲۹۵) میشود (اگر دل ز عیش بکن) را در نظر گرفته ده ران کسر کنیم چندان

در مصرع اول اینصورت تصریح نیست؛ باز هم عدد سنه فوت را به سه نمیکنند.

اما امیر ممدوح در سپیده دم شب جمعه از ماه جمادی الثانی ۱۲۸۴ هـ ق پس

از یکسال و پنجماه و چند روز، پادشاهی عمر ۵۴ در و در حیات گفته و سراج التواریخ

بیز مؤید آنست، گوینده شعر در سراج تاریخ طوری که باید مهارت تمام

داشته در تاریخ فوت که وصاحت داد شد اثبات می یست. خلیل

۲ در لوح فرار قبر والده سید و والده الدین مرحوم مقور است.

۱ وفات مرحومه مغیره علیین آزادکار، حساب عصمت ماب والده احواله پادشاه

میر و راعیه حضرت ضیاء المله و والده بن امیر عبدالرحمن خان بن مرحوم امیر

محمد افضل خان بن مرحوم امیر دوست محمد خان در تاریخ ۱۳۰۳ هـ ق انتقال نمود

تاریخ یوم دوشنبه ۲۳ ماه جمادی الثانی ۱۳۰۳ هـ ق در جهان فانی انتقال نمود

اللهم اغفرهما، حسب الحکم شهزاده آزاد و معارف پرور معین السلطنه سردار

عبایت الله خان فرزندار شد علیه حضرت سراج المله و والده بن امیر حبیب الله خان پادشاه

محبوب القلوب افغانستان ابن اعلی حضرت ضیاء المله و والده بن مرحوم بتاریخ

سنه ۱۳۳۲ لوح سنگگ هذا کنده شد

۳ در لوح بالای قبر حرم ضیاء المله و الدین مرحوم تحریر است:

۱ وفات مرحومه مغیره جنت آشیان حرم محترمه خاقان مغیره اعلی حضرت

ضیاء المله و الدین امیر عبدالرحمن خان، والده جنت مکان جناب عالی سردار

غلام علی خان مرحوم، بتاریخ یوم پنجشنبه ۲۹ شعبان ۱۳۴۵ هـ ق

مطابق ۱۵ حوت ۱۳۰۵ بدار بفاشافت.

۴ در سنگگ قبر این مزار ابیات ذیل مرقوم است:

فغان که سرو قد شاهزاده بیگم را      بوقت میوه سموم اهل نمود خزان

گللی بحالک مذلت ز شاخ عزت ریخت      که شد گلاب غم از چشم روزگار روان

نهال نورس باغ امیر با تاد پیر      مهین سلاله افغان محمد افضل خان

یازدهم شهر ذی قعدة الحرام سنه ١٣١٦ هجری بدار بقا شتافت اللهم غفرها، حسب الامر شهزاده اجل افخم جناب معین السلطنة سردار عنایت الله خان فرزند ارشد اعلی حضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان پادشاه ممالک افغانستان بن اعلی حضرت ضیاء الملة والدین مرحوم بتاريخ ١٣٣٢ لروح سنگ هدا ساخته شد ؛

٩ قبر محمد سلیمان پسر مرحوم سردار عبدالمجید خان پسر امیر حبیب الله خان شهید که از طرف مادر نواسه سردار علام علی خان فوق الذکر (٥) میشود و به آغاز جوانی در گذشته نیز درینجاست که تاریخش این است :

« زمیزان بود روز سیرد هم هزار رسته صد و بیست و چهارم  
١٣٢٤ ش = ١٣٦٤ ق »

١٠ یک قبر بودی است که بسیار ریبه ساخته شده و دارای این ابیات است :

چرا بر شاهزاده شمس الدین چان زمانه اینهمه ناهربان شد  
پی تاریخ اومه از میان رفت کسوف شمس در عالم عیان شد  
١٣٠٠

عدد ماه که ٤٦ میشود از عدد جماعه مصرع اخیر که ١٣٤٦ میشد، دبر آورده شده

### قبر و قرب و جوار قلعه حنمت خان

١ بالای نپه متصل قلعه حنمت خان که حال در زیر آن خانه های بسیار آباد شده بالای قبری سنگیست که در سر آن کلمه طینه واده میشود و دیگر اطرافش صفاست

و نوشته ندارد طرف پای چنین مرحوم است :

« تاریخ وفات مرحوم مغفور . . . یوسف ثانی . . . »

..... سنه ٥٨ ٩

٢ در بین یک چار دیواری قبرستانی در بین ان طبر چپو تروه پایه ها آهن پوش ساخته

شده دو قبر بزرگ در آن بنا یافته که یکی نوشته ندارد و یکی دیگر آن که نوشته دارد قبر حاجی عبدالحق تاجر ولد مرحوم عبدالعزیز خان حکیم میباشد که روز

جمعه ١٤ ذیحجه مطابق ١٢ جدی ١٣٢٠ ش بمهر ٦٢ وفات کرده .

دوبالای سر کلمه طیبه و در سنگ روی سینه آیه لکرتی شریف بحط ثلث مرقوم است  
و در آخر طرف پای :

«کان وفاته يوم خميس ٢٩ شهر رجب سنه ١٣٣٩ سن می و یک سالگی کتبه و نظمه  
شیخ محمد رضا»

کسانیکه این خط هر هند چهره دست را ندیده باشند از هدین سنگ هم  
دو سه نوع خط زبانش را مطالعه می توانند.

**٦** در لوح قدس سردار حفیظ الله خان :

«وفات مرحوم منور شهزاده رضوان وساده سردار حفیظ الله خان بن پادشاه  
مروارعا علیحضرت ضیاؤ المله و الدین امیر عبد الرحمن خان بن مرحوم امیر محمد  
افضل خان درانی بارک زائی بتاریخ یوم یکشنبه دوم ماه ربیع الثانی سنه ١٣١٣ جهان  
فانی را وداع نمود، حسب الحکم شهزاده جوانبخت معارف خواهمین السلطنه  
سردار عنایت الله خان فرزند ارشد اعلیحضرت سراج المله و الدین امیر حبیب  
الله خان بن مرحوم اعلیحضرت ضیاؤ المله و الدین بتاریخ سنه ١٣٣٢ لوح سنگ  
هذا کنده شد»

**٧** در لوح مرقده مرحومه بی بی مرواری :

«وفات مرحومه مغفورہ خلد آشیان علیا جناب بی بی مرواری حرم محترمه  
امیر کبیر مرحوم امیر محمد افضل خان مرحوم بن امیر دوست محمد خان درانی  
بارک زائی محمد زائی بتاریخ سنه ١٢٩٢ از جهان فانی را باقی شنافت، حسب الحکم  
شهزاده جوانبخت ترقی خواهمین السلطنه سردار عنایت الله خان فرزند ارشد  
اعلیحضرت سراج المله و الدین امیر حبیب الله خان بن مرحوم اعلیحضرت  
ضیاؤ المله و الدین بن مرحوم امیر محمد افضل خان بتاریخ سنه ١٣٣٢ لوح سنگ  
هذا ساخته شد»

**٨** در سنگ قبر، همشیره ضیاؤ المله و الدین مرحوم :

«وفات مرحومه مغفورہ حبت آشیان بی بی شاه بوو همشیره خاقان مغفور  
اعلیحضرت ضیاؤ المله و الدین امیر عبد الرحمن خان بن امیر محمد افضل خان  
بن مرحوم امیر دوست محمد خان درانی بارک زائی محمد زائی بتاریخ یوم یکشنبه

## آغاز جبه کهنه

### ۱ زیارت بابا چل گری

این زیارت در شروع شهدای صالحین در بلندی که دو طرف آن راه قرار گرفته قبری است تقریباً بطول چهل زرعه اکثر آنرا بانه چهل گزی مینامند و بعض لعل جبّه بلند کمال، برخی عقیده دارند که مزار اکثر شهدا که به چهل نفر میرسند در همین قبریکه چهل زرعه یا بیشتر خواهد بود به همین صورت قرار گرفته، بهر وجه مورد احترام مردم است، در فراز آن آثاری پیدا است که سابق ملحق به آن مسجد خورد هم بوده چراغدان و دیگر آثارش تاحال روشن است، در بن سه چهار سال در خود مزار و دیوارهای دو طرفه اش اندک مرمت کاری پذیرفته شده.

**۲ متصل دیوار خرابه قدیمه که بالای سر همین قبر طولانیست تقریباً سی سال میشود سه صندوق نما سنگ مکعب مستطیل از زیر خاک و گل برآورده شده که سنگ های خیلی خوشنما و باین ترتیب و عبارات میباشند.**

سنگ اول (از طرف معرب) بالای سر منقش، سطوح باقی اطراف منقش و مزین به آیات قرآنی، سطح طرف پا: بخط فارسی:

شهید خنجر عشقم بحوناب دل آلوده

بخاکم همچنان بر خون درآریدر مشوئیدم

بحط عربی: تاریخ وفات امیر علی قوری ابن قل علی ۹۱۰

سنگ دوم: سطح طرف سر منقش بوده و دوده شده، سطوح فوقانی و طرفین، مزین به آیات قرآنی، سطح جانب پا: تاریخ وفات امیر المرحوم المغفور امیر ابوالحسن قوری ابن امیر قل علی ..... سنه معلوم و اثری از ان دیده نشد:

سنگ سوم: طرف سر آیات قرآنی، دیگر اطراف منقش، طرف پا: تاریخ وفات المرحوم المغفور امیر علی یار ابن امیر المرحوم امیر علی قل سنه ۹۲۳ احتمال میرود هر سه با هم برادر بوده اند، در سنگ سوم که اسم پدر خلاف دو سنگ دیگر امیر علی قل آمده آلهم غالباً از طرف نویسنده سنگ شده باشد که در لوح سنگها اکثر حروف و کلمات را مقدم و مؤخر می نویسند و در آن زیبایی

خط و گنجایش عبارات و کلمات را ملحوظ مینمایند:

۳ نزدیک پاین قبرستانی بهمین طور قبرستان دیگرسیت که در ظهر گنبد خلیفه محمد اکبر صاحب میباشد و در آن دو قبر است یک قبر دارای سنگ صندوقی که بیکطرفش آیه الكرسي شریف و دیگر طرفش ابیات حاوی فوت عبدالجائق تاجر بحمای لکه دار بهمر ۷۷ در سنه ۱۳۶۳ میا شد .

۴ متصل به آن قبرستانی ساخته شده که مرحوم دوکتور محمد زبیر ولد محمد یوسف خان ولد رحیم داد خان قزم صافی که در ۲۷ حادی ۱۳۲۷ وفات کرد در آنجا مدفون است و سنگی هم بالای قبرش حاوی عبارت فوق نصیب است .

۵ نزدیک به آن قبری داخل همانطور چپو نره نسای خور د پستنگ متعین ساخته شد گیسست که بسم الله شریف و سورۃ الاحقاف بایک آیه مار که دیندر در آن درج و این عبارت مسطور است .

« عهد الرب خان ولد مرحوم دوکتور ملا ابوبکر خان نزاریخ ؟ فو سنه ۱۳۲۱  
 بهمر ۲۲ بمرض سل وفات کرده » .

## زیارت شاه طاووس

نزد یک بالاحصار زیر کوه از دیک بچهار ده معصوم در آخر سمت مشرقی شهر کامل در یک احاطه که (بعضی دیوارهای آن خراب شده) یک گنبد پخته کاری است، در میان گنبد و قبر (یکی کلان و دیگری حور) میباشدا لوح و کتیبه قرارند.

قرار بیان مجاور اسم شان شاه طهماسب خجندی ملقب به شاه طاووس است، در صحن احاطه چند نهال و گل بته است، متصل احاطه طرف مشرق یک مسجد نیز هست که ترمیم طلب شده.

سر دروازه احاطه سنگی نصب و بخط خوش نستعلیق در آن مرقوم است:

گداین حاجی رضا بودی نجف	نحوان صالح و مرد حایم
از پی تعمیر شاه طاووس مست	شد نجف، بحشا گناهش یا کریم
روز محشر جنتش بحشا زلف طاف	ده نجاتش یارب از نار ححیم
اوستا چون سگ نهاد بشهاد	گفت بسم الله الرحمن الرحیم
مسال تعمیرش یسی از آرزو	هر زمان جستم چو از طبع سلیم
سرزید حاجی عمر افرو دو گفت	شد بنای خوب از عهد قدیم

۱۲۳۶

معلوم میگردد که مسجد و احاطه را در ثانی نجف نام مذکور آباد کرده اما زیارت قدیمی است خطاط این کتیبه با رجوع خط زیبای، خود جحیم را با های هوز نوشته اما خطش نهایت خوب است

## قبر احمد علی خان رئیس اردو

در محادی طرف قبه زیارت شاه طاووس فراز بالا حوی قبرستان نیست که تقریباً از بیست سال باینطرف به صورت متن و شایسته سنگ کاری بها یافته، درین قبرستان خود رئیس مرحوم برادرش علی احمد خان و اولاده شان مدفونند، بالای یکی ازین قبور سنگی دارای تحریر و خودندارد نظر بمدفون رئیس اردو از خود وی تذکر داده میشود:-

احمد علی خان پسر کلان عبد الواحد خان ولد سردار محمد رفیق خان لودین

## زیارت چهارده معصوم

دو زیرکوه ما بین شهر کابل و بالا حصار واقع و دارای احاطه ایست که دیوارهای آن ویران شده ، در سمت جنوب احاطه عمارت نه دانه ارسسی منقسم بدو حصه است (پیش خانه و پس خانه) پیش خانه آن مسجد می باشد و پس خانه را پایه های پرندۀ نما ازین خانه نه دانه ارسسی تشخیص داده ، در وسط آن کتاره مشبک مشمن سر پوشیده گنبد نما قرار یافته ، در میان گنبد نمای مذکور سه صندوق نما سنگهای خورد پهلوی به پهلوی و در سطح فوقانی سنگ اول مرقوم است : صالح بن . . . . امام موسی کاظم . . . .

زند هر کس بغیر ارآل او ... برگردد شکسته بال او

در سطح فوقانی سنگ دوم : علی اصغر بن امام محمد باقر

بطرف فوقانی سنگ سوم . کلمه طیه ، سید جمال الله بن میران . . . .

در سمت مشرق عمارت مزبور چند خانه ویران و نیم آباد میباشد .

بر سر دوازده احاطه ، سنگی نصب و دران مرقوم است : «سته یک هزار و دوصد شصت و شش بود که ظهور ز زیارت مزار فیض آثار جناب سید علی اصغر معصوم بن امام محمد باقر و مزار فیض آثار جناب سید صالح بن امام موسی کاظم و مزار فیض آثار جمال الله بن میران بن محمد رضوان الله اجمعین ، با شاره معصومین ولی محمد بن کمال محمد قندهاری یک سقاخانه و یک چاه آب به نیاز اמהا و معصومین با تمام رسانده بهر نیت را که ساخته شده حقه عالی قدس گرداناد »

این زیارت که به نام نامی آن ذرات عالم در جات افتخار یافته از وی تاریخ و کتب ثبوتی ندارد سنگ سردر وازه که کاملاً سوا شده تاریخ بنای آن را روشن نمیسازد ، سنگ های صندوقی نما که تذکار یافت وقتاً که بروشنائی شمع و دقت تمام ملاحظه شد احتمال می رود که در سنگ های قدیمه این اسمای مبارک ثانیاً تحریر یافته باشد با آنهم چون نزد عوام شهرت نامی دارد چیزی گفته نمیشود

اما نا گفته نباید گذاشت که بعد از بنایی اول قرار شنیدگی یکفرار ز زنان که با این زیارت علاقه داشته نیز درینجا مصارف گزاف نموده یعنی دیوارهای احاطه را تماماً ترمیم کرده و باز آنهمه را چون گنج گرفته و بر سر چونه و گنج رنگ آمیزی و نقاشی خوبی کرده که حالا هم در دیوارهای باقیمانده طرف بیرون ، این اثر افتخار است .

## زیارت شاه شهید

این زیارت نزدیک به پل مستان و چمن حضوری واقعست که درین سال ها کارته جدیدی متصل به آن روی کار آمده و مشهور بکارته شاه شهید میباشد اسم صاحب مرار (شاه ابواسحاق ختلا نیست) که هو ایناجامی رح هم قصه از وی در سلسله الذهب خود می آرد . مشهور است که در یکی ارغزوات داخل پیکار بود در حدود ده افغانان حمله دشمن سرش را از تن جدا کرده و سرش در آنجا افتاد (که حالا در ده عرچک ده افغانان هم بنام وی زیارتیست و همه را عقیده بر آن است که سر همین شهید زرگوار است) و تش روان بوده درین حصه که حالا زیارتست مردم ملتفت شده گندم ببینید تن بیسر حگم میکند ، بعد از انفات مردم و گفتن این حمله تن هم بخاک افتاده و تاحال زیارتگاه خواص و عوام است (تفصیل درین باره تحت زیارت خواجه اسحاق هم خواهم نوشت زیرا این مرد و زیارت را همه کس یکی میداند) فعلا بالای زار سنگ و کتیبه نیست ، گنبدی عالی دارد ، دور قبر کناره چوبیست ، روی قبر چونه کاری میباشد که رنگ سنگ نما شده ، علاوه بر گنبد زیارت ، عمارت محصور ی بر ای مجاورین و غیره هم دارد ، باغچه و چیری زمین نیز متعلق زیارت است . در داخل گنبد ، عظیم الله خان (که در عصر سراجیه تر جمان انگلیسی و در دوره امانیه سفیر افغانی در ایتالیا بوده) و چند تن دیگر را در بن سالها دفن کرده اند در اهر و زیارت و باغچه اش اکثر مردم اعزه مدفونست .

بیرون گنبد مابین احاطه مقبره یک گنبد دیگر هم است که گنبد خواجه ها میگویند ، صاحب این مرقد و خواجه هائی که در سرای خواجه کوهدامن مدفون شان زیارت معروفست و نام آنموضع هم از نسبت آنها سرای خواجه شهرت یافته برادر اند و یا وابست قریب ؟ خواجه بابوی سرای خواجه را هم درین سالها به آنجا دفن کرده اند زیرا این خواجه های حاضره سرای خواجه خرد هارا از نژاد همین خواجهگان میدانند .

این زیارت خارج احاطه خود مسجدی هم داشته که در قدیم آبا دودرین نزدیکیها در پانهدام گداشته بود ، از هله السنه ۱۳۷۸ ه ق تقریباً پنجسال قبل مسجد مذکور

است که در عصر اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان مرحوم بنام و مقام رفیعہ میزیسته ، احمد علی خان از عصر ضیاء الملة و الدین شامل کار بوده و در عصر اعلیٰ حضرت امیر حبیب الله شهید هم با مورات بزرگ اشتغال داشته در عصر امان الله خان بعد از یک دوره کار هاو زیر مختار افغانی در جر می و در او اخر رئیس بلدیہ کابل مقرر بود ، در دوره محمد نادر شاه شهید هم اولاً معین وزارت دربار و باز چندی نائب الحکومه مزار شریف بود و آخر بحیث رئیس اردو وزارت دفاع ملی شمولیت داشت ، خود او و برادر و والده اش از مریدان حضرت ضیاء معصوم مجددی مشهور بحضرت صاحب چارباغ بوده اند .

با لاخر شام چارشنبه ۲۶ ذی حجه الحرام ۱۳۶۳ هـ ق بعمر ۶۳ بمرض سکتہ قلب و داع زندگی لموده بتجلیل تمام درینجا دفن شد .

### مزار قطب حیدر

این مزار در سمت جنوب بالا حصار واقع و از احاطه دوران معلوم میشود که سابق گنبد پخته کاری داشته که حال بعض دیوارهای آن باقی مانده و گنبد از بین رفته روی قبر صندله گرفته شده لوح سنگی ندارد و بمأخذی را جمع بحالاتش برنخوردیم چز همین شهرت از شخصیت او چیزی فهمیده نتوانستیم اما نزد عموم مزارش محترم و نامش گرامیست .

مزار شه شهید از سر به بنا کرد  
ز لطف حق حصو لش محسنین شد

چو سر ک-اری، نم-ود الله ردی  
هد:گ-ا رشر ام-یر الموم-مین شد

رساندش چون با تمام از سر سعی  
تو گوئی همچو فردوس سرین شد

پی تار یح چون ا رشا د فرمود  
سرا نحامش ز محجوب حزین شد

چو کرد او مشورت با عقل ناقص  
بگفتا با ظم رتاریخ این شد

(بتاریخ سنه یک هزار و یکصد و هشتاد و سه هجری بود که تمام شد سنه ۱۱۸۳)  
ملحق باین زیارت:

۱ قبریست تقریباً پنجصد قدم جا نب جنوب شاه شهید در بهاری چوی املاک  
متعلق زیارت شاه شهید دارای سنگ مکعب مستطیل که طرف بالای سرود یگر  
اطرافش مرین با آبات و آریست؛ طیف ای این عبارت مرقوم:

و تار یح وفات المرحومه الصفه ره دولت پست حواجه شعبان سنه ۹۲۵هـ

۲ قبریست تحمیداً سه صد قدم بهید بطرف مشرق زیارت مشهور ربیکه رار و یکک نام  
و صندوق سنگی بالای آنست که باسنمای ط ف پابهمه اطرافش اسمای داریتعالی  
مرقوم میباشد اما نام و تار یح در آن مرقوم نیست

پهل دختر مرحوم میرزا محمد عمر خان سرمشی سردار نصر الله خان نائب السلطنه  
 مرحوم که در حیات خود :  
 وصیت نموده که سازند مس - جلد  
 از و آنچه مانده است از جنس زیور  
 تعمیر حدید شده -

آبادی حاضر: زیارت در عصر احمد شاه بابای عازی صورت گرفته و سه سال  
 قبل اروفات آرد پادشاه ۱۱ می انجام پذیرفته که کتیبه سردر وازه مرقوم بسنگ  
 حاوی آنست و عیاً نقل میشود :

چو احمد شاه ، بر روی رهین شد ،  
 در راه - لیم طهر مس - بدست - بین شد  
 چو پادشاه را در ک - اباش بهب آورد  
 فلک - گنگ - گنگ که اقبالش فرین شد  
 بعصرش شیروزی - کجا حورند آب  
 که در عالم نهیش اینچو بین شد  
 به - را و - - - - - اف - - - - - زلزل  
 چو از راه غضب چو بر جبین شد  
 عد و بر رره چون آب به - شد  
 چو در رور بردن دل - کین شد  
 شرفار به - که دارد آستانش  
 مکان به - سسه - حاتم چو - ن شد

چو نور احمدی به - چهره دارد  
 از آن رودیق ده اسلام و دین شد  
 علام خاصه اش یاقوت خاں است  
 که به تعمیر مزارش یقین شد

چو در راه - گد - ردید سالک  
 د - مند به قصدش حل - حتم شد

حضرات کرام قدس الله ارواحهم پیش نهاد شاه ابدالی را چون نیازمندی تمام داشته قبول فرموده با فاعاستان تشریف در ماگردیدند ، خدمت ایشانرا طمع روان هم بوده گاهگاهی اگر توحه بنظمی میفرمودند در غایت عداوت ادا میفرمودند یک غزل شان در حمد ایراد نمود می آید :

ای خاوار و خمس حمد تو پیوسته بیانها	عاجر شد از حمد و ثنای تو زبا نها
از نام تو اندر صدف سینه توان یافت	دری که بود مخزن اسرار نهانها
گرد در اینمر حاه دریافتنش نیست	بیهوده درس تا ز خیا لند گما نها
بیچونی ذات تو که بگوید که بود چون	هر چند با مداست بو صف تو فعانها
ناید بزبان شمع از ذات قدیمت	ممکن نتوان یافت چو واجب به نشانها
آنیکه بخا و تنگ اسرار تو ره یافت	شد عیرت تو حید و اوش مهر ز بانها
از بسکه بود در هوس حمد و ثنایت	بیتاب تر از کدک ففیر است زبا نها

حضرت ایشان بمر مسنون رسیده در کابل بو صال حضرت داری مشرف شدند بتاریخ دوازدهم بمتابعت سید البشر (ص) سرور از نگر دیدند بیرون شهر کابل بر تپه مشرف بر چمن در دام پشته مر نجان شرقی بلد مدک و آسود بلد ، احمد خان نورزائی که از محاصران خاص ایشان بو د بنای مزار فیص آشار ایشان نمود و اعای حضرت تیمور شاه پادشاه درانی باغیکه قریب زارشان مسمی بگللاب باغ بوده در صرف مزار ایشان گذاشت ، ایوم مزار مبارک ایشان مرجع خلاقی است یزار و یتیمك ماده تاریخ وفات شان را چنین یافته اند :

هاتف از غریب نهره زد بدلم قطعه دوران برفت از عالم  
هفت فرزند از ایشان خلف شدند ، اکبر شان حضرت قدومه سالکین میان شاه بیگ (رح) بودند که مسند ارشاد حضرت ایشان به آنها تعاق داشت و از علوم ظاهری وطنی بهره کامل داشتند و در دیار یار کنند مسند ارشاد بوجود د یجودشان ، زین بوده و فرزندان دوم شان میان شاه نواز که صاحب ارشاد بودند و اکثر ایام حیات شان در بدخشان سپری گردید و در اواخر بخارا تشریف بردند و آنجا رحلت کردند پنج فرزند دیگر - رشاد میان علیم الله ، میان نعمت الله میان حرمت الله ، میان عباس ، میان الیاس اند که همه ایشان از علوم ظاهری و یاطنی حظی وافر داشتند

## زیارت حضرت جی صاحب

۱- این زیارت در سیاه سنگ (ملحق به کار ته شاه شهید حالیه) که اکنون هم مسجد و مجاور خایه دارد واقع است .

درین زیارت مزار خود حضرت جی صاحب و بعض مر بو طین شان و اکثر اعزه می باشد که اولاً به معرفی خود جناب با ستناد عمده المقامات مؤلفه حضرت شاه محمد فضل الله (رح) و تذکره نواری مؤلفه حضرت میان شاه نواز (رح) و ثانیاً بذکر مزار شان پرداخته ، بعداً از بعض مزارات دیگر هم تذکره میدهم .

### الف شخصیت موصوف

حضرت قطب الاقطاب و اقیانوس اسرار لی مع الله حضرت شاه عزت الله قدس سره مشهور به حضرت تعجی صاحب سیاه سنگ کابل ، ورز ندخامس حضرت غوث الاحیاب سرمست باده مکتوم حضرت شاه غلام محمد معصوم قدس سره لاقدر سر در او آخر قرن ۱۱ هجری در شهر سر هند جنت مانند تولد گردیده علوم ظاهری را در مدرسه مجدد اعظم که از مدارس بزرگ دارالارشاد سر هند بوده فرا هم گرفته و تحصیل معارف باطنی را طبق معمولات طریقه عالیّه مجدیّه از والد ماجد خویش و برادر بزرگ شان حضرت قطب الارشاد حضرت شاه علام محمد رحمة الله علیه حاصل نموده بر لایت خاصه محمدی شرف گردیده و باعلی درجات کمال فائز شده بودند ، جهانی ارایشان منور شده معامله ارشاد شان عالمگیر بود و خلفای شان طرق جاری دارند خدمت ایشان بر اساس مصطلحات حضرت صوفیه مرتبه مداریت داشتند ، سخا و کرم شان منت بر اهل زمانه نهاده بوده ، همت عالی شان بنوعی بود که دنیا و مافیها در نظر شان حکم متاع غرور داشت اگر باقرض تمام دنیا بایشان تعلق میداشت آنرا بیک کس میدادند هنوز از عطای خویش محجوب میبودند ، در جهاد نانک پرستان که در اود هیانه در زمان محمد شاه ثانی واقع گردید شرکت هر موده در اعلای کلمه **لا اله الا الله** و اضمحلال آن باطل پرستان سهم با رزی گرفتند و از طرف والد ماجد خویش ملقب بناصر الدین گردیدند ، و از زمانیکه اعلی حضرت احمد شاه غازی ابدالی بسر هند شریف رسید حضرت ایشان را باد و برادر شان حضرت قطب الارشاد شاه علام محمد رحمة الله علیه و حضرت قهرم جهان شاه صدیقی الله قدس سره به آمدن افغانستان دعوت نمودند چنانچه

..... شده زو یاد گارد در عالم  
یا الهی بدارش بهمان حق اصحاب سرور عالم  
هاتف غیب نعره زد به دلسم قطب دوران بر فت از عالم  
سنه رحلت در کتب تصریح نشده و درین در لوح هم بعد دمر قوم نیافته اما ماده  
تاریخ سنگ اول را که سجیدیم بد یقرار شد :

اعداد جمله داد داد ۱۸  
} سنه ۱۲۰۶  
تمام مصرع دوم ۱۱۸۸

ماده تاریخ سنگ دوم را که مراد همان یک مصرع اخیر است که سجیدم  
۱۲۰۳ شد .

چون درین ماده تاریخ این دو سنگ سه سال فرق موجود است بصورت یقین  
گفته نمی توانیم که کدام آن صحیح است اما جای شک نیست که در همین سنوات  
است بمادرین تاریخ وفات شاهانی را که در عصر ایشان بوده و در کتب مذکور است  
در اینجا می نویسم :

۱- وفات علیحضرت شاه شاهابا در سنه ۱۱۸۶

۲- تیه و ر شاه ۱۲۰۷

عظربه سنوات وفات این در پادشاه هم مصر و کتبه های فوق الذکر مسلماً یا در  
سنه ۱۲۰۶ و یا در سنه ۱۲۰۳ بوده است و همین سنوات از مضمون بالا که ولادت  
و احوال و احقرن ۱۱ تذکر داده نیز شوت می پیوند د .

۳- قبری است زیر پای مرقد حضرت تجی صاحب که قرار شرح کتب بوضاحت معلوم  
است که قبر احمدخان نورانیست اما الوحی ندارد .

۴- طرف غرب مرقد، قبر علام عمر جان پسر سوم حضرت میان عبدالباقی صاحب  
برادر زاده حضرت تجی صاحب پسر شاه صفی الله صاحب است که لوحی ندارد دفعتاً  
لوح دومین خود حضرت تجی صاحب بالای بروی گذاشته شده .

۵- بطرف غرب قبر بالا، قبر حضرت مختار جان نواده حضرت ضحیا معصوم  
مجددی مشهور به ( حضرت صاحب چادر باغ ) متوفای ۱۳۳۷ هـ ق میباشد که  
حوکایل وفات نموده و بخواهش اعمام و برادرانش قطعه انشاد نمودم و بخامه  
خود در سطح فوقانی سنگ مزارش که از بهترین سنگها بصورت خوبی ساخته  
شده با جمله شریفه و کلمه طیبه نوشته ام که قطعه مذکور این است :

ب: صورت مزار و کتیبه های آن

مزار مبارک در وسط احاطه زیارت واقع است و سنگها که در بالای مزار است سه مرتبه دارد در سطح بالای سنگ همیقد رمرقوم است و زیارت مبارک شاه عزت الله صاحب مجددی، اقب به حضرت نجی صاحب ولاکن این سنگ را مخلصی در همین پنج شش سال در فابریکه حجاری و نجاری کابل ساخته ، لوح سنگ قدیمه اش شکسته و حاضر آ دو پارچه آن موجود و بالای سر نصب است و این اشعار در آن رمرقوم :

عزت الله - مرشد کامل نما زند

دستگیر عا جزان و ان رهبر صدق و صفا

در طریقت پیر و او کز ر منزل نما ند

بسکه خوان لنگر او بود دائم رو یسکار

قا امید اردر گه او هیچگه سا ئل نما ند

شیوه او را داو ؟ بودی هم آغوش سپهر

یکقدم زین بحر گاهی جاب ساحل نما ند

در قبوض و بسط امر معرفت مکشوف بود

پیش عام اوشنیدم نکته مشکل نما ند

.....

.....

جستم این جاهز ز هائف سال فوت آ ولی

در زمان فکری به پیش عقل او هائل نما ند

در جرابم ناله بر پا کرد گفتا داد داد

حیف مثل وی بکابل دیگر اهل دل نمافد

این لوحه . . . . . در سنه ۱۲۱۶ کرد مهر علیخان میر آخور ،

لوح دیگری که در آنهم شکستگی روداده و بالای قبر دیگر بست بقراریکه در فوق

تحریر یافت از مضمون کتب واضح میگردد که آنهم از مزار خود شان است

این ابیات در آن رمرقوم است :

### مرقد نائب سالار عبدالوکیل خان

مرحوم درسنه ۱۲۵۴ هـ ش در قریه ک-انتوای نورستان تولد شده ، در عصر ضیاوالماقوالدین بر تبه جیدن داخل عسکری شده و در عصر امیر حبیب الله خان شهید بر تبه کنند ک-مشری و غنند مشری رسیده و بعد آن درسنه ۱۲۹۷ هـ ش بر تبه جرنیلی و درسنه ۱۲۹۹ بر تبه فرقه مشری و درسنه ۱۳۰۴ هـ ش بر تبه ل-ائب سالاری تر فیح کرده و بعد خدمات برجسته و اخلاصانها شده بود ، درسنه ۱۳۰۸ هـ ش از خدمت و ر اعلی حضرت محمد نادر شاه شهید بهمان ر تبه عزت قرار حاصل کرده و خدمات لا ثقه بطهور رسانده در عین وظیفه بتاريخ ۱۴ اسد ۱۳۰۹ در منطقه باغ عارق کوه دامن بدرجه شهادت نائل شده و نسبت قدر دانی از خدمات صادق در مقبره خاندان سلطنتی در تبه مرادخان بذاك سپرده شد و بهاس قدر از خدماتش آمده یادگاری در حصه دهم رنگ (بریکرت) بنا-ش بها یافت .

### زیارت خواجه ظهیر ، خواجه خورد مکی ، ضیاوالدین محمد

قبور این هر سه بزرگوار در باندی متصل سرک و مسجد و دکانها و جوی قریه بینی حصار واقع است :-

#### ۱ خواجه ظهیر ده اوحی سنگی بالای سرش نصب است و به-کطرف آن کلمه

طیبه مرقوم و بطرف دیگرش این عبارت . « تاریخ وفات حضرت خواجه ظهیر :

گفت باهم نفسان خ-واجه ظهیر	بعد مردان اگرم ی-ا د-ک-نید
هر یسک از فاتحه تا اخلاص	هر نفس روح م-را شا د-ک-نید
خواستم سهال د-ا-انش گ-منا	دم آ-ح-ر . . . ی-ا د-ک-نید »

لوح دیگری بطرف باهم دارد که این ابیات دران مرقوم است :

ای هم نفسان ه-لاک میباید شد زین واقع درد ناك میباید شد  
تاریخ وفات خواجه از روی ادب خوش گمت خورد که (خاک میباید شد)  
بحساب جمل جمله (خاک میباید شد ۹۹۲) میشود اما در سنگ عددی مرقوم نبود .

#### ۲ خواجه خورد . اوحی بالای سر دارد کدشکسته و چیزی از ان استنباط نمی شود

در لوحیکه که بطرف پایش میباشد چنین مسطور است :

« هذا مرقد المرشد الکامل العالم العامل الفاضل المفضل کاشف الحائق و مظهر  
الدقائق الواصل الی جوار الملک الکبرکی مولنا خورد المکی سنه ۹۷۰ هـ »

صاحب تقوی و دانش حضرت مختار جان  
 عارف حقانی و زاهد مجدد پیغمندان  
 زاده شهزاده جان پور ضیا معصوم کو  
 بود پیر کامل و صاحب تصرف در زمان  
 با حیا و با ذکاء و با خد او با سخا  
 با وفا و با صفا ، روشندل و روشن روانه  
 با همه اعمال نیک و جماعه اوصاف بزرگ  
 با همه حسن سلوک و با دل آئینه سان  
 چارم ماه صیام آخر بسن سی و هفت  
 ناگهانی شد روان سوی بهشت جاودان  
 گشت اولاد و عیال و از خود و بیگانه را  
 در عمش از چشمه های چشم جوی خون روان  
 یا الهی از طفیل رحمة الاله المبین  
 مرغ روحش را بیاباغ قدس بخشا آشفانه  
 ز در قم سال وفاتش در جمل کلاک خلیل  
 (یارب ار جودت عطا فرما بوی حادر جنان)  
 ۱۳۶۵ ه ق

۵ قبر دیگری موسوم به خواجه محمد پارسای مجددی پسر شاه عبدالرحمن اصفهانی  
 حضرت شاه بیگ بزرگترین فرزند حضرت تجی صاحب است اوحی ندارد .

۶ قبر محمد نعیم خان نائب سالار است از سنگ آن نمایان میشود که بعمر ۸۰ بتاریخ  
 ۱۰ صفر ۱۳۶۰ وفات کرده .

۷ قبر محمد رحیم مهمندی است که ۳۷ سال به آستان حضرت تجی صاحب خدمت نموده  
 بالاخره بعمر ۹۲ در سنه ۱۳۰۳ ش فوت کرده .

۸ قبر مرحوم سکندر خان ابن پسر دل خان لویناب هم در اینجا است و به سنگ خوردی ، نامش  
 در ان ارقام یافته علاوه برین قبور زیادی در خود احاطه زیارت و پیروی احاطه  
 است که به همجواری حضرت تجی صاحب افتخار آمدفن گزیده اند ، خدایتعالی  
 گناهان همه شانرا به رحمت خود عفو فرماید .

خواجہ دین فضیل و اصل حق شد زو تیا چو در بہشت بہ رین  
و حلتش هست (عارف سر مست) نیز فرما (فضیل و اصل دین)

۱۱۱۱

۱۱۱۱

یاز فرما (مکرم اختیار ۱۱۱۲) سال نہار یخ آتشہ حق پیہن

### قبرستان اطباء

در سمت شمال پائین تپہ مرلجان مقبرہ اطباء معروف کابل است، درین مقبرہ  
تنہا قبر میرزا عبدالواسع خان اوجی دارد کہ آنہم بواسطہ خامہ بودن در زمین  
غرور فتنہ، برای خواندن و سواد برداشتن از زیر کشیدہ و بار بجایش گذاشتہ  
این سنگ بصورت محرابیست در قسمت فوقانی آن ضرورتاً از آیات بینات  
قرآنی و روز و ماہ و سال وفات مند رح بودہ کہ متأسفانہ حک شدہ تنہا یوم جمعہ  
حرا دیدہ میشود، باقی آیات کتبہ است کہ سواد شد، اما مناسب دیدم از دیگر  
اطباء شہیر مدفونین این مدفن ہم نام برد، و مختصر<sup>۲</sup> بذکرشان پرداختہ و در  
ذیل نام این مرحوم کتبہ اش را ہم نقل نمایم .

قبر اشخاص ذیل در بنجاست

**۱** میرزا علی محمد خان متخلص عاجز ابن پیر محمد خان کہ طبیب اعلیٰ حضرت  
قیمور شاہ بودہ و علاوہ بر طبابت در اقسام شعر بدلولی داشتہ و دیوان جامع و صمیم  
لقر خود بیادگار گذاشہ ،  
از وی دو پسر یکی میرزا عبدالواسع خان و یکی میرزا عبدالقادر خان و سہ صبیہ  
ماندہ بود

**۲** میرزا عبدالواسع خان متخلص واسع پسر موصوف طبیب اعلیٰ حضرت امیر کبیر  
ہوست محمد خان و اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان بودہ یک پسر و یک دختر  
بود یوانی بحجم ۱۴۹ صفحہ ہر صفحہ ۱۲ سطر بار سالہ در فن طب از وی مانده  
و در آخر دیوان غزلیات، ترجیع بند طولانی ہم در ۱۸ صفحہ دارد کہ بیست  
ترجیع آن اینی است :-

فما اقل واحد و احد صمد لم یلد و لم یولد

۴ ضیاءالدین محمد . کتیبه که در لوح سنگی بالای سراسر است چنین میباید شد :

« ضیاء الدین محمد خواجه روشنه میرما  
که مردم خاک راهش را بجای روبرو میبرد »

ازین دنیا ی فانی چون رخ ... نهضت آخر

خرد تاریخ فوتش را (ضیاء الدین محمد) گفت

قدوق وفات المرحوم المعفور المبرور المذکور فی شهر رمضان المبارک  
سنه ۹۹۵ « کلمه (ضیاء الدین محمد) که هم اسم جناب است و هم در بیت مذکور  
ماده تاریخ قرار گرفته نیز منضمین عدد (۹۹۵) میشود .

### زیارت و حی صاعب

این زیارت در قریه بینی حصار بطرف غرب سرك عومی و دکانهای پهلوی جوی  
واقع و دارای شهرت و علامات روشن است دور قبر کتار : چوبی و احاطه مقبره  
( که چند قبر دیگر هم نمودار است ) دیوار خاکی دارد ، احاطه مذکور تخمیناً  
۱۰×۱۰ متر میباشد دولوح دارد در لوح طرف سر کلمه طیبه و نقوش است

در لوح طرف با این عبارت مرقوم « تاریخ ..... خواجه محمد ... حی

شد خواجه و حی آنشه دین ارعالم جـ سـم سوی جانان

آن ختم سختوران خوشگویی دال پیـشرو طریق عرفان

پـرتـاریـخ سال فوتش شد عقل ضعیف من شستا بان

درگوش دلم زعالم عیب یا پـاک ضمیر گفـتـر ضـوان

عدد جمله (یا پاک ضمیر) بحساب جمل (۱۰۸۴) میشود .

در کتاب خزینه الاصفیاء مسطور است : « اسم شان خواجه محمد فضیل قـا دری

نوشاهی که از اعظم احباب حاجی محمد شاه است و در کابل سکونت داشته بهجهت

کسب معرفت وارد هند شده چندی بنوکری عالمگیر اشتغال نمود ، بعد از آنکه

ترك علاق کرد شرف مریدی حضرت نوشاه را حاصل نمود ، سوز و گداز ،

وجد و شوق ، جذب و ذوق بهمرسانیده پس از تحصیل شرف خلافت بوطن

مراجعت کرد ، در کابل ملقب بو حی بوده از خرق عادت و کمالاتش تفصیلاتی

خاذه وفاتش را باقوال صحیح در سال (۱۱۱۱) یا (۱۱۱۲) تصریح و ابیات ذیل

را ذکر نموده :

طیب بود و در زمان خودها از اطبای نام و شهرت لیک بود و همه در همیشه دهن اند الامیرزا عبداللطیف خان که در شهدای صالحین در حصه بلندی راه زیارت حضرت تمیم رض مقابل خانه سادات و مرقد قاری ملک الشعرا در پهلوی دختر خود مدفون است و بالای مرقد دخترش لوحی مرقوم بشعر این ناچیز است .

منجمله میرزا عبدالرشید خان طبع شعر هم داشته و رشید تخلص میکرد و در ساختن قصیده و ابیهدی سردار عبدالله جان ابن امیر شیرعلی خان نیز سهیم بوده و کتیبه لوح زار میرزا عبدالواسع خان هم از طبع اوست . میرزا عبداللطیف خان هم علاقه مهرط بشعر داشته و عواض تخلص میکرد اما بر حسب اتفاق گاهگاه اندک شعری میسرود

**۶** میرزا محمد ابراهیم خان از اطبای حاذق و سرآمد زمان خود بوده و لوا ده دختری عاجز مرحوم میشد در عهد امیر عبدالرحمن خان و امیر حبیب الله خان شهید خدمت طبابت خاندان شاهی و عیره را انجام میداد ،

و علاوه بر مهارتی که در فن طبابت داشت بشعر هم ذی علاقه بود و اشعاری در فارسی و عربی دارد و امروز هم اولادش از طبابت و شاعری بهره وای دارند

#### معلومات مدفونین این مقبره قرار فوق است

نا گفته نماند که در عصر سراجیه و امانیه یکی از اطبای معروف مولوی محمد اکبر خان طیب بوده که از دسترس کافی بفن و حسن اخلاق با تمام طبقات محشور و بهمه چاه مشهور بود ، ولی از این خانوادہ نبود بلکه پسر خلیفه محمد امین صاحب بود که مقبره شان در زیر خواجه صفاست و خود موصوف بحررض و باعد استالف داعی اجل را لیک گفته و در همانجا دفن شده است لزوماً با این توصیح پرداخته شد

سواد کنبیه لوح مزارش

آنکه از من یوتی الحکمة خدایش برگزید  
بر حکیمان زمانه در همه روی زمین  
رایهش افراشت در عالم بعلم معرفت  
کرد از علم گمانش فائز علم الیقین  
گشت چون علم الیقینش حاصل از امداد حق  
شد منور دیده اش از سر مه عین الیقین  
شد چو از علم الیقینش کحل مازاع البصر  
دل گرفت از عالم و پیوست با حق الیقین  
گر زمانه خون خون بگرید در وراقش میسزد  
که ازاده مادر ایام فرزندی چنین  
سال مولودش (غلام واسع) عبدالواسعش  
اسم محضه بود باد واسعش یار و قرین

۱۲۰۸

سال هوش را زیر عقل میجستم رشید  
باعان در دنیا و ناله زار و حزین  
هانف عیبی فکند از سلم سر آنگاه گفتم  
جست فردوس باد جای او تا بوم دین

۱۲۸۳ هـ ق

۳ میرزا عبدالنادر خان پسر دومین میرزا لعل محمد خان، وی طبیب امیر محمد انصبل خان  
بوده و از وی چهار پسر میرزا عبدالواحد خان، میرزا عبدالفتاح خان، میرزا عبدالسیح خان  
میرزا عبدالغنی خان مانده بودند.

۴ همین هر چهار پسر موصوف طبیب نامی عصر خود را بوده در عهد ضیاء المآل و الدین  
امیر عبدالرحمن خان و سراج المله و الدین امیر حبیب الله خان شهید و بعد از آنهم  
تأخیریکه طب یونانی رائج بود طبیب حضور شاهان و مالک مردم و طربوده  
بنام نیک طو زلدگانی نموده یکی بعد دیگری درین محوطه بحال سپرد شده اند  
که منجمله چند بیت از قطعه مرحوم قاری عبدالله خان مالک اشعار که تاریخ  
وفات میرزا عبدالنهی خان است آورده میشود.

مسیحای زمان عبد النبی خان  
که نام او به نیکو بر زبان روست  
چو از هشتاد افزون زندگی کرد  
نگوئی نقد عمرش را یگان رفت  
بساط طب یونان در نوشتند  
چو ازین این طبیب مهمان روست  
خودش شادان و خرم رفت ایکن  
ز مرگش محشری بر حاندان روست  
بایل جمعه سوم از محرم  
هزار و سه صد شصت از جهان روست

۱ میرزا عبدالرشید خان و میرزا عبدالسمیع خان این دو نفر طبیب پسران یک دختری  
و میرزا عبدالشکور خان و میرزا عبدالصمد خان پسران دیگر دختر عاجز مرحوم  
بودند که یکی شان میرزا عبدالقدوس خان و از دیگر شان میرزا عبداللطیف خان

بیک گوانه نوپ آتش فشان شد  
تن رنگ نسرین اوار خوانی  
بعین جوانی چو شد کشته ناگه  
بناروح گفتم (دریغ جوانی)

۱۲۸۳

سنگ مذکور، از بین رفته و حالا وجود ندارد

زیارت مشہور بہ سید محمود

این زیارت را برادر سید مهدی آتش نفس پیدا کند و متصل است بطرف شمالی قلعه جنگی

بالای قبر یکه قسرا از اظهار مردم محبوب بخدا و است یکتا اسوح کـ لـان  
مکعب مستطیل میباشد که در سطح فوقانی آن کلمه طیبه . بالا سر و طرف دیگر  
آیه الکرسی و دیگر آیات شریفه و طرف پا چین مرهم است .  
« وفات امیرال . . . فی ای بیرابن احمد یکتا . . . بخ نهد و چهل و چهار  
از هجرت »

په‌لوی فرموده‌م‌فرد دیگر یست‌که در اطر اف‌روح‌سنگ‌م‌عجب‌مستطیل  
بالای‌قدر، آیات‌ش‌ریخته‌قرآنی‌و‌طرف‌پا‌چین‌م‌روم‌است .

[illegible]

ویانیت وی، بی، مامو،

ان ربه ان يسهل لي مشروعي ، سائلة فريضة هو دم ميسر يسى ما هو مست واقع  
ميشاد قمرى چار سيوارده خاينى مضطرت ارج سنگدار در ايرانيا مردم  
موصوفه دهمش و عبيد مهدي آتش نفس است .

خیراجہ حضور

این زیارت در سبب جوهر قر - سیر سی ماهره . واقع است با لای فیرواح سنگ  
مکعب مستطی است . و در ظاهر و آیات قرآنی عز و طرف با چین مرقوم

اسمیت : دیخو ورتو ..... ان اسی .. قتل ...

## زیارت سید مهدی آتش نقش

این زیارت را حالا میدان طیاره احاطه کرده در خود زیارت یک لوح سنگ شکسته دیده شد که آیات بابر که ت قر آنسی دران مسطور است تاریخ و اسمی دران مذکور نیست اما در جوار زیارت بیرون از سردابه سنگی بصورت صندوقی به بسیار نقش و نگار زیبار تبه دار ساخته شده بطرف بالای سر کله طیه و بدو طرف دیگر آیه الکرسی شریف مرقوم و همه اطراف آن بنقش های بسیار نفیس و آونگون آراسته و بطرف پای این عبارت مرقوم است :

« در تاریخ ۹۴۷ جناب مغفرت ماب محمدی بن سیدخواجه خیر الله ذلوا بهما از دار فنا رحلت نمود »

غالباً گمان می رود این سنگ از مزار خود سید مهدی (رح) باشد که اصل اسم محمدی بوده و شهرت مهدی گرفته باشد زیرا دلیلی ندارد که این زیارت باین شهرت و احراز مقام روحی که در بین مردم دارد سنگی نداشته باشد و مزار دیگری در آنجا دارای چنین سنگ باشد علاوه بر آن زیارت دیگری که به اسم سید محمود است هم او را برادر این میدانند در اینجا هم احتمال می رود که نام یک برادر محمد و از دیگر محمود بوده باشد ؟ اما این حرف حدسی است .

طوری که مشهور است جناب شان مدتها در هند بسر برد و در عر فای آنجا محصوراً طریقه چشتیه کسب فیوض کرده و بار بوطن مراجعه نموده در گذر شور با زار حایه سکنا پذیر شد . مخلصان مسجد هم در جوار قامتگاهش ساختند که تا حال بنام مسجد سید مهدی شهرت دارد کنار مشکک حجری هزار حضرت امیر خسرو را در دهلی را بنیة محاصانه اش میدانند

از برکات انفاس شان خصوصاً دوباره اطفال سخن بسیار است چه آنچه اطفال که دوچار کبود سرفه میشوند به زان شان میزنند و از حدای تعالی صحت شانرا ببرکت نفس ایش ان درخواست میکنند و موثره افع میشود .

قبر سردار فیض محمد خان بن امیر کبر که در محاذرة بسا صیوا الحمله والذین در سلطت امیر محمد افضل خان در حصه پنجشیر بضر بگلونه توپ کشته شد در اینجا بود و این ابیات در آن منقور :

در همین مدفن دو تن دیگر را نیز مشاهده می‌کنیم و این دو تن نیز در این مدفن مدفونند.  
 در این محوطات دراز و پهن، زیرا که حالتی است که در این شهرت و اطهار  
 مردم را فرقی است.

#### مزار حاجی قلندر

این مزار در جنوب شرقی از مزار حاجی قلندر، طول آن ۷ متر و عرض آن سه متر و در این مزار گنجینه‌های زیادی دارد و با لایه‌های قدیمی و دیگر  
 کدام لوح و هر قدر که بخواهیم دیدار وجود ندارد. اما با لایه‌های سر قبر یک چراغ حانه  
 محرابی تعبیر شده است در پایان تپه مذکور مقابل مدفن حاجی قلندر بمسافت  
 تقریباً دو صد قدم مسافت و احاطه محصری می‌باشد. چند قبر و چند درخت  
 و گل به هم در احاطه دیده شد. قبر یکی در دهن دروازه احاطه است  
 (قرار اطهار مردم) قبر خانیقه حاجی قلندر است.

در واسطه طرف جنوبی تپه رانجان (بیک مقبره عام از یک سرک و لوح سنگ  
 و کتب مستطیل دیده شد که در بالای آن یکی آن مرقوم است «تاریخ وفات مرحومی  
 خواجہ محمد زرین بن خواجه عبدالمؤمن سردیوان سنه ۹۹۳» بطرف یمن  
 و پسر آیه الکرمه سی شریف مرقوم می‌باشد.

در سنگ دیگر بالای سر کلمه طیبه و بد بگرا طراف آیات مبارکه قرآنی مرقوم  
 است و بواسطه شکستگی و پیری نام و سنه از آن معلوم نشد.

#### مزار خلیفه جی شهید

طرف مشرقی سرک عام متصل بازاری بی ماهر و قبر است که بخلیفه جی شهید  
 شهرت دارد مردم خیلی بوی معتقدند اما لوح و سنگی ندارد و جز همین شهرت  
 نزد مردم نیز کدام معلومات راجع بوی نیست.

#### مزار میر سید علی سر مست

در مابین بارکهای میدان طیاره مزار است به همین شهرت بدون کدام لوح سنگ  
 اما گنبد آن چند پد آید شد.

### تاج هزار

بسمت شمال قریه مذکور واقع است و بالای قبر اوج سنگ مکعب مستطیل موجود است که در آن آیات قرآنی است و به خوابیده نمی شود بیک طرف آن (تاریخ مرحوم المغفور) بوده اسم و تاریخ از آن فهمیده شده نتوانست سبب آنکه خوانده شده نتوانست قدامت و پریسنگی حصه های تـحریری سنگ است .

### شاه همدان

این زیارت در قریه رله بانان واقع و لوحی بر آن نصب این ابیات در بالای سر مسطور است :

حق کند در بهشت مرا ایـش	میر خورد از جهان بر فتـجـوان
کس نبود یـد هر همتا یـش	در حلیم و حسن خلق و سـلـر کـ
شد برنج و نمب چو اغمـا یـش	و که از تند بهـا دسخت اـجـل
طاووس روح عـرـش پیمایـش	از بدن کرد ناگهان پرواز
شد لهان روی ماه سیمایـش	زیر این بود : مناک افسـ و سـ
غرق حیرت بشد سر افسایـش	جستم از پیر عقل تا ریخـش
( باد در خلد دائمـا جایش )	چون سراز بحر غم کشید بگفت

شاه همدان در محوطه میباشد که دیوارهای آن خراب شده و چند نرسادات ذکر و اناث و چند نقر عام نیز در محوطه مذکور مدفونند که از لوحه های بعض آنها از وفات شان ۸۰ الی ۹۰ سال گذشته مصرع اخیر ( باد در خلد دائمـا جایش ) را که حساب نمودم ( ۱۲۰۵ ) شد که حاوی بر فوت صاحب لوح باشد

چون شاه همدان از ابیات مفهوم نگردید از مردم در صد د تحقیق شدم ، بعضی گفتند این زیارت بسیار قدیمی است سابقاً مجاوری درینجا بوده که سنگهای قبر را تلف کرده ، مضمون ابیات سنگ و شهرت مزار نیز با همدیگر مبادلت دارند غالباً سنگ دیگر قبری را لوح این مزار کرده اند ، از ریش سفیدان که در صد د تحقیق برآمدم دوسه نفر معمرین اظهار داشتند : چنینکه حضرت قطب محمد الی ( مهرسید علی همدانی ) رحمه الله علیه در کابل و گاهی در پغمان توقف داشتند صاحب مزار هذا خدمت سر تراشی آن وجود معظم را کرده و موهای سرشان را

چون بسیار گل آلوده و چرکین بوده دیگر ارباب آن خوانده نشد اگر شسته میشد  
ممکن بود دیگر ارباب آن هم خوانده میشد .

قبر را ، سطح تخمیناً ۷×۴ متر محاط و سطح را دیوار پستی محیط است .  
چند چیز مثبت قدامت سنگ مذکور است اول طرز نوشته ثاب آن ، دوم اسم  
ذات بار تعالی در دوسه جای آن بخط کوفی است . سوم طرف علیای سنگ  
بحر و روگرد و هساس مردم خیلی سودگی پیدا کرده . چهارم اسم و شهرت این  
زیارت که بکامه جمع معروف است احتمالاً بمزار چندین مزرگوار میرود .  
والله اعلم

### زیارت میان ناود

این مزار ماصلة دو صد قدم یا بیشتر از مزار میان شیخ احمد و طرف گذر در نخت سنگ  
دوره در وسط کوه محادی گذر فرمایند کدام گنبد . آدای و کتیبه ندارد . خود قبر  
هم بدون تزیینات خاصه ساده و بساحت میباشد ، یک دو درخت انار غوان که متصل  
و بجوار آنست ، بالا شش پایه انداخته اما خیلی مرجع عوام و بیشتر زیارتگاه زنازاست

### زیارت حضرت عباس شهبین اسجد

این زیارت در زمان دولت عباسی و در اواخر آن در گذر فاضل و حسن الله حال مرجع م  
و گداز و ... واقع است در میان یک کعبه دشت و گل حاشه امامتین میباشد  
در این آنست که در وقت مرگ خود ، زنگ را بکشد ، مراقد ساجده شد  
مگر نام و حشمت ، کتبه ... وجود ندارد ، تا ازین شصت و زدنک  
معرفی نماد

در مکتوب ۲۵۵ حقه چاه و قرائل حضرت امام ربانی محمد الف ثانی رحمه الله  
نعمانی علیه که به الامام محمد ظاهر لاهوری صدق یافته در اخیرش از امام یافته « چون  
شیخ احمد در ملی از محاسن چون در جوارش واقع است الزامات و توجه در باره  
مشار الیه مرغی خواهند داشت »

علاوه بر گنبد یک مجاور خانه خورد هم داشته که بمرو و زمان خراب شد و  
مجاورین آن حال پیشه سقایی دارند و از جانب خود ها آبا دانموده در آن  
گذاره میمانند

## زیارت خلیفہ جی

در ما بین قرینہ بی بی مہارو واقع اسکے اوحی دربالای سرمزین بہ آیات قرآنی  
دارد و اوحی ہم بطرف پاکہ مرقوم باین عبارتست: والحکم لله وفات مرحومی  
معفوری حقائق و معارف آگاہ و مجمع کمالات صوری و معنوی خلیفہ فیض ماب  
قطب الاقطاب و غوث الاحباب حضرت میان غلام حسین جیو صوفی گل محمد  
از دارفنا بداریقا رحلت نمود سنہ ۱۱۹۰ھ

## زیارت سید میر جان

در سمت جنوبی قریه ای بی ماهر و قبری در بلندی باین شهرت واقع و بدیوارهای  
مدور خامکاری ویران شده محاط است، در سر قبر صندوق سنگی مرتب سه  
مرتبه بنقش های نیکو و زرین می باشد بطرف سر کلمه طیبه و بطرف پا سه مصرع  
مهر قوم و باقی آن با تمام مانده است و آن سه مصرع اینست :

چون زدنیا رفت سبید میر جان  
شاید بهشت جاودن ما و ای او

سال تا ریخ و واتش را خرد

بطرف مشرق مقبره مسجدی بسوده کسه از محاسبان و حشمتی پست  
د یوار صحن آن هور جم سنگ مرمر کاری منقش شاهراست و بطراف مقبره  
سنگهای منقوشه زیاد موجود است از پایه و سنگهای منقوشه و شیشه  
که در اول بسیار محال بوده و حالا به مرور در راه پیران کوه کوه به ندر که  
در بین مردم شهرت این زیارت سید مهدی جان است

مردان غیب

در سمت شمالی اخیر تپه در بجان ، سه ساجری یک و سه و قع است . قرار یه اذ  
ساکنین قریب زیارت ، ایشان پنج برادر بوده اند . یک در جمیع جامه دور ، یکی  
خواجه زنبور ، ( در تراب او دخیل ) دیگری نه چاشت و او دو بکر خواجه  
غارولی ( در ده سبز ) و دیگر خواجه مسافرولی میباشد . در سه و یک لوح سنگ  
چهار بهاوی مستطیل شکل است ، در سه طرف آن به طاق است .

ای اهل دل که میگذری پریشان ما

آخر بیاغ عمر خزان شد بهار ما

اما ممکن در ربع بسا خلاص و فاتحه تکبیر یا دعاست ز خالق انتظا رما

1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32

## زیارت ابدال و قبر ستانی میرزا محمد عمر خان

### ۱ مزار خود ابدال

در بالای کوه قریب سنگ کش ها محاذی گذر قاضی مزاری است خرابه که معلوم می شود وقتی آبادی پخته داشته طو عهای کهنه بالایش نصب است مردم میگویند برادر میان شیخ احمد صاحب است که زیارت خود او نزدیک با پنجاه است و علیحد می آید اما در سنگها نیکه بالای مزار مذکور است با آنکه سنگها نیز قدیمه است چیزی و ضاحب ندارد بلکه از یک سنگ که یک بیتش خوب خوانده شده است خوانست چنین بود :

فوت آن صاحب احصاء عصمت مآب نهصد و شصت و سه آمد و السلام  
غالباً سنگ از دیگر مزار است که بالای این مرقد گذاشته شده بهر وجه مزار نزد مردم محترم است

### ۲ قبر ستانی ملحق بوی

ملحق باین مزار چار دیواری کلانی است که مجاور حائیه هم دارد و قبرهای زیاد در آن موجود است طرف مشرق این چار دیواری گنبدی است در بین گنبد چهار قبر است بدین تفصیل :

قبر اول : از میرزا محمد صدیق خان است که برادر کلان میرزا محمد عمر خان و مرد دانشمند و با معلومات خصوصاً در تاریخ بوده ، بر حسب اتفاق دوسه شعر هم در حیات خود سروده غالباً در سنه ۱۳۴۳ هـ ق وفات کرده لوح ندارد

قبر دوم : از خود میرزا محمد عمر خان است که شهرت حسن سلوک و خراجی و بسا او صافش هنوز هم در محیط وطن پنهان است ، سنگی زیبا به خط خوش بالای مرقدش باین عبارت نصب است : و رب اغفر وارحم و اذن خیر احمین

و این حظیر عالی آسماء غفران باب میرزا محمد عمر خان بن مرحوم میرزا مصطفی شاه خان است ، که پس از تحصیل علوم دینی و کمالات دنیویه و رسیدن به مراحل رشدیه داخل امورات سلطنتی گردیده نظریه کثرت فطری و لیاقت ذاتی خویش یکی از رجال امور و اشخاص باشان و شرافت افغانستان شمار شده خدمات مهمه از قبیل ریاستهای امور تحریریه و حساییه و مستوفیت ولایت مزار شریف و اخیراً سرمنشی حضور مغفور مرحوم سردار نصر الله خان ( نائب السلطنه

مسجدی هم در پهای حرد دارد که بحالت فعلی خود خوب است و ترمیمات آن شده و در آن اندای، زمیوس، مسجد جامع گیلان که در گیلان در پهای حرد است هم مشهور به مسجد میان شیخ احمد صاحب سنت عبادت حیات و نزدیک با آن اقامت داشت و وادی پنج آبرو را میآوردند. اینچه از احتیاجات و با این پاماسی، مانده کور و نامند و قرب و حوازمز و شد قبرستان و اقامت از پنج سال است یکبار اطباء که که نسبتاً معروف ایشانند و هم زنده و موجود است که مفصل و واضح اینست که ای درین و مسجد و مسجد هم موقوف است و تا سال اول یک دفعه از ورهم بیسم حداداناست که صادق انوار باشد یا .

### در گذر قاضی

در گذر قاضی فیض الله خان در، بن خانه مرقدی بود و احترام میشد در ثانی آن خانه را حضرت نور المشایخ مرحوم که در آن گذر اقامت داشتند خبر بدو در حریم مسجد داخل کردند که احاطه علیحده و مفصل و مربوط به مسجد هم گفته می شود درین احاطه کتابخانه خود را ترتیب داده بودند و سه چهار اطاق برای بود و باش طلاب و مدرس با یک گاهخانه و تشناب و غیره ساخته بودند که این قبر در صحن آن احاطه واقع شده .

مردم موصوف آن گذر که حالا فوت شده اند صاحب مرقد ابرار میان شیخ احمد و نامش را میان محمد طاهر میگفتند بعد از آنکه حضرت صاحب و صرف در قلعه جواد اقامت پذیر شدند عمارات این محوطه متعلق امام مسجد و غیره مریدان و مخلصان شان میباشد پرداختی به مرقد بوده و نزدیک بانهدام بود در هذاسنه خلف الصدق آن مرحوم محمد ابراهیم المجددی موسوم به ضیاء المشایخ مرقد را تجدید فرمودند که به سنگهای پخته و خشت و چونه ساخته شده و حالا از خطر انهدام برآمده و مورد احترام مردم است

قبر چهارم : این قبر از دو مین در حشر میرزا محمد عمر خان است .

چون بعد از فوت پدرش ، اکا و خواهر و فات کرده کسم بر قبرش سنگی نساخته  
امروز شش ساعت همت و نیم صبح روز دوشنبه چهاردهم شهر شعبان المعظم ۱۳۷۵  
مطابق ۶ حمل ۱۳۳۵ بود همین مرحومه قرار و وصیت خواهر خود میکوشید مسجدی  
بنا نماید تا بالاخر مسجد شاه شهید را که مرمت طلبه شده بود معدوم بعد از  
فوتش در وصیت دارائی او آباد کرد . خدا تعالی قبول کند .

قبر پنجم : این قبر در ورود میرزا محمد عمر خان و حاج کشید در همان چاروبواری  
است و ای قریب کنبد ، قبر مذکور به کاهی شده و اطرافش هم سنگ مرمر  
است در سنگی کلان که فراز قبر است این کتیبه زاده طبع با چیز این فقه  
درج است :

معین سالیه مرزا محمد اسلام خان	بلند همت و فخر خنده و در و عالی شان
فرید دهر بمن حساب و علم امور	و حید عصر به تربیت و فترود بیوان
بیکار قوم و وطن صرف تمام نمود	بپاک نفسی به حد و صدق بی پایان
بعد ز پوری خود چون ز کار دست کشید	گرفت دامن طاعات ایزد سبحان
تلوف خدایه یزدان لامکان ماری	شد از حلاص عقیده بعین شوق روان
چو حجاج در صحن حاد او را بجای آورد	دگر بست دل خود بدینک و مال جهان
بمحتس مرصی ایزد بهر پیش و پیگاه	گرفت شیوه جود و سخاوت احسان
ز باغ عمر چو همتاد و پنج گل به چید	بسر زدنش هوس سیرگاشن در صوان
دمیده بود ربان به لبش بلند کرد خدا	دمود طائر روحش به آبه چمن طیران
هزار حیف که از وی نماند فرزند	اکر چه ماند ز خود نام زیاده چایدان
خدا بخشدش از فضل و جود و خدمت خود	به حق شاه رسل افتخار آون و مکان
حلیل روز و مه و سال رحلت او را	توردم کتیده بگو (ست و هفتم شعبان)

افغانستان وظیفه دار شده ادوار ماه و رتبه های بحر در انکمار فعالیت و دیانت بسر برد. مناسف آذر ۲۲ رمضان ۱۳۵۳ هجری قمری بسن ۶۹ سالگی جهان فانی را بدرود گفته به رحمت ایزد بی پیوست، اللهم اغفر له معذرتة و اسعته چون در فتوت و شجاعت و اخلاق حسنه و فضائل حمیده یگانه عصر به دنیا را آره محب و بیت شان بقلوب همه طبقات جا گرفته و از ارتحان خود دینیه عموم ملاحظه مند ا در ا هجر روح و متألّم گرداننده اند. این برادر کهرشان میرزا محمد اسلام که بانی این بقعه است از اثرین و واردین تمنا می کند که روح مرحوم به نور ابد و ا ندن

ف تحه و احلاص و دعای عفو و غفران یاد و شد و در مادر،

مرحوم یکی از، جال نامور و زبده عالی همت عصر خود بوده و سوانح وی طولانی است بهمین ثبت سمارت لوح و زارش اکتفا شد.

قبر سوم: زحرف مرزا محمد علی ریختن است؛ قبر او هم سنگی بون و بی نقاشی است و در اطرافش این ابیات اثر طبع این فقیه مرقوم است.

در بالای سنگ: بعد از بسم الله شریف و کلمه طیه:

خفته در این خاک بسی مهراجر - مگذار از روی سر دعای منفرده

در اطراف سنگ:-

چو مرزا محمد علی حسن نامی	با اخلاق و جود و هنر و اهور
بسی حسان شد ازین دار فانی	ارو هاند فرجنده میرسد به دختر
بزرگس لقب بی بی گل عقد بوده	بمرد نه فاشه بیات و حصیر
ز تقدیر ایزد زبده باغ حیات انس	نمانده نامی یاس و گشایدن سواهر
در دنیا به پناه و وسه سالگی	در فضا به عمل ز وصالی مقصد
ز بعد دو سال از جهان هست درده	بتاریخ سعادت تفسیر المصطفی
سپه شد جهان بر سر خواهر	که بودی بجمش به از مهر سوار
وصیت نموده که سارند به مسجد	هر آنچه از و ماده از جس دیو
خدا پیش ببخشد باین حسن بیت	باعزاز صاحب و رضی آل رضی میرص
خیل اینچنین سال فوتش نوشتم	(بود لطف حق پرده سازش بمحشر)

[illegible]

مصرع احیر را بی اسحق ترا شده  
۳- نزدیک بود که دبیری اسب ایزم، آن طریق دارای دو لوح که نوشته های هر دو لوح پراکنده شده، تنها در لوح طرف پاره مصرع از تراش باقی مانده و هو هذاه بادل به رحسرت از دار و ماشد حیف حیف  
۴- قلمی از ابن مهزیار خان به وراخته یاد  
در اسب درانی و دوزاوی، امام زوی  
دیگر همه ایات را بی انصاف و حکمت نهوده  
۳ متصل بوی قبری است دارای سنگی کلان لیکن همه نوشته هایش تراشیده شده  
۴ در همانجا بالای یک قبر صمد و ق سنگیت که از سه طرف آن بات قرآنی بدقت و مشکل خورده شده میتوان نام نوشته های جانب فوقانی و طرف پابو اسطه هرور زمان بالکل از خواندن برآمده

## قبر ملا فیض خان بانی مسجد ازبکان

ملا فیض خان مرحوم یکی از مردان حق جو و عارف چراد طبعیت بوده مسجد ازبکان که متصل سه دکان عاشقان و عارفان (ح) واقع است از اینجای است، اما باینطور که مسجد از سابق بنام مسجد دو از ده امام و خور دیوده، وی آن را وسعت داده و تجدید نموده چند اطاق برای طلبه علم دینی نیز بنا کرد و برای مصارف طلاب و مدرس و مصارف خود مسجد و ملا امام و غیر آن بنا ریخ ۱۰ رجب الامر جب سنه ۱۲۰۶ او قاف تعیین نمود که وقف نامه اش فعلاً نزد ملا محمد طاهر امام مسجد موجود است

او قافش حاوی سه قطعه املاک و یک نیم حجر طاحونه واقع سر آسیاب و نیم باب دکان واقع چته دوم علیه دانهان و یک قطعه باغ الگوری و اشجاری واقع گذر کرد هدامن است این مسجد بعد از وی هم تجدید شده معلوم نیست از طرف که؟ اما در عایدات او قاف در آن کمک کرده و از آبادی موجوده اش تقریباً هفتاد سال میگذرد

درین مسجد علاوه بر جای نماز خوانی بهاری و زمستانی اطاق های زیاده هم وجود دارد که اکثر طلبه و یا اهل علم در آن سکنا پذیر میباشند، مصارف طلبه و دلخواه و غیره مسجد وی هم از در عایدات طاحونه اش میشود دیگر او قافش را غالباً کسان متصرف شده اند بهر حال خدای تعالی اجر تعمیر مسجد و تعیین او قاف را علی الدوام بر حمت خود بر وی ارزانی فرماید.

حالا که مضمون فوق از و مانگاشته شد بنگارش قبر خود او و دیگر قبور متصله اش میپردازم:

این قبور نزدیک زیارت عاشقان و عارفان و حضرات مسجدی در راه طرف جنوب که قریب مسجد ازبکانست واقع میباشد.

۱- در قبر خود ملا فیض خان دو لوح سنگی منقش و مزین است، از لوح طرف سر یکطرف که منقوش است بر حال خود است طرف دیگر آن که آیات بینات بوده از طرف کسی حک شده لوح طرف پایک جانب منقش در جانب دیگر این ایامه مرقوم است.

حضرت میان عبدالباقی در علوم طاعری و کمالات باطنی طی مدارج عالیّه فرموده  
از اجائۀ مرشدان بنسبتندیه مجد دیه محسوب بودند -  
ایشان میفرمودند : -

اول : « مراقمه آست که خود را در ظاهر و باطن از امور منیه نگهدارند »  
دوم : « مهترین اعمال برای نجات از عذاب آخرت چهار آد فی سبیل الله  
و خدمت بحق الله است »

حضرت میران علام صدیقی مجددی کتابی بنام مقامات العارفین و حضرت محمد صادق  
المجددی که او بنام حیات اقی راجع به حالات شان نگاشته اند که هر دو کتاب طبع  
شده ارباب علائق از آن دو کتاب تمسسل سوانح شان کسب معلومات نموده میتوانند  
علاوه بر فضائل صوری و معنوی صاحب طبع مور و ن و دیوان مکمل اشعار هم  
پوده اند که در بابان آموزی را اثر طبع لطیف شان را هم می آرم -

یا لآخره من ۹۳ داعی اجل را لبیک گم - ته و در اینجا بخاک سپرده شدند  
لوح سبک بز دشت منتشی بالای مزار شان از طرف محمد علم خان عازی ترتیب  
پافت که تکطرف باسمه الله شریف مزین است و بدیگر طرف آن این کتیبه زاده  
طبع جناب سرشار علام محمدخان طرزی افغان مرحوم کسه از احص مخلصان  
و مریدان بود منظور میباشد و ه - هذا :

آه و دمان از جمانی نگر دش کز دون	الحسدر از کیسه زمانه فالسی
حضرت باقی چو انقلاب زم - ان دید	کرد ازین خارزار قلب مکاسبی
بود و جوش و جود ظاهر و باطن	مظهر فیضان حق بفیض رسانسی
صینه بسوی آفتابش ز علم ابدید	پرزگهرهای شاهوار معانی
مالک راه سبک حق بر ریاضت	کشف روز لطائف دوجهانسی
طبع ساجد پیشین در مضه - ون	برده ز آب روان کرو پروانسی
ثانی بی - ای مسالیه و دبع - ان	ز نه بد او ثانسی مجدد ثانسی
لایق بیت الله بود از سر اخلاص	عالم و محدث برحق ز فیض سبحات
طائر روحش ز دا مگاه جسد رفت	تاسر سدره شد پیمال فشانسی
بیست و یکم از مه وفات نبی (ص) بود	روز سه شنبه گذشت قطب ربانی
طرزی افغان به سال رحلت او گشت	(مرشد باقی حسی مجدد ثانی)

## زیارت حیدر دین

بجسمه جنوبی سه نکان عاشقان و مارین ح. که چترک مقابل مسجد ملا رحمت  
خازمر حرمه شده ریزارت سندان قبر سه نفر است از بزرگان و از ه دار دو بصورت  
خوابه نشیمن معلوم می شود و در آن همت قبر بال ح. نکش های افتادگی است سه در هر  
هفت مذکور آفات بینات قرآبی خوانده می شود اما در سه آن ها اسم و تاریخ فونی  
مدفولین مذکور هم خوانده شد که قرار دیل است.

۱ تاریخ وفات مرحوم المعفور علی بیگک ابن احنا سلطان اعلی متفکر سده ۹۵۸

۲ تاریخ وفات مرحوم المعفور جوبان آ غایت بنش بیگک سده ۹۴۴

۳ وفات امیر زاده حسن بیگک بن شکور بیگک قوچین تار. پنج سده قهصدوسی و د و ۸۴۰  
قدریکه اروری قت خوانده شد ترفیم یافت که ممکن است د ام یقستی بهمن  
الذاز هم خوانده شده بتواند.

## مقبره حضرت علی بن ابی طالب

این مقبره در باغچه ایست که چند درخت، چند خانه برای رهایش مجساور پسری  
و مسجد و یک گنبد و احاطه دارد و محاذی زیارت عاشقان و عارفان با نحصال  
بالاجوی میباشد.

در وسط باغچه چوبتره مانند کلا نیست که صحنش فرش سنگ مرمره اطرافش  
از چوب کنار و تزئینات شده، در داخل آن قبر حضرت میران عبدالقاسم صاحب  
است که فرزند هشتم حضرت شاه صفی الله صاحب مشهور قیوم جهان میباشد  
و از طرف مادر نسب شان به حضرت شیخ الاسلام احمد جام زنده بیل قدس سره  
منتهی میشود؛ جنابش سن ۱۴ بوده که پدر بزرگوارش رحلت کرده و در همان سن  
بشرف خلافت بهره ور شده صاحب ارشاد و مرجع مخلصان بودند،  
حضرت قیوم جهان ابن حضرت شاه غلام محمد معصوم ثانی ابن شاه محمد  
اسمعیل ابن شاه محمد صبیح الله ابن عروۃ الوثقی حضرت محمد معصوم سومین  
فرزاد حضرت عوث صمدانی مجدد الف ثالی قدس سره میباشد.

بقربانت شوم گر دستان در گهت کردم  
 و گر پسند زین بد تر ذلین اربا بیا مرا  
 بر آزار حداثت نارت یکف شمیر عیرت کن  
 بلاست را بگو تا باز خواند جمله یاران را  
 دچار اطراف عالم حیش مدائن از گرم نهرست  
 ابو بکر تقی و عمر فاروق و عثمان را  
 بسر وقت اسیران و غریبان خراسانی  
 بلاگردان شد مهرست، حمیدر، شیرزدان را  
 که ننگ خاندان بر ذمه مخدوم شان باشد  
 بلی غمخواری موران به دلازم سلیمان را  
 ز درد و غم اگر ترک ادب را مرتکب گشته  
 بنرمایند چهرت های باقی پریشان را  
 درین خوب تره نهی مذکور که در رسالتش خود حضرت میاں عبدالقی صاحب  
 دفن است و دلیل میباشد :

۵. اطراف غرب آن فرزندان بزرگش حضرت حاجی غلام حمیدر که بکمالات ظاهری  
 و باطنی فائز و بدولت ابر شاد از حضرت والد خویش نائل بوده و قطعات ذیل  
 در تاریخ وفات شان است

مولی :- از جناب مرحوم سردار محمد عز یزخان

فغان از فتنه ات ایچرخ ده لال	چه بیاد از تو بر عالم عیان رفت
چراغ دودمان خواجه باقی	در بهار آه و افسوس نر میان رفت
ز اولاد محمد دگر و هری بود	هزاران حیث از کف را بنگان رفت
غلام حمیدر اسم مسامیش بود	حسن شعبت و هفت از اینجهان رفت
و بیع الاول از مه هفت هم بود	که مرغ روح اوزین خاکدان رفت
شب یکشنبه و هنگام مغرب	ازین دنیا ای فانی پر فشان رفت
خطاب ارجعی آمد بگوشش	بوی روضه رضوان روان رفت
روان عارفان از تن برون شد	سرور جسم و جان عاشقان رفت
عزیزال بهر تاریخ و سانش	بنزد پیر عقل نکته دان رفت

تذکره ذیل از جناب مرحوم سردار محمد عزیز خان، عزیز انوار، داماد شمس الدین خان  
عزیز خان، تاریخ رحلت ایشان است که از احصای مریدان بوده اند :

آن سپهر قدس را بدو مشر	و آن کلام سر حق را شرح جان
همادی را حقیقت با ایشان	که اشرف مبرز در بخت دکان
و احد عشر و نوزده اول بهر	یوم عشا بود که از سالی مکان
زینجهان بیوفای بی ثبات	شد بسوی عالم ربوبی و ان
آه آشنای برگردون رسید	از فراکش زلال پیر و حوان
وز برای سال تار بخش عزیز	بال طبعش باشد در بر و صوان
درخت لیلی کرده در بر زین عزا	موسیقی ششمش نفس با صد همان
سر کشید از کل بگفتا برگذشت	( قسب بر حق آفتاب عارفان )
	۱۳۰۷ . ۲۰ ص ۱۲۷ هـ ق

این عریضه ایست که باستان حضرت سید انس و جان فدای آن، علیه رسالت مشغوم  
و تقدیم نموده اند و بطور نمونه کلام آورده میشود :

صبا رود ز هدینه ده خبر آن شاه شاهان را  
که چیزی نیست دیگر پیشوائی اهل ایمان را  
تحیات و سلام بعد در دوح اکبر خوان  
سرا اندر آستانش نه بجای احصای عربان را  
الا ای سید عالم ضیای دینده آدم  
و کفر آمد بسو ما تم مرا هل علم و ایقان را  
گروه امتانات از نفاق و ظلم نفس خود  
شده معارب و استیلاست اهل کفر و نه یان را  
بهند و سندان استیلا ی کفر و کافران باشد  
کنون خواهند تسخیر بخارا و خراسان را  
بحدراً صفا کافران به حنیای قوم افراسیاب  
که در مکر و حیال شاگرد خود دانند شیطان را

سال فروش ندیم کرد طلب      از دل ناتوان و اند هگین  
بر کشید آه و گسفت شد بهشت      مرشد و مقتدای اهل یقین

۱۳۰۵

عدد مصرع اخیر ۱۳۱۱ میشود و عدد آه که شش است چون از آن کشیده شود دسته رحلت ۱۳۰۵ بر می آید ، اما جمله شد بهشت قرار اصول تاریخگویی خلاف محل واقع شده زیرا بقرار اصول اعداد این جمله هم شامل عدد مصرع اخیر شناخته میشود لکن در اینجا این جمله دخلی در اعداد نگرفته بهر وجه عدد دسته بصورت یقین ۱۳۰۵ میباشد

۴ خارج چوبتره قمری از حضرت محمد عمر شهید فرزند حضرت غلام صدیق والد حضرت محمدادر پس مشهور بمیان قاضی است و ایشان فرزند حضرت میان غلام حسین صاحب مشهور بحضرت جی قندهار اند که ایشان فرزند شاه غلام محمد صاحب میباشد که احوالات شال در عمدة المقامات به تفصیل است این ابیات در لوحی مرقوم است :

یغوان از صفحه آمدن سواد من عایها فان  
که سرکل شیء ها اسکت الا وجهه دانی  
چه باشی همچو گنجشکان بسی آشیان بستن  
درین کاخیکه باشد خوابگاه بوم ویرانی  
چسان بوالفضائل صاحب دل عارف کامل  
محیط علم ، دریای کرامت قطب ربانی  
محمد عمر آنکویافت نامش از دوشه بهره  
که بودی نسبتش با هر دو روحانی و جسمانی  
شهید از بهر حق شد زانچه بهتر بود بر شهادت

سر اسرار سودید از است دید چشم قربانی  
لیل پیست و هتم از رجب یعنی شب هجر  
عروج لا مکانی کرد ازین دهلیز فانی  
چو بودی شامل حالش نظرهای خدا صدیق

سز باشد که در تاریخ او (منظور حق) خوانی

۱۳۰۴

بقیوم جهان چون داشت بیوند      خرد بر خاک آن عالمیان رفت  
خطاب آمد فگن (ریب و) بتا، بخ      بگو (قیوم ثانی زین جهان رفت)  
۲۱۸      ۱۵۲۳-۲۱۸ سده ۱۳۰۵

دوم : ز جناب آقا سید احمد خان متخلص ائیم

امام شرع هدی مقتدا ی اهل سلوک      که خاق را بخدا ره نما و رهسبر بود  
قوام ملت و دین حضرت ولی الله      شایسته سرپر ولایت غلام محبدر بود  
براه صدق و وفا همچو حضرت صدیق رض      بشرع دین متین چون جناب عمر رض بود  
حیا و حلم و ادب داشت همچو ذی انورین، ض      بچرد و علم و سخاوت بسان حیدر رض بود  
شمیم خاق عظیمش چه ناله ها که نداشت      مشام عالم از انبساط او مطرب بود  
کلام صاف و روان بخشش از لطافت طبع      بدو اهل سخن همچو آب گور بود  
بشد ز دار فساد رهسپار ملک به تما      که این مخرج اقل نزد او محقر بود  
ائیم آئیم عاصی که از ره اخلاص      یکی ز سجده جبینان خاک آند ربود  
ز فکر سال و فالتش شبانه گهی تا صبح      با این خیال سرا و بجویب اندر بسود  
لیدا رسید رکرو بیان که تار بخش      همین سس است که گوی (علام حیدر) بود

۲ طرف شرق متصل مرقد حضرت میان عبدالباقی صاحب فرزند دوم شان  
که مراب سارک را از خدمت والد خود به آخر رسانیده و تمکن مسد ارشاد گردید  
و بعد از ۶۳-۵ جمادی الثانی بر حمت ایزدی پیوست قطعه ذیل از طبع جناب  
عبد الغفور ائیم مرحوم در تاراج شان میباشد که در ثانی انشاء نموده و در لوح  
سنگی تحریر و فراز مرقدش نصب است

آه از گدازش زمسانه دون      داد از چور چرخ فتنه کمین  
آسمان میسزد اگر ز شفق      دامن از خون دل کدر نکین  
گل گز از عمر فساد و ورق رض      دو حقه گلشن محدد دین  
محرم را ز حق (غلام صدیق)      سالک مسلک هدی و یقین  
آفتاب جهان و قطب زمان      نور حق آنکه تا فتش ز جبین  
عارف ذات و روشناس صفات      یافته بهر ذرات و از بین  
دانش از نام نقشند یسه      کننده صد نقش معرفت بهنگین  
کرد پر واز طائر روحش      چون ازین خاکدان بعین

متصل مسجد و از پوش احاطه خورد دست که در آن حضرت محمد یوسف خان دفن میباشند تعلیم طریقت را از جناب حضرت ضیاء معصوم صاحب مشهور به حضرت صاحب چهارباغ داشت با این کار نبرد احوال و اوقات را بوظائف کثیره و او را در صرف میکرد و به عمر (۵۲) از عالم فانی چشم پوشیده از قطعه تاریخی که حضرت عبدالسلام جان ا ثیم پسر فاضل و بزرگش انشاد نموده دو بیت ذیل آورده میشود .

گفت تاریخ ارنحالش را ثیم      اول لیل هفتم رمضان  
پی سالش کشید روی و نوشت      ( در بهشت برین نمود مکان )

۱۳۸۴-۱۷ سنه ۱۳۶۷

متصل بان قبر صفی آغا سه که کتیبه ذیل را نگارنده در هوش نگاشته ام  
صفی غلام سرور شیخ مجددی      آن گوشه گیر و بی طمع از مردم زمان  
در بیستم جمادی الاول بهمر شست      پوشید چشم همت ازین تیره خاکدان  
در مصرعی ز سال وفاتش خلیل گشت      ( سرافراز عنواهی در آن جهان )

۱۳۷۶

در همین باغچه بضرف مغربی زیارت حضرت میان عبدالباقی صاحب ، مقبره در تدری بصورت چار دیواری بخته کاری که بالایش گنبد پوشیده شده بنا یافته که در آن قبر جناب مرحوم حضرت غلام قیوم صاحب پسر حضرت غلام صدیق صاحب پسر حضرت هیا عبدالباقی صاحب و حضرت فضل محمد شمس المشائخ صاحب پسر بزرگشان است درون این مقبره قبور دیگرند . هم از نسوان این خاندان است اما این دو قبر به پنجره های چوبی و منتش سنگ های زشته مزین است در آغاز تعمیر این عمارت که بالا در قبر حضرت غلام قیوم صاحب از طرف شمس المشائخ و نور المشائخ دو پسر بزرگوارش بنا یافته بود قاری مرحوم که ثانیاً هاتق بملک الشعرا اندک این ابیات را در تاریخ آن سروده اند :

مجاور روضه عالی بنائی      که گردد از درش حاصل مرادات  
مزار نسیه آل مسجد درح      که مهتابد پرو نور سوات  
مزار شیخ قیوم جهانی      بزرگی صاحب کشف و کرامت  
در دیوار او جمعیت آور      بنایش قسبه ارباب حاجات

۴ بطرف مغرب مقبره یک چوب تره خورد آهن پوش وجود دارد که کنار چوبی داشته و در آن مرقد حضرت عبدالقدیر صاحب مرزید سلام حیدر صاحب مرحوم میا شد  
موصوف مراتب سلوک را از دوا لد خود طی نمود ولی باار ساد طالبان کم میگرداختند جناب آقا سید احمد خان انیم در تاریخ وفات مرحوم قطعه ذیل را انشاد نموده است.

هادی راه طریقت سالک مبارک سلوک  
مقتدای شرع و ملت حضرت عبدالقدیر  
درد ریای حقیقت معدن علم و حیا  
مخزن بورو ضحیا آئینه مهر منیر  
ظاهرش از نعمت الفقر فخری مفتخر  
باطنش مستغنی از انعام سلطان و امیر  
آه و افسوس آنکه شد از این جهان بی مبار  
سوی دارالملک باقی آنش گرد و نسر بر  
سال فوتش را همی جستیم من ال پیر خرد  
ماهیم غییم بگفت آن مرشد روشن ضمیر  
بسکه آداب شریعت داشتی مد نظر  
حامی دین محمد شوالیش برنا و پیر  
لفظ حامی بر فراز سال تار بخش بگو  
( در مقام قرب ماوای میار عبدالقدیر )

۱۲۶۷-۵۹۰ سنه ۱۳۲۶

۵ متصل این چوب تره بطرف جنوب یک آهن پوش نور دیست که در آن حضرت  
میان عبدالاحد صاحب فرزندان دوم حضرت غلام حیدر صاحب مدفون هستند  
تاریخ و فاش راقاری عبداللہ خان ملک الشعراء درین بیت خلاصه  
نموده است

سال وصلش ز عقل جستیم گفتم پیر عالم زد هر دو نرفتم

قطر با اعداد سنه که بهند سه مرقوم یافته و در صحت آن جای هیچ شبهه و اندیشه نیست از روی الیاف که سنجیده میشود دو عدد فرق موجود است اما در جائیکه سنه اعداد واضح است تردید و از د نمیگردد و همان ۱۳۲۹ سنه صحیح و بلا اشتباه است.

۲ کتبه اوح شمس المشائخ که - الازره بر کمالات عرفانی حافظ قرآن عظیم الشان و صاحب طبع معروف هم بود و در شهر که گاهگاه به سرودند (بدیع) تخلص میکردند :

دامگاه حوا داشت جهان	از چهر و کس در و بود خوشدل
زندگانی او متاع غرور	فرصت او حیات مستعجل
رفعی از بهرین شایب	ها در راه و مرشد - مدک - امل
پیشروانی و محدودی نهایی	فیض عامش به پیروان شامل
شیخ و شمس المشائخ عالم	پیر سق بین و عارف و اصل
روز سه شنبه عقد ذی یقود	رحمت پرست چون از بن محمل
جامه اشک بزگردد در نام	روح این - و این - مرشد کمال

۱۳۲۳

هضع احمر به راه حاوی سنه مذکور قهری است

• • •

خارج این کتبه و بیرون چهره نهایی و مسح و احاطه چار دیواری های خورد که هدف این آیه و قافیه در قریب و جوار عزاد حضرت نمایان عبدالباقی صاحب هزارات و دیگر بزرگان و اولاد آن هجده کتبه است که اکثر آن کتبه ندارند و از بعضی که در آنجا و در آنجا است که نظر به معلومات شده خود نگاشتم علاوه بر آنکه در قریب - که در آنجا است بهر مایش غفران آب نور المشائخ صاحب کتبه مرقوم شد : در آنجا است که در عین جوانی فوت شده و دیگر بزرگان این مقصود بر آن مرقوم است :

و تاریخ وفات و در آنجا که فخر الحاج - که در این حضرت ناصر الدین مایه به جانبان بزرگوار است و در آنجا که فخر الدین مایه رحمة الله علیه سنه ۱۳۰۱ ق ه در باقی حصص - در یاریت - الازره در قریب و جوار آن کثر مخلصان و مریدان ذی علاقه تر دین شده اند که منجم از خود قریب که کتبه دارد آورده می شود :

بسیرایند-حکام فی-ص آید اگر موفی کنند سیر مقامات  
چو شد انجام این تعمیر داکش لفرزندان آنصاحب اشارات  
بی تاریخ تعمیرش سرودم (زیارت جای ارباب مناجات)  
۱۳۳۰ هـ ق

اکنون بتسوید ایات لوائح مذکور مپردازم :

۱- ال حضرت علام قیوم رحمة الله علیه از طبع حضرت شمس المشائخ  
پسر نخستین شان .

ز وصل سرور اهل یقین و قطب زم-ان  
سپهر را ز شفق خون دل بهر آ-مد  
پس رخت قرصه مهر و نگداخت جرم قمر  
چند نسخه روح خسا و رچو با ختر آ-مد  
ز گریه چشم که واکب علیل رنج ر-مد  
ز لوحه گوش ملائک بچرخ کرا آ-مد  
بلند سر جای که سرخ روحش را  
لحد فسرش الی عرش زیر پسر آ-مد  
قوام ملت و دین و ضیاء شمع مبین  
که کحل دبدبه خاصاش خاک در آ-مد  
جناب حضرت قیوم کاسته-ان و را  
ز فخر بوسه دادن شمس و القمر آ-مد  
که شید رخت به پستای نسرای ع-لین  
چو بی ثباتی گیتیش در له نظر آ-مد  
بگفت ملهم غیب ای بدیع روح شریفش  
چمان بسوی جنان چونکه ره سپر آ-مد  
لهاد افسر فردوس را و رضوان گفت

هـ جلد مائة را بح العشر آ-مد

چون بک سطرز یگل به د خوانده شده لتوالست اما واقعهٔ مردار موصوف با مردار  
 حیات الله خان عضد الدوله و مردار عبدالمجید خان در یک وقت بوده که آنها یکی  
 در ۷ صفر، دیگر در ۱۳ صفر ۱۳۴۸ هـ ق قتل رسیده اند تاریخ شهادت این مرحوم  
 نیز در آن وقت است.

بسیار در اذیه و اندوه کوریک سنگ صندوق لای خورد بسیار کهنه است  
 که دیگر اطرافش تراشیده شده الای، سر آیه مبارکه (المن عایها فان ویتی وجهه  
 ربک ذوالحلال والا کرام) و طرف با «تایخ و فسات محمد اکبر خان  
 بن محمد رفیع سنه احد و ثمان ۱۰۰۰» حزر همینقدر رچیز دیگر فهمیده نشد.



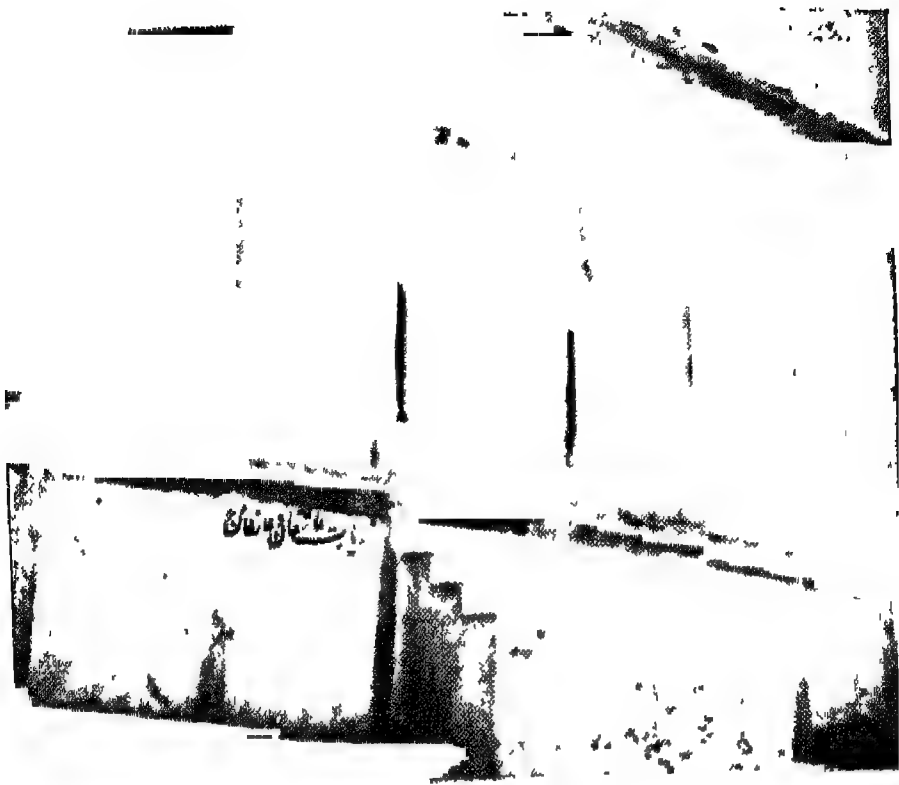
۱- مزار قاضی میرسید قاسم خان است که ابیات حاوی بی ثباتی دهنه یا و منا چاه  
دران مندرج است و تنها نامش واضح بوده تاریخ ازاد مہرم - - - - -  
و از جمله ابیات مندرجه این یک رباعی از انجا آورده میشود:  
گر منفعلم زجرم بسیار از تو  
خواهی تو مرا بسوز و خواهی بنواز  
نرمید لبم بهیچ کردار از تو  
من از تو و جنت از تو و نار از تو

۲- درین مزار نیز ابیات مناجاتیه است اما در لوح طرف پا این ابیات مرقوم:  
صدفغان از جور چرخ و از دوزخ  
خبر تا مرد ادریغ از دهر دوز  
نیمه از دین منزل فانی برون  
خوئی ذاتش برون از چاه و چون  
گشت سیراب از جنات عیون  
شد روان به عالم مایستارون  
قد حجابش زعم خم شد چون  
باد حضرت صاحب او راه برون  
شعبت رسالت از این دنیای دن  
به که انقضای غفر آید برون  
سر بر آورده امید آنگاه گفت  
در حصه زیر پای حضرت: قبر سردار محمد عثمان است:

۳- اصل قبر سمعت پخته کاری و چو بقره نما ساخته شد و اوصی بطرف سردار دکن  
یکروی آن سفید و در دیگر روح آن آیه الکرسی شریف مرقوم است و اوصی  
طرف پا دارد متضمن این مضمون بدو طرف خود:  
«سردار نام دار سردار محمد عثمان خان مرحوم ولد مہرم سردار محمد عثمان خان  
قوم جلیانہ محمد زئی که یکی از رجال بزرگ افغانستان بود، جمیع ادوار حاکمان  
قیمتدار خود را چه در دوره نائب الحکومت قندهار و مزار شریف، چه در آوا  
ریاست در علوم و ریاست شوری در خدمت دین و دولت اسلام شریف  
بسرور سالیله ...»

..... بزمان انقلاب خاندان سرافرازستان از دست ظلم بر سر  
دزد خونخوار سفاک بیباک بچه سقوشید راه حقانیت نبرد بدو روح پاک  
از هوای عالم فانی پرواز و در فضای عالم جاویدانی و راحت آباد جوار حق افتاد  
گزین گردیده .  
«ان الله و انزلنا انیہ را جعفر»

«اللهم اغفره و ارحمه برحمتک یا ارحم الراحمین»



معلق صفحه ۱۰۷

## زیارت عاشقان و عارفان

در سمت جنوبی شهر کابل به نشیب کوه شهر دوازده مایل بیابان و داریز مشهور این حصه زیارت گاهی نامیده که بعاشقان و عارفان شهرت دارد، را جمع به این دو مرد بزرگ تشریحاتی که داده شده می تواند بد و تفهیل ذیل است : (۱)

- ۱- اکثریه معتقد بر آنند که از جمعه صحابه کرام (رض) میباشد که در فطاه عساکر اسلام حین فتح کابل حضور داشته و بشهادت رسیده اند.
- ۲- حاجی که معلومات بدست آمده و پاورقی مجله سال سوم اذین کابل صفحه ۴۱ شماره (۱۲) مصدق آنست در اوقات عالیدرجات و موصوف که شهرت نامه (عاشقان و عارفان) دارند بدو و او عطف هم مستعمل است، نام عاشقان خواجه عبدالسلام و نام عارفان خواجه عبدالصمد است، که در ترک بابری و آئین اکبری هم بهین اسم ذکر شده اند، هر دو با هم برادر و پسران خواجه جابر پسر حضرت شیخ الاسلام ابواسمعیل خواجه عبدالله اصفهانی قدس سره که در سنه ۳۷۶ در هرات به عالم هستی پانهاد و در سنه ۴۸۱ به اجاعاسام فوس را و راع گفته مزار فیض آثارش زیارتگاه با عظمت است، میباشد و در عهد عین الدوله

(۱) پیش از آنکه خوانندگان گرامی از شخصیت این بزرگواران اطلاع کامل کنند، بهتر بدین مسوق باشند که باین نام زیارتی در محال لهو گردد وطن عزیز نیروچ و د دارد که ذیلاً وضاحت داده میشود.

در قرینه گرم آنه چرخ بطرف مشرق در مابین نارادوخانه های مودم و مزار است موصوم به (عاشقان و عارفان) مرقد اولین را که عاشقان و خواجه عبدالسلام میباشد نخست مسجدی دارد درین مسجد دروازه ایست که بر زیارت داخل میشود، عمارت اینجا چوب یوی و خام کاریست در صحن آن مرقدیست دارای سه مرتبه، مرتبه اول سنگهای مرمرین نقش است، در مرتبه ثانی سنگهای منقش و بخطوط کوفی تحریر در مرتبه سوم سنگ علیحد است که قرا این دو مرتبه گذاشته میباشد و بیات) مبر که قرآن بخط عربی مزین است.

امد سنگهای دو مرتبه تحتانی بخط کوفی مرقوم و شکسته است که پارچه های شکسته را بگل با هم وصل کرده اند و اکثر نوشته ها زیر گل شده خواننده نشد.

مرقد دومین را که عارفان و (خواجه عبدالصمد) میگویند بقا صله و بیجا قد دورتر ازین عمارت مزار است بگل آداسته و در بلندی بطرف راه عام واقع و طوسی بالای سرش نصب است، باعجه توتی هم در الحان خود دارد که وقفی است.

بهرام شاه غزنوی پسر مسعود ثالث ابن ابراهیم بن مسعود اول بن سلطان محمود متوفای ۵۴۴ س. بعد از او یبزی آمد و بعد چندی کابل توطن گزیده این خطه خدش آب و هوا را پسندیده خواستند باذن آن پادشاه غفران پناه بطور دائم محل اقامت افکنند که موافق بهیچیکه در اینجا چار و جان آفرین سپردند چنانچه میرزا سائب تبریزی روح که در او آخر عهد جهانگیر بزم هند از اصفهان برآمد، از راه مرات و د کابل گردیده چندی به نزد ظفر خان حاکم کابل گذرانده، از عزت و احترام دیده چند قصیده در مدحش سروده در تشبیه یکی از ان از شهر شهیر کابل و بعضی مناظر دلکش و تازیبی آن صفت نموده در ضمن آن باین بیت خود حاصل مراد مذکور را توضاحت میبخشد :

« خوشا و قتیکه چشمم از سرادش سرمد جز گردد »

و شرم چون عاشقان و عارفان از جان گرفتار نشد

صورت عمارت حاضره اش که فعلاً وجود دارد بدین اصول است یک باغچه در حوالی برجند دخت و بطن مغرب باغچه خانه ایست آراسته بسنگ مرمر و در وسط سائنه قبر برادر کلان و در قبر از صحن حائنه سقف پنجره شبکی کاری و سقف بالای قبر آهن پوش است، سمت جنوبی این خانه مسجد جامع دومنزه میباشد که پس از ویران شدن مسجد سابقه اش ۳۵ سال قبل از طرف عبدالرحمن خان پسر ماسک داد محمد خد کوهستانی مرحوم تعمیر شد

مرقد برادر حوید از صحن باغچه و پنه زینه سنگی ران شده اطاق برانده نهائی دارد که ازین اطاق داخل دهلیز طولانی می شود، دو طرفه دهلیز ارسیهایی متعدد و آخر دهلیز اطاق حور دکن فشنک نما و بطرف دست راست آن دروازه اطاقیست که در وسط آن قبر برادر خود رانده اینهم از صحن حائنه الی سقف، در قبر پنجره چوبی مشبک دارد و بالای قبر آهن پوش میباشد، زینه ابتدا و صحن برانده و دهلیز و داخل مقبره سه از سنگ مرمر است، فراز دروازه و دهلیز و صدف سنگی نصب و این بابیات تران مرحوم و محکوک است :

در زمان خسرو جم احتشام	کش مسام هسک هفت اقلیم شد
شاه محمود آنکه از فضل اله	زیب تحت و رونق دیهم شد
خان عالیجاه جمشیدی نسب	آلکه نام یکش ابراهیم شد



شاید صاحب بن مرقد کسو باشد که قاعه فاضل بیگک چهار دهی بنامش شهرت  
 دارد. ماه تاریخ سال وفاتش را «خواجه بهمت ۱۰۶۲» یافته اند.  
۴ در اوج سنگت طرف دیگر قبر در یکطرفش این ابیات مرقوم است:  
 دزدان دست جفا، چه رخ که حر و تار داد  
 ز آنکه یک گل زین گاستان حرم و خندان نما ند  
 هر کس آمد چند زین زدگانی کرد و رفت  
 هیچکس اینجا بسکام خویش جاویدان نما ند  
 نوجوانی را ز پای افکند اکنون که ز غمش  
 روح راحت پیرو بر را را بجسم و جان نمالد  
 برد نخل به ساغ اکبر بخان بر اسی کسزو  
 باغبانرا در بغل جز هیوه حرمان نما ند  
 آنکه رفت و بر لب تاجیک و ترک ار فرتش  
 حرف و صوتی غیر مدنااه و افغان نما ند  
 سال فواتش هر امسم پسر خرد بیتاب شد  
 ز آتش حسرت نمش در دیده گریان نما ند  
 آ. آ. می کرد پیرو و از دل و آنگاه گفت  
 اولهال نورس اکبر، علی مردان نما ند  
 ۱۲۰۹

بدیگر طرفش این عبارت:

و تازیخ وفات مرحوم مغفور: عالیجاه رفیعجاه یگامه علی مردانخان بن عالیجاه  
 رفیعجاه بن عمده الخوانین الامام اکبر خان چارچی باشی ۱۲۰۹ ه.  
 علیمردانها که حمام رگدری در کابل بنامش موسوم و بساختن چته معروف است،  
 و افسانه های سنگت و سبده منسوب بدیگر در وفاتش در سنه ۱۰۶۶ ه. ق روی  
 داده و در لاهور مدفون است بغرض رفع شبهه تحریر شد.  
۴ در دیگر قبر در یک اوج منقش طرف پای این ابیات است:

این حواجه که خست ست از ورطه زیست از دبروی به چشم رحمت نگر است  
 تازیخ و فواتش از خرد پرسیدم «صدحیف زخواجه میر» گفت و دیگر است

چون بنای عاشقان و عارفان	دل را توفیق حق تصمیم شد
کرد حاصل زین بنا چرخ عظیم	در جهان زان واجب انعطاف شد
حبذا از روح این عالمی بنا	کش زخو و رازم تقدیم شد
گاشتنش از بس هوای جانفزا	چون دم عیسی - و داز... شد
حوضش از صافی آب خوشگوار	آبروی گشته و تسخیم شد
از پی کسب ضمایر در گهش	جبهه سحر و شید از غلبه شد
بایش حاجت و اشد از دعا	مستجاب الدعیه درین تر میم شد
از بی ناریسخت ناماش نوید	عظمه و - در - حقه تفهیم شد
پیر عقاش گفت ز الطاف قدیر	بانی این کعبه ابراهیم شد
۴۴۲	۷۸۶ - سنه ۱۲۲۶ هـ ق

از ابیات فوق و اصح است که تعبیر عبارت موجود در سنه ۲۲۶ هـ به حساب  
جمله نیز عبارت بکنیم مصرع بیت حیر از حد در الطاف قدیر، مصرع اول، با تمام  
مصرع ثانی، حاوی بر آن است در سلطنت عنایت شاه محمد دین اعلی حضرت  
تیمور شاه سمرقانی در این بصورت خوبی شده چنانچه از ابیات مذکور در ترتیب  
حوض و غیره بهائی آن واضح میگردد. اینهم بشود که بیو و دکه ساق در آن روز  
عمارت شایان و بسزائی داشته چنانچه مصرع ثانی بیت دهم از ترهیم آن تذکر است.  
گرچه نسبت باین دو عارف یزرنگ زائد بر دیگرش فرق معلوم اند بدسترس  
نگارنده نمیباشد، اما معلوم میشود که از نقطه نظر عام و روح حاکمیت  
مهی را در افسانه احراز نموده اند چنانچه از همین ملحوظ است که از قرون  
متعادی تا حال رجوع مردم بیحد باین مزار است و بسی نامداران و طین مانند علما  
و مشایخ و سرداران و غیرهم مقابر خود را که در او ایگاه ابدی و منزل دائمی نوع بشر  
است در قرب و جوار این دو عارف شهیر اختیار نموده اند، اینک بعضی از حقاظر  
متصله و مربوطه آنرا که در عصر خود دارای شهرت و مقامی بوده اند کار مینمائیم.

الف - مقابر متصله زیارت :-

۱ در لوح سنگ طرف پای يك قبر این ابیات مر قوم است :

منبع جود خواجه فاضل بیگ	روی همت زسوی عالم تاوست
سال تاریخ او پافست کسی	خرد نکته دان که موی شدگافت
یرد، ره چون بهمت خواجه	آخر از (خواجه بهمت) پافست

کنار جریبی است نه حی دارد به کتیبه ، بعد از فروش دو همین پسرش  
 ، ملا عبدالشکور خان قاضی اقتضا شاه مگر تشکیلات ممالکتی رنگ دیگر گرفته  
 و زرت عدیه بروی کار آمد و محاکم ثلاثه در تمام ولایات تعین و قصات  
 متعادل تقریر یافته

چون و خون ، ملاخانی ، نوان علوم ، حتی قاضی ، عبدالرشخان از علمای نامی  
 و قضات مشهور ، صاحب تصنیفات و ایضات نظم و نثر به دنیا و آثار گرانبهایی از  
 هر کدام شد ، باقی مانده که زمانه آن زمان تمام ثروت و دارایی و جایدار املاک  
 و غره و غیره حتی امتداد و در حدود ، نزد هزار نسخه کتاب میر میرش را  
 با ث گرامد اما بطبع نسخه از تأییدات شاه نبرد احمقند تا آن آثار دستخوش  
 مفتحه بیت فکشته و سبب افای نام آن نام آن میشود .

نکار بد در ذیل کتبه همین یک قبر نهادم یافتم لازم ذمت خود دیدم که همیشه  
 از هر یک شان تذکار نموده ، بخشایش شان را از خدا ، و اوام .

۵ در لوح طرفین : قبر میرزا زاهد :-

میرزا زاهد آن فرشته صفات	ترك دنیا نمود از همت
رفت آن یادگار آن ساری (ص)	خون روان شد ز دیده امت
حرم ر ، ضیاء ، برادر طواف	گشته بیت الحرام از حرمت
آمد از وی معجزه - ر آن	سار تا بخش آیت رحمت ۱۰۵۹

میر محمد لایله هندی صاحب حاشیه زاهدیه بر شرح ، با اقف و شرح رساله  
 قطبیه و حاشیه بر شرح تهذیب محقق جلال الدین دای ، تحصیل علم را  
 از پدر خود دلا ، در عهد شاه جهان معجزه و قانع کامل و در عهد  
 عالمگیر ، حتمت استوری مقرر شده بعد از انصدارت کامل منصب بود  
 تا اینکه در سنه ۱۱۰۱ فوت و در هزار عاشقان و عرفان دفن شد ، شهرتش  
 در فلول عالم به محقق روی است

مزارش در همین حصص است اما سنگ بر آن نهاده که طور یقین شناخته میشود  
 چون مدفنش همین جاست تذکره اش را متصل به میرزا زاهد ازوم دیدم  
 تا از خود آن مرقوم ذکر بود ، صاحب این مزار اشتیاء به دهد زیرا وی  
 شخص مشهور دیگری است و صاحب این مزار شخص دیگری اما جائز تردید  
 نیست که مزار هم در همین قرب و جوار است .

در زیر جمله ماده تاریخ ۱۰۶۵ مرقوم یافته و آنی که از سنچش ۱۰۶۴ هـ می شود .  
۴ در لوح سنگی طرف پای یک قبر ایات چندی مسطور است : « تاریخ آن معلوم  
 نشد بیت اول از ح هلد کور چنین است :

مربی الفضل پهلوان ملاخان حسین بن محمد سعید هر دوسرا  
 گرچه این لوح در زمین فرو رفته و همانقدرش از خاک بیرون است که خوانده  
 شد ، لاکن شخصیت صاحب این مرقوم را با توجه واقعاتش که از اجمل علما  
 وقضات مملکت در احوال طولانی و ... اند با کثر هموطنان پوشیده نیست  
 و ناجائی که بنگارنده معلوم است ذیلاً تذکر میدهم :

الف : خود موصوف ملا محمد سعید بن آقا محمد و اند ملا محمد اسماعیل خان  
 آخوندزاده قوم تاجران است که در سطحات اعلی حضرت شاه محمد د سدوزائی  
 ملقب به «خان ملاخان» قاضی القضاة و «استان مقوری» و یکصد و بیست سال  
 عمر کرده پس از فوت حسدش در این مرقوم دفن شده است . سجع مهرش چنین  
 بوده :-

محمد سعید ا فضل حق مسعود شد

قاضی القضاة از اشفاق شاه محمد شد

ب : ملا عبدالرحمن خان پسر بزرگ و ارشد موصوف ملقب به «خان علوم» که  
 بعد از فوت پدر قاضی القضاة افغانستان مقرر شد و به عمر ۸۵ در اوایل سال ۱۲۵۲  
 امیر عبدالرحمن خان در شیو کی فوت کرده و تابوتش را با مرا میر موصوف عز از  
 تمام در شهر آورده و در اینجا بهای پدرش دفن نمودند .  
 این بیت سجع مهرش بوده :

تأقیام رکن ملت از امیر بافر است عبد الرحمن قاضی القضاة شرح نور است

ج : ملا سعدالدین خان پسر خان علوم موصوف در سنه ۱۲۵۲ هـ قتل یافته  
 بعد از دوره تحصیل هشت سال قاضی قندهار و ۱۹ سال نائب الحاکمیه هرات  
 بود در اوایل پادشاهی اعلی حضرت امیر حبیب الله خان شهید ۳۳۷ : هـ ق به قاضی  
 القضاتی افغانستان تقرر حاصل کرده و شانزده سال این خدمت را انجام داده  
 بالاخره در لیل شنبه ۱۳ محرم الحرام ۱۳۴۸ هـ قمری در قره شیبو کی رحلت  
 نموده در صحن مسجد قلعه نشیمن خود دفن گردید ، قبرش در اینجا دارای

۹ کتیه لوح قبر طرف پای نواب محمد زمانخان (۱) چنین است :

افسوس و آه و ناله ز بیمهری فلک  
را حسرتا که از کف صبرم عنان برفت  
نواب ذیوقا را از یغ کهنه خاکدان  
باجیش صدق و توبه چورو حانان برفت  
آن غازی که ادم تیغش بگناه رزم  
چون بسمل طپیده بحون دشمنان برفت  
کره آنچنان محاربه با کافر فرنگ  
کا و از مر حبابه نهم آسمان برفت  
ناگاه صرصر اجل از تند باد مرگ  
سرو قدش فگند ز پای روان برفت  
رفت آن در پیکانه بصد حسرت ارجهان  
بل آب و رنگ از رخ درانیان برفت  
برد آنچنان بجود و کرم در جهان مثل  
کز دهر نام سائم طی را نشان برفت  
واسع ز سال رحلت او از من حزن  
آرام و صبر و طاق و تاب و توان برفت  
عقلم کشید آه و دله از صبر کند و گفت  
درد اکثرین زمانه محمد زمان برفت

نواب مذکور پسر نواب اسد خان و برادرزاده اعلیحضرت امیر دوست محمد خان  
است که در سلطنت شاه شجاع سدوزالی اهالی او را بسرداری و ریاست خود  
برافراشته و با طاعت او گردن نهاده با عساکر دشمن شجیعانه مقابله نمودند که  
تفصیل آن در کتاب سراج التواریخ مشرح است ، گویند کتیه میرزا عبدالواسع هان  
طیب است ، عدد مصرع اخیر قطعه (۱۲۷۱) میشود که چون عدد آه و دل  
صبر که (ب) است و هردوی آن هشت میشود از آن وضع شود عدد (۱۲۶۳)  
سنة فوتش مطابق ذکر سراج التواریخ می یابد .

(۱) نواب کلمه ایست که در انوقت بجای رتبة نائب العکوم می مروج و معمول بود .

۶ در اوج طرف پای قبری این ابیات است :

شد میرجهان و جود و اخلاق      آزاد در حاتم و حیا چه آ با  
زین غمگده رخت بست و نخ نشد      از فداقت او دل احب ا  
هاتف تاریخ فوت او گفت      با دامن بهشت جا ویدان ح

۱۰۸۳

۷ در لوح سنگ طرف پای قبری ابیات چند مرقوم بود و ازان چنین مستفاد میشود که در ۱۷ ش محمد پسر قاضی فیض الله خان بتاریخ در شنبه ۲۵ ربیع الاول وفات یافته است بیت آخر که محتوی سال است چنین میباشد :

عمر افسوس خورد و گفت در یغ      سال فونش در یغ کرد عیان  
کلمه در یغ که (۱۲۱۴) میشود ما ده تاریخ سنه فوت او است .

۸ در لوح طرف پای قبر دیگری چنین مرقوم :

« شب جمعه ۲۷ ماه رمضان المبارک سنه ۱۲۱۴ بود که مرحومی مغفوری ملا نور محمد واد عالیجا رفیعجا یگه قاضی القضاة ملا فیض الله خان معلم سلطان جنت مکان تیمور شاه زدار فنا پدار بقا رحلت نمود »

این دو مرقد که به نمبر ۷ و ۸ تحریر شد بایک مرقد دیگری که باسم قاضی نعمت الله لوح دار در ابیاتی در آن درج است اما حصه تاریخ بخش بر هم شده هر سه پسران قاضی فیض الله خان مرحوم اند که بمعلمی و رتبه و زبیری اعلی حضرت تیمور شاه نایل بوده ، گذر قاضی و باغ قاضی در کابل و قلعه قاضی در چاردهی باسم او شهرت دارند ، گذر قاضی واقعست در جنوبی شهر قدیم کابل تحت حصه کوهیکه بین شیر دروازه و کوه بالا برج میباشد . و تاکنون هم بعضی خاندان در گذر است که به بنابر مرحومی اثبات نسب مینمایند . در اطراف مسجد پسکه خود مرحوم باقی او بوده خانه های شان است ، باغ قاضی نیز بطرف جنوب شهر کابل به انشپ حصه آخرین کوه شیر دروازه پایانبسرك عام بقاصلة اخمین سگ صد متر از زیارت عاشقان و عارفان بطرف مشرق دور و محقق بقعه ازین رفته ملا فیروز است ، قلعه قاضی بطرف مغرب چهاردهی بخش کسروه بعد مسافه از شهر کابل واقعست و فعلاً در اینجا زیارت با پرگت عمده السادات و ابرقا سید عبدالعظیم صاحب مشهور به شاه آقا شهرت تمام داشته دارای عمارت جدید پخته کاری میباشد .

گوینده شعر میر ابو طالب خان است ، ماده تار یخ مصرع اخیر که عددش ۱۲۷۳ میشود و سرجهان که حرف ج و عددش ۳ میباشد چون از آن وضع شود ( ۱۲۷۰ ) سال فوت باقی میماند .

علاوه بر بن مزارات ، اکثر قبرهای دیگر نیز دارای سنگ های منقش و کتیبه هاست اما بالعموم يك يك حصه سنگها زیر گل و خاک شده اند که معرفی و تاریخهای فوت صاحبان مرقد را بوجه خوب نمی توانند ، زیرا اگر از زیر گل و خاک کنشیم ، شوند بخود قبر ، دیگر قبرهای نیز یکش ضرر وارد میشود بناءً آنکه آنها صرف نظر گردد ، و از جمله قبرهای نوساخت که بیشتر از حائرها و برخی از ثروتمندان است نیز منصرف شد ، اولاً آنها بلد کر مختصر حافظ ، محمد حسن که قبرش معلوم دارندندون کتیبه است ، و ثانیاً بنگارش کتیبه لوح سنگی زار مرحوم داکتر عبدالعزیز خان که يك عمر خدمت صحیحی در وطن کرده و با عام و خاص بحسن حاق رفتار داشت و بالاخره ، فائده خود و مزارش خیلی بصورت خوب و پخته کاری از طیف پسرش ساخته شده و ایات آنهم از طبع این فقیر است می بردازم :  
 ۱-۱۱ قبر یکم حصه و ت عادی و ساده آباء است و هر کس آنرا می شناسد قبر جناب حافظ محمد حسن ولد ملا صالح ، محمد قرم ترکی است که از حفاظ جیلو و باقری به د ، مرحوم ار لحاظ معین شهرت به واقع خود در تمام عمر امام مسجد ارگک شاهی بود و شاهان مصر با ستمت ی ختم قرآن شریف در نمازهای تراویح میزدند ، چنانچه امیر محمد علی بی الله خان شهید ۱۳۳۷ ق ه که در چند سال آخر حیات ختم قرآن کریم را در نمازهای تراویح با جمع کثیر مردم شهر در مسجد عید گاه آ صا ز نمود و برای هر روز از نماز خواندن آن طعم مکلف (۱) هم تهیه میشد که  
 (۱) در یکس از شبها امیر شهید میر عبدالواحد خان را که در زمرة مسافران میبود فرستاد تا بنگارش را از بالای سفره مدح امیر در شهر بیاورد ، موصوف که در موضع طعام خوری عامه داخل شد حاجی میرزا عبدالعزیز خان ( لنگر مین ) را دید و بخواه خود برد چون حاجی موصوف بحضور پادشاه رسید امیر صاحب ار وی پرسید که در طعام موجود همه شبه چیزی که بود هست ؟ اگر باشد بگوئید که آماده شود امیر به گفت هر چیز موجود است مگر يك چیز ، گفتش آن چیست ؟ بجواب گفت ( شکر ) امیر صاحب را گفتاری بسیار پسند افتاد و شکر را مکرر بزبان آورد .  
 چون ذکر طعام را مکلف نمود نوشتن این سطور را هم مناسب دید .

۱۰ کتیبه لوح قبر ابواب جبارخان (۱) که سراج التواریخ تولدش را هجری ۱۱۹۷ (۱۷۸۳)

و عمرش را ۷۳ و فوتش را در سنه ۱۲۷۰ و مدفنش را همینجا مینگارد :

شادی چه ممکنست درین عالمی سرا

تا چادر سیه بسماست آسمان

چون نقطه مدار فلک نعش مرده است

در مرده خواه چون بزید زنده شادمان

نواب مستطاب ذوالمجدد و اسکرم

جبارخان محامی دین مرور سران

پشت و بناه عا جز و همکین و بینوا

جود و کرم به والد او زاده تو امان

از عالم مقیدس آواز ارجه بی

بشنید و رفت طائر و وحش صوی جهان

شد در بحر مکرمت از رخائش یتیم

شد سی ثمر درخت سخاوت ازین زمان

افسوس و آه و ناله که مهر سپهر جود

در ابر شد همان و نماند از ضیا نشان

یارب بحشر بادای محمدی ص

بر فرق او ز تابش خورشید سایه بان

کردم سوال سال و فاش و هاتقی

طایب به آه و ناله با چشم خور نقشان

برداشت از میان سر جان بخت و گفت

جبارخان نمود میان جنین مکان

۱۲۷۰

(۱) نواب جبارخان برادر اعلیحضرت امیر دوست محمد خان است ، قلعۀ ننه پیرجه در چهل ستون ازوی بوده و قلعۀ جبارخان طرف جنوبی انچه باغبانان چهاردهی بااراضی زیادی ازوی بوده که حالا برخی اران متعلق بملکیت جناب عبدالارب خان پسر مرحوم حاجی عبدالاراق خان عالم شهیر میباشد ، قلعۀ غنی خان که ریاست روعات مدت چندی در انجا بوده -اخیر پسر بررگه وی غنی خان است که چندی حاکم دیرۀ اسمعیل خان بود ، و در جنگ رنجیت سنگه نیز عهد سو لشکری داشت .

بهر تهجد چو خواست، نامشاید و ضرر  
حجبت خو شبخیزش بس که شدش بدرقه  
ای صمد به، ناز، و بی احد کار ساز  
نعمت از حد فروزد و بت بکجاف چون  
روز و مه رسال فوت ریخت ز لیلک تلخیا  
(پنجم ماه رجب کرد بجنت مقر)

۱۳۶۵ هـ ق

ب مقابر منفصله ز بارت عاشقا و عارفان

الف: بطرف مغرب زیارت راهی بگردیدیم پناهوی این را، با آنچه ایست موسوم بمقبره  
سردار غلام حیدر خان منقسم بدو حصه آه اردیدن دروازه کهنه و مجاور خانها  
و عسجده غیره اثرات باقیمانده آن عهد میشد کرد رادل تعمیر خیلی خوب و بی  
داشته، شاهنیر عمده مدفونین این قبرستان بدقترا راست.

۱. کتیبه لوح سنگی طرف پای سردار غلام حیدر خان کسره - یعهد امیر کبیر -  
دومست محمد خا، ان بود.

فغانکه باز عباد شد محبت، بجهان  
در پنج سالهات آید و است کبریا  
فروغ کو کبته دودمان را نسبی  
سپهر سعادت وجود، رحمت و رافت  
فلک سراقه، نور رشید حیدر کبیر بخت  
قمر رکاب و ثریا جناب و هوش سرور  
ظهور سادسته انا هره نصیر الملک  
امیرزاده سردار اقدس دیجا  
برو ز بیستم ذی قعدت اندر ابد  
زلطف شافع است بر و زحمت بود  
شوی چو طائب شمشیر بنگوی که حق  
(۱۰ هـ باین شرف عالی بهشت جا ویدان)

سنه ۱۲۷۴ بسن چهل و یک سالگی

مصرع اخیر بدون تفاوت حاوی سنه وفات است.

از طرف عصر در چمن حضوری با نظام شایسته روی دست خوانها و سنی های می  
 ترتیب میدادند و مردم بعد ادای نماز شام که معیت شاه ادا میکردند بدون تفریق  
 درویش و غنی سرسره رفته و صرف طعام و چای نموده سپس در عیدگاه  
 میرفتند و موکب باد شاهی هم بوقت معینی میرسید و با جمعی که نفری طعام  
 خورده آنجا و نفری که طعام بخانه خود ها خورده و نخاص برای نماز  
 می آمدند تقریباً يك لک نفر میرسید ادای نماز خفتر و تراویح میدادند  
 و هر شب سه سپاره خوانده و در شب دهم ختم میکردند ، هم آن روز همین  
 حافظ مرحوم بود ، و برای فتح دادش چندین حافظ جدید چون حافظ حضرت محمد  
 و حافظ خدا بخش و امثال ایشان نیز در عقب جای مخصوص داشتند و این ختم  
 در چند سال جریان داشت که در سه چهار سال آن ابن فقیر نیز شرف شمول حاصل  
 کرده بودم و در آنهمه سال ها يك فتح هم ضرورت نیفتاد الا که یکدفعه بوی  
 فتح دادند و لگرفت بعد فراغ نماز جوع بقرآن عظیم الشان نمودم و سهواً از طرف  
 فتح دهندگان بود در همان وقت او بر شهید فرمودی اگر دگر بگری از حافظ  
 محمد حسن در حفظ قرآن مجید جید تر میبود چون نام این حسن است نام او را  
 احسن میگذاشتم ، علاوه آن مرحوم در تقسیم آیات رکعات يك مهارت و دور  
 اندیشی دیگری را هم بخارج داده بود که وضعات سجدهات تلاوت و در ادر پالین  
 قیام هر رکعت آورده و سجدات تلاوت را در رکوع ادا میکرد ، زیرا نفری  
 زیاد بودند اگر با بطور مراعات نمیکرد یا شبهه باین تعداد کثیر سهواً اشتباه  
 واقع میشد ، گرچه این تفصیل در بجای آنقدر ضرورت را ایجاد نمیکرد اما  
 بنا بر حسن معرفی مرحوم نگاشته شد ، آخر الامر این حافظ جید و صاحب  
 تقوی که بسپار مردم شهر ما مقتدی وی بوده اند بعد ۷۳ لیـل پنجشنبه  
 ۱۵ ربیع الاول ۱۳۶۱ جـان بجان آفرین سپرده و جسدش در اینجا بخاک  
 سپرده شد ، خدا یتعالی بخوف و بحشایش خود شادش داراد ، بمحمد و آله الامجاد.

۱۲-۲ بعد از بسم الله شریف و کلام طیبه :-

داکتر عبد العزیز ، مرد فرشته سیر	صاحب اخلاق معش ، منبع علم و هنر
پیر و ذبیح هدی ، جزو خندق و صفا	محرر زهد و تقا ، خوش تهت و ناموز
محمد مت طی نمود مدینه پنجاه سال	در وطن از صدق دل بی طمع سیم و زر

آن آفتاب صبح سعادت که فیض او      چون فیض آفتاب کران تا کران گذشت  
آن بازوی سراسر اذی عصمت که بارها      فرق بلند همتش از فرق دان گذشت  
آباد کرد هر چه بعالم خراب بود      تا خود ازین خرابه محنت نشاند گذشت  
و اصل زیر عقل خرد دانش سوال کرد      تا بیخ فوت او چو ازین خاکدان گذشت  
باغ بهیمه سایه داور و پای خداد      بگرفت مال رحمت و از این و آن گشت

عدد (باغ بهیمه) ۱۱۷۳

و (سایه طاهر) ۱۳

و پای خداد (۱۷۴)

۱۲۸۰

سنه فوت همین (۱۲۸۰) میباشد سراج النوار بخم همین سال را قید کرده  
اول جمله ازین سنه گذشت بطریق اعداد سالند ابد بطور مصرع هر کس  
واقع شده .

واقعه فوت و کفیه قبر سردار محمد علی خان مرحوم

در حالیکه سردار محمد امین خان از ابد خود اعیان حضرت امیر شیر علی خان  
آزاده خاطر به در قندهار بنامه شوش گذارفته و طرفین مقابله آماده شدند، چون  
امیر شیر علی خان از غلات گذشته موضع کجی از انشار گناه قرار داده با آراستن  
صنوف اشکری و اسبها و اسلحهها سردار محمد علی خان که جوان خوشگل  
زیبا، بلند بالائی به دین سلاح آراسته جای آینه بر کشیده خود را آهنگین بر سر نهاده  
و شمشیر حمایل ساخته در زمره پشته خنده داجبار به خدمت پدر حاضر شد، امیر او را دیده  
گفت چنان تن به آلات حرب آراسته امده یا خود را آماج کلوله خصم ساخته هیباید  
تغیر لباس کرده داخل میدان کارزار شوی تا خدمت نشانمده، فوراً تبدیل لباس  
کرده از حضور پدر دور تر بنای ایستاد، چون منظرش را مشاهده و ترک مقابله بود  
سردار محمد علی خان به حضور پدرش و دفتر ستاد و اورا اطلاع و خواب  
خود را که دیده بود به بیانی کرد که دو سنگ گزیده حمله کرده هر کدام از یک پا هم  
گرفته مر امید دارند، و نیز گفت که تمام سپاه از شدت محاربه شب خسته اند اگر ترک  
مقابله امروز را از امیر استمد عالمائی، امیر شیر علی خان که این مطلوب را  
از سردار محمد عثمان خان استماع نمود و سردار محمد علی را آهنگ جنگ نیست،  
سردار محمد علی خان ازین سخن بخود پیچیده پیش دوید و زمین ادب بر سیده

کتیبه لوح طرف پای قبر سردار سیف الله خان بنسر امیر کبیر .

آه از جور زمان داد از چفای آسمان  
هر که در بزم جهان یکدم یکدم دل نشست  
ساقی ایام ز درش میکند آشوب بهجام  
بر دایه عالم چه انی را به حسرت خرچ بپر  
رفت ناکام از جهان شهزاده کز رفتش  
اختاری در خاک ندید پنهان که مهر طاعتش  
آفتاب صرمه های شد ز ال اندر کما  
گوهر در درج هنر پورا میر نه مور  
داده است تا در میدان جنگ از نام نیک  
با برادر شری خدمت آنچنان بعد از پد  
(۱) و اصل از پرخ دی کردم سوال سال او  
از سر مهر و وفای حور و زجانات بخاور

ز انقلاب : وز گاه و کیه اختر فغان  
هر که شد در مجلس گیتی روزی بهمان  
منعم آفاق خویش مینهد آخر بشوین  
کز فراقش خاک رسر میکند بپر و جوان  
روز و شب از ندیک سر فراقه افغان فغان  
داشت صد طعنه از خوب و بده آسمان  
از غمش حور شد گردون سلسله در در جهان  
جوهر تیغ ظاهر سرد از سیف الله خان  
گوی سبقت بر دتر و رنگی از همگنان  
تا خوار فرط صداقت در کلبش دارجان  
بود در فکر سخن تا ندر چه ایم ناگهان  
سر بر و ن آو و وقتا شده خاندان جهان (۲)

شهر محرم سنه ۱۲۸۲

۳- کتیبه سنگ صندوق قبر والدۀ ماجده اعلی حضرت امیر شیر علی خان مرحوم  
آه از جفا ای چرخ ستمگر که بارها  
هر گل که شد شکفته بگاز ارکانا  
هر دل که از تنعم گیتی اشاط یافت  
از محنت زمانه چگویم که تا چه حد  
خورشیدی از قبائل افغان غروب کرد  
ماه ز پشت پرده بخرگاه خاک خفت  
گنج حیا خد بجهت عهد یکله لایم او  
ام امیر شیر علی خان که در عفاف

بر یاد شاهزاده پیر و پیر و جوان گذشت  
باداغ دل چو لاله ازین گلستان گذشت  
آحر در نج و غصه و محنت ز جان گذشت  
بر مرسم زمانه خصوص این زمان گذشت  
کافان صد قبیله از هفت آسمان گذشت  
کز بام چرخ آه دل دستان گذشت  
نتوان ز پاس خاطر او بر زبان گذشت  
یکن لگفت ثانی او در جهان گذشت

(۱) و اصل . میرزا محمد نبی خان دبیر ضیاء الملة والدین و دکه در ۱۴ شوال ۱۳۰۹ فوت شده  
(۲) ماده تاریخ را که (شده مغلطه رجنان) نشان داده مطابق (۱۲۸۶) است کدام اشاره هم  
ندارد که عدد چهار کسر شود اگر سر جقات الخلود بر آوردن منظورش بوده باشد هم عدد  
چهار نیست بلکه سه میباشد اما واضح است که در شهر محرم سنه ۱۲۸۲ فوت کرده در سراج التواریخ  
هم شاهد این ادعاست .

الهی شفیعش با مید و نیم      شود (شافع حشر حسب المراد)  
 ز دار فنا چون بد از بقا      شد و (داغ بحرمان بدلیها نهاد)  
 شرر سال تا رخ آشفه یار      بدست از حرد (اب بهاسح کشاد)  
 بشد چون محمد در پیش بنگوی      محمد علی ادر همان است و شاد

۱۲۸۲

چون پنج بیت اخیر بواسطه شکستگی سنگت آن ورد بدست نیامد و مواد اصلی آنرا نیز یافته نتوانستم بناءً آن ابیات را اخذ نگارنده که بل نموده کلمات پیوسته دادگی خود را در ضمن آن مصراع بین قوس گرفتم تا اصل و پیوسته واضح باشد، معترضه بدوون کم ریخت حاوی هر سه قوت است که (۱۲۸۲) باشد:

• قهر سرار محمد، عظیم جان برادر اسیر دوست محمد جان که در جنگیکه بارانجیت سنگه در اوائل سال ۱۸۲۳ ع. روحانی نوشهره پشاور نموده در مهادن جنگک زخمی شد بان مجروح از پشاور جلال آباد آمده از اینجا روانه کابل شد، در راه بهمر ۳۸ در کوتل تته بدعوت کرده جسدش را بکابل آورده و درینجا دفن کرد و در لوح بزرگی بحضرت ربهای مستماری بالای مرقدهش نصب و این ابیات در متن و حاشیه آن درج است :-

متن

سوی باز باقی ازین سالک رفت	محمد عظیم آرزو جهان و داد
لنگور و لنگر خوی را لا نگهر	جوادی جوان بخت نیکی نژاد
ز آمداد حق تا نظم هد رسد	بمغض ازل رابط این پسداد
باند و غم داد جان از جهان	بدر رفته با دود دل تا مراد
پوششی گناهان وی بنا عهد بن	ز احکام رحمت بیوم القاد
یکریزمصارع چو گبری شمار	روی جمله را هست این اتحاد
چو پرستد از سالک مدوش سنگر	بخلد درین ایزدش جفا دها د

حاشیه

هزار و ده و صد بود یاسی و هشت	کرین مسکنی شر بخیرا لبسلاد
پس از کوبه با جیش صدق و صفا	سفر کرد سردار روشن ذهاباد
سر سر فرازان و گردن کشان	محمد عظیم بزرگسی ذهاباد
سپهدار و لشکر کش و ملک گبیر	امیر نکورای با عدل و داد
ز یارک با از جمله در اندامان	امیری باین شان و شوکت نژاد

عرض کرد که آمادۀ کارزارم و بجان منت دارم که جان تقدست مبارم ، داخل میدان جنگ گشته رو بجا نب منگر سردار محمد امین خان نهاد چون از سخن و طعن او برخو نش میجویش آمده بود بیجا کانه با سر احمد امین خان درآویخت ، از دبر سو نادره جنگ شعله و رنگشته خود نری ز یاد بفرهین بمش آمد و سردار محمد علی خان نصیر ب شه شیر سردار محمد امین خان بگنوا ب جنگ برآورد (۱) سده ۱۲۸۲ در همین معسکر کج باز داعی اجل را لبیک گفتند ، هیت سردار محمد امین خان را بقتل هار برد ، در احاطه حرقه منظره مدفون ساختند و نعش سردار نام دار محمد علی خان را با امر اسم در اجلا ل درین مقبره بخوابگاه ابدی سپردند .

کتابیه لوح طرف پایش این است ، ولی افسوس که پاره ازان شکسته ، ابیات آخرین آن به صورت کامل تسوید شده توانست :

هزاران دریغا که رفت از جهان	محمد علی سرو شیر زاد
سرافراز تاج و سزاوار تخت ،	خداوند جود و خداوند داد
خدا یو پرومند بخت و دلیر	که ما نند او در زمانه زاد
بطاع جوان ببتد بپسیر	به یزدان رحمت قباد
سهی سر و پستان شیر علی	امیر جهان داور خوش نژاد
بعهد جوانی که بیست و سه بود	ز یاد فنا نخاش از پافه داد
فدا کرد جان در رکاب پدر	که رحمت بران کوهر پاک باد
تنی رفت در خاک آیره که دل	نمیخو است و وی وز دند بساد
رخسی شد لهان در تقداب بقا	که بودی جهان فنا را مسرا
در یغا ازان فرد نیرو ، برز	در یغا ازان دست پست و کشاد
در یغا ازان طلعت همچو ماه	که مهرش بدی بند بخانه زاد
بهشت ار جهان ، در بهشت عدن	خدا پیش مقامات عالی زاد
الهی کند فائضش الی کرم	به آفرینش (خویش رب العباد)

(۱) گرچه سراج التواریخ واقعه را بروز عاشورا تد کار نموده اما اصل واقعه بروز سه شنبه ۱۱ محرم الحرام سده ۱۲۸۲ واقع شده چه در اکثر کتب مرده آذوفت یادداشت نموده اند که به لحاظ اینجا نب رسیده وار ربان اکثر موسفیدان هم شنیده شده





ذی القعدة محمدخان مرحوم ۵ قوس ۱۳۱۵

گر پرسى لمن اين مدفن كيست ؟  
 اينكه در زير لوح پنجا ن است  
 عالم و فاضل نيكو سيري  
 كرده تحصيّل عسـوم ديني  
 بر بسا علم كه عارف بود  
 گشته از رحمت اين ها كه نهاد  
 از همه با هنران برتر رسد  
 بود صاحب هـران را ا ستاذ  
 سوخت از شكك روان بهزاد  
 وصف اين فضل و رسام شهير  
 ايند ر يغـا كه چين نا هـوري  
 در تـه حسـاك سـيه خـوا بـيد  
 گر چه خوابيده كنون تر ير احد  
 خد مات هـوتـهـ اين مرحوم در وطن فراموش ناشدني است و ياد گاهـايش  
 جا و داي اما متا ستم كه سـراوح مزارش قـد كـر حـالـش مختصر بـر دو حاـضـر  
 مـوـا مـات شـخـصـي نـگـا رنـد و محدود است  
 ۲ در اوج قبر ديگري كه متصل بقبر پير مير مرحوم است اين ابیات و عبارات  
 مسطور ميـا شد :

اي اهل حيات مرگ را ياد كنيد  
 چون ميگذريد بر سر قبر بت ما  
 خود را ز غم زمانه آزا د كنيد  
 با يد كه بيسك فاخته ام شاد كنيد

اي مرگ چه حاره ها كه ويران كردي  
 هر گوهـر نا ياب كه آ مد بجها ن  
 در ملك وجود عارت جان كردي  
 برد ي و بـزير خاك پنـها ن كـرد ي

تاريخ وفات مرحوم معفورا لله يارخان فرملي بيست و هفتم  
 شهر ذي قعدة لحرام هزار و در صد و بيست و چهار بود كه از دارالفا  
 مد از بقا رحلت نمود .

( د م ) لوگل گلزار عفت حدقه چشم حیا  
 بد جهان بیگم عقیقه با وی عصمت پناه  
 پاك طينت ايک سیرت خوب خصات، خوش مزاج  
 پرده گوی حسن، خوب بی در جهان از مهر، ماه  
 امة الخاتون جنت رشک حور ان بهشت  
 ثانی باقیس و مریم بادوی صاحب لاله  
 جاوه گر، در مهد عفت همچو آب اندر گهر  
 کامران بر تحت عطمت بود چون رچرخ ماه  
 از هم دور اندر رده هیچگاه آسیب دار  
 شاد و خندان بر دهرم همچو گل در صبحگاه  
 ناگهان ازها تف غیبی ندای ارجمی  
 ز دمه داغ گوشی هوشش از معالی بارگاه  
 کوس رحمت زین جلازه برزد آن محمل شین  
 رفت از چشم جهان بین زود چیدن نور انگاه  
 تیره و آبر پک شد زین غم زمین و آسمان  
 مهر و ماه و مشتری بنشست بر نواك میاه  
 یا الهی از طفیل فاطمه هست رسول ص  
 ز آب رحمت پاك سازش دامن از لوث گناه

۱۴ در لوح قری چنین مرقوم است .  
 وفاته مرحومه مبرورۃ رضوان مکان بعد یجۃ الدوران بی بی جهان بنست  
 صداقت نشان محمد تقی خان اردبیلی بن تاریخ، م شهر محرم سنه ۱۲۶۰



ناگفته نماند که این سه قبر در احاطه ظهر لاریه عاشقان و عارفان متصل به قبر  
 داکتر عبدالعزیز خان مرحوم که نمبر ۱۲-۲ میباشد و در آنجا از قلم مانده بود  
 لزوماً در اینجا آورده شد :

۱ قبر مرحوم غلام محمد خان پروفیسور سامی، که مشاراً به اصلاً از ساکنین  
 میمنه بوده و متوطن کابل شده و این فقه را بانتهای کمال رسانیده و شاگردان  
 زیاد و آثار بی با قدر هنری از خود پیادگار گذاشته قبرش بسنگ و سمنه  
 ساخته شده و لوحی بالای سرش نصب است و این ایات در آن مرقوم :

حاجه يث ساوك و مقامات گسفتي  
مقامش كلا ت نصير و بكا بل  
محمد رحيم آن امين المعاليك  
بعده تنگد اري قدم ساخت از سر  
زيك اربعين بيش در شهر كا بل  
از انجا بمنز ايگه عا قبت شد  
درين مصر چون او فقيري ابوده  
ازين در دجا نگاه بسالا گذر فته  
ز عين عا قبت ز فسط امرا هست  
بتار يخ سال و فاش ز عا قبت  
در بز آب چشم و بگوسال فو تش

بطبق احاديث و تفسير قدر آن  
سوي موطن اصلي آمد شستا بان  
كه تملك او داشت ملك دل و چان  
بچان منت افزودلين طرفه احسان  
ابود شي زهان تو قف ز دوران  
ر دنيا ي بي عا قبت شاد و خندان  
بهند و به سند و باوران و توران  
در هر شهر تا ماه مريدان  
بصد ر بهشتش د هد چاي بزدان  
سروش سايندهاتف كه گريان (۱)  
ميان عزت الله شبلي دوران (۲)

۲ - بطرف جنوب مرقد، ق المذكر داخل احاطه مدفن امين المعاليك داراي دو لوح سنگي است، لوح طرف سرمزين بكلمه طيبه و آيات بينات قرآني و بعضي ابيات، لوح طرفي اين ابيات.

دريغ و حيف ارم عالم تران جهان رفتي  
رحيم خان مين الملك از بيان دون آخر  
نقاي حضرت حق اشقي، ظهور كز عالم  
هر اي كلشن حاد برين در خاطرت زه يافت  
وزير از دست اعدا شربت زخ اجل نوشيد  
چو از با اجل اخلا و حودت مر بگون ذريده  
بزيير حال غبرا بگو هر ذرات چو شد پنهان  
ز بس نكي كه با سادات مكردي بهان و جان  
در به و انان و ان روه را بخم بيب، عا قبت

هزار اسوس از خاق لكويت كز ميان رفتي  
براي صحبت حوران بفر دوس چنان رفتي  
كشيد ي پاو پر كدي دل و دامن تكان رفتي  
كه بر كدي، بكلي دل ز اسباب جهان رفتي  
تو هم دل خور از به عالم بجسم نا توان رفتي  
بصحن باغ شيو شد كه سر و از بوستان رفتي  
عيان شد ما تحت اندر ميان دوستان رفتي  
با ميد نبي مر سل آخر زمان رفتي  
كه چون بابل دل از خون بر ز طرف گاستان رفتي

عدد معروف كنمه (دريغا، اي و اي) كه ۱۲۴۹ ميشود ماده تاريخ سال فوت است :  
۳ - بطرف شمال آن داخل احاطه مرقد چلندر خان است كه دو لوح دارد كتيبه لوح

(۱) گريان ابا احمد شاعر است

(۲) عدد مصرع اخير (۱۲۴۷) ميشود و آب كه ۳ باشد چون ازان كم شود ۱۲۴۴ سده

و لات باق مي ماند .

در پهلوی این قبر، قبر دیگر است که سنگ یکمربنه قبرش را پوشید و  
و بالای سنگ صندوق نما است، علاوه بر تسمیه و کلمه طیبه شش بیت  
در آن درج است که این دو بیت از آنجا آورده می شود .

قبر علی خان تاجر شهر مزار      بگذاشت جهان بسن هشتاد و چهار  
حق بخشید از طفیل شاه لولکص      و حرمت چار یار ص و آل اطهار رض  
سال قمری زر حلتش گفت ..      ( در جنت امید شد آن نیکوکار )

۱۳۷۲ هـ ق

ب :- طرف مغرب زیارت عاشقان و عارفان متصل مقبره سردار غلام حیدر خان و غیره  
سردار ادباغچه ایست مشهور به (باغچه شتر شاه) که وجه تسمیه این اسم مجهول است  
در وسط این باغچه احاطه خورده است که پوشش آن خراب شده و علامه  
ارسیهای چار طرف آن باقیمانده بعضی ستونهای سقف و از سیر آن بزار بین رفته  
درین احاطه مزار یکی از عرفای وطن میاں عزت الله صاحب است  
بامزار محمد رحیم خان امین الممالک و مزار جلندر خان که از عمدت مخلصین  
و مریدانش میباشد در خارج احاطه که داخل باغچه است دیگر مزارات نیز  
از اولاد و مخلصین آعارف هستند که ذیلاً به تسوید اواح خود می و مریدان  
و هنسوپانش که لواحق تربت شان باقیست مبردارم :  
۱. مزار خودی که در وسط احاطه است دو اواح دارد اواح بالای سر مزین است  
بکلمه طیبه و اسماء الله شریف و آیات و بیانات قرآنی و نقش های زیبا و آیات  
بسیار که از جمله است

ای بدر ما ندگسی پناه همه      کرم تست عذر رجوا همه

در اواح طرف پای یک جانب آن بیت است .

هر گز نمیر ، آنکه دلش زنده شد به مشق      ثبت است بر چهره عالم دوام

جانب دیگر لوح

میاں عزت الله صاحب کد با دا      چوا صاحب تقوی مصاحب پنهان

سیادت چرمه راز رخس بود روشن      بجابت ز سیماش چون ماه تابان

صاحب النسب میدو در حسب هم      چوا جدا د خود مرجع اهل عرفان

بحکم شریعت رموز حقیقت      با اهل طریقت شده معرفت دان

سیزده بود از مه شو ال چون      کرد پیران روح اوزینجا بنان  
شدخرین در لجة سیرت غریق      تا برآورد گوهری از بهر راز  
ماهم اسرار دادش این بود      ( غم مدارید ) بهر او تا ریخ ساز

۱۲۹۹

۵ پناهوی احاطه ( میان عزت الله صاحب ) بطرف مشرق قبریست که لوحش چنین  
کتیبه دارد :

میان غلام رضا آنکه عارف حق بود      بسینه علم و بدل داشت خاص نور رضا  
پدید در دن اور از حال و آید      عیان بآینه خاطرش رموز مضمی  
براه فقر همی بود در مقام سلوک      محب خاص علی رض پیرو امام رضا  
بگوش جاد چو شنیدار جمعی الی ربک      ز عین صدق و بقیق شد رضا با مر قضا  
بشد مجرد و بشتافت در حریم وصال      بیافت ارگل رویش ریاض قدس فضا  
ز پیر عقل حسن سال رحلتش جستم      ندا رسید که در یافت کن ز نور رضا  
ما ده تاریخ ( نور رضا ) ست که ۱۲۵۷ میشود .

۶ بطرف مغرب احاطه قبریست که لوح خور دی مرقوم باین عبارت دارد .  
الحکم لله - وفات مرحوم میر منور علی شاه ابن محمد علی شاه ابن میان عزت الله  
بتاریخ ۲۰ شهر ذی حجة الحرام چهار و نیم ساله بود که از دار فنا بدار بقا رحلت  
لعل در سنه ۱۲۷۱ .

۷ قدری دورتر از احاطه مذکور داخل باغچه بطرف جنوب قبری دارای دو لوح بوده  
لوح بالای سر مزین بکلمه طیبه و آیه الکرسی و ابیات مناجات و کتیبه طرف پا  
چنین است .

« تاریخ تولد مغفور ه بی بی فخری جهان بیگم صبیبه عبدالعزیز خان حرم سردار  
عطا محمد خان درانی بامزائی در سنه ۱۲۱۲ هجری شده ۶۴ سال در پندجهان  
فانی گذر آید مرغ روحش از قفس تن ملول گردیده در سنه ۱۲۷۶ هجری  
قفس جسد فانی را شکستاده بر حمت بیغایت الهی پرواز کرد و در جهان باقی  
آشیان گرفت »

درین مقبره علاوه بر مزار اتمیکه کتیبه الراح شان مرقوم گردید بعضی مزارات  
دیگر نیز میباشد که نگارش الراح آنها ازوم دیده نشد .

طرف پای چنین است :

پنبه غفلت بر دار از گوش جان	پرحذر باش ای دل از تقدیر حق
تا نمانی در عذاب جاودان	تا نوالی گوش اندر را و حق
نرجس را نسه لقای دلسته-ان	چون چاندرخان لبامد از عسدم
میگرفت انگشت حیرت در دهان	هر کسده بدی طاعت آن مساهرو
بود از نسل رحیم دادش عیان	اب و الاشیان او عیب الد-جمید
کی بدی از دیب-گری نام و نشان	گر بیزای مادر در هر این چنین
حیف کان گوهر تلف شد رایگان	داغ گردیده است ماهی تا بماء
شد بهار عمر او ناگه خزان	یک گدازش نشگفته از باغ-مرا د
از برین در ربو دوش با گه-هان	از قضا بیک اجل چو در رسید
در جوار رحمت حق شهادت-ان	رحمت هستی بست و رفت اندر عدم
رفت و برخیزد صاحب در جنت مکان	مرع و وحش چون زن پرواز کرد
در صف حوران خلدش آشیان	از عظیم اطف خود یارب-هی
یا الهی عفو کن تقصیر آن	از عطای خود پش و میبش مکن
جای آن دار دکه گردد دامستان	هر چه گویم من ز او صافش کم است
آیه انما الیه را بسجده-وان	صبر آئین کن بقرآن و انسگر
بس فکر میسر مردم هر زمان	ما دم تا ریخ آن نیکو میسر
بود با حور او و بخت شد روان	هائمی دام نوید از عیب و گفت

تعداد حروف تمام مصرع آخر (۱۲۵۲) میشود که حاوی سنه فوت است :

۴- طرف شمال احاطه مذکور قبری دارای دو اوج بوده اوج بالای سر مرزین بکلمه طیبه و آیه الکرسی شریف و ابیات مناجات و کتیبه اوج طرف پای این است

رفت بیگم صاحب از این خاکدان	سوی حق چشم ترو دل پر ز آزار
آن خلدیحه خوی پا کیزه سرشت	نوجوان صالحه عصمت طراز
بست بر خود روزن عیش جهان	شد پرویش روضه جنات باز
چون ندید این دهر فانی را ثبات	سوی عقبی شد فراغت زین مجاز
نحل باغ-خداان عالی مرتبت	درد را نی غلام احمد که باز
قوم فوفزائی و مختار لقب	صاحب رای و فهیم و کار ساز

گذشت عالم فانی را روی و بانی کرد به وی روضه قرصوان لعل و نقل مکان  
ربیع الاول بیست و دوم بیکشنبه چه ازین جهان فاشد بسوی خلد روان  
شیعی چ طالب سالش بیست و نه اصل شد بقرب عفو الهی برحمت سبحان  
۱۲۷۸

از کتیبه قبر سه مین چنین مسطور شد  
و فسات بی بی همای بیستم نت - ر دار پیر محمد خان ۱۵ شعبان سنه ۱۲۸۰  
کتیبه قبر چهارمین از اسب :  
فغان از گزندش چه رخ رنگر کز و هرگز ندیدم محاطری شاد  
ر تند باد اجل افتد کجا ه قدی از وی خجل شد سر آرد  
نهال از تنگی راغ حواسی عقیقه بی مریم چنان شاد  
همیشه شاد محمد حسن بن بافر فلک زین غم دلش را داغ بنهاد  
به نقد سه عارض شد حاقش قضا نزار جمعی را اورضا داد  
به ره از ر بیست و اول امسا برو ز جمعه اش در خاک جاداد  
اگر جوئی ز من تاریخ و روش هزار و سه صد و هشت آریا داد  
۲ ملحق باحاطه ۱ یارت :

احاطه ۱ و ۲ یعنی است که (بی بی فاطمه) مشهوره (فاطو جان) معروفه (آقا جان)  
نت ایامیه حضرت امیر دست محمد جان و بعضی اقارب شان مدفونند تاریخ وفات  
بی بی فاطو جان موصوفه روز چهارشنبه ۸ جمادی الاول سنه ۱۳۴۹ ه ق است  
این مرحومه که از یکطرف دختر پادشاه و از طرف دیگر صاحب علم و هنر  
در خط نستعلیق مهارت تام داشته و در غوریا و بود بقدر دانسی است حدایش  
بیاهرزد .

۳ طرف شرقی بغاصله ده . در قدام باستوای این زیارت قبرستانی اجدادی نگارنده  
است که حالا جای عالی در آن مانده بالای قبر جلد بنده کدام کس از دوستانش  
در ا زمان اوجی ساخته که ابیاتش این است :

شاعر و منشی و محاسب فرد صاحب الجود و بخشش و احسان  
زبدۀ نسل شیخ احمد جام ذرا بفضل میرزا محمد جان  
آنکه در حسن خلق و حق جوئی بود در عهد خود و حید زمان

## زیارت بابای غوری

الف : خود این زیارت

از هزار عاشقان و عارفان بطرف مشرق بقاصعه احمدیه جاده قدیم در دهه کوه زیارتیست مشهور به بابای غوری . این زیارت محاذی يك احاطه دارای مقابر زیادی بوده در میان احاطه قبر رحمت که حدود سنگ آبلان مکعب مستطیل دارد ، بالای سنگ مذکور یک سنگ قدیم گهراره نامی مانده شده که بطرف پانز آن چنین مرقوم است .

و تا یخ و فاش مرحوم بنفرد ناپا او غار الله بن این محدوده ترکمان سنه ۱۱۳۰ سنه این هزار قابل تأمل است که در روز دد تحریر عدد هزار را قلم انداخته شده ۲ دیگر معاومات راجع بشخصه تا این بزرگوار نیست اما از دهر دم خیلی محترم است و در داخل محوطه مذکوره قبر ها بیکدیگر پیوسته ای هستند مرتب شده آن از حاجی عبدالحمید تاجر معروف نابل و برادر شهیدش عبدالغنی پسرش و غیره مخاواده وی است .

ب . ماحقالتش

از دیکه بطرف غربی این زیارت احاطه است دارای مابر زیاد که از انجمله از چند قبر که اکثر دواوح دارند کتیبه هایش نقل میشود .  
کتیبه اولین قبر :-

در ذل و حسرتا که ز بهمهری سپهر	شد منخسف باوج جوانی مه نم ایام
آن نوگل بگانه سرداره - قومن	اھنی مھمن محمد علی نعان مهر فام
مهر وی و نیکخوی چو سبطانعلی کد	ماو اوچا ، بیا رکه وادی السلام
تا ربیع سال رحلت او زائر عزیزین	میکرد جستجو زخود باصدا اهتمام
پای نیا رکرد برون به - رحلتش	زینگو فز در قم که بهشتش بحق مقام

۱۲۹۶

کتیبه دومین قبر

ز حاد ثبات تو ای چرخ فتنه بار افسوس	ز انقلاب تو ای دهر کینه جری فغان
بلند مرتبه خورشید اوج جاه و جلال	سپهر کوکبه سردار مدلت بنیان
صماء حشم و شوکت محیط عز و شرف	رفیع مرتبه سردار پیر محمد جان

سیزده بود از مۀ شوال چون  
کرد طیران روح او زینجا بنار  
شد خربین در احمۀ حیرت غریب  
تا بر آورد گوهری از بهر راز  
ما هم اسرار ادبش این نور  
( غم مدارید ) بهر او تا ریخ ساز

۱۲۹۹

۵ پهلوی احاطۀ ( میان عزت الله صاحب ) بطرف مشرق قبریست که لوحش چنین  
کتیبه دارد :

میان علام رضا آنکه عارف حق بود      بسینه علم و بدل داشت خاص نور رضا  
پدید در دل او از حال و آینه      عیان بآینه خاطرش رهوز مضی  
براه فقر و محیود در مقام ملوک      محب خاص علی رض پیرو امام رضا  
بگوش جان چو شنید از جمی الی ربک      ز عین صدق و بقیق شد رضا با مر قضا  
بشد مجرب و بشتاعت در حریم وصال      بیافت از گل رویش ریاض قدس فضا  
ز پیر عقل حسن سال رحلتش جستم      ندا رسید که در یافت کن ز نور رضا

ما دۀ اریخ ( نور رضا ) ست که ۱۲۵۷ میشود .

۶ بطرف مغرب احاطۀ قبریست که لوح خور دی مرقوم باین عبارت دارد .

الحکم لله - وفات مرحوم میر منور علی شاه ابن محمد علی شاه ابن میان عزت الله  
بثاریخ ۲۰ شهر ذی حجة الحرام چهار و نیم ساله بود که از دار فنا بد اربقا رحلت  
نمود سنه ۱۲۷۱ .

۷ قدری دور تر از احاطۀ مذکور داخل باغچۀ بطرف جنوب قبری دارای دو لوح بوده  
لوح بالای سر مزین بکلمۀ طیبه و آیه الکرسی و ابیات مناجات و کتیبه طرف پا  
چنین است .

« تاریخ تو اند مغفور » بی بی فخری جهان بیگم صبیبه عبدالعزیز خان حرم سردار  
عطا محمد خان دارای نامزائی در سنه ۱۲۱۲ هجری شده ۶۴ سال د رینجهان  
فانی گذر آید مرغ روحش از قفس تن ملول نگردیده در سنه ۱۲۷۶ هجری  
قفس جسدش را شکستاده بر حمت پیغایت الهی پرواز کرده در جهان باقی  
آشیان گرفت .

درین مقبره علاوه بر مزاراتیکه کتیبه الراحشان مرقوم گردید بعضی مزارات  
دیگر نیز میباشد که نگارش الراح آنها ازوم دیده نشد .

بعد ۷۸ هفتاد و هشت سال حیات      زینجهان شد بنام لیکن روان  
سال فروش سر و ش غیبی گفت      (حق عطایش کند بحد مکان)

۱۳۱۹

حضرت قبله گاهی میفرمود در وفات پدر خود در پیش به طیفه رسمی دولت  
بودم پنجاه سال بعد که آمدم همین سنگ بر مزارشان بود و میبدم کدام يك از  
دوستان صمیمی شان ساخته باشد .

۴ متصل به مرقد جد امجد مزار قبله نگاه فقیر است که تا حولی موفقی بساختن لوح مفصل  
نشده و از مرثیه که در وفات مرحوم سروده بودم این چهار بیت را در سنگی خورد  
کننده و بالای قبر گذاشته ام که قبر غلط نشود امید است . زی بهیه روح لایقی  
و وفق شوم .

ابیات مندرجه سنگ :

جناب قبله گاه بنده مرزا فضل احمد شان  
که عمرش شد بدینداری لفضل ایزد مان  
بنظم و تشریف ماهر ادیب و فاضل و شاعر  
بهنگام بیان ساحر بتألیف رسوخن طوفان  
بعمر شصت و نه آنچو هر فضل و شرف راهی  
ازین دنیا ی فانی گشت سوی ملک جاویدان  
خایل از سال ترحیلش شیند از غیب این مصرع  
( بود آرامگاه او بقرب رحمت سبحان )

۱۳۶۰ ه ق

۵ در همین اردیبهگی بالای قبری سنگی است دارای نقوش و نحو برآمده و روز مان  
فرسوده اش نموده که قابل خواندن نیست طرف دیگر آن که در زمین بوده  
و شسته و پاک کرده شد این ابیات در آن مندرج است .

گر من گنه روی زمین که در دستم      لطف تو امید است که بگیرد دستم  
گفتی که بروی عجز دست گیرم      عاجز تر از بن هجره کا گزین هستم

نگذاشت عا ام فانی ، باقی کرد  
 ربع الاول بیست و دو م بیکشنبه  
 بیوی وضه مرخوانه و نقل مکان  
 ازین جهان فاشد بسوی خلد روان  
 بقرب عفر الهی بر حمت سیمان  
 بی چو طایب عاشقانه ، اصل شد

۱۲۷۸

از گنبد قبر من و من چایز من و دلد

وفات: بی همای بیگم نے ۱۵ شعبان سنہ ۱۲۸۰  
تقدیم قبر چہارمین اس امت :

فغان از آن شرح چه سست  
رقت با دل و دل با دل  
نهال بر سر آتش  
صیبه شاه محمد حسن پادشاه  
بخت بد و دل خست  
پادشاه و پادشاه  
انگور خوش و زین قار بخ و آتش  
۲ حاجت با حقه و یار دلت

استاد و ...  
...  
...  
...  
...  
...  
...  
...

۳ طرف، قریب صد قدم، است و ای این زیارت قبرستانی اجدادی انگار لده  
است که حالا چار، حالی بر نهاده بالآخر قبر جلد بنده کدام کس از دوستانش  
در ازمان او را یافته که اینانش این است .

شاعر، منشی و محاسب فرد  
زید و نسل شیخ احمد جام  
آنکه در حسین راقی حق جوئی

صاحب الجود و بخشش و احسان  
ذوالفقار میرزا محمد - مد جان  
بود در عهد خود و حیدر مہمان

## زیارت بابای فوری

الف : بخود این زیارت

از هزار عاشقان و عارفان بطرف مشرق بفاصله تحمیداً و بار صد قدم در داغنه کوه زیارتیست مشهور به بابای غور . این زیارت حاوی يك احادیث دارای مقابر زیادی بوده در میان احاطه قبر است که صندوق سنگ آلان مکعب مستطیل دارد ، بالای سنگ مذکور یک سنگ قدیم ، گهواره نسا نهاده شده که بطرف پای آن چنین مرقوم است .

« تاریخ وفات مرحوم معروف بابا به غلام الله پیرن این محرم در کعبه سنه ۱۱۳ ، سنه این هزار قابل تأمل است گمان میرود در تحریر حدیث از او قلم انداخته شده ؟ دیگر معلوم است راجع بشخصیت این بزرگوار نیست اما از مردم حلی محترم است در داخل محوطه مذکور ، قبورها و سنگها و خشتها مرتب مانده اند از حاجی عبدالحمید ناچریه مرقد ابا و پدانشه ایشان بسیار عزیز و سرشناس و غیره .  
خالد و وی است .

ب . محققان

از دیگر بطرف غربی این زیارت احاطه است دارای منابر زیاده که از جمله از چند قبر که اکثر دواوح دارند کتیبه ها بشکل نقل می شود  
کتیبه اولین قبر .

در داغنه حسرتا که ز بهمهری سپهر	شد منخسف باوج جوانی مه نه نام
آن نوگل یگانه سردار موفقیتمین	اعلی مهین محمد علی نمان مهر فام
مهر وی و لیکخوی چه سلطانعلی نه کرد	او اوچا ، ببارگاه وادی السلام
تا ریخ سال رحلت او را تر حزیسن	میکرد چه تبحر ز خود با صد اهتمام
پای نیا ز کرد برون بهر رحلتش	زینگو نه زرقم که بهشتش لحق مقام

۱۲۹۶

کتیبه دومین قبر

ز حاد ثابت تو ای چرخ فتنه بار افموس	ز انقلاب تو ای دهر کینه جوی فغان
بلند مرتبه خورشید اوج جاه و جلال	سپهر گو کینه سردار همدلت بنیان
سماء حشمت و شوکت محیط عز و شرف	رفیع مرتبه سردار پیر محمد خان

## زیارت سید مراد

ایضا زیارت در زیر کوه شیر دروازه نزدیک سرک بالا جوی عقب خا فیهای  
چند اول گشندی است کلان در میان گنبد چهار صندوقه سنگ مکعب مستطیل  
مرتبه دار و (قرار بر بیان مجاور) در گنبد سر دایه است ، سه سنگ پهلوی پهلوی  
و یک سنگ پای پای آنها میباشد ،

۱ از سنگهای پهلوی پهلوی سنگ وسطی ، کلان تر و در بالای سر آن کلمه طیه ،  
طرف هوانسی نقش ، طرف راست و چپ آیات اکرسی شریف بخط خوش  
نات ، طرف پایخط فارسی که خوش قلم میباشد چنین تحریر است :

آن میر مؤید پسندیده صفات هر علم بر علا داشت نکات  
چون قطع نظر کرد از اقلیم حیات هر نهصد و پنجاه و دوم یافت رفات

۲ سنگ طرف چپ که از سنگ وسطی کمی بزرگتر است بدین مگر اطراف آن  
آیات قرآنی و طرف پانزدهای قلم چنین مر قوم است :

آن امیر حی که ما را بود از و صد افتخار  
رفت در قرب جوار رحمت معبود حی  
از سقا هم ربهم آمدند و در گوش جان

در کشیده از شهادت شربت لاجرمه وی  
خواستم تاریخ از بهر شهادت گفت عقل

از شهیدان میرود سلطان محمد دو لدای

۹۳۵

بقرار سنجش هم حروف مصرع آخر بنام متضمن ۹۳۵ بحساب حمل میشود  
۳ طرف راست سنگ وسطی ، سنگ بسیار کلان بوده میاله میباشد ، بالای سر و طرفین  
مزیں بایات قرآنی و در حاشیه های طرفین بر رسم الخط قدیمه بخارای همانند بفارسی  
نوشته دارد لیکن خواننده نشد ، بطرف پاچنین هر قوم است :

بقیه صفحه ۱۳۲ آنکه جان بخشید و روزی را در چندین لطف کرد

هم بخشاید چو شست استخوان بید هر ا

جای باسف است که همان طرف سنگ که نام و تاریخ داشت بکلی خورده شده  
نموده است .

بعد ۷۸ هفتاد و هشت سال حیات      زینجهان شد بنام لیکن روان  
سال فوتش سروش غیبی گفتم      (حق عطایش کند بخلد مکان)

۱۳۱۹

حضرت قبله گاهی میفرمود در وفات پدر خود در بهشتی به طیفه رسمی دولت  
بودم پنج سال بعد که آمدم همین سنگ بر مزارشان بود انهمیدم کدام پاك از  
دوستان صمیمی شان ساخته باشد .

۴ متصل بمرقد جد امجد مزار قبله گاه فقیر است که تاحال مرفق بساختن لوح مفصل  
نشده و از مرثیه که در وفات مرحوم سروده بودم این چهار بیت را در سنگی خورد  
کنده و بالای قبر گذاشته ام که قبر غلط نشود داعید است ریزی بتهیه لوح لایقی  
موفق شوم .

ابیات مندرجه سنگ :-

جناب قبله گاه بنده - مرزا فضل احمد خان  
که عمرش شد بدینداری لفضل ایزد منان  
بنظم و تخریس ماهر ادیب و فاضل و شاعر  
بهمن گام بیان ساحر بتأثیر رسوخن طوفان  
بمعمر شصت و نه آنچر هر فضل و شرف راهی  
ازین دنیای فانی گشت سوی ملک جاویدان  
تحلیل از سال تر حیاش شیند از غیب این مصرع  
( بود آرامگاه او بقرب رحمت سبحان )

۱۳۶۰ ه ق

۵ در همین از دیگی بالای قبری سنگی است دارای نقوش و تحریر اما مرور زمان  
ارسوده اش لوده که قابل خواندن نیست طرف دیگر آن که در زمین بوده  
رشته و پاك کرده شد این ابیات در آن مندرج است .

گر من گنه روی زمینم - گردستم      لطف تو امید است که گیرم دستم  
گفتی که برو عجز دست گیرم      عاجز تر ازین مخیر ام کا کنون هستم

نظریه

درین گنبدی که چهار صندوق نامسنگ قرار تدار فوق دیسده شد دو سنگ کلانتر آنها از روی دقت واضح میگرد که همان تحریری حدپای (که مراد نام باشد) و بخط فارسی مرقوم است د ثانی شده ، بچند دلائل : ۱ تمام تحریرات آن بخط فارسی ثلث است و این بخط کجده فارسی ۲ از باقی بودن علامات فتحه و کسره که بعد از حک شدن اصل خط ثلث آن فتحه و کسره را حک نکرده اند که در عین تحریرات فارسی در اینجا باقی مانده و معلوم دار است ۳ طریق کنند و صفا کردن متن تحریرات این سنگ نهایت زیباست و از این حصه برخلاف آن ممکن است سنگها را سنگ تر اشاد پشتر ساخته و برای فروش آهاده میزدند و باز هر کسی برای قبر میت خود دخریده در طرف پای اسم و تاریخ فوسسی را در ثانی حک میکرد ؟



«تاریخ وفات مرحوم شیخ و نو مان آغا بنت جباب ... امیر سلطان محمد  
دولتی سنه ۹۳۵»

۴ سنگ طرف پای سه سنگ مذکور : طرف فوقانی منقش ، باقی اطراف مزین  
باهاات مبارکه قرآنی ، طرف باچنین مسطور است :

«تاریخ وفات مرحوم المغفور ..... باقی خوالده نشد .  
پهلوی گنبد مذکور یک احاطه خور دو یکدست خانه علیا و سفلی دارد خانه علیای  
آن سه دانه ارسی میباشد ، در احاطه مذکور قبر آقا سکندر مجذوب ( که او سه سنگ  
ندارد ) و قبور زیاد دیگری هم میباشد ، که برتر خانه و مجاور خانه نیز دارد .

از این زیارت بطرف مغرب تقریباً ( ۶۰ قدم ) دور تر ( جانب شمالی راه )  
سنگ صندوق نمائست دو تکه یک رنگ و یک ساخت که متصل بهم گذاشته شده ،  
کلمات طرفین عبارات عربی و آیات قرآنی بوده ( مقصد بخوبی مفهوم نمی شود )  
بطرف فوقانی ، جانب سرکانه طیبه و بسطح جانب سر « توفی الامیر الاعظم  
امیر منجری ابن شیر نوغا »

سطح جالب پا : « تاریخ وفات المرحوم المغفور قاسم علی ابن امیر مرحوم  
شواجه خالدار سنه ۹۵۱ »

از جوی بالا جوی بالانر برکوه شیر دروازه ( از سنگ دو تکه مذکور تقریباً  
۷۰ قدم بعید ) صدق سنگ مکعب مستطیل است : طرف سر :  
قل کل يعمل علی شاکاته . صدق مناطق ، طرفین راست و چپ آیة الکرسی  
شریف ، طرف فوقانی نقش وقال الله تعالی کل من علیها فان و یک حصه در اشدگی  
و پریدگی . طرف پا : و فی فی سابع عشرین جمادی الاول سنه ۸۹۴ اسم او  
معلوم نشد

ایضاح :

سنگ دو تکه مذکور از اینکه هر دو تکه یک موافق و یک ساخت و رنگ است  
احتمال میرود که یک صندوق سنگ مکعب مستطیل بوده شکسته است و ازینکه  
بالای سر یک اسم و طرف پادیکر اسم است ، چون غالباً اسمای اموات بجانب  
پامر قوم میباشد مظهر میرود که هر دو تکه جالب پای د و نفر بوده بهم وصل  
گذاشته شده باز هم خدا جل شانہ بهتر میداند .

## گنبد پیر اکرم خان

در دمنه کوه شیر دروازه محاذی زیارت عاشقان و عارفان گنبدی است از سنگ و گچ و چونه منقسم بدو حصه يك حصه مسجد و میان حصه دیگر قبر صوفی پیر اکرم خان است نام صاحب مرقد صوفی شهر محمد است که سردار محمد اکرم خان پسر امیر دوست محمد خان بوی اخلاص و زید و ارادت داشته چون سردار و صوفی دارای شهرت بود ربالی این مسجد و مقبره هم اوست بناء شهرت بنام پیروی گرفته و بعضی مردم (قبر صوفی) هم میگویند ولی بیشتر بهین نام مشهور است، کتیبه که در سنگ مرقوم یافته بالای محراب مسجد نصیب بدین قرار است :-

این روضه منور پر نور با صفاست	این منزل شریف نظرگاه او ایاست
این مسجدیست سجده گاه اهل معرفت	در دوزار اهل غرض را ازین دراست
صوفی صاف شیر محمد ولی حق	کز ما سوا برید و پیوسته با خداست
او صاف اوله حد زبان بشر بسود	تحت قبای حق بود حق برین گواست
بالی این بناز سر صدق و مهر و فضل	سردار محمد اکرم باجو د با عطاست
جستمل عقل رخصت نار بخ این بنا	گفتابکن که مرقد صوفی با صفاست

۱۲۶۲

احمداد ابن صوفی با صفا و عارف راه خدا وجود داشته بد که صاحب خانقاه میباشند از آنها را جمع بسو انج ایشان مکرر تقاضا کردم و عده داده اما بدو عده ایفا نکردند. قبر سردار و صوفی خارج مقبره در همین جا که زمین هموار کرده شده تقریباً در بهای ایشان واقع است اما سنگی ندارد.

• • •

در پایان این دامنه کاریزی است متصل به کار بزرگ و زیارت عاشقان و عارفان قبر عثمانی که در آن آبا و اجداد مرحوم عبدالغفور ندیم و خود او مدفونند از دیگران لوح دارد اما از خود ندیم ندارد، این مصرع قاری مرحوم حاوی سنه فوت اوست (داشت رونق منزل دل از ندیم ۱۳۳۴ هـ ق).

## قبر شیخ محمد رضا

این مرد صاحب کمال در هر علم و فن معلومات و دسترس گاهی داشت ، در اقسام خط ماهر بود ، قریحه شعری و معلومات تاریخی و اطلاعات نجوم و غیره را هم بوجه خوب داشت .

آثار فنی و علمی از وی بسیار مانده خواهد بود ، اما آنچه واضح است و شک جزئی اختراع اوست که برای دائم کار میدهد و لی معلوم نیست حالا پسکجاست ؟ دیگر کتابی بنام (وزنات الالواح) ثبت اکثر لواحق مزارات غریب است که نقل لوح را بصورت خود لوح برداشته و حالا این کتاب در موزه کابل است ، همچنین کتاب دیگری در تفصیل تعریف سکه ها تالیف اوست که نفع سکه را بصورت خود در طلا بوده و ورق طلا عیناً صوراش را ملاحظه و در صحائف کتاب طوری نصب کرده که گمان میرود خود مسکوک است و اگر در نقره بوده در ورق نقره بهمان صورت ترتیب کرده که حالا این اثر او هم در موزه کابل است .

قبرش در محاذی زیارت سیدمر دطرف جنوب که راه عام ، فیما بین فاضل است احاطه خور دی بسنگ عادی کتاره شده و خود قبر بسنگ رخام تعمیر یافته و در سنگ بالای قبر آیه الکرسی شریف بخط ثلث و لوح بالای سر این ایات بخط فارسی ارقام یافته :

شیخ محمد رضا نابغه نامور	عام کامل صفت فاضل نیکو سیر
خط خوشش هر کجا هست بچندین رقم	بود در انواع عام مطلع و بهره ور
جزئی دائمی ساخت که ایام ۱۰	ماضیه بدهد نشان ز آیه گوید خبر
در سینه ی که از رسد و شصت و یکم	پیا از ده صفر کرد ز دنیا سفر

بخورد رار گک کابل می ، بگر ان کاسه پی در پی

که هم کوه است و هم دریا و هم شهر است و هم صحرا  
 را بد برین چیزی لیافته ام ، تاجائیکه افواهاست و مردم شهر عزیز ماحکا به  
 میامایند بیه روایت است :

۱ - جمعی عقیده دارند : که خواجه صفا و خواجه وفا که حالا به ( خواجه روشنائی  
 کسب شهرت نموده ) و تحمیناً دو صد متر از مدفن خواجه صفا پائین تر و بدامن کوه  
 یک گنبد خورد سنگ پوش ، و میان گنبد قبری بدون لوح است و چشمه آب  
 جاری هم دارد از جمله افواج صحابه رض میباشد که حین فتح کابل شهادت  
 رسیده اند .

۲ - بعضی میگویند خواجه صفا خاک روب ، و خواجه روشنائی چراغدار همان  
 افواج اسلامی بوده اند .

۳ - عددی خبر میدهند که هر دو ذرات پسران حضرت شیخ الاسلام خواجه عبد الله  
 البصاری پیر هرات رح و اعمام حضرت عاشقان و عارفان که پسران حضرت  
 جابر بن شیخ اند ، پیاپی و اینها همه غیر مستند بوده بیشتر جنبه افسانه‌سوی  
 و فولکلوری دارند . »

ابن مقام دلکش و زیبا در سابق نیز عمارات مختصری داشته ، اما عمارت نظر  
 ربا و عالی و سرک های مارپیچ آن که بعد از طی ، هشت دوره نائل باصل عمارت  
 میگرد در عهد امیر حبیب الله خان شهید تعمیر شده و تاربخش را ذوقمندان  
 بملاحظه کثرت ارغوان آلموضع ( ارغوان اینجا ۱۳۲۳ ه ق ) یافته اند  
 و تاریخ تعمیرش در سنگی که باول مرحله بنظر بیننده میخورد دواز طرز خط مبرهن  
 میگرد بدست خطاط معروف آلو قوت میرزا محمد یعقوب خان مرحوم تحریر  
 و نقر شده بدین عبارتست « هذا بقعه موسوم بخواجه صفا نظرگاه سیست بانزمت  
 و صفا و نظاره است خوش آب و هوا ، در زمان سلف چنانچه شاید در آبادی  
 و تعمیر آن پرداخته چند حجره که از سنگ بگل ساخته بود لد آلهم مخالف  
 اما بوب هندسی بوده بواسطه امتداد زمان رو بخرابی و ویرانی آورده بود . از  
 آنجا که همت والا نهمت شهریار عبدالکفر بن علی حضرت سراج الملک و ولدین  
 امیر حبیب الله خان در الی بارکزائی محمد زائی همواره مصروف آباد الی ملک

### خواجه صفا

این مقام عالی و زیبا و این محل نظر فریب و از هت افزا، که در وسط کوه شیر در و از به با ارتفاع تقریباً ۲۶۰ - ۲۷۰ متر از سطح کابل واقعست و دفن یکی از بزرگواران است که به همین اسم (خواجه صفا) شهرت دارد.

در کتب راجع باحوال شان چیزی بنظر نگارنده نغورده و کتبه هم ندارد. مختصر تذکری که در تذکره شاه نزنگاه اعلی حضرت ظاهر الدین محمد بابا بر بادشاه تحت وقایع ۹۸۱ راجع باین حصص کابل میباشد و آنهم نامی از خواجه صفا نمیدارد. چنین است از جانشینان جزیری آلمه و شر قسی شهر کابل بک کول (۱) و لانی افتاده گورداگر دایک بیل شرعی از دیک میشود و از شهر کابل به کابل سه چشمه خود در آمده و از آن در نواحی گنگنه (۲) است بر سر بک چشمه و خواجه شمر نام مزاری است (۳) و در چشمه دیگر قدمگاه خواجه نضر است، این دو گشتهگاه مردم کابل است، بک چشمه دیگر رودی خواجه عبدالصمد است (۴) خواجه و شنای میگویند، از شهر کابل بک بینی گاهی جدا شده آمده عقابین میگویند از اینها جدا شده بک کوه در دای افتاده از گنگ کابل بالای این کوه است، قاعه طرف شمال از گنگ است این از گنگ غریب مرتفع و خوش هواست واقع شده این کوه کلان (۵) پس اولاد گنگ دیگر سیه سنگ، سونگ (۶) قورغان و چالاک باشد مشرف است، تمام اینها زیر آیند، اولاد گنگ در محل سبزی بسیار خوب میباشد در بهار باد شمال هرگز کم نیست، باد پروان میگویند، در از گنگ بطرف شمال از خانه ها دریچه دارد بسیار خوش هواست، ملامحمد طاهر - مهمانی در تربیف از گنگ کابل بک بیت باصه بدیع الزمان میرزا بنه می خواند بیت :-

«۱» مراد از چمن چبه کهنه است که تابیدی - چهار امتداد داشته .

«۲» مراد از این گنگنه خمدن دهن چبه کهنه خوانده بود ؟

«۳» احتمال دارد چشمه ریارت جانباز باشد زیرا اسم محضه ای را خواسته

شمس الدین میدادند خواجه شود و تغلب آن باشد .

«۴» مقصود از مزار - حضرت عاشقان و عارفان علیهما السلام است، زیرا اکثر محققین

اسم حضرت عارفان را عبدالصمد و عاشقان را عبدالسلام دانسته اند، در آئین اکبری

که عبدالصمد و خواجه روشنائی تذکار یافته نیز مدال این خبر است .

«۵» اولاد گنگ چمن است .

«۶» سونگ، قورغان، چالاک، مراد از چمن ده خداداد و چمن وزیر خواهد بود .



مربوط صفحة ١٤٠

و مات افغانستان خاصه آبادی بقاع خیر بوده میباشد ، در آبادی این بقعه امر فرمودند ، بموجب امر جلیل القدر اعلیحضرت همايونی بتاریخ ۳ ماه ربیع الاول سنه ۱۲۲۳ هجری آغا بنا در ۱۷ ماه شوال الحکرم سنه ۱۳۰۳ موصوفه انمام آن شده این سطور بطریق یادگار درین سنگ زینت ارتسام یافت :

این عمارت حاوی بر چهار مرتبه و بطول ۱۷۰ قدم میباشد از طرف علیا حصه شمال مرتبه اول یک طاق کلان جنوب شرق دارای یک اسی دروازه و دو کلکین و طرف شمال یک دروازه در آنست ، نه طاق حور یک یک دروازه موجود و تماماً مکمل و آباد است و در حصه آخر آن مسجدی میباشد ، در مرتبه دوم آن بطرف حصه آخر حظیر این مرد با شهرت است که بطور اطاقی آباد و دروازه هم دارد و باتصال آن جای رهائش با عیان ، مجاورین آن بنا یافته است . در مرتبه سوم مذکور محل چشمه آب است که تماماً بقدر پنج سانتیم و در اوائل بهار باندازه پانزده سانتیم جریان دارد ، مرتبه چهارم اشجار و اشجار است لیکن بهر چهار مرتبه مذکور بطور صافه سطح همواری وجود دارد که پیش روی آنها بکناره چوبی آراسته است ، سه مرتبه علیانی یکی بدیگر بواسطه زینت راه دارند اما مرتبه چهارمین بجز راهیکه سرک ادعالت آنستهی میشود ، و از همین طرف هر چهار مرتبه یکی بدیگر وصل میگردد و راه عمومی هر چهار مرتبه است که دینگر راه زینت ندارد ، این مقام دلیل بر زیاده اشجار و آب و هوای صاف و شسته و فضای وسیع و فراخ از طرف دیگر بر زیادت اشجار و آب و هوا که همین حصه و طرافش را خوانند و از آنجا که بن کوه باشند گفته میشود خیلی جالب انظار و کشنده دلهای اهالی اطراف خود است ، علاوه بر اشجار را خوانند که از سالیان در ازهرس شده و صورت طبیعی را بخود گرفته در خود داین محل اشجار دیگری بکثرت وجود دارد که در جمله ریختن بادام میباشد و در وقت شگوفه خود چندان جالب انظار میکند که مردمان کمال ابد خوداری نمیتوانند نارولی یک دفعه طی این ارتفاع را نکنند به مسافه و بعد قدم بالاتر کبوترخانه نیز از نخست پخته همبر یافته که به متصل آن اطاق گدام دانه کبوتران نیز آباد شده و در سابق کبوتران زیاد در آن آشیان داشته و گداه امده از دانه بر میبود و بر رویه به مصرف آنها میبردند حالا کبوتر خاله و اطاق دانه شان با بر چای

ولی کبوتر رود اندر آن وجود ندارد .  
 میله خواجه صفا همه ساله از آغا زبرج حمل الی برج جوزا دوام دارد ، و چایخانه ها  
 حصه ب حصه از دامنه خواجه صفا الی حد خواجه روشنائی و فرو تراز آن برپا بوده دکانها  
 و انواع نمایشات ملی و باز بچه های اطفال موجب مسرت تماشاچیان و تفریح کنندگان را  
 فراهم مینماید ، علاوه بر همه چیز یک بهیشت سبب هجوم مردم ب آمدن اینجامیگردد  
 و سعت نسايش آن است که تقریباً تا حد دو دوازده گروهی اطراف شهر را بناظر بن نشان  
 میدهد در موسم بهار زمین آوار سبز چون صحن بهشت بفرش زمره آراسته و  
 درختانش از برگ و بار چون حوران چنان بقبای استبرق پیراسته است ، قریب شام  
 که وقت اندوهر چراغهای شهر است ازین مقام رفیع روشنی چراغهای برق ، شهر کابل را  
 بصورت یک آسمان پر ستاره در نگاه ناظر بن جلو میدهد مخصوصاً در بن چند سال که  
 فراز کوه هم برق برده شده در ضمن مقاله از رئیس بنهار وال آقای غلام محمد خان  
 فرهاد که باریاست بنهار وال در ریاست برق هم دخالت داشتند نقاضا کردیم که در اینجا  
 لیز برق آورده شود و بهر دینش همان اوشته بلامحطل دوازده چراغ در پنجابر ده  
 شد ، خاص برای اسفند از بن منظره بدیع اکثر آ که از هوای فرح بخشا و تماشا ی  
 اراضی سرسبز و شاداب تحت نظاره اینجا مستفیض شد اند ادای نماز شام را در مسجد  
 شریف آن نمود و سپس فرود آمده نظاره نظر فریب شهر اورانی و مزین به چراغهای  
 خود را از مغتنمات دالسته شادان و ناز دماغ آهسته آهسته بطرف خانه خود  
 روان میشوند . (۱)

۱ « اتفاقاً اردو سه نفر اهالی پدیشیر شیده اند که در بن دو آب پدیشیر که بطرف  
 در پدیشیر و دره خاوان میرود ریارتی بنا خواجه صفا موجود است و سنگی هم در  
 که این دو بیت از تحریر سنگ بختاطه شان بوده .

در میان دو آب خواجه صفاست منزل و حای او نعلنی خداست  
 کرد بر گرد خواجه مرده چون بلارای ولی پکر دادند  
 محض یادداشت افتاد



## زیارت بابای ذی‌علیه الرحمه

این زیارت از زیارت‌های خیلی با شهرت کابل و مرجع عموم و گسدری بهام ذی‌علیهش موسوم و در همان گذر زیارتش دارای معجزه رخا و احاطه کلانی است در مابین احاطه عمارت خور دی و در وسط آن مرقد خودش محاط بکثرت چوبی بوده لوح سنگی قدردود در دیوار این عمارت صورت محراب ای-زمبباش-شد، شخصیت این جناب روشن نیست

قرار بیان ولی محمد و اسمائین محمد شریف متولی، بابای خودی برادر بابا ولی صاحب و بابای غوری و بابای کیدانی و سید میباشند اما این نسبت‌هایی اساس است و بعضی جناب موصوف را بابای سماسی هم حدس زده اند ولی چیز اشتباه چیزی نیست زیرا بابای سماسی همان عارف امیست که پیر حضرت میر کلال و ایشان مرشد حضرت شاه انشبهند رحمه الله علیهم میباشد و قدمی در بن خاک نگذارده و مرقدش هم در وطنش آشکار است.

درین اوقات مرقد حضرت بابای خودی را شخصی بسنگ‌های مزین و زیبا تجدید بنا کرده و از بنده خواش کرد تا در آن چیزی بنویسم از عدم معلومات خود و عذر خواستم مجاور یادداشتی از شخص دیگر را چندی بعد پرایم ظاهر کرد که بنام بابای سماسی چند بیت برای آن انشاد کرده بود جدا از او شنیدن آن ابیات مانعش شدم بهر حال با آنکه معرفی جناب شان را بتفصیل موفق نشده ام در مقام روحانی و شخصیت عرفانی شان جای حرف نیست که از مالیات دراز مرجع اخلاص هم وطنان است جدا کند بنده یا کسی دیگر از هموطنان بمعلومات پوره در باره شان موفق شویم.

درین احاطه پهلوی خانه زیارت موصوف حاجی میرزا محمود خان که در عصر امانی چندی وزیر مالیه بود و از مریدان حضرت صاحب چارباغ (ضیاء معصوم مجددی) میباشد حجره خور دی ساخته و دیوار خانه زیارت را برداشته هر دو خانه را یکی ساخته و پدرش که فوت شد در آنجا دفن کرده و خودش را هم در همینجا دفن نمود لد سال رحلتش درین جمله

مندرج است (عاقبت محمود رفتی ۱۳۶۱ هـ ق)

قبر حاجی شهناز خان برادرش نیز در نزدیکی است، مرحوم قاری ملک الشعرای



از خدا غفران به آن مرحوم خوا      از طفیل بهترین پیغمبری  
آنکه ذات اشرف والای اوست      ذات پیرنگی نشان را مظهری  
تا نماید مرغ روحش آشیان      در بهشت خلعت با کروی  
روز ماه و سال نقاش را حایل      در رقم در بیت حیرت آوری

همچو بابل طرف گلد زار عدد  
هش د و ماه محرم زد پوری

۱۳۶۷ هـ ق

متصل دیوار سمت قبه زیارت از قبیل بست و بالای آن سنگی صند وقی سطح  
طرف سرزمین با آیات قرآنی و باقی سطوح منقش و بسطح طرف پا مرقوم:  
«تاریخ وفات خواجه نورالحق فرارش بن گل خواجه ۱۲۰۱»





از خدا غفراد به آن مرحوم و ما خوا      از طفیل بهترین پیغمبری  
آنکه ذات اشرف و الایاست      ذات پیرنگی نشان را مظهری  
تا نماید مرغ روحش آشیان      در بهشت خلعت پاک و فوری  
روز ماه و سال نقاشی احلیل      ز در قلم در بیت حیرت آوری

همچو پایل طرف گدازار عدد  
هژده ماه محرم زد پیری

۱۳۶۷ هـ ق

متصل دیوار سمت قبه زیارت از قبیره است و بالای آن سنگی صند و قی سطح  
طرف سرزمین با آیات قرآنی و باقی سطوح منقش و بسطح طرف پا مرقوم:  
«تاریخ وفات خواجه نورالحق فراش بن گل خواجه ۱۲۰۱ هـ»

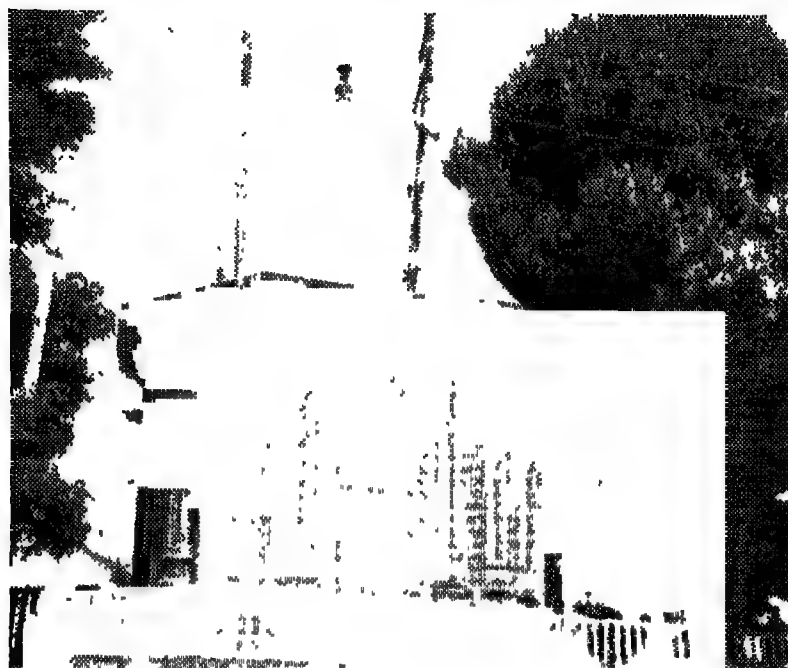


استخراج تاریخ فوتش را چنین نمود .

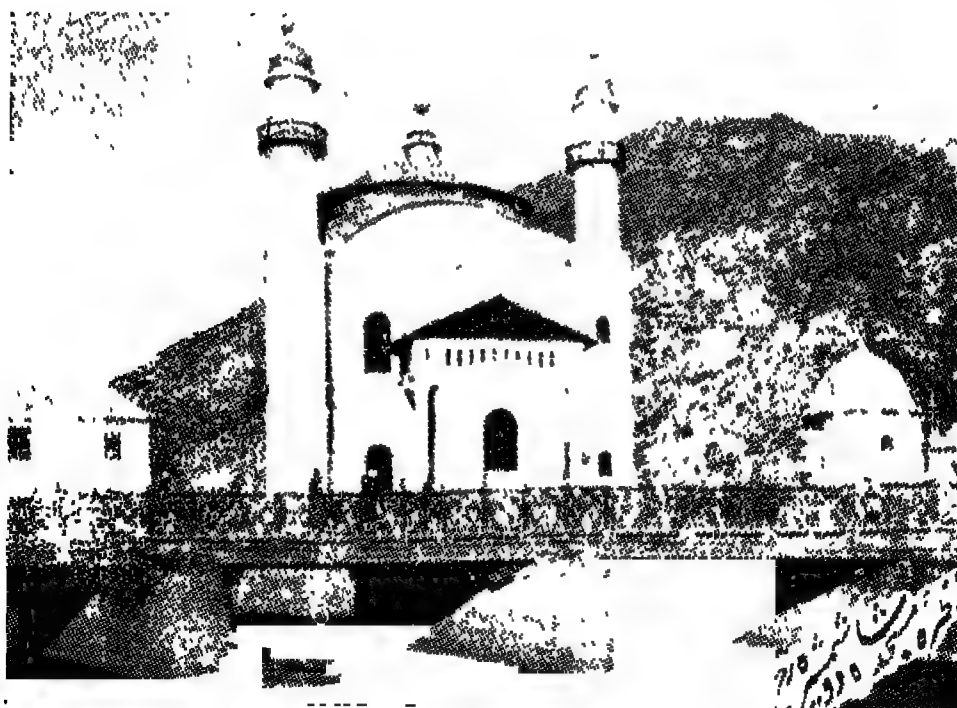
سینه را برک-شید خامه و گ-فت شه-هنوار از پیی-سرا در رفت  
متصل بهمین مقابر گوشه عابدی برای قبر دختر جوان حاجی شهزاد خان از طرف  
شوهر آن مرحومه تعیین شده و قبر زیبایی ساخته و بر آن لوحی بخط خوش افرایخته  
و چون در عین جوانی فوت کرده مرثیه برایش از پنجانب تقاضای زیاد شد که

در ۶۷ بیت نوشته بودم و از انجمله این ابیات را در سنگت نوشته اند :

در دل این خ-اک -فته گ-وهری	گوهری از مهر و مه رخشان تری
خا-سم با عفت ع-دا ک-ریم	نخل باغ عصمت و میمن ب-ری
دختر ح-جی محمد شه-هنوار	خوش جمالی خوش گلی خوش منظری
از قضا مسموم شد در سن سی	از خطای چاره چاره گ-ری
نامراد و از ج-هان نادیده ک-ام	بازل پ-رحسرت و چ-ش-سم تری
طفلکی را هر ده زاد - بعد ازان	رفت از دنیا چو ب-داد ص-ر-ری
از بهار و باغ عمر راوند ماوند	آه یک گل نی ب-سرنی دختر تری
کس بهر گ-خاقمی کم دیده است	غصه و رچ و ن-شهر او شهر تری
این در آن همه ک-رو هم سن بوده اند	گوئی مشتاق بوده اند از ص-ب-ری
بوده اند از انداد و دوست-ی	آن یکی آئینه ده-سگر چو ه-ری
بر سر خود می شناسد هم چو شمع	آتش س-ودای او را افس-ری
کاه گزید ای (ثریا) بی رحمت	میخ چشم من شده هر اختر تری
نگاه گزید آه (گاجانم) کجاست ؟	تا چو بلبل سر ک-نم شور و ش-ری
گاه میگزید چرا از درد و خاک ؟	بر رخ زیبای ک-شیدی چ-ادری
بر ف-گن این چادر و بند-سرا	آن رخ بهتر ز گ-ل-ر گ-ت-ری
گاه میگزید چو می آید به خویش	آه چو من دیدم لبیند ک-اف-ری
یا الهی مرگت دخت-ن-عروس	باز در عالم لبیند مس-ادری
از کسوف ق-بر یارب دور-باد	چون رخ او باز مهر از-وری



مربوط به صفحه ۱۴۶



مربوط به صفحه ۱۴۶

## زیارت شاه دوشمشیره (علیه السلام)

مرقد این ذات مبارک (که تاکنون شخصیت بزرگ و معظمش بصورت یقین باین ناچیز و اضحی شده) از آغاز پرتواندازی دین مبین اسلام در وطن عزیز مالی حال واجب الاحترام و مرجع الخاص و عام است، مسجد بکه مقابل مزار موصوف است هم نخستین عبادتخانه است درین خاک که مطابق رسوم آنوقت خود اصراف بهرجا متیم میشدند در او این و ماه مخصوصاً متصل مزار شهدا بنا میکردند. البته شک نیست که از آنوقت تا حال این مسجد مبارک چندین بار انهدام یافته و تجدید شده چنانچه عمارت دو منزله پخته کساری زیبا و متین حاضر و اش در عصر شاه سابق امان الله خان از طرف والده اش ملقبه سراج السیوانین در سنه ۱۳۰۶ هـ ش انجام یافته که در سنگی تذکر آن تحریر و بطرف شرقی دیوار طرف بیرون نصب است خود زیارت بقاصداً عرض یک جاده عمومی درینوقت موسوم بجاده احمدشاهی که بین مسجد و مزار است در حصه بلدندی واقع و دارای احاطه وسیع است، درین احاطه گنبدیست و در آن گنبد دو قبر دارای صندوق سنگهای مزین، زیبا، در بالا صندوق سنگ اول در یک تخته سنگ (از طرف مغرب) در قوم است بسم الله الرحمن الرحیم. و این بقعه مبارکه که آثار تعمیر سابقه او از باعث طوالت ایام منهدم گردیده بود در زمان فیض اقتران خلافت المسلمین اعلی حضرت حاکمی دین مبین امیر حبیب الله خان سراج المآله و الدین دام ظلل حمایتهم علی رؤس المسالین که اکثر آ مسجد های شریف و قبور اهل الله حنیف در شهرها، تعلقه خداداد شان نه میرو پناهای جدید عالی یافته است که تیرین خدمتگاران سابق شان محمد، حسین مستوفی المآل که از برکت تربیت مبارک اعلی حضرت سر قرار پانیده ام و به موجب ای بقعه مبارکه هفته آخر مردم این تعمیر جادید نمودم و برکت او را شریف این آرام یافته یقیناً مبارکه ترقی و ده ام منطقت اسلامی را بهای عمر پادشاه معظم مدح و ثوابهالم تحریر شهر ربیع الاول سنه ۱۳۳۳ هـ قمری

این سنگ مرقد را تقریباً ۱۷ سال قبل که دیده بودم طوریکه تحریر شد با لایق قبر اول بود و ای دو صد سال بعد آن دور و قریب که مرحوم دوست محمد خان ایماق رئیس حجازی و نجاری بود سنگ های این مزار را تجدید نموده که

حالا سنگهای بسیار اعلی بالای مزار بصورت ساده نصب و آنسنگ مر قومه در دهوار بیرونی گنبد نصب میباشد .

قبر دوم صندوق سنگی دارد و لسی چیزی در امر قوم ایست .  
در یک تپکه برنجی که سربسک توغ در زیارت نصب است چنین رقوم میباشد :

« روضه انور حضرت لیث بن قیس بن حضرت عباس فاضح ثانی کابلی یعنی نواسه عم حضرت رحمة للعالمین علیه الف الف تحیه شهید سنه ۸۱ هجری قمری بدر یافت جسد مبارکش را جناب عبدالرحمن بن اشعب که پهلوان و است او از غزاین علی العجالة رسید به بود درین بقعه حریف مدفون گشت »

چون بنام قیس پسری از حضرت عباس رضی الله تعالی عنه شنیده شده بود از متولای زیارت مستفسر شدیم که این مضمون درین پارچه بر لچ بکدام وقت ارقام یافته گفت : « در عهد ضیا و المله و الدین شخصی در ماشینخانه کنده اسمک » همچنان شخص دیگری گفت که امیر عبدالرحمن خان ضیا و المله و الدین وقتیکه حمام شاهی را بنا کرد (که حالا بالکل از بین رفته و اثری از آن وجود ندارد) بیشتر سنگ های آن از سنگ مزارات بوده اما از مزار بعضی مشاهیر که سنگش آورده میشد عوض سنگ همینطور یک پارچه برای شناخت آن در بر لچ نوشته و بر توغ آن نصب میکرد چنانچه واقعاً بهمین صورت پارچه برنجی در مزار حضرت تمیم (رض) نیز وجود دارد و الله اعلم بحقیقت حال .

لظربار تباط موضوع صاحب این مزار دوسه صفحه از یک مقاله بنا علی حافظ نور محمد خن را که در ص ۵ شماره سوم سال اول مجله ادبی کابل مورخه ۱۵ اسفند ۱۳۱۰ درج است بغرض معاومات مطالعه فرمایان این صفحات مناسب دیده ذیلاً می آید :

اولین دفعه فتح کابل بدست اعراب :

« در سنه ۲۸ یا ۳۲ که زمان خلافت حضرت سیدنا عثمان رضی الله عنه بود

« مسلمین بسرکردگی عبدالرحمن بن سموره بن حبیب قریشی از ده غزلی »

« بر کابل حمله آوردند اینوقت کابل کوشالی شخصی بود که اعراب آنرا در »

« تواریخ (اعرج) نام برده الله اعرج بالشکر خود که قوای معاونهت الهی هم »



« و نامه‌ها رساند که قاپای مسلمان بر علاء و همه نهالت هفت لك در هم برای »  
 « كابل شاه داده خود از بده كشيده »

« فتح در م اعاب »

« دو سال بعد ازین یعنی در ۸۱ هـ ۷۰۰ م عبدالملك يك فوج كثير الزما را »  
 « بسر كردگی عبدالرحمن بن اشعث برای فتح كابل و انتقام از رجب شاه نامزد »  
 « فرمود چون این اشكر مانند سيل چو نمان و خرد آن را به كابل شد زنه پهل »  
 « هر اسان شده بالای اعاب شهر و تمام قشون بسرعت تمام گرداگرد شهر »  
 « دیوارهای (۱) بنیاد نهاد و آنرا با بروج مشيد بر دو باب محكم استوار گردانید »  
 « این باب شاه كابل در عین زمان عباس هم بودند و بسیار زنهای نگاه میداشت »  
 « چون قشون اسلام ، سپستان ، بست ، فله را روایح كرد »  
 « و غزنی رسیدند خود عبدالرحمن برای فتح عزلی معطل شده ، پست عده از راهی »  
 « خود در انت تحت اداره ايش بن قيس بن حضرت عباس در ضیعی نواسه كاكای حضرت »  
 « رسول الله صلاه الله علیه و سلم برای فتح كابل بیشتر فرستاد این عسك چو دگر دیدی از شهر »  
 « رسیدند ز تسلي اشكر شد در تیر آتشها برای بدگت تقسیم كرد و خود دشمن را هفت »  
 « نشست اما دیر نگذشت كه مسلمانین چند موحد مع دیوار را از حد معبر دهمزنگ »  
 « و سوراخ نموده و بغلبه داخل شهر گردیدند و درین وقت آنچه زن جنگی شدیدی »  
 « و اگر دید كه يك بر دگر فرق نمیده انستند »

« و اگر در همین فرصت جناب عبدالرحمن كه از جنگ ، فتح عزیزی افتد »  
 « بر دهمز رسید مسلمانین تماماً بشهانت می رسیدند اما چو جناب عبدالرحمن رسید »  
 « شهر تماماً تسلیم گردیده و زنجبیل بقلعه كرد و زگر بخت عبدالرحمن چنان تسلیم »

« (۱) این دیوار ها همانست كه تا مال بالای كوه آوار آن باقیست اگر از اهالی »  
 « شهر در باب بانی این دیوار ها پرسیده شود میگوید آنرا ( رنبورك ) شاه »  
 « تعمیر نموده و بلا فصل از ظلم و اجافیه كه در وقت نمای آن كرده تفصیل می راند »  
 « ما هم كه می بینیم رنبورك را بیل ، زنجبیل ، زمیر ، اینها همه تعریف یكدیگر »  
 « اند و معلوم می شود كه صحیحاً بانی این دیوار هم كیست كه یکی ازین نامهارا »  
 « داشته اند ایكه می گویند دیوار مدكور را چفتان بیان ساخته اند و یا چا نگیر و یا »  
 « نادرا قشار فقط خواهد بود زیرا در وقت چفتان بیان كابل سرحد بوده و در وقت »  
 « دیگرها اینطور میهن كه باعث دیوار ساختن گرد كابل شود پیش نشده ممكنست »  
 « اینها دیوار شهر را هر يك بقوه خود مرمت كرده خواهند ود »

و داشت بر آن شهر جنگش کرد. بعد از شکست داخل شهر گزیدند، محمد ار حن  
 و هم شهر را محاصره کرده و در این کار به کام عایه شهر ایکش ده سپاه و  
 از سپاه کابل شاه را عرضه تیغ ساخت، ز به و فرزندانش را بر آتش فتنه سالانه  
 یک میلیون نه هم طلا و سراج و بر و قبه لایله نه دیو و قضا عرج هم که دستگیر  
 و گزیدند، به ده حضور عبدالرحمن کعبه زان را اندو ساله اند کردید  
 و وقتاً نه شمع فتح گزیدند، شاه مسلمان شد، عبدالرحمن تمام صلح و ن  
 و قیس و جیب رضی را با چند نفر صحابه بری تعلیم و رضی و آت و اسلامی  
 و در کابل گذشته رفتند (۱)

و چون بیابان فتح کابل شهادت حضرت امیر المومنین علیه السلام رضی بیهوش آمد  
 و اعرج شاه هم فوت گزیدند جیبال نام، بعد از وی شاه کابل شده بود از  
 و شهادت حضرت خدیو المورین و جنگهای ده فتح خلافت اسفند ده سرد، از  
 و تادیبه خسراج ابا نموده حضرت سعید و جیب را با اصحابان و عیبت وی در  
 و موضعه یک حاله شهدای صاحبین مشهور است در شب علی اله علیه بشارات رسانیده  
 و (رضی الله عنهم) اگر چه از طرف داعیه عبدالازین چندین لشکر کشی دیگر هم  
 و بر سر کابل شده اما مثل این لشکر کشیهای نقد و شهنشود و ده و دهان معلوم  
 و میشود که بجهت اختلال در بار مقام خلافت اگر از طرف کابل را نگرفته  
 و اند بیابانی آفران دست داد، و حتی بعضاً شکست و احشی دچار هم شده اند  
 و مثلاً در سنه ۶۹۸ ع ۷۹ هـ که زمان عبدالملک مروانست حجاج بن یوسف ثقفی  
 و عبدالله بن ابابکر صدیق رضی را که در بعضی از توابع آنرا عبداللہ بنی بکر در  
 و بعضی هم یزید بن زیاد مینویسند حاکم سیستان نمود و لشکرها را جمع  
 و کرد و آریزه کابل شاه آمده اندرفت رتبیل Rutilil یا زنتیبل Zuntabeel  
 و بن جیبال شاه بود که از سنه ۶۳ هـ تخت کابل بد رسیده بود و خلاصه این  
 و لشکر بیک حالت بسیار اسفناک شکست خورد و در تنگه‌های کابل اکثر آسیر  
 و شهید گزیدند چنانچه گفتیم این شکست برای قشون اسلام آتدر خساره

(۱) نویسنده معروف ما بخانی صدقی نیز در ص ۲۰ مجله دهم سال دوم آریانا اول  
 عرب ۱۲۲۳ در ذیل شهرهای آریانا این موضوع را همین طور مرآرد

لطف کریم بر سر او کرد بسیار / هم رحمتش لشهر عزت فگند ظل  
 شرمنده اهل فضل ز خلق کریم او / صاحب دلان ز جو دو جو امر دیش خجل  
 میکرد کار سازی مخلوق ره زها / شبها بد کرد فکر خدا بود مشغل  
 اهل زمان ز فرقت او دردها بجان / خاق جهاد بما تم اردا عشا بدل  
 گفتند خویش و قوم که بودند شاد و خوش / یارب بزم عیش چرا مرگ شد مغل  
 آمد ز جانب ملک الموتش این لدا / زو کن بملک با قی ددا رفتان بهل  
 امید و ابر رحمت رب که یم باش (۱) / هر چند دل ز شرم گنده داشت منفعل  
 در روز نه از مصان ایست و هشت بود / نزدیک شد بحق زحمان گشت منمصل  
 یکشنبه اش بخاک سپردند ساختند / قبرش بقبر شاه دوشمشیر متصل  
 تا ریخت فوت او طالبیدم ز عقل گفت / رحمت بود نصیب کریمان زناه دل  
 ۲- قبر یست دار ای دو اوح سنگ اوح بالای سر آیات بینات قرآنی و چند بیت و باوح  
 سنگ حائبا با مضنون دبل مرقوم است:  
 « وفات مرحومه مغفوره زجت مکان خلد آشان بی یو خدیجه بیگم بنت »  
 معفور حاجی محمد رضا بتا ریخ ۲۵ صفر مظفر سنه ۱۲۸۳ هـ  
 ۳- قبر یست که اوح سنگ طرف سر مزین بایات قرآنی و لقرش و لوح سنگ  
 طرف با مشتمل بر چند بیت و بند ح سنگی که بالای قبر ( بطور اقی ) میباشد  
 ابیات ذیل بخط خورش مرقوم است:  
 آن کسان اختر سپهر و قمار / او فتاد از سما بر روی زمین  
 شد کسوف آفتاب زنده گیش / آنکه بود بیست و یک سال تکمیل کن  
 بهزاران هزاره - سرت آه / شد بخاک سیه چو گنج دین  
 معدن لطف و معجزان اخلاق / مرد فرزانه قاضی قطب الدین  
 د اغ بنها در بردل احباب / بلکه بشکست ظهر صدر الدین  
 جمع گشتند بر سر نهوشش / جمله یاران جو خوشه پروین  
 که دنگار با حمله میخ تار / آنکه آمد بشان او یوسین  
 کزرة لطف و رحمت احسان / ساز ما وای او به جلد برین  
 از خرد سال فوت او جستم / . . . . .  
 سرو پای الم قرود و بگفت / را بگان شد زد مت قطب الدین

در آنکه در بن جنگ شهید گردیده بود و نه ضعیف که حالا شاه و شمشیر معروف است دفن گردید این جناب چون در آن روز که شدت حرب بود بهر دو دست شمشیر و نیزه و شاه و شمشیر و مشهور شد.

جناب عبدالرحمن بعد از این واقعه تمام (معاند) در مسالها و هنوز که در دو طرفه دریا آبادی و دخر اب که در نهایت در مسال را که در پایان کرد و دو حال هم است بحال خود گذاشت و او این مسجد را در پناه ی مشهد جناب ابلیث و شاه و شمشیر و اعمار فرمود (۱).

پس از آن جناب عبدالرحمن در وضع شهدای صابرا چون گذر کرده و جسد «حضرت تمیم» (ضر) و جیب (ضر) که تا وقت در آنجا سلامت ماند و در و ساخته و معروف نمودند اما دیگر جنابان معیت ایشان شناخته نشدند و بنو است و کدام چری جناب عبدالرحمن سید به سیار داشت که با ایشان در طرف و سیستان بنا حرکت را گذاشت و مادرشین حال و در غضب حجاج واقع گردیده و باز تنبیل که بعد از تحلیه اعراب کامل را و بعد از تصرف شد و در بتفصیل که در تواریخ تصریح شده و باقی گشت و با لایحه زنتیل عبدالرحمن را که بعد از شکست و پناه انداختن در دست بکامل آورده بود در سنه ۷۱۳ م. رای حجاج فرستاده در عوض مدت سال از ادای خراج معافی تروت و عبدالرحمن و هم خود را در راه خلافت

اکنون که تفصیلات مذکور را محض ملوالت انداختیم و برادر و تحریر جناب نویسنده مانند مذکور داشت که به هم رجوع کرده و اظهار نظر دیگر مبنای بقیه و یکبار بیرون گیداست و بعد از آن  
۱- در احاطه زیارت خارج گنبد قبری دار ای در اوج سنگ است که جناب سر دو طرفه زمین یکباره طبع و آیات قرآنی در اوج طرف با این آیات مرقوم:  
آنرا ندیدیم چه افند ز آب کل (۲) آنرا گشت و اندر پیه نل جسم دل

(۱) این مسجد که حالا مسجد شاه و شمشیر معروف است و این مسجد است که در کتاب «تذکره» آمده است آخری آن را نصیرالدین «ماون بن ناصر» بود که آنرا در دو «رامانی» تجدید نمودند.

«۱» قالند در تحریر مصرع «هو واقعه ممکن چنین باشد»  
و آنرا ندیدیم چه افند ز آب کل

دریا بهمان، کوه دوسو، سبز بهر مرد  
از سبز ز نو خیز ز مرد صفت او  
بر طارم فیروزه، ش روشن او بین  
از فیض نسیم خوش و جان بخش شمالش  
در بار گه شاه د و شمشیر بهر دم  
شو حلقه ز تعظیم چه شام بحر یمش  
خورشید ز تکریم ببوسد عتباتش  
از مسجد فرخنده و گلدسته زیباش  
این است نخستین اثر مقدم اسلام  
آنگاه بسی حرمت و بس قدر شناسی  
اشجار و گل باغی، خورد روی بهر سوی  
از عکس گل و لاله این قطعه بدریا  
جاده است هر مه صاف و فضا هم چو فلک پاک  
در سه شب مخصوصه هر ماه در پنججا  
نصیر مه افتد چو بد ریاش، تصور  
در وقت عزان نیز درین گوشه تماشا  
در موقع برهست نمایش به ازینش  
از کثرت موثر که درین جاده روالست  
در مسجد آن آی و در گانه بیگانه  
زان شکر به کام و دهن جان و دل خود  
گلزار جهان نیست چو سر منزل جاوید  
پوشد چو خایل از چمن دهر نظر را

جان تازه ز نظاره این کوه و کمر کن  
اعمی نظرا فی اندوه و کد رکن  
از سینه غبار ام و غصه بد رکن  
دل تازه و مشکین نفس ای جان پدر کن  
از فیض عجب سیر بد نیای دگر کن  
دیوار و درت را چو نگین یکسره ز رکن  
نظاره این کار به هنگام مدح رکن  
ای پر خرد افزایش انوار بصیر کن  
خود را چو مؤرخ ز روایات خبر کن  
زین معبد با عظمت و تار یخی اثر کن  
نظاره ازین مرکز با شوکت و فر کن  
سیر عجب از خلایط آب و شرر کن  
هنگام تماشا ز ادب پای زر کن  
نظاره کیفیت الدوار کمر کن  
آغوش صفای صدف و طفل گهر کن  
صدر نگ گل و باغ بهر برگ شکر کن  
آنوقت هم این صفحه خوش، زیروزیر کن  
از رفتن عمر آگهی ای نیک پسر کن  
از شکر ادا، با ادب و دیده تر کن  
لبریز حلاوت صفت ننگ شکر کن  
پیش از همه زین باغ چو گل فکر سفر کن  
از دیدن این، یادی از ان خسته جگر کن



۴ قبریست دارای صند، قی سنگ مرمره اش این است و در وقت ۱۰۰۰ ج. مهرزا  
محمد حسین خان مستوفی الممالک منت عبدالقادر خان ۲۰ سمرقند خمر ۱۳۳۳  
۵ قبر حاجی صاحب درویش است که بسنگ گهای زیاده در بین محراب و خود قبر  
را آراشته اند و اطرافش از سنگ کتبی و پایه ها ساخته و بطول ۱۰ متره شایسته  
شد. در لوحیکه بالای قبرش نگاشته نصیب است و بسم الله شریف. آنوقت نظر  
این آیات را قلم بیا شد:

فریا و آه که زحمت روزگار / گریه چشمه های روانه در دهان  
شاید که طالب سرحد و دیار / لایق و لایق از پیدا آید  
دین چشم اهل معیت به پناه شده / دور شد زمره مالک و نه از کفایت  
ما را بدرد و داغ جدی که بیاورد / آن ارباب عقیق و زلف از زمان  
یعنی جناب حاجی را بشناسد / در عالم معرفت چه رسد به بیان  
اسم و برنگزیده حق بود بر سرش / ز چهره از محمد اسحق نام شان  
واقف ز سکه سنگ و حیدر آنجانب / هم بسم و نه چای و نه باده بیان  
دلها سیر خلق به شوق و بر سرش / در وقت وضع اول شایسته مخلصان  
دانای سکه پره و آدم شناس بود / خوش و نه به شناس چای و نه از کفایت  
از دست خود چرخ سنگار سنگدل / پستی شکسته جانب مرد و نه بیان  
در سینه سکه عشق بسوزد خدای جان / در عهد و نه به شناس چای و نه بیان  
هستند اگر ز فدا جان و اهل را / حال و نه به شناس چای و نه بیان  
در بیست و هفتم مه سال وقت تلخ / در شعله رقص غزل و نه بیان  
شایق بخون دیده رقم کرد داغ شد / شد در هزاره و نه به شناس چای و نه بیان  
۶ قبرها به محمد جان است که مجاور زیارت از سادات و نه به شناس چای و نه بیان  
ساخته شده و شش سال دیگر از این میباید و نه به شناس چای و نه بیان

چون موضع مذکوره از حیث بیانی که قلم در آن به جرد آورد و نه به شناس چای و نه بیان  
دلپسند و نه به دلچسب نظر و کشش خاطر است و نه به شناس چای و نه بیان  
لموده ام که در اینجا آوردن آن آیات مناسب بینماید و نه به شناس چای و نه بیان  
از جاده احمد شهر بسکیار محمد رکن / در و نه به شناس چای و نه بیان

(۱) در بعضی کلمه اگر به (اگرچه) خواهد بود در کفایت سهوشده باشد.

## مقبره اعلیٰ حضرت مر حرم تیمور شاه درانی

این مقبره دارای گنبد کلان بلند پخته کاری و واقع بساغ عمومی کابل است که اکنون مرکز ریاست بلید و وزارت صحتیه میباشد .

در وسط گنبد صورت يك قبر است که نخست کاری بوده و اکنون خرابه شده در زیر گنبد سردابه است و میان آن دو قبر است که این قبرها هم خرابه شده اند ؛ در صورت قبر داخل گنبد ، و این دو قبر که در بین سردابه میباشد لوحی سنگی نیست اما مبرهن است که قبر خود اعلیٰ حضرت تیمور شاه درانی پسر ارشد احمد شاه بابای غازی دومین پادشاه سلسله سدوزائی درالی است که روز یکشنبه ۷ شوال ۱۲۰۷ وفات نموده و این گنبد بالای قبرش بنایافته و قبر دیگر از اعلیٰ حضرت شاه شجاع الملک پسر اعلیٰ حضرت موصوف است که باوجود بارگران پادشاهی و پیش آمد حوادث متواتر دوره شاهی خود دیوان غزلیاتی نیز به یادگار گذاشته و بتاریخ ۲۲ صفر مقتول و در ۲۳ صفر المصفر ۱۲۵۸ در همینجا دفن شده است تفصیل حالات شان را در سراج التواریخ و کتابیکه بنام تیمور شاه درالی در سنه ۱۳۷۲ هـ ق و کتابیکه بنام (دره الزمان) تاریخ شاه زمان در سنه ۱۳۳۷ هـ ش از طرف عزیز الدین خان و کیلی فوفل زائی تألیف و طبع شده جستجو میتوانند درینجا بهمینقدر اکتفا رفت زیرا تفصیل حال آنها بکمتر از کتاب متعذر است لهذا حواله بکتاب داده شد :



## زیارت خواجه شاه محمود

در لب دریای گذر الدرابی بین قلعه حیدر خان و ((پشتنی تجارنی بانك)) قریب بزیارت  
حضرت شاد و شمع میره رح سرای جدید البناى عبدالقیوم تاجر است و در حصه  
تحتالی سرای يك اطاقی که بمانند دیگر ابنیه سرای تجدید شده دارای دو قبر  
میباشد که بالای هر يك سنگهای متین صندوقی مرتبه دار منقش بر جسته و زیبا  
بخطوط اعلی وجود دارد بدینقرار :-

۱- قبر اول : طرف فوقالی همه منقوش ، بطرف سر کلمه طیبه ، بدو طرف  
آیه الکرسی شریف بخط ثلث ، طرف پای این عبارت بخط نستعلیق :-  
«تاریخ وفات مرحومی منقوری خواجه شاه محمود ابن شیخ محمد هروی سنه  
اثنسی و ثمانین و تسعمائة سنه ۹۸۲» .

۲- قبر دوم : طرف فوقالی : طوری معلوم میشود که سنگ سر آن عاییده بوده  
ولام صاحب مرقدهم در آن بوده باشد و ازین رفته زیارت را خراش و لاش  
است بقیه سنگ دیگری در بالای آن بصورت درست بوده است و الافراز  
چنین سنگ زیبا را بدینطریق لا درست نمیکند ، طرف سر کلمه طیبه ،  
دو طرف دیگر آیه الکرسی شریف برنگ سنگ مرقده اول ، طرف پای  
این ابیات مرقوم :-

«ناگاه زنند باد چانسول اجل      لعل قدح خوشخرامش افتاد ز پای»  
«تاریخ وفاتش از خرد چستم گفت      کان سر و زپه افتاد از باد فنا»

سنه ۹۷۸

اعداد حروف مصرع اخیر مطابق عددیست که در ذیل آن نهند سه نیز نوشته اند.

پدر تیمورشا هوش بودگان را      ز احمد شه شرف برخسروان رفت  
 ز نسل شاهرخ شه مادرش را      نسبت تا فادر صاحب حق را رفت  
 بجان مادر و اخوان و خواهر      ازین غم رنجهای بیبکران رفت  
 همه اخوان باه و ناله گفتند      که این گنج از کف مار ایگان رفت  
 بزندان عمره از بیداد اخوان      مگان نشو و آخر زین مکان رفت  
 شد ایاشا دکن در آنجهانش      که با اندوه بیحد ز پنجگان رفت  
 بگو با آب چشم از سال فوتش      زد نیا نامراد آن نو جوان رفت

اگر با آب چشم را بآب حوایده بآید تمام مصرع اخیر جمع کنیم سال فوتش  
 معلوم میشود چه عدد (باب: ۱۵ و عدد مصرع اخیر (۱۲۱۵) است که مجموعش  
 (۱۲۲۰) میشود و در لوح بالای سرنیزه نیز عدد مصرع بعدی بهندسه مرقوم میباشد  
 (معلوم است شاعر با ب، ساخته نویسنده با آب نوشته به خروج به سینه  
 حلت بدون تردید (۱۲۲۰) میباشد

ب بهاری قبر شهزاده نادر قبریست که لوح سنگی بالای سر آن کلان و مزین بکلمه  
 طیبه و نقوش قشنگ میباشد و سر قبر صندل قشنگ بوده و در آن مسطور است:

صد هزار افسوس از آن سرور یا ضعدت  
 کز جفا ی چرخ دون از باغ عالم شد بهره ن  
 آفتاب اوج رفعت حیف شد اندر کسوف  
 در محاق خاک گرد آن پاک در آخر سکون  
 او بمصر خلد چو دل یوسف عز و حریر یان  
 چون ز ایجا قائل یالیت قومی یعلمون  
 ز بیدار صبح افکنده در ماتمش بر سینه چاک  
 شاید ارشام از غش پوشد لباس قبر گسین  
 سرور رخا قان نسب قاآن حسب خورشید جود  
 آنکه زاب تبع او گردید که دون غرق خون  
 پور سلطان ابن سلطان خسرو گیتی ستان  
 آنکه از خسره بدش اندر جهان حشمت و زین

## مشهوراده نادر و غیره

الف- کتبه های قبر شهزاده نادر پسر تیمور شاه

قبر معروف در احاطه مقبره اعلی حضرت تیمور شاه (پیر و نگین) دارای دو لوح سنگ بویه، یکطرف سنگ بالای سر کلمه طیبه و نقوش و بطرف دیگر آن در متن آیه انکسر سی و دوحاشیه چنین مرقوم است.

در سن بیست و یک سالگی از دار فناء بر بقا رحلت نموده سنه ۱۲۲۰ه این رباعیات که از طبع خود است هم درج سنگ مذکور است.

۱. هر چند شاهزاد گز مشهورم      بود سر بر گن سلطنت منظم و رم  
از سلسله نادر و تیمورم      نادر بنگدائی در شمس و سرم

۲. هر چند تو نبی بساطک اصلا ب شراف      در سلسله حکم بطون الا ظراف  
تیمور پد، زانسان درت مباد رشید      نادر بنگدایان ره عشق و صلاف  
در سنگ طرف پا

بیکطرف این یک بیت، یک رباعی نادر، باقی دیگر که از طبع خود است.

چون ز خاکم بنگدای دامن کشان      از سر اخلاص احمدی بخوان

۳. سودگی از جهان فانی مطالب      زین چرخ کبود مهربانی مطالب  
هیچست جهان فانی و هر چه دوست      جز دوسست بدهر تانوا نی مطالب

۴. استا چه بد تو ان بدرد و حرم بودن      در قید زجر نظام خوان به دن  
شد طاقت من طاق نجاتی یا رب      زین پیش نمیتوان بزدان بودن

۵-۲. ادر چه شد از صلاب شه تیمورم      و زدود نادر و بجهان مشهورم  
گردوست گدای درخو پشم خواند      عار است ز ملک قیصر، فخر سورم

بدیگر طر سنگ مذکور جانب پا:

فغان کز رحلت شهزاده نادر      فغان مردمان با آسمان رفعت  
همان شهزاده کز فضل و کمالش      سخنها بر زبان کسان رفت

## زیارت خواجه اسحق

این زیارت ورده غرچك ده افغانان واقع و قبری منسوب بموصوفست : محاط بكنار چوبی ، پنجره و كناره را چهار دیواری خورددروازه دار بدون سقف احاطه نموده ، سقف آن عبارت از چیلۀ تالك و يك اصله تالك كلان است كه سر چهار دیواری را پوشانیده و این چهار دیواری مابین باغچه خورددیست كه چند اصله درخت دارد .

سر قبر دو تکه صندوق سنگ خوردد سر بر ما آمده شده از سنگ گز برین آیات مبارك قرآنی معلوم می شود در سنگ سر كه ( گهواره نما میا شد ) دو سطر زیر و بالا تحریر است ، سطر فوقانی بصورتی بیك معلوم می شود اما مضمون مفهوم نشد ، سطر زیرین ، بیکطرف : « هذا روضة المطهر المرحوم المغفور المقبر عبدالرحمن » بطرف دیگر : « ابن ناصر الدین عبداللہ ... » مضمون دیگر آن فهمیده نشد . پهلوی كناره طرف مشرق صندوق سنگیست كه طرف سر آیات كریمه و باقی اطراف منقش میباشد ، طرف پا « تاریخ وفات مرحوم المغفور صالحه سلطان بنت بهلوان دولت مقیم سنه ۹۷۸ »

\* \* \*

از هر حیث واضح می گردد كه این سه سنگها بمزار ارتباطی ندارد ، قرار معلوماتیكه از اشخاص معمر و خبیر نمودم این زیارت و زیارت شاه شهید كه در صفحه ۶۹ ذكر یافته بنام يك بزرگوار شهرت دارلد چنانچه تفصیلی از بیان و عقیده مردم در حصه مزار شاه شهید نگاشته ام .

قرار وضاحت كتاب حزلیته الاسرار اصل نام شان شاه اسحاق ختلانی مشهور بشهید و لقب بخواجه زرنگ است و از بزرگترین خلفای حضرت علی ثانی امیر سید علی همدانی قدس سره است .

اصل شان ترك و از احشام ختلان هستند ، در زمان شاه رخ میرزا چنان بشهادت رسیده اند كه جسد مباركش در ختلان مانده و سر مبارك در بلخ و پوست سر ایشانرا پر كاه كرده بكابل آورده اند در كتاب مذکور از پرست شان كه بكابل آورده و دفن شد . ذكر می نماید اما واضح نمی گردد كه در لیجا باشد یا همانجا كه زیارت شاه شهید است .

لا ٔق اورنگ و افسر قابل تاج و سر بر  
آنکه وصف شان او از حصر و از حد بد برون  
سقف گردون پس پیش قصر اجلالش بسی  
سنگ گشت زیرین ستون بارگاهش بستون  
حسن شهر آشوب او افگند در عالم فتور  
صد چو معجزه اش گریبان پاره در دشت جنون  
مصدر اجلال شاه سی مطالع حسن و جمال  
مقطع ظالم و تعدی منیع فیض و عون  
عارف سر حقیقت حامی شرع شریف  
سالك سالك طریقت واقف را زنگون  
در یک حصه از حاشیه سنگ برای چند بیت جاگذاشته شده احتمال می رود که برای  
اسم و مقطع و تاریخ بوده (چه از اشعار فوق مفهوم میشود که بقیه آن مانده و سپس  
یا قائل موفق بتکمیل آن نشده خواهد بود)  
ج بهای قبری مذکور قبر دیگریست که لوح سنگ طرف سر از جانب بالا پدیدگی  
داشته و چنین مسطور است :  
« وفات مرحومه مغفوره .... لیچناب مخدیره زمان .... مکان مهر جهان بیگم  
بنی سلطان جنت مکان رضوان آرامگاه تیمور پادشاه درانی مد وزائی بتاریخ  
شهر شوال المکرم سنه ۱۲۱۱ بود که از دار الفنا بدو البقا رحلت نمود بهای  
قبر سنگ صندوق هم هست و جاهای ایضا خطوط منقوش بود و چیزی رقوم  
لیست نمیکند برای شان موقع مساعد نشده

.....

سواد لوح که دو طرفه و بخا مه عاجزانه ست

صفحه اول که بطرف مرقد است ، بعد از بسم الله شریف که بصورت محرابی راسته و چپه بنوع خط ثاث نوشته شده و کلمه طیبه بخط ثاث است بخط نستعلیق چنین مرقوم است : در صدف ابن حظیره گزهر تابناک عرفان ، یعنی سالک محمد و بیست که برا در زاده شاه عبدالعزیز پسر بزرگ شاه ولی الله صاحب معروف دهلوی پسر جناب شاه عبدالرحیم پسر جناب شیخ وجیه الدین فاروقی میباشد ، زمانیکه عمش مسلمانان را فتوای هجرت از دهلوی داد در سنه ۱۲۴۲ هـ ق بکابل آمده بعد ۸۷ سال بعمر ۱۱۵ دنیای فانی را وداع گفت .

این مولوی سالک و این عارف مجذوب در آغاز از اهل علم و زهد و تقوی بوده و درین راه مجذوب گشته و در انجام بمرتبه الهائی عرفانی مجذوب و اصل و یکی از اعظم اهل دل گردید ، قطعه ذیل را قباله گاه راقم میرزا فضل احمد خان مرحوم در رحلتش سروده :

مولوی صاحب مشهور فقیر مجذوب	شاه عباس بنام و به نسب هالیشان
هستی ، ثروت و سرمایه سی داشت . هند	ترک گفت آنهمه را گشت باین سوی روان

صفحه دوم از ح ، بعد از سوره اخلاص که در فوق بصورت خط ثاث مدور تحریر شده :

گشت چون وار کال بسرای زرداد	سا لها کرد بیک مرکز معلوم مکان
لشۀ داشت بسرزمی مینای عنوم	بر کشیدش ز خو دی رطل گران عرفان
زان سبب پیچیدی و جذب و سکوت و آرام	داشت تابود بمعموره پر شور جهان
گر نه پرسورت دلدار ازل دید ، کشود ؟	ز چهره بود چو آئینه همه دم حیران ؟
همه کس معتمد فیض و کمالاتش بود	کرده اوقطع علائق ولی از جان و جهان
چون پسند نظر او نشد این دیر خراب	گشت راهی سوی کشور معمور چنان
فضل احمد سنه و روز و مه فوتش را	ز در قم (جمعه و پانزده ماه رمضان)

۱۳۳۰ هـ ق

مستدعی عفو ارحم الراحمین و دعای زائرین و راقم سطور محمد ابراهیم خلیل

مالی لوح حاجی محمد یعقوب سنه ۱۳۶۶ هـ ق

## زیارت مولوی صاحب

الف : خود این زیارت :

این زیارت در باغ عدومی که حالا وزارت صحتیه و ریاست بلدیه کاسل نبر در آنجاست نزد یک بمقبره اعلی حضرت تعمیر شاه درانی در یک احاطه چهار دیواری واقع است و دور قبر کاره چوبه چوبه اندامها باشد بالای چه پتله آهن پوش است و یکب مجاور خانه هم دارد .  
تقریباً ۱۷ سال قبل از هدا سنه ۱۳۳۷ بمزارش مشرف شدم بالای سر مرقه دیوارچه سنگ متصل بطور افنی گذاشته شده بود در پارچه اول بسم الله شریف با یک حدیث مبارک و کلمه طیبه مرقوم بود .

در بارچه دوم :

و این بقعه مبارک و این روضه شریف خاص از جناب مولوی یا کر امت است همیشه امداد و حمایت مولوی عباس صاحب بر ای زائرین رسیده میرسد بنابراین مقبره جناب شانرا بطریق بادگار محضافه ابن کمیته خاق الله پیر محمد سنگتراش در تاریخ ۱۳۰۹ شمسی هجری تکمیل نمودم .  
از آن بعد زائرین این زیارت حصواً مخصوصاً آنکه بشرف زیارتش مداومت داشتند از این لاجرم معلومات شخصیت و تاریخ ذات شانرا تقاضا میکردند تا اینکه شخصی یکروز یکقطعه بخط حضرت قیام گاهی ( پیرزا فضل احمد خان مقوفای ۱۳۲۰ هـ ش ) بر ایم آورده گفت حین فوت مولوی صاحب خود مرا از قبله گاه شما خواستن کرده بودم و این قطعه را در تاریخ حاتم شان انشاء کرده اند بعد از آن دیدگری آمادگی خود را بساحتن لوحی ابراز نمود همانا بنده پس از حصول معلومات کافی در باره شان قطعه مذکور را با نصبی به نشر در لوح مذکور نوشتم که بالای سر مزارشان نصب گردیده و اکنون از آنوقت ۱۳۰۱ سال نمیکند و بعد آن شخص دیگری روی مزار را به پوش های صگی زبانی ساخته است . اما بنده در آنوقت تفصیل معلومات مذکور را با باد دو طره رفه لوح تماماً مقالات جلالت گانه در شماره ۵۳ جواز ای ۱۳۲۶ و شماره ۷۱ قوس ۱۳۲۷ و شماره ۷۲ اول حدی ۱۳۲۷ حجله آریانا شایع کردم .

اکنون در پنجاه شرح مختصر که در لوح ارقام یافته می پر از مایه کسانیه که معلومات بالا قرار طاب باشند به مجلات متذکره رجوع خواهند نمود .

سلطنت سلطان زلجل زندگی ناخو رده بر  
 رفت با صد حسرت و حرمان کنون در زیر خاک  
 بنت احمد همان بارگزائی آن سردار قوم  
 آنکه کوس شاهی او از ستمك شد تا ستمك  
 سرزمانم پیر عقلم ال میان چون برکشید  
 رفت های افسوس گفتا سلطنت سلطان بخاك  
 ظاهر آ جمله (سلطنت سلطان بخاك) که ۱۳۲۲ میشو دما ده تاریخ است که سر ماتم  
 که چهل است چون از ان کم شود (۱۲۸۲) میماند ،  
 ۳- قبر صاحبزاده لقشبندی است که از خاندان خواجه معصوم میباشد و دولوح سنگت  
 دارد لیکن حصه تاریخ آن چون زیر خاک بود معلوم شده نتوانست .



ب : از لحاظ مربوطیت باین زیارت .

لاگفته نماند که این مولوی مجذوب و سالک مجذوب دیگری که مراد از باباخان محمد صاحب است و از معارف مجذوبان صاحب کمال و طریقی میباشد و همه وطنداران خصوصاً آلهائیکه ایشانرا به کثرت دیده اند بسیار مخلص و ارادتمندشان هستند و شرح حال و کمالات شانرا بیحد بیان میکنند ، بعض مردم خبیر و راهب خیلی مخفیانه هر دو را هم قاتلند ، گسر چه مزار آن سالک مجذوب در گلبهار سمت شمال وطن مربوط حکومت اعلای پروان است . ولی نسبت ارتباط این دو سالک و علاقه مفراط اهالی کابل بجنابش از مودانستم که مضمون لوح مزارش را که اثر طبع اینجانب است بخرش معاومات مختصر علاقه مندان سواد کنم ، کسانی که پیشتر از ان طالب تفصیل باشند البته بمجلات آریانا که در بالا ذکر یافت و در ضمن مقاله این فقیر مشرح تذکر یافته است رجوع خواهند نمود .

سواد لوح بعد از بسمله شریف و کلمه طیبه :

بود این قبر باباخان مجذوب	که بودی از مجاذیب سرآمد
بظاهری نصیب از دانش و هوش	بباطن بهره یاب فیض سرآمد
بهر موقع کمال و عرق عبادات	از و اهل بصورت دیده پیچید
روانش شاد دارد حق تعالی	بجنات الذیم از فضل پیچید
خلیل از سال فوتش در قمر گفت	( بحق و اصل شده مجذوب امجد )

۱۳۴۵

ج - ملحق باین زیارت

- ۱- پهلوی این احاطه میباشد که در آن يك كتاره چوبی قبری را احاطه نموده که خاص مضمون لوح سنگ آن این است و وفات مرحومه والدۀ شهزاده اسدالله جان زوجه ضیا و الملة والدين ۲۲ شهر صفر المظفر سنه ۱۳۲۵
- ۲- نزديك قبر مذکور قبريست که کتیبۀ لوح سنگ طرف پایش این است :

آه و او یلاز چرخ کینه جوی بدست رشت

یکدلی نبود که از جورش نپاشد در ناک

## مقبره ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان

۱- امیر مرصه فخریه غیبیکه از عمر اوقات عصر خود او موسوم به (بوستان سرا) بوده و درین سالها اولاً، زارت دارجه و به آزار با معارف در آن است و آ یادی زیاده شده مافون است و مسجدی هم محادی مقبره اش را یافته که حال نیز آبادان است، ادای صاوة در آن میسر د.

خود دهم به دارای گنبد و پیش روی گنبد رنده هر دوش بسنکته رمره از همین رنده درو ز، بطرف مرقب است که داخل احاطه مرقب هم تمام صحن و خود هر بسنکته های مرمر زیبا آراسته شد گیسست، کمیته در دیه از طرف شرقی برنده رسته گنبد کلالی، بخط زیبای سید عطا محمد شاه آقای و شاهی تحریر یافته که بدین قرار است :

و حضرت بیچون که بان گنبد کردین و معمار مبه سهر لیسنگون است شعر .

مقدور ی، به به آله بقدرت مطابق کفاز شکل بخاری چو گنبد اریق

له خشت، از متهر معمار زاد و بازار به چرب، تیشه نزار را دره رونق

چون منا، عالم سبعی را از خرابی، نهاده که میای به رح چهری را به دیار معلان (رانشفت السماء و هی بر مندا الهیه و الالهات علی ارجالها) در شکست و نشست مساری، عام آبی و نرایی گردانیده است، به صدون صدق هشجون (دلائل قدیر العزیز الامیم) جناب سلطنت و اب قبله شاه معظم و پادشاه مظفر مکرّم امیر این الامیه ص. ا. ا. الملة و الدین میر عبدالرحمن خان علیه الرحمه و العرفان آن شاه، کار آگاه، که مملکت افغانستان را بعد از ویرانی دولتی و ملتی و پیریشانی، اندن شاهیه دودمانهای عربی و بی، امامی، عنکر دو، کشوری پتخویکه رعیت سپاه و اصل مسجد و مدسه و حائقاء از استیلائی مات و در لست شهر بسان نجات المعش از به پاشید و هم را بحسن تدبیر و قوت رای جهان تسخیر به اند پره بن جمیع، بنزد شمع و جود فائض الجود خود شبستان تیره و تار مملکت را از چرعا ان اجرای احکام شریعت و امضای قوانین سلطنت و سیاست، دور و فروزان ساخته بعد از مدت سلطنت بیست و دو سال قمری مطابق شب پنجشنبه لیله دهم شهر جمادی الثانی سنه یک هزار و سه صد و ایزده هجری قدسی، همای فلك پیمای روح با هر وحش از جهان فانی بهوای عالم جاودانی شتافته، این



اینکه آرزو مند نبود که گلزار وطن پایمال يك گله و حشيان بشود حیـات  
 شریف و مغتنمش در هفتم صفر ۱۳۴۸ مطابق ۲۴ سرطان ۱۳۰۸ در زیر پنجه  
 خونخواران جنایت کاران سپری شده و بسر خروئی شهادت بجوار پروردگار  
 خود شتافت ، شبهه نیست چون شهادت بهترین او مغانیست که ازین دنیای فانی  
 به پیشگاه عرش خداوندی پذیرفته میشود و یقینست که درهای آسمان برای  
 ارواح شهدا باز است و فرشتگان رحمت با بال زمرین خرد ارواح پاک و قدسی  
 شایرا در آغوش پذیرائی میگیرند ، اکنون این روح شهید و آزاد که برای  
 سعادت قوم و مامت و اقامه علم و مد بیت از جسم مغتنم و ساز پرورده  
 خود مفتاحیت نموده است در آغوش لطف پروردگار مهربان  
 خود پایداری میکند ، در آغوش و پذیرائی می شود  
 و خدا پاک که هم حسیب و منتقم است درین روح مظلوم که بحق است شهید  
 شده است بخشایش و بران پنجه جان و عاصب که بحول صد هزار پادگان خداوند  
 آلوده شده است سحق و غضب میفرماید خداوند پرور روح در خاک و غصون  
 طپیده اش رحمت فرماید و بر تربت پاک آن گسل و ریحان پرویزانند ،  
 درین سنگ ستمدوق نهامی بالای تربت بسم الله و سورۃ اخلاص و آیات  
 تحسیر آرد و دعائیه و اید دعا از اثرین بصورت منقوش تحریر است .

پ : قبر سردار عبدالمجید جان :

ساخته تالش بطور قبور اول است اما درین قبر دولوح وجود دارد ، در سنگ  
 بالای قبر بسم الله و آیه الکرسی شریف منقوش است و در لوح بالای سر این  
 عبارت و هو الحی الذی لا یموت . این مشهد پاک که فرشتگان رحمت در فضایی  
 آن بال کشاده و در پروازند آرامگاه . پیکر لطیف شهزاده شهید  
 سردار عبدالمجید خان این اعلی حضرت امیر شهید ابن حضرت ضیاء الملة والدین  
 مرحوم است که در دست غاصب تخت و تاج مملکت بجه ستم نخستین ظالماً  
 خنجر و بعد در ۱۳ صفر شهید گشته ، روح پاکش در جبهه مرغان سبز بهشتی  
 در باغ هینو آشیان گزیدر پیکر لازمیش درین حظیرۃ از هت فزاسوده و منتظر  
 است که در روز بالخواست بدربار عدل الهی عرض ، از قاتل مفک قصاص خویش  
 و استانت و بلکه درین حظیرۃ یا کبیره طوری بنواز و نعمت رحمت غنوده که  
 محشر خطاب کرده گوید .

خارج عباد الله و حامی بلا دا لله امیر ابن الامیر ابن الا میر سراج العلاء و الدین  
امیر حبیب الله بجهة نگهبانی تخت سلطنت پدر مظفر بعون و عنایت الهی عز شانہ  
چاوس نموده استقلال سلطنت آن منظور نظر مرحمت حضرت رب العزت  
را بطریق شایسته و سررشته بایسته حفاظت و حراست و رعایت و سیاست شد  
که لله الحمد مکت آباد و دوستان شاد و دشمنان نامراد، بر بادند؛ پس چون  
پدر ر اخلافت کند ز تخت پدر دوع آفت، کند از جمله ضروریات امور مهم  
قبه عالیہ متبرک معفور؛ آن پادشاه جلیل القدر بوده که این خانه مغفرت آشیانه  
در وقت حیات آن مرحوم سلطنت صفات در شمار مواضع نشیمن - - - - -  
لفری معادود، از ملازمان سراسر اخلاص در آن باریاب میشدند بود، الحال  
بعد از تلاوت سوره فاحه و اخلاص در سنه ۱۳۲۰ شروع بقریم و استحکام  
آن شده تبدیل هیئت آنرا از پوشش چوب بهشت پخته رنگ چ و نظیره شده  
در جوار آن مسجدی برای جماعه حفاظت دلام الله شریف و باقی مجاورین  
آن بقعه تاریه نیز از محبت پیوسته ساخته، در سنه ۱۳۲۳ بنا شد رسید، نرول  
بر کات فیوضات بیت المعمور از مرحمت حضرت رب عفودان نامرول  
و مسئول است آمین» .

۲- قبر سردار حیات الله خان عضد الدوله و سردار عبدالحمید خان در حقیقه آخر  
جزیره مقدسه ضیاء العلاء و الدین ( دوستانه اسرار زار تعارف حاضر) در یک  
احاطه که از سنگ مرمر کتاره های منقش و فاش صحنش هم از سنگ مرمر  
است این دو قبر بتفصیل ذیل واقع است :

الف : قبر عضد الدوله بقبریه شمسند. قمر مرتبه دار که بایشان مسجد مسجد  
امای دیگری هم است آرامته شده و بالای قبرش لوح عایده هم دارد .  
سکاف اوح بسم الله آیه انکرمه شریف مزین بدیگر طرف آن بعد از آیه  
شریفه ابن عباس است تحریر است عضد الدوله سردار حیات الله خان پسر امای حضرت  
حبیب الله خان شهید برادر اعلی حضرت هان الله خانهاو بود که از آبیاری فضل  
و دالش در خواستار ائمه محمد زئی و کمال نژاد و راست مثنی پرومند گذشته و پس  
از خدمات برجسته که در راه علم و امنیت افغانان اموده بود بعد از تسامح  
حبیب الله در د که همه موجودات و طوارض و بیداد آن بیاد فنا فت برای

## مقبره معجون شاه و پدر و دو فرزندش

این مقبره در مقابل کسرتی ستور (عمارت وزارت خارجه حاليه) در صحن مسجدی که بمسجد معجون شاه مشهور و قریب صدارت عظمی میباشد و بصورت محاله خوردی بنا یافته واقع است و میان آن دو قبر کلان دارای سنگهای مزین بکلمه طیبه و آیات قرآنی و برخی ایات است و دو قبر کوچک که در سمت شمالی قرار داشته دو لوح سنگ بزرگ بر دیوار طرف بیرونی آن دو قبر نصب میباشد که عبارات مندرج هر لوح بترتیب قرار ذیل است.

۱- وفات مرحوم حاجی الحرمین الشریفین حاجی هاشم قادری بینوا چشتمه فخریه نظامیه سوم ربیع الثانی ۱۲۶۵ ق.

۲- وفات جنت مکان سیادت همراء سید معجون شاه ولد مرحوم سید حاجی هاشم شاه ۸ ربیع الاول یوم سه شنبه ۱۳۰۵ ق.

۳- وفات مرحوم سید محبوب شاه ولد سید معجون شاه فقیر  
در سن پنجاهگی یوم جمعه ۵ رجب سنه ۱۳۱۵

۴- تاریخ منظم :

که یکدل بود از وی شاد و خرم	و ز دست ظلم و پیداد فلک داد
خسدا بخشید فرزندان مکرم	بمعجون شاه این سید هاشم
باو میداشت صد لطفی بهر دم	نهادش اسم لیکن ناصر الدین
قضا کردش بخاک تیره مدم	بسز چارچون عمرش بسر شد
تا ریخ علی پیوست محکم	رمضان بیست و یک شد از وفاتش
که فارغ شد ز قید هر دو عالم	هزار و دویست و هشتاد و پنج بود

اکنون مختصری در پیرامون معرفی شخصیت معجون شاه حواله قلم میشود :

اسم سید معجون شاه ، سید فخرالدین (معجون) مشهور بمعجون شاه رح ولد حاجی سید هاشم شاه رح است ، ولادتش در سنه ۱۲۴۲ هـ ق در ده افغانان کابل شده ، پدرش مرید شاه نیاز رح بوده و بالاخره در طریقه قادریه شریف و چشتمه شریف حجاز بار شاد شده و تا آخر عمر در ده افغانان میزیست معجون از عمر هفت تا بیست بتحصیل علوم پرداخته و تحت توجه پدر بتربیه و علوم باطنی مجاهدت میورزید ولی در ایام طفولیت اکثر اوضاع چون از وی صادر میشد

ای حشر خلق را بشکست جواب ندست  
 در او ح سنگ طرف پا این ایات مرقه م است  
 و ده که با آرزو، نگو تا نگر  
 چه جوان تازه شاخ شمشاد  
 نخل رعنائی وستان شرف  
 نامور شاها مراد افغان  
 بهمنسای کام می پرورد  
 داشته در دل که بر خور از عمر  
 او بدین آرزو که از تقدیر  
 فتنه زاده دور فتنه ست  
 پیچیده این جوان رعنا  
 نسی ز شهزادگی شرم نمود  
 تازه شاخ جویش بشکست  
 بیست و ده عمر زود میرش بود  
 سیزده از ماه صفر بوده  
 سال این وقعه الم انگیز  
 گرچه هر کرد خامه و بنوشت  
 از حقیق انوار آفتاب  
 سرور نشین در آفتاب  
 پس را در راه به شمع بود  
 یعنی در راه به شمع بود  
 در تل پرده من در راه بود  
 روزی تا شرف به عدل و ست  
 تا به حال دور است از رسید  
 که چنین به درگاه و است  
 مقبر آمد او بر تاج شد  
 در سال از جدا پس لرزید  
 و ز او استاده به و بچید  
 که بهشت از بهشت کردید  
 که ازین چهره است شود  
 حرد که به به به به به  
 با دل بر او به به به

۱۳۴۸ ق ۱۳۰۸ ش

مصرع اخیر بتمام حاوی منته قدر است و منته شمسیر است  
 که تحریر کرده اند از قاری رحیم است.

• • •

نوت : چون پدر و پسران امیر شهید تذکریات باید مددک شیم که بخانه امیر  
 حبیب الله خان در کلاه گوش لغمان در ۱۹ جمادی الاول ۱۳۳۷ ق بشهادت  
 رسیده و در جلال آباد دفن شده . چون در اینجا از مزایات کالی بحث است  
 از تفصیل صرف نظر نمودم .

## مقابر باغچه آخندجی

واقع قول چکان دامنه کوه نوآباد ده افغانان :

۱- قبر خود آخندجی در میان باغچه، قبری دارای احاطه بسیار پست خور دو چرخه خانه است قرار بیان مجاور و سنگ مزارش در خود قبر فرو رفته مرحوم از قوم سادات، عالم، غازی و مرجع طلاب بود دائم تدریس میکرد، اصلاً از ترکستان است در عهد امیر دوست محمد خان بکابل آمده، علاوه بر این معلومات اسم و طهره اش بکسی نبود.

۲- قبر سردار نصرت الله خان ابن ضیاء الملة و الدین امیر عبدالرحمن خان است که در عهد سراج الملة و الدین امیر حبیب الله خان شهید نائب سلطنت و متصدی تمام امور مملکت بود بفهم و فراست و کار دانی وی همه کس قائل میباشد و این سردار مرحوم علاوه بر آن که دارای کفایت و لیاقت اداره و پیشبرد امور بوده عالم، محدث، حافظ قرآن مجید و خیلی ادب پرور و شاعر نیز بوده است و علاقه خاصی بسلام حضرت ابوالمعالی عارف و فیلسوف شهیر میرزا عبدالقادر بیدل رحمه الله علیه داشته، چنانچه بمبالغ کثیر کتب زیاد آثار عظمی آن شاعر بزرگ را جمع کرده و عده از شعر او فضیلائی کشور را بمنزل خود برای ترتیب و تدوین و تطبیق و تفریق نظم و نثر موظف ساخته بالاخر کتاب ضخیمی از منظوماتش را که تصحیح و تکمیل شده بود امر چاپ داد که بمطبع حروفی ماشینخانه بصفحات بسیار کلان تحت طبع گرفته شد و تا ردیف دال رسید اما زمانه موافقت نکرد و آن تقدح بشکست و آن می ریخت آن ساقی نمالید یعنی امیر حبیب الله خان به شهادت رسید و اقتدار سردار موصوف بر هم خورده نیست و نابود گردید و کتاب ناتمام مانده کار بجائی رسید که همان تا ردیف دال را فی جلد دورویه و سه رویه مفرود خند و بیشتر دکالداران برای پوری از آن کار مه گرفتند ولی باز هم این کتاب ناتمام احراز قدر نمود و از قرار فی نسخه ۲۰ افغانی و باز ۳۰ افغانی رفته رفته بعد افغانی خرید و فروش میشد اما حالا سخت کمیاب است.

بهر وجه این سردار علم دوست بزود ترین فرصت داعی اجل را لبیک گفته جانب شمال مغرب احاطه باغچه مذکور بخاک سپرده شد و اکنون گنبد

و بدان نسبت پدرش بوی ( مجنون شاه ) خطاب می‌کرد و بهمین اسم شهرت یافته ، و قتیکه صاحب علم و ارشاد هم شد . و سراغ موزونی طبع نیز در خود احساس نموده بشعرسرائی اقدام کرد تا خاصیت خود را ( مجنون ) گزید . چون در سن بیست و سید پدرش بر حمت حق پیوسته و او بجایش بمسندار شاد نشسته ، چهل و سه سال خدمت ارشاد طالبان حق را کرده بقاریخ ۸ ربیع الاول سنه ۱۳۰۵ بر حمت ایزدی پیوسته در محوطه مسجد خا ققا و خسو د بخاک سپرده شد .

مجنون شاه دیوالی حاوی غزلیات ، مخسمات ، ترجیعات و قطعات که بیشتر مضامین عارفانه دارد و موسوم به ( بوستان خیال ) است ال خود باقی گلداشته که در سنه ۱۳۲۸ هـ ق شیخ الهی بخش در مطبع حمیده لاهور بتوجه بلبل شاه خلیفه مجنون شاه چاپ نموده علاوه برین هم کتب در تصوف دارد مگر در اینجا همین مختصر کافیست .



باشی و آخراً وزیر تجارت بوده در سنگ مرقدش عبارت طو لانیست که خلاصش این است : و تولد او در سنه ۱۲۶۸ و فاش ۱۵ شعبان ۱۳۴۸ ق بهمر هشتاد و سالگی می باشد بانی این مسجد و مقبره شیردل خان تاجر پسر مرحوم است که در سنه ۱۳۴۹ ه ق بنا نموده .

۶- بطرف جنوب گنبد ثواب السبطه قبر والده سردار امین الله خان اس صیاق الملقو الدین است ده تاریخ ورنش در سنگ سر قبر سنه ۱۳۱۸ ش مرقوم می باشد .

۷- بمحاذی گنبد قبر علام محمد خان در حصه بالائی باعجه مدکور (سمت جنوب) قبری دارای سه لوح سنگ بوده سنگ بالای سر مزین بکلمه طیبه و آیات قرآنی و بعضی ابیات و در سنگ افتادگی سر قبر چنین مسطور است :

و وفات مرحومه مغفوره بوسی حمیرا جان بنت سردار محمد یوسف خان ولد مرحوم امیر دوست محمد خان در سن ۱۶ سالگی ۲۴ شعبان سنه ۱۲۹۶ ه تقیبه لوح سنگ طرف پا :

دارم از دور چه رخ میبانی	دل چه و میبای باده پر چه و نایب
بر سر آتش هم نشسته سپهر	خونم از دیده میرود چو کباب
قلمم چه گنگ و میدمد گر دود	گو شمالی حسرت نم چو رباب
چون ساهم بسا لرعه بهار	چون نگاریم برنگ چشم سحاب
برد زین حقه چرخ سفله بجاك	اواؤئی را که داشت عالم آب
آفتابیکه رخ بهان میکرد	عیش شام نیر از مهتاب
ماهها بیکه داشت عارض او	طبعه بر آفتاب عا امتاب
عنچه در پیش لعل او حاشوش	لایه در پیش رنگ او بسی آب
یکجهان ناز و یک فلاک تمکین	نک چمن حسن و یک بهار آداب
ماه عیش و شادی و عشرت	حرمی بخش همجو عهد شبا پ
نکته رس نکته سنج حرف شنو	همه معنی چو لفظ اهل کتاب
سال او بود و دوشش که بهفت	چون ماه بدر چارده بشتاب
دوش سال و رو آرمه لو	چستم از پیر عقل چشم بر آب
تیره شد روز روشنش زین غم	چون شب هجر عاشقان خراب
چو بفرودد و گمت با طری	دورم از آفتاب عا امتاب

موردی قبرش را احاطه کرده و لوح بتختی در آن قرار یافته که سال وفاتش را سنه ۱۲۹۹ ش را واضح میسازد.

۳- بطرف شمال گنبد متصل دیوار احاطه باغچه قبری دارای صندوفه سنگی سه مرتبه میباشد که خلص کتیبه اش این است: وی بی رحیمه بنت شهریار سعید شهید امیر حبیب الله خان زوجه سردار نامدار سردار عزیز الله خان ولد نائب السلطنه در ۲۹ سالگی بتاریخ شب جمعه ۲۶ رجب ۱۳۵۹ ق فوت شده.

۴ پهلوی گنبد بطرف مغرب قبر سردار عزیز الله خان دارای کتاره چوبی چو نره مورد آهن پوش است.

لوح سنگی ندارد اما ولادتش در دوم ذیحجه ۱۳۱۰ ه ق مطابق ۲۹ ثور ۱۲۷۳ ه ش بوده و وفاتش در بیست و دوم ذیحجه ۱۳۵۲ ه ق مطابق ۱۹ حوت ۱۳۱۲ واقع شده مرحوم در عصر سراج الملة والدین سر کرده سنجهش و دوره امامی سر کرده احصائیه و نفوس شماری و در عصر اعلیحضرت نادر شاه شهید مسفور کبیر افغانی در ایران بوده.

مرحوم صاحب طبع موزون و خیالی ادب پرور بود و در خلص قلیان شعر میسرود و دران عبدالغفور لدیم مرحوم را حین سفر به خود در ایران بطبع رسانده این ابیات را مرحوم هاشم شائق برای لوح مزارش انشاد کرده بود.

ایکھ اقرام و یارمن پوه ید	در ز سادرفاه و هم پسته
زینها را ز برای من لکند	آه و الحسوس و ناله و رکنه
یک دوش سر بدیع برخو الید	بر مزارم کشید گهر قعنه
تا برینوچه ستر پیچ شود	تن را شکنجه روح از پهنه
چلو و دوسال و بیست روز بدم	منتظر بر نو پسد این وعده
عاقبت (دم) کشیده آسودم	(شام جمعه بماء ذیحجه ۱۳۵۲)

۱۳۹۶-۴۴ سنه ۱۳۵۲

۵- پهلوی قبر نائب السلطنه مرحوم دو گنبد نو تعمیر شده که یکی مسجد است و دیگری بالای قبر غلام محمد خان وردک، غلام محمد خان شخص عالم و مشهور بملاو حق جوی و حاجی بوده علاوه بر آنکه پیشه تجارت داشت ابتدا پنجاب

میر جها نادر شاه خان حرم امیر عبدالرحمن خان ضیاء الملة والدين دران مدفون است

۱۴ چند قدم دور قبریست بگل حمامه ساخته شده لوحی دارد امام معلوم دار است و همه میدانند که قبر جناب ملا علی محمد آخند مشهور خطیبه صاحب ده افغانان است ، مرحوم یکی از علما و حفاظ و روحا لیون انزو ا پسند و مرجع عموم بوده ، طریقه شریفه نقشبندی را از جناب ملاجم الدین آخند زاده صاحب هدیه سبق گرفته و خلافت یافته لیکن مرید نگرفته ، مرحوم ابن ملا فقیر محمده سوم خواجه های کلنگار اهورگرد بود و در کابل سکن پذیر شده دائما در مسجد میر های ده افغانان طلاب را از درس و مخلصان از فیض صحبت مستفید مینمود تا آنکه روز پنجشنبه ۱۶ شوال المکرم ۱۳۴۱ بس ۷۲ داعی اجل را بیستگ گفته و درینجا دفن شد نام بیک و اولاد صالح خود را بیادگار گذاشت در جمله قطعات تاریخی که موزون طبعا عصر سرده بودند در قطعه مبتلا که یکی از جوانان محاندان خطبای وطن در اوقت برده ماه تاریخ ( معفور ابداد ) برآمده است و الحق که تاریخ خوبی است امید که حسن قبولی هم یافته است

۱۵- قبر هاشم شائق افندی مرحوم .

این مرحوم در بدو سلطنت امان الله خان بنام ممثل ( نماینده دولت ) از طرف دولت آنوقت بحارا بدربار کابل اعزام شده در حین اقامت کابلش دولت بخارا از طرف حکومت شوروی اشغال گردید مشارالیه تبعیت افغانی را پذیرفته و در همینجا ماند ، چون مرد عالم و فاضل و صاحب اخلاق حمیده بود در شقوق مختلف معارف کشور داخل کار شده از رهگذر دوستی و آمیزش زیاد با سردار عزیز الله خان ( فتیل ) دختر آن مرحوم را از دواج نمود و حیات خود را بشرافتمندی بخدات عرفانی بسر برده بالاخر ساعت ۶ و نیم صبح روز چهارشنبه ۲۳ منبیله ۱۳۳۳ مطابق ۱۷ محرم الحرام ۱۳۷۴ چشم از جهان پوشیده در قریه چکان که قبرستانی سردار موصوف است قریب بقبر سردار دفن شد ، چرن پسری از وی نمالده بود یکسال بعد سنگ های متین مناسب از طرف عیال و دخترانش برای قبرش تهیه گردید و کتیبه که استاد خلیلی در بار پنج وفاتش نگاشته بود در سنگ های مزارش نگاشته اند چون از کار برده در اولین روز وفاتش مرثیه طولانی

۸ طرف مشرق باغچه آخندجی گنبدیست که میان آن و قبر کلان و دو قبر خورد بوده بدیوار سمت مشرقی گنبد سنگی بدیوار نصب و در آن مسطور است و در زمان عدالت نوامان اعلی حضرت سراج الملوک الدین امیر حبیب الله خان درانی با کزائی محمد زائی پادشاه خود در آن حیات علیه خداداد افغانستان که بقعه رفیعیه برای مقبره مرحومه مدفوره و والده شهزاده محمد کبیر خان فرزند چهارمین اعلی حضرت هما یون والا حسب السفر هوده شهزاده موصوف در یوم یکشنبه ۵ ماه شوال سنه ۱۳۳۱ ق صورت اتمام پذیرفت

۹ بطرف مشرق گنبد مذکور قبریست که یک لوح سنگی داشته کتیبه خلاص آن این است و هذا قبر شیخ محمد صالح افندی شامی دمشقی الاصل در ۸ رجب بحوار رحمت ایزدی پیوست ۱۳۳۶ ق ۱ افندی موصوف خسرو حرم محمد دیک طریزی است که از مشاهیر نویسندگان و میاسون معاصرت بوده پس از خدمات تربیع نویسندگی و ارتقای سیاست که مدتی عهده وزارت خارجه و سفارتها را داشت و در راه استلای وطن بجهت مجاهدات کرد در حین انقلاب داخلی بترکیده رفته و بالاخره در اینجا داعی اجل را بیک گفته و بحال سپرده شده

۱۰ در پهلوی همین قبر، قبر عیال ربیع حکمت بیک ( دو کتو و ترکی ) است که در سنه ۱۳۱۲ ش فوت شده این مرحومه از انفقات به تبیل خود آلوده شده یعنی اریکن رانیل می انداخت و با حیز دیگر رانیل مدو و لباس و جاش اصابت نموده و در همین حال گوگرد زده که اریکن را امتحان کند که کار میدهد یا نه؟ با وجودیکه نصف النهار بوده بواسطه همین گوگرد بحاش آتش بل شده و هیچ کوشش دیگران سو د بخشید و همین آتش در ظرف یک ساعت جان به جان آفرین سپرد

۱۱ بطرف شمال مشرق گنبد مذکور، قبر سردار محمد عثمان خان بن سردار محمد خان است لوح مزارش زیاده تر زیر حال است تاریخ آن معلوم شد

۱۲ در همین موضع قبر مسماه راحت سلطان است که لوح مزار او هم زیاده تر زیر خاک رفته معلوم شده نمیتواند

۱۳ کسی در تر از باغچه مذکور دو گنبد متصل بهم است یکی مسجد و دیگری بالایی یک قبر که قبر مذکور لرخی ندارد قرار بیان مجاور صیبه

پای بند دین و مذهب حافظ قرآن رب  
 پر ز غیبت بسته لب بیغش داش چون سیم لای  
 ره نبودی چون غبار کینه را در سینه اش  
 خاطرش گاهی نرنجیده ز کس در هیچ باب  
 چهره اش بر روی مردم چون رخ آئینه باز  
 طبعش از مهمان شگفته همچو گلشن از سحاب  
 خدمت یاران بشخص خود بمحفل مینمود  
 بسکه از خود بینیش چون چشم بودی اجتناب  
 فیض بر دی هر کس از دارالکتاب و صحبتش  
 ساثلان را هر قناعی بخش میدادی چو اب  
 یکقدم گر چه لم یگشت از منانت منحرف  
 گام میزد در ره نشر معارف با اشتیاق  
 بود یکنای زمان خویش باقد و توان  
 اور علم از چهره اش میتافت همچون ماهتاب  
 از حوادث بر چیش چین نمی آمد پدید  
 در شد اند صبر میورزید جای اضطراب  
 با همه و صف شریف و آ لچنان طبع لطیف  
 با همه حسن سلوک و صافی طینت چو آب  
 هفتده ماه محرم سال هفتاد حیاتی  
 بر کشید ایوای از خاک سیه بر رخ نقاب  
 خاک چون در بر کشید آن گوهر افضال گفت  
 بحر با یک چشم تر و بالیتی کنک تراب  
 بشود دو قتی که کان هم کان گهر در خاک خفت  
 میشو دبی گفتگو در آتش حسرت کباب  
 رفت و ایکنی مالد از وی باقیات صالحات  
 نظم و نثر روح افزا تر صد گلشن گلاب

نوشته بودم که در همان روز در جراید شائع شده به دو کتیبه مزارش نسبت به معرفت  
شخصیت موصوف مختصر است بناء مرثیه و کتیبه را ثبت مینمایم :-

۱- مرثیه

فاضل معرفت هاشم شائق علیجات  
آسمان علم ، دانش را در حاشای آفتاب  
صاحب تصنیف و تالیف و تنسیع در علم  
مخزن انواع معلومات چون چندین کتب  
خامه گوهر فطانت مقتدر در نظم و نثر  
قوة ذهن ، پیاپی در مباحث کسایب  
ارستاد دانش و فضل ادب در محاسن  
بهره اندوزان قبضش بهارچ ارد حساب  
قدرش افزون نزد ارباب معارف از همه  
یوستان علم و دانش را ز بس داد آب و تاب  
از طریق قدر خدای عارفانی بود  
تا ابد استاد او لاد و طرا را خطاب  
مینمودی عرس بیدل را همه ساله ، ز بس  
بود قدر پیشوایان اب و تابش صواب  
آشکارا میشدی هنگام صحبت آنکه ارست  
پای ناسر دانش و فر هنگ را بلباب  
بیمختورش محفل اهل ادب بودی خلعت  
محفل احباب را او گرم کردی چهره شراب  
از گلستان فارا نخل گلشن زیب بود  
او ز دیوان محبت بود ورد آه- محاب  
کوه از د عز و تمکینش سپ- کت مانند گاه  
از بهار خلق لیکش تازه طبع شمع و شاب  
آینه خا- صحبت گرم دل پر سوز داشت  
نصبتش با اهل شهرت بود چون آب و سراب

زیارت سید صالح

در گذر ایگزائیها از دینک بگذر چو بفروشی در بین یک خانه رو بطرف راه  
عام قبری در محوطه ایست که یک پنجره آهنی بطرف راه دارد، لوحی ندارد  
مردم میگفتند زیارت سید صالح است.

زیارت هیانجی

در باغ نوب پهلوی، جای پسران میرزا نظر محمد خان مرحوم طرف شمال  
راه عام احاطه چار دیواری، پست خورده و میان آن قبری دارای کتاره چوبی  
بدون لوحی منسوب بمیان چر صاحب است

زیارت سید کمال

طرف جنوب راه عام (درگذشته ملک و) عمارتی بوده در میان آن قبری  
دارای پنجره چوبی مشهور بمزار سید کمال میباشد قراریان مردم برادر  
سید مهدی آتش نفس است و پدرشان امام مغرب میباشد (والله اعلم)

\* \* \*

در گذر مسجد سفید شور بازار در قبرستان قریب زیارت هوی مبارک قبری  
دارای دو لوحه سنگی است لوح طرف سرزمین به آیات قرآنی، و لوح طرف پا  
که شکسته، سه پارچه شده حاوی این ابیات است:

۱- و ازین که در چرخ خیبری	کوله دارد هیچکس را برقرار
آن سلام نقد ششپند پاک دین	کزا مورد نیوی میداشت عار
بود فرزند علی اصغر بدان	هم زاولا معجدها دگوار
رحمت حق با دبر اجداد او	هم بذات پاک آنعالی وقار
پا الهی بخشش از لطف و کرم	جنت الفردوس در روز شمار
سال فوئش با خرگد گفتم چه کرد	گفت مهل گشاشن دارا القرار

۱۲۱۷

بتاریخ ۲۱ شهر جمادی الثانی ۱۲۱۷

۲ کتیبه لوح شکسته طرف پای قبر پگری حتی الامکان که خوانده شد بدینقرار  
است:

روح او شاد جاودان دارد	.....
سرو باغ محمد و احمد	لا ائق بوداش جنان دارد

در من بیداری دهد آثاری جاویدش مدام

رفت چشمش گر کند زین مظهر فانی بخواه

خواهد در اندای صحبت پنجر و ز آل مرگش پیش

و (۱) بر حریفان مرگش و بر من زندگی باشد عذاب

گر چه خود آسود درجه نیست و لی از فرقش

سرنگون شد جام عیش اهل دانش چون جواب

حق تعالی عفو تقصیرانش از رحمت کند

سازدش از دولت دوارش ادو بهر بهر حساب

عز شاه انبیا و (ص) چار یار از (رض) و اهل بیت (رض)

دعوت مـ ۱۰۱۰ به حق امید مستجاب

چه ن برایش مغفرت میخواستیم بی محمد نایل

جامه ام از سال فویش را رقم (عفران آب)

۱۳۷۴

تیم

خفته اینچاه شمشاق که در فاضل و ادب

خاتمه مو لوی را آخرین شمع امید

را ل دانش خورازی داند و رفاست

از بخارا تا بسکابل و زهری تا کاشغر

محفلش صاحب دلار از هنمای فیض قدس

تا شود سال وفاتش آفتابی از دحق

ش ۱۳۳۳

(۱) پنجره قبل از مرگ که بعبادتش رستم این بیت حضرت بیدل را خوانده بود که

مفاد آن بتخییر فایده در مصرع اغتیاس شده :

بمکه بی روی تو خجالت کرد در من زندگی بر حریفان مرگش دشوار است و بر من زندگی

درگذرد بر آنچه ها متصل بخانه مرحوم میرزا محمد اسلم خان معین وزارت  
مالیه زیارتیست که قبر و احوال سنگ ندارد اما میان مردم مشهور است که  
شاه کمال حسین در حیات خود به اینجا داخل شده باز در آنجا مدفون شده .

در گذر مذکور ، سید حبیب نام قرار اظهار هل گد ( قبر ، و اوجه حسن خالدار )  
بوده اما حال نامعلوم است ، امیر محمد ان بجا رانشی که شخص با چهره و ریش سفید  
است اظهار نموده که قبر را ، و دم دیده بودم صاحب قبر شخص با کرامتی بود که  
کراماتش در زانوی مردم است اکنون هم قبر مطبخ ساخته شده .



قد سیان واقف مقاماتش      صوفیان جمله زونشان دارد  
 شد مسمی بشه عطاؤ الله      حورو غلمان خادمان دارد  
 ما بهجران و او بحق و اصل      و اصلا را خدا لهان دارد  
 در هزار و دویست و شصت و سه      در جوار لبی هکسان دارد  
 ۱۲۲۳

\* \* \*

### در گلدز فرملی ها

۱ در بین گلدز مذکور بطرف شمال راه قبرستان مشهور به (قبر شهید) و مورد  
 اعتقاد مردم مردی عارف و عالم بوده و در آنجا بشهادت رسیده  
 چراغدان گلی بالای قبرش میباشد اما لوح و کتیبه ندارد

در سنه ۱۳۳۷ هـ ق عم مرحوم میرزا محمد یوسف خان متوفای همان  
 سنه که منزل شان در جوار آن بود اقدام به آبادیش نموده سنگ و خشک  
 پخته و چونه و گیره تهیه کرد ولی اجل امانش نداد و بی آنکه اشیای مذکوره  
 بمصرف آبادی آن برسد تلف و نابود گردید ، مگر با همین وضعیت  
 بیساخته خود خیلی از اهالی با قدر است

۲ - در همان گلدز در خانه میرزا رستم نام قبری در احاطه خرابه چاردیواری  
 بدون لوح مشهور به قبر شاه محمد میباشد :

۳ - در گلدز شانه سازی بخانه جلال الدین نام در یک اطاق دو قبر یکی از بابا صاحب  
 ( بابا گل محمد ) و دیگری از صاحب دیه برادر اوست .

در سر فر واره حولی مذکور لوح سنگی نصب است که کلمه طیبه و اسمای  
 چار یار کبیر (رض) بخط خوش قدیمه و مضمون و بل بسیار بدخط (که غالباً  
 در ثانی تحریر یافته ) مسطور است :

« بتاریخ یوم چهارشنبه ۱۴ ماه ذی قعدة الحرام بود که بابا صاحب از دار فنا بدریقا  
 رحلت نمود . قوم خو اجه زاده سنه ۱۲۹۵ »

\* \* \*

ساز جدش را شفـا عتخواه او      یا کریم کردگار ذوالمنن  
 بوده بن میر تقی شاه آماجـ ناب      سید والا تبار مؤتمن  
 در هزارود و صد و پنجاه و سه      کرد اندر بقعه جنت وطن  
 کوته فقیرخانه و چاه آب و دیوارهای احاطه ره بخرا بیست .

\* \* \*

پیش روی بالا حصار نزد یک سرک جدید، زیارت شاه لطیف در یک بلندی بوده،  
 دران بلندی یک درخت توت هم است آ بادی سابقه اش ویران شده قبر بحال  
 خرابی میباشد لوح سنگت ندارد .

\* \* \*

در گذر پ روی های کلاسی زیارت دیوانه شاه در یک حویلی خورد بوده  
 سه باب خانه دارد که ورثه غلام علی مجاور همین زیارت دران سکونت دارند،  
 در سمت شرقی حویلی، قبر مذکور را کنار چوبی احاطه نموده بالای قبر لوحی  
 است که مرقومه اش این است :

« وفات مرحوم مغفور محمد زمان خان ولد امیر احمد خان مردان زائلی  
 بشمار بخ ۲۶ شعبان ۱۲۲۹ معلوم است سنگ از دیگر قبر است .

\* \* \*

در گذر شهر بچه های پایان چوک در میان یک احاطه قبر است که دورش کنار  
 چوبی بوده مشهور به پیر سفید میباشد لوحی ندارد :

\* \* \*

## مزارات گذر دروازه لاهوری

۱ - در گذر ملا مو من بسمت شمال حویلی مسجد چاچه بیلی مخانه ایست در آنخانه  
قبری دارای دو لوح سنگ لوح بالای سر مزیّن بآیات قرآنی ، کتیبه لوح طرف پا  
این است :-

و وفات مرحوم مدفون چاچه بیلی بن عبدالله بناریخ ۸ شهر شوال المکرم سنه ۱۲۲۴  
چاچه بیلی ار هندوستان بکابل آمده و در اینجا فوت شده یک قبر خورد پهلوی  
اوست که میگویند از پسرش میا شد .

۲ - احاطه ایست دارای دو قبر یکی از سید حسن مشهور به ( شاه مدارزند )  
پیر لعل بخش ( دهگری از سید حسین مریدش هر دو قبر را درخت ناکی سایبان شده  
لوح سنگ ندارد بطرف شمال احاطه یک اطاق است در بیرون احاطه مسجدی  
بوده در حویلی مسجد چاه آب وسیع میا شد .

۳ - از طرف مشرق ابتدای بازار سمت جنوب راه عام زیارت اسمعیل شاه بوده  
قبر و مدفون را کتار چوبی احاطه کرده لوحی ندارد .

۴ - پهلوی قبر فوق بطرف مشرق یک قبر است که میگویند مدفون آن از مشهد  
مقدس از داسمعیل شاه آمده .

• - طرف مغرب قبر اسمعیل شاه قبر ماما فیضوی فقیر مشهور کابلست که در عصر  
امیر عبدالرحمن خان فرستاده شد . این قبر هادر احاطه خور دی بوده دیوارهای  
احاطه هراب شده در عقب احاطه طرف جنوب انگار خانه شان بوده حالا  
خراب است .

۶ - در بیرون دروازه بطرف جنوب راه مزار سید محبت شاه بخاری میا شد  
قبر در میان احاطه بوده یک چراغ دان سنگی و یک لوح سنگ دارد که مرقومه  
اش این است :

آه آه از دست بیدار فلک	چیده چیده بیدار فلک
هم گل و هم غنچه و هم یاسمن	هشتم شهر ربیع الاول آن
رفت سری خلد زین دار محن	سید عا لیجناب مولوی
قدوة فخر زمان سید حسن	یارب از فضیلت بیا مرزی و را
حرمت جان لبی ووص پنج تن	

## مزارات گذر باران

۱ احاطه ایست مشهور بزیارت بابا ولی (بعضی بابا لولی هم میگویند) قبر بابا ولی که نزد اهالی محترم است بطرف مشرق احاطه و دور آن کنار چوبی میباشد لوحه سنگی ندارد.

۲ متصل دروازه احاطه مذکور قبر است که در سنگش چنین مرقوم است «تاریخ وفات میر عبد حسین (۱) ابن حاجر حسن ازد ارفنا بد اربقا رحلت نمود سنه ۱۰۲۰»

۳ پهاوی قبر بابا ولی، قبر میر واعظ صاحب مشهور کابا است که شخص عالم و متقی و مبالغ و مجاهد و صاحب طبع موزون و بسا او صاف بوده و واعظ تخلص میکرد اما اوحی ندارد، بنائش و صوف امره زلله الحمد در کابل بکثرت و با اهرت و شهرت اند مگر چندین مرتبه از هر یک شان نقضاً کردم که سوا اینج تفصیل و تاریخ وفات ایشان را به بنده بدهند و عده واده ایقایی و عده نکردند.

۴ متصل آن قبری میر حاجی صاحب پسرش میباشد که کتیبه آن چنین است:

میر حاجی صاحب آن قطب زمان	رهنما و مقتدای ساسان
بود یوم شنبه و عید صبا	کان فروزنده چرخ راه دین
رحلت ازین سر منزل سفلی است	کرد مسکن در مقام علین
سال تاریخ وفاتش از حد رد	جست الفت از دل اند هگین
ناگهان از غیب گفت هانف بگو	مسکن او باد بر خلد برین

سنه ۱۲۸۲

۵ در همین احاطه قبر میر عتیق الله صاحب پسر حافظ میان جی بن میر واعظ صاحب است، که بوجان حرم بانام و نشان امیر عبدالرحمن خان ضیاؤ الملة والدین صبیة همین میر عتیق الله بوده کتیبه لوح مزارش چنین است:

هزارا فوس و او یلا در بغا	چه عم بود اینکه بر خلق جهان رفت
لها ل لو بر حافظ جی صاحب	که بود او میر عتیق الله جان رفت
هنوزش سن عمر اندر چهل بود	که آن سر و سهی از بوستان رفت

[۱] آیات الفلام تعریف را از قلم انداخته ویرا باید اسم را عبدالحسین مینوشت

در گذر سیف الملوک

۱- متصل سرای حفیظ له جان احاطه و درین احاطه مسجد جدید که تعمیر نمودگی  
حفیظ اللہ خان بوده در وسط احاطه قبرستان است و آن شماره چوبیس و بالای  
آن چوبتره خرد آن پوش داشته بالائی قبر یک سمت صندوقسی مکعب  
مستطیل کلان منقش و سطح طرف سه دین با آیات قرآنی و سطح در قاسمی  
چهار اسم الله بخط کوفی و سطح طرف باقی شش مرقم است در آن شش هائیک  
الاولی وجهه من دار الفنا الی دار البقا و در هر یک از اینها مخصوص به بنایت  
الملک اراجی امیر بارالدین . . . . . و بعضی نهادهاست با ششای سطح  
در قفسی سطح طرف سه و با بخط خوش ثلث است و این قبر نزد مردم مشهور  
به زیارت سیف الملوک میباشد

۲- پهلوی آن شش سنگ صندوق نمائی حور دو تان زن بوده ، از طرف مشرق :  
سنگ اول : از سطح طرف سرآیات قرآنی معلوم میشود ، از سطح با بجز کلمه  
وفات مرحوم مغفور دیگر چیزی معلوم نمی شود .  
سنگ دوم : از سطح طرف سر بخط ثلث آیات قرآن کریم و در سطح فوقانی  
چهار اسم بخط کوفی ، سطح طرف با بخط ثلث ، رقوم و هفت صا احوه عقیقه  
زین المستورات نانا بنت امیرالمرحوم المغفور میرزا بهادر فی رجب المرجب  
سنه ۸۸۵

سنگ سوم بجز تاریخ وفات دیگر چیزی که خوانده شده بقول معلوم نشد .  
سنگ چهارم طرف پا (وفات محمد علی ابن ملا بابا) محمد فی تاریخ  
نهم صد و چهل و پنج ،  
سنگ پنجم باقی اطراف آیات قرآنی و بطرف با در تاریخ وفات مغفور مرحوم  
مشرقی آغا بنت مولانا در سیخ سنه سبع و عشرين و تسعمائة  
سنگ ششم طرف سرآیات قرآنی ، طرف فوقانی کلمه طیبه ، طرف پا : تاریخ  
وفات مرحوم مغفور حیدر بیگ ابن باران بیگ فی عشر شهر رمضان سنه ۹۲۰

## مزارات گذر و یگاخانه

- ۱ نژدیک سرای ذغال فروشی مسجدیست که حویلی خورده داشته در حویلی مسجد  
یک قبر طولانی دارای کتاره چوبی بدون لوح سنگ مشهور بزارت شهید اژدر  
میباشد .
- ۲ در میدان بیک احاطه که از زمین با اندازه یک قد بلند است زیارت شاه اسماعیل  
پادشاه بوده لوحی ندارد .
- ۳ متصل خانه میرزا احمد جان نام زیارت مخی سرور پادشاه بوده قبر او میان  
گنبد خام کاری است که حال غلطیده و لوحی ندارد مگر مرجع هموم است .
- ۴ متصل چمن یک بلندی قبر مشهور بزارت شهید است ، پهلوی آن قبر بعضی  
شهیدای دست راپرت ( هنگام استیلای مردم انگلیستان در کابل ) میباشد

## در گذر باغ علیمردان

- ۱ در نوآباد طرف مغرب راه در یک بلندی زیارت جمعه شاه بوده لوحی ندارد .
- ۲ نژدیک بل باغ علیمردان در داخل جای فتح محمد خان که جای پسرش شیر احمد خان  
گفته میشود حالا جای از بنا علی شهرزاد و اسه اش میباشد که اکنون روز پراقتصاد هستند  
طرف جنوب راه زیارت سید عبد الله میباشد سنگی بالای قبرش هست که  
آیات قرآنی از آن فهمیده میشود نه نام و نشان و تاریخ .
- ۳ نژدیک بل محمود خان و مسجد عید گاه و سرک عام در یک بلندی قبر - ری بوده  
زیارتگاه عوام است لما لوحی ندارد و مردم هم لاش را نفهمیدند .

\* \* \*

## مدفن سه شهید

در حدود چهارراهی ششدرک در پهلوی هتل آریانا مدفنیست که در آن سه تن  
از شهیدان سابق بصورت صدفه ساخته شده بود ، طوفا و بیرق ها داشت ،  
درین اوقات که زمینهای آن حصه متعلق هتلها شده رئیس هر تانها بهاس  
قدر دانی شهدای مذکور سنگی در آنجا نصب کرده متضمن این عبارت :  
و اینجامدفن سه نژاد جوان باشاهات افغان است که در راه آزادی مملکت  
و ملت خود بشهادت رسیده اند . جنگ ۱۲۵۵ - ۱۲۵۸ افغان و انگلیس

لبیستند هیچ دشمن یا الهی غمی گزوی بجان دوستان رفت  
 پدر را هم غم آن قسرة العین قرار و طاق و تاب و توان رفت  
 عیالش را ازین سواد ی جال سور شرر در پیشه زار استخوان رفت  
 ز لمر پاد خلاصان و کنیزان خروش الا مان تا آسمان رفت  
 لها ده سر بزاوی غم السفت بفکر ماده تاریخ آن رفت  
 که هائف ناگهان از غیب گفستا هزار افسوس کان جان جهان رفت

بنار یخ یوم جمعه ۸ ربیع الثانی سنه ۱۲۸۴

۶ قبر حافظ میان ج. پسر میر واعظ صاحب هم در همین جاست مگر لوح ندارد  
 علاوه بران قبور همشیره ( بو بوجان ) و میر عبدالرحمن پسر میر عتیق الله که  
 ( بسین ۱۲ فوت شده ) هم در همین احاطه است .

• • •

در مندوی خرموزه فروشی که حالا بوریافره شهری گفته می شود در یک بلندی  
 زیارت اکرم گل است ( که از فقرای وائل عصر اعلیحضرت امیر حبیب الله خان  
 شهید بوده ) لوحی ندارد . در هذا سنه ۱۳۳۸ ش که در مندوی مذکور حریق  
 مدد هشی و داد و چار اطراف این زیارت را که در بلندی واقع میباشد آتش  
 گرفت از اتفاقات نیک بخود زیارت و زوجها و غیره آن قطعاً اصابت نکرد از آن  
 بعد اخلاص مردم بآلجا افزوده گشت و آبادی هم نمودند ، لکن در حنب  
 قبر اکرم گل فقیر قبر دیگری هم است موصفیان میگویند این قبر یکی از عرفای  
 قدیم است که نسبته سیادت داشته بهر وجه این زیارت بآن نسبت که اسمش معلوم  
 نیست و اکرم گل منسوب است .

• • •

## زیارت مشهور به امام زین العابدین

حاوی سه قبر

۱ در کنج سمت شمال شرق قوماندانی کوتوالی سابقه که حالا تعمیراتی جدید شد . قبری است که بالای آن صندوقه سنگ کلان دو مرتبه و در اطراف مرتبه زیرین ابیات مبنی بر تأسف و تحسیر و سطح بالا، سره طرفین آیات قرآنی و بسطح فوقانی هم بعضی ابیات تأسف انگیز و بسطح طرف پامستور است :

میرترکان ز جهان زود بر رفت      از فضای چمن خور د و بزرگ  
چون خرد سال و فالتش بر رسید      گفته اش مرد مک دید : ترک

۷۴۹

۲ پهلوی صندوقه سنگ موصوف (بطرف مغرب) يك صندوقه سنگ کلان که طرف فوقانی و باقی اطراف مزین بکلمه طیه و آیات قرآنی و طرف پاچنین مسطور است :

دلا چون مرد میر خور د آن به      که از بهرش بسان شمع سوزی  
چو او رفت از جهان ناربخ فوالتش      خرد گفتا بهشتی باد روزی

۹۴۷

۳ پهلوی صندوقه سنگ وسطی (طرف مشرق صندوق سنگ دیگری است که بسطح فوقانی آن چبری مرقوم لیست ، باقی اطراف مزین با آیات قرآنی و بطرف با این است :-

وفات بیکی بیکی بنت ابوالخیر بیک بیسم و هفتم ماه رمضان بود بتاریخ  
نه صد و پنجاه و رحمت بر ان کسیکه دعائی کند بخیر .

• • •

در نزدیکی بانگ شاهی بطرف مغرب جوی، پهلوی سرك عام در یک احاطه زیارتی است که از صندوقه سنگ بالای قبر بجز کلمه طیه و آیات قرآنی دیگر چیزی معلوم نشد.

• • •

## زیارت بابای کیدانی

بطرف مشرق راه بازار گت دو گنبد (بیلور پس خانه و پیش خانه) بوده در وسط گنبد پس خانه قبر بابای کیدانی گهواره نما چونه کاری شده لوحه سنگ ندارد... در اینجا سه قبر دیگر هم بوده دو قبر چونه کاری و بالای يك قبر دیگر صند و قه سنگی است طرف سر مزین با آیات قرآنی باقی اطراف نوشته ندارد طرف پا : « تاریخ وفات المرحوم المنفور خواجه عماد الدین مسعود بن خواجه المرحوم خواجه محشم » سنه تراش شده.

در گنبد بیرون (پیش خانه) قبری دارای کتاره چوبی و (قرار بیان مسجور) قبر سید عاشق علی شاه میباشد. لوحه سنگ ندارد.



در آن خبر این شاهى بسمك مشرق جوى متصل مرك پيش روى چهاونى دو صندوق  
سنگ از زیر خاک کشیده شد .

طرف فوقالى يك صندوق سنگ منقش و باقى اطراف مزین به آیات قرآنى  
و طرف پا مسطور است :-

بتاریخ پنجم جمادى الاول سنه هزار و نود و چهار فتح محمد معمار فوت شد .  
نوشته طرف پا نسبت بدیگر اطراف بسیار بد خط است .

۲- بطرف سر صندوق سنگ دیگر :

بتاریخ دوم ربیع الاول سنه ۱۰۹۳ از دار فنا بدار بقا رحلت نمود (اسم معلوم نشد)  
باقی اطراف آیات قرآنى مرقوم است .

ملا سلطان محمد نام رکه پنجاه سال می شد در مسجدشاهی امام است بیان  
نمود که قبلا دور این صندوق سنگها احاطه بود ، مردم بریارت می آمدند  
اکنون اثری از احاطه نیست .

• • •

دفقه شاهى پيش روى اطاقها طرف شمال مسجد در يك بلندی

۱ قبرى داراى ده لوحه سنگ بسیار کلان بوده بیکطرف لوحه سنگ بالای سر کلمه  
عائیه عربی قلم و طرف دیگر آن آیه لکرمی بخط فارسى قلم بیکطرف کلفتى  
سنگ (که پنج انگشت کلفتى دارد مرقوم است) :-

رفقه هزار و زک از ارجهان در مقام جنت آرائی شده  
بکلفتى جانب دیگر :

گفت داسای خرد تار یخ او رونق گلزار زیباى شده

۹۶۳

در لوحه سنگ جانب پا که این هم پنج انگشت ضخامت دارد بیکطرف آن نقشه های

لیک و طرف دیگر علاوه بر نقش زیبا چنین بخط خوش مرقوم است :-

تاریخ وفات پهلوان دوست

۹۶۳

مرقد مولوی یار محمد و غیره

۱ در این شاهر باغچه ۴۰۰ یکت درخت پدم چهار کلان و چند درخت شاه نوب  
و جوز هندی داشته در یک بنای مرقد مولوی یار محمد صاحب میباشد اما لوحه  
سنگ ندارد.

۲ در ۱۰۰ یکت قبری پدمه میگویند از خانه آقا محمد است.

۳ در نزد یک مرقد مولوی صاحب قبری دارای دو لوحه سنگ که به لوحه  
سنگ جانبی سر آیات قرآنی و بلحه سنگ جانبی یا چندین مرقوم است :-  
وفات به در میان پست محمد عثمانخان باهیزاثر زوجه سر دارامه بن السید واه  
( پس ۲۱ سالگی در تاریخ ۲۴ ربیع الاول یوم شنبه ۱۱۸۴ )

۴ قبر دیگر هم در این حد سنگ دایره در این حد سنگ - الامی سر آیات قرآنی  
و بعضی ابیات دارد - سنگ طرف الا ایات ذیل است :-

زیر این طوم ز بر جد فنام	تخلی امید کس نچید بکلام
پرو - مائده ز خدای جگر	گردد لبر زهر مرکب بجمام
هر که در این عالم بر احتز نیست	خور زین حمام باد و ناگام
آه و فغان و حیف و میسروید	تا قیامت ز تربت بهرام
پس منه دل درین جهان خراب	راحتش ذلت و اسعد انجام
اسم این صالح فرخ سلطان	هم عقیق خجسته ایسام
دختر خان عالی اسیر تپید	پیر محمد ستوده بود پندام
قوم فزائلی ز اهل دران	صاحب حشمت شجاع تمام
پسوم یکشنبه از محرم دور	هاتف غیب دادش این الهام
کعبه الازود خیمه زو رو آور	در جوار خدای خویش نخرام
رفت ازین هر سو رحمت حق	بناد شافع و رارسول انعام
چستم از پیر عقل تا ریخش	تا شود حل این خجسته سرام
فنا تبحه از دعا بر آرزو فزا	بر سر یا غفور تسم کلام

قبور بدون لوح سنگ هم درین باغچه میباشد درین سائین عبدالرحیم  
مجاور سکونت داشته قبر سائین مذکور هم همین جا است.

## زیارت مشهور سید جلال بخاری :

در گذر شیر بچه های خیابان در سمت شمال راه خانه ایست که ( اکنون مسجد )  
گوهر لام سکرنت دارد ( زیارت موصوف در سمت مشرق حویلی است و حاضر آقبر دارای  
کتار چوبی و دولوح سنگ بدون نوشته بوده ریش سفیدهای گذر اظهار نمودند  
که خود سید جلال صاحب و برادرشان یکجادر همین موضع مدفون اند و قبری که  
بطرف شمال حویلی است همشیره شان میباشد سابقاً لوح سنگ و گهواره سنگ  
هم داشته درین باب گفتگوهایی زیادی شده و بریاست بلدی معلوم است بلکه بعضی  
سنگهای زیارت هم در بلدی خواهد بود چنانچه درین باره مکتوبی بریاست  
بلدی از شعبه ریاست مطبوعات چند سال قبل صادر نموده ایم ناسنگهای مذکور اگر  
موجود باشد بمرجعش رسانده شود اما نتیجه نداد .

## زیارت بابا شوقی

این زیارت بهمین گذر در احاطه بوده چند تا یک چاه آب و مسجد هم دارد که مسجد  
خرابه شده زیارت موصوف لوحه سنگ ندارد - قبر حاجی سید حسن  
و سید غریب پسرشان و سید احمد شاه و باقی اولاده سادات موصوف هم همین جاست -  
قرار اظهار سید محمد ایوب نواسه حاجی سید حسن موصوف قبری که بنام زیارت  
بابا شوقی شهرت دارد از قدیم بهمین نام بوده و الله اعلم .

مزارات گذر مراد خانی

- (۱) در گذر طوره مراد خانی در یک زیرخانه خرابه ( طرف مغرب راه گذر )  
زیارتی بنام زیارت شهید شهرت دارد که بعضی زیارت دوازده  
امام میگویند قبر و لوح سنگ موجود نیست .
- ۲ - بطرف مشرق بازار مراد خانی زیارت حضرت عباس شهرت دارد این زیارت  
عباسی از گنبدی است که چند نوع ( علم ) داشته لوح سنگ و قبر ندارد - یک احاطه  
یک اطاق و لنگر خانه هم دارد ، گفته شد حضرت عباس عم محترم حضرت  
رسول صلعم در مدینه طیبه و حضرت ابوالفضل عباس ابن امیر المومنین سیدنا علی  
رضی الله عنهما در کربلا علی مدفونند و قبری هم در اینجا نیست پس که باشد ؟  
گفتند نظر گاه حضرت عباس است و الله علم جمعیت مراجعین باین زیارت بسیار است .
- ۳ - اینچنین بطرف مشرق بازار خانه هست که مشهور بنام زیارت پنج تن می باشد  
اما لوح سنگ و قبر نه دارد .

میر بر کز سعی او گزازار دهر      یافتی ز پنت چو فردوس برین  
 نادر العصر جهان بود و برفت      کشت ذلها از غمش اندو ، هگین  
 جستیم از پیر حرد نـا رینخ گفت      حیف حیف از نادر العصر چنین

بدو جالب صفحات ۹۶۳

ای اندر : زمانه مردی افسوس      وی دوست بخاک تن سپری افسوس  
 در باغ جهان بودت نخل حیات      اراخل حیات را خور در افسوس  
 از مضامین هر دو سنگ معلوم شد که (میر) دو پناه آن دوست را یک شخص  
 است و در سنه ۹۶۳ قی و فات کرده .

۲- در همین جا قبر دیگری دارای دو لوحه سنگ کلان «بضم حامت سه انگشت»  
 بوده لوحه سنگ بالای سر یکطرف کلمه طیبه و نقش نیکو و طرف دیگر آیه اکرمی عربی  
 قلم و نقش دلچسپ . لوحه سنگ جانب پا : یکطرف منقوش و بیت ذیل بخط خوش  
 هر که آمد به جهان اهل فنا خواهد بود - آنکه پا پند و باقیست خدا خواهد بود  
 طرف دیگر - ر :

ز جور فتنه ایام و چرخ بو قلمون      ز غصه قنات خضر حیات چون نون شد  
 چو بود پروا لر سول قاسم خان      از آن رخسار شهادت چو لاله گنگون شد  
 چنان زدیده احباب ریخت سبل سر شک      که پای نا ..... بر خون شد  
 ز پیر عقل چو تارینخ فوت او جستیم      ند ارسید که بلبل ز باغ پور و ن شد  
 عدد بلبل که (۶۴) است چون از عدد باغ که (۱۰۳) میا شد کم شود (۹۳۹)  
 میماند و آن تارینخ فوت او خواهد بود .

## زیارت سید جعفر آقا مربوط طاش در اندرابی

الف طرف جنوب راه گذران را بی احاطه ایست کلان مشهور زیارت سید جعفر  
قبر خود موصوف با پنج قبر دیگر محاط به کناره چوبی بوده مقابل قبر خود  
(بیرون کتا .) چراغدان گلی کلان و بالای قبر چهار توغ نصب است هر شش  
قبر، صندوقه سنگهای مکعب مستطیل دارند .

۱- جانب فوقانی صندوقه سنگ خود موصوف چهار اسم الله (بخط کوفی) و باقی  
اطراف مزین بکلمه طیبه و آیات بابرکات کلام معجزه بطرف پا چنین مرقوم است:  
و تاریخ وفات المرحوم المغفور امیر جعفر بن خواجه امیر حسن ۸ شوال  
سنه ۹۲۹ هـ .

پهلوی آن بطرف مغرب دو صندوقه سنگ است :-

۲- صندوقه سنگ اول : باقی اطراف آیات شریفه و کلمه طیبه ، طرف پا :-  
تاریخ وفات مرحوم مغفور عادل ابن میر دولت قدم سنه ثمان و ثلاثین  
و تسعمائة ۹۳۸ هـ

۳- صندوقه سنگ ۲: باقی اطراف آیات شریفه و کلمه طیبه ، طرف پا: تاریخ وفات مرحوم  
مغفور امیر دولت قدم ابن روشن محمد خواجه سنه لئارد .  
معلوم است که قبر اول پسر و دوم پدر است که عادل ابن میر دولت قدم و او بن  
روشن محمد خواجه بود .

پهلوی آن بطرف مشرق :-

۴- صندوقه سنگ اول :- طرف فوقالی نوشته ندارد باقی اطراف مزین به  
آیات قرآنی و جانب پا :-

وفات المرحوم المغفور خواجه بیگی بن خواجه حسن پنجشنبه ۱۳ محرم الحرام  
سنه ۹۹۲ هـ .

۵- صندوقه سنگ ۲ :- طرف فوقالی بخط کوفی ۴ اسم الله و باقی اطراف مزین  
به آیات قرآنی و طرف پا :-

سپهر اوج رفعت خواجه مارك ازین عالم بملك چاودان رفت

روان پنهان شد اندر جسم همناك چو اشك دیده مایان روان رفت

درین حالت چو جستم سال فوتش خرد گفتا که پاک از این جهان رفت

طوری که مصرع اخیر سنه را تذکر میدهد باید سال هشتصد و سی باشد :

## ( زیارت دوست خاوند ولی )

د. پیش روی حمام امره و سرای تجارت قانین ده اعدا دان .  
 ۱- د بسک احاطه میان یک گنبد آهن پوش کتاره دار ، این زیارت بهمین  
 نام و شهرت واقعست ، اما لوح و کتیبه ندارد کتاب رساله اقدس تألیف شیخ  
 هاشم کشمی (رح) ذکر جناب شان را چنین مینماید :  
 « نام مبارک شان محمد ابن احمد الحصارى و ملقب به ( دوست خاوند ) از متسبین  
 حضرت قطب دائر و ولایت حضرت حواجه نقشبند قدس سره العزیز میباشد  
 و تربیت سلوک ارایشسان یافته و ثاباً بامر و رشد مسارک خود بخدمت حضرت  
 ندوة الاولایا حواجه محمد پارسا شافعی و از حضور ایشان اجازه مطلق در ارتداد  
 ناز گم دیدند جهانی از ایشان منور گردید ، اکثر ایام حیات خود را در بلا دباغ  
 و توابع آن میگذراند ، ارکامات ذکیات شان است است خاموشی از سه صفت  
 نحالی نباشد ، یا نگه داشت دل از خطرات ، یا فرود رفتن سالک بلذکر دل ، یا مشاهده  
 احوال که بر قلب میگذرد .

مسما : حضرت خواجه بزرگ شاه نقشبند قدس سره میفرمودند : طریقه مراقبه  
 از طریقه نفی و اثبات اعلی و اقرب است بجلبه ، و از طریقه مراقبه بمرتبه فریت  
 و تصرف در ملک و مالکوت میتوان رسید ؛

وفات حضرت خواجه دوست خاوند بعد از نماز خفتن شب سه شنبه یازدهم  
 محرم الحرام سنه الثین و ثلاثین و ثمان مائه ۸۳۲ بوده است روضه مبارکه شان  
 در بلده قابل واقع و زیانگاه خاص و عام است .

۲- در احاطه مذکور قبری دو لوح سنگ داشت ، لوح سنگ بالای سر مزین به آیات  
 قرآنی و کلمه طیبه و بعضی ابیات و به لوح سنگ طرف پاچین مرقوم است :-  
 « وفات مرحوم خاتم جان بیگم بنت خواجه خانجی یوم چهارشنبه ۱۷ جمادی الاول  
 ۱۳۴۹ هـ

۳- بهای این احاطه در یک بلندی قبری چهارغدان گلی داشته لوح سنگ ندارد .

باقی اطراف مزین به آیات قرآنی و بطریق باسطه راست --  
و فاته امیرزاده اعظم صاحب الحاق و الکرم طوطی باغ فصاحت پادشاه گزارد  
لطافت الواصال الی جوار الملک المغفور لطافت کوکبه بن امیردرویش محمد  
از که بتاریخ نه صد و پنجاه .

۶- یک صندوقه سنگی دیگر: -- فوقانی تحریر ندارد ، باقی اطراف آیات قرآنی  
و طرف پا : تاریخ وفات مرحوم المغفور باد محمد المرشد ابن حسن فی تاریخ  
نهمصد و سی و هفت .

۷- یک صندوقه سنگی دیگر: -- فوقانی ندارد ، باقی اطراف آیات قرآنی  
و طرف پا : تاریخ وفات مرحوم المغفور درویش محمد از که ابن بار محمد  
المرشد سنه ۹۹۲ .

۸- یک صندوقه سنگی دیگر: -- باقی اطراف کلمه طیبه و آیات قرآنی و طرف پا  
از قدامت زوده شده چیزی معلوم نمی شود .

۹- بالای قبری صندوقه سنگی میباشد آیات قرآنی به عربی قلم جلی رسم الخط  
قدیم در آن مرقوم است و طرف سر این قبر لوحه سنگی خورده بوده در آن مرقوم  
است : وفات مرحوم مغفور قاسم بیگ ولد عبدا لله بتاریخ شهر ربیع الاول

۱۱۱۸

۱۰- قبری یک لوحه سنگی داشته بیخط و آن آیه الکرسی عربی قلم جلی رسم الخط  
و طرف دیگر آن بخط فارسی بدخط مرقوم است : تاریخ وفات شهر محرم الحرام  
شکر الله بن خواجه نعمت الله نیره حافظ خان حسن سلطان ولد خواجه میرک  
مودودی سنه ۱۰۸۶ .

۱۱- کتیبه قدردیگری :-

ز نسل خواجه مه دو چشم

وفات مرحوم سیادت پناه خواجه سید میر ولد میر و خضران پناه  
خواجه اسد الله ۱۱۹۳ .

۱۲- قبر فقیر احمد خان مجلس آرای عهد ضیاء الملة و الدین و سراج الملة و الدین  
در میان یک جوی بتره آهن پوش بوده کتیبه لوح سنگی آن ایست : وفات  
مرحوم فقیر احمد خان ابن ملا محمد حسن خان مرحوم بتاریخ یکشنبه ۲۵ ذی قعدة

۱- ص صندوقه سنگ ۳:- باقی اطراف آیات قرآنی و کلمه طیبه و طرف پا :

تاریخ وفات مرحومه مغفوره بیگم آغا بنت ....

ب- صندوقه سنگهای مسکب مستطیل که در احاطه مذکور و بیرون کنار بالا  
قبرور میباشد :-

۱- يك صندوقه سنگ :- طرف فوقانی ، چیزی نوشته نیست ، باقی اطراف آیات

قرآنی جانب پا : تاریخ وفات مرحوم مغفور در مقصود مولانا ... کابل سنه ۱۲۹۱

۲- يك صندوقه سنگ : جانب فوقانی تحریر ندارد . باقی اطراف آیات قرآنی  
طرف پا :- تاریخ وفات مرحوم حسن علی ابن حسین شاه ....

۳- يك صندوقه سنگ :- طرف فوقانی تحریر ندارد ، باقی اطراف آیات قرآنی  
جانب پا :- تاریخ وفات مرحومه مغفوره بیگم ماه بنسبت بابای - لائل در  
شهر رجب سنه ۹۶۸ .

۴- يك صندوقه سنگ دیگر :- جانب فوقانی بدون تحریر باقی اطراف آیات  
بابرکات ، طرف پا :-

چون خواه سلیم شد بجانب مقیم	ز پنم چو قلم دلم شد از خصه دو نیم
خوران بهشت سر بر آورده بگفت	تاریخ وفات اوست .... قدیم

۱۰۹۳

۵- يك صندوقه سنگ دیگر :- طرف فوقانی ابیات ذیل :-

ای ریخته چون گل بجوانی در خاک	چون دامن گل پیر حسن عمر تو چاک
روزی که بدل غم تو بخاک برم	ناله ز دلم بر آید و لاله لاله

\* \* \*

در ماتم تو دهر بسی شیون کرد	تالاله ز خون دیده در دامن کرد
گل حبیب قهای از غوانی ببرد	قمری لعل سیاه در گردن کرد

\* \* \*

ای نور دو دیده جهان افروزم	رفتی و ز هجر تو صبه شد روزم
بودیم بر انگ شمع روشن هر دو	ایام ترا بسکشت و من می سوزم

\* \* \*

بسمه شنبه لشعبان که بوده جمعه عشر پیاله نوش نمود لعل زدمست حور بهشت  
 نیاز را بمقا می که حق عطا فرمود برابرست در پی بها بر یز و حشت  
 ۱۶ قبری دیگر دو لوح سنگ داشت به یکجانب لوح سنگ طرف سرآیات  
 بابرکات کلام الله شریف و بجانب دیگر آن بعضی ابیات مناجات مانند :  
 ای پدر ماندگی پناه همه کرم تست علیر خدایه همه و امثال آن و به یکجانب  
 لوح سنگ طرف پائیز بعضی ابیات و بجانب دیگر آن چنین مسطور است -  
 وفات مرحومه مغفوره مید بیگم بنت مرحوم مغفوره خواجه اسد الله  
 در زیارت سید جعفر آغا هاین مزارات دا رای اوائج بود ند مسجد ماحق  
 این زیارت که مرمت طالب برد لله الحمد بهمت اهالی تعمیر جدید شده .



سنه ۱۳۲۴ ق از جهان فانی شتافت حسب المحکم شهزاده جوانبخت در قیحواله  
معین السلطنه سر دار عنایت الله خان فرزند ارشد اعلی حضرت سرچ الملقب الدین  
امیر حبیب الله خان بن مرحوم ضیاء الملة والدین بتار یسغ سنه ۱۳۳۳ ق لوحه  
سنگک هذا ساخته شده

۱۳- قبر دیگر زیر چوبتره آهن پوش بوده خلص کتیبه لوح سنگش اینست :-  
چون ز خاکم بگذری دا من کشان      سوره اخلاص والحمدی بخوان  
حیف و افسوس کز جفای فلک      شد امیر محمد از دوران  
دو هزار و سه صد و سی و سه بود      شد روان از جهان بسوی چنال  
ماند از وی محمد صالح      یا دگرا رانکو به اهل زمان  
مردم می گویند نامبرده تاجر بوده

۱۴- قبر دیگری دارای دو لوح سنگی و کتاره چوبی بوده خلص کتیبه اش اینست :-  
در یغا کالد رین دنیای فانی      بنای زندگی نقشی است در آب  
فهل گلشن خدمت علی خان      که بود از جویبار عیش میراب  
لنگاهش میر بستان عدم کرد      چو نرگس نایاب رفت در خواب  
اینها هم شخص نامداری نیست :

۱۵- قبر دیگری دارای دو لوح سنگی بوده لوح سنگ بالای سر مزین با آیات  
قرآنی و بعضی ابیات و به لوح سنگ طرف پاچنین مرقوم است :-  
دمیکه صانع تقدیر طینتم بر شست      سرشت خاک مرا با شراب صافی چشت  
در و نسینه مهر ابروی خود آراست      نه راه کعبه روم نه کلیسیا نه کنشت  
بسوز آتش مهرش دلم فروزان شد      بر لنگ لعل بر آمد بسوختن انگشت  
ز رنج راحت هست گدشته در جائی      رسیدم ام که در آنجا نه دوزخ است نه بهشت  
قضا ز زایل ناله توشت عباس      که هست نیرة سید مبرور در طریقه چشت  
سؤال کردم تار یخ در عقلم گفت      که هم نشین شده با مرخصی علی به بهشت

شهری بآه و لاله و نخلی بدر دو غم از اشکشان زمین تبه از آه آسمان  
تاریخ او سر و ش به پیشه از شیب گفت حوری یحیی یار و فایز گم از جهان

سنه ۱۲۹۷

میرزا بیضا یکی از منشیان همان عصر است.

۳- از دهک قبر صبه سر داد محمد عظیم شان قدر دیگری دارای دوا وح سنگ که یک جانب  
لوحه سنگی یا لایه در کف دایره و قوس و بجانب دیگر آن اسماء الله زینت  
بخش و کتیبه لوح سنگی طرف پا این است -  
آه ازین دور شهر و گردش گردون دهن

صد دهان از نامرادیهای چرخ و از گداه  
هر که جایند لی را شا جز و ن سازش  
گل بنابر اج نگران و غنچه شد لبر ز خون  
نه آیدایش کم است و انچه اینها پس  
شرایع میبشی نمی یا هم ازین طامشگون  
چون ندای از جوی بشنوا در پس بسو جهان  
رفت سوری عالم باقی السیه راجعون  
جان بحق بسهر و شد آسوده از رنج عالم  
گفت یزدانش که لا خوف ولا هم جزون  
ایه کاز ارخان و قوم بود اسحق زای  
هفته (۱) شعبان و عمرش دال، حا (۲) ام بودون

بانماز و روزه و طاعت بر و زو شب مقیم  
باصفا وجود و با خلق خدا اندام سکون  
در عفاف و پاکیش چشم ملائک مانده بال  
در اشان سجده اش بر جبهه نقش صالحون  
باد جایش جنت الماوی که حق فرموده است  
مثل الحسنه الحسنی و عهد المذنون

۱- هفده خواهد بود کتاب - چو نموده باشد.

۲- هم خواهد بود سهواً ام مزقو شد.

## نزدیکت شهر آرا

(در باغ متعاقب پیر صاحب (که در ابتدا موسوم به باغ امیر شیر علی خان بوده در عهد

سراجیه حرم باغ ناهیده شده بود.)

۱- در میان باغ احد، اطراف ایست که در آن قبر و لیعهد اعلی حضرت امیر شیر علی خان  
مرحوم بود قبر موصوف سه مرتبه سنگ مرمر کاری است در طرفین مرتبه سوم  
آیه الکرسی و بطرف پا هر قوم است :-

هفده ساله ولیعهد چو شد غنچه	باغبان دنگ از دهر پادشاه براد
بند خاص خدا اسم خوشش عبدالله	آنکه داغ الماش در دل ما در نهاد
گشت بعمد بجزن زایر شه رتاریخ	که کجارت رچ شداد نه اچ نهاد
سر بر آورد حیات گهرش گفت بنذر	شد ننگین سالوت ارکان سیلطان بغداد

۱۲۵۹

سنگهای قبر از هم جدا شده، تعجب این است: در آن تاریخ که شعری در جسته

در وطن عزیز و جو ددا شدند این اشعار چرا در سنگ ملوک رحاک شده ؟

۲- پهلوئی آن قبری دارای دو لوح سنگ کلان بوده، لوح سنگ طرف سر یکجانب  
نقش زیبا و کلامه طیبه و بجانب دیگر (کامل من عایها فنان) و اسماء بار بقالی  
و لوح سنگ طرف پای یکجانب نقش و بجانب دیگر آیات دلیل مسطر است :-

صد آه و صد دروغ ز بیدادی جهان	کش نیست اعتبار نه پیر و نه پرجوان
از شاه و از گدا و نبی و ولی و قطب	دست اجل به خاک سپه میکند جهان
از خاک پرده گر فگنی نیک بنگری	بهمنی دگر جهان همگی خفته ناستوان
ذرات راز عهد است و سر یکسم	پیمان چو میگرفت خداوند پی نشان
عصمت مآب مریم بلقوس منزلت	مردار زاده بنت محمد عظیم خان
در بندگی چو کرد به عهد خدا وفا	شد شهره نام او به وفا بیگم از نان
اندر عبادت او به جهان بود بی قرین	وز بدل مال در ره حق کرد پس قران
شد چون صلا یار جمعی از بار کبریا	لبیک در اجابت حق گفت در زمان
در پنجه نه مسلخ ربیع الاول ز دهر	پرواز کرد طایر روحش سوی جهان

دو فونیک ارگ شاہی

۱ بطرف شمال دیوار باغ ارگت و جانب جنوب سرک عام (که این سرک عمود  
است بر الان عام طرف مشرق بیرون ارگت) گنبدی است آهن پوش و میان  
گذرگاه راه انداخته این گنبد بشکل سلس (شش رخ) تعمیر و در رخ سمت شمال  
آن سنگی نصب و در آن مستورا است .

بنام شهر محرم الحرام سینه پیکهزار و دودشش بود که در شهر کابل  
مریم نفاستان را راضی بودند (۱) خود را با مردم دیگر بنظر ظاهر کرد ند که یعنی ما  
دیوین که اگر بزرگوار خود راضی می شویم بعد انگریه را مردم  
افغانستان به تخت که درین مقبره است و شش هزار و دویست و شش نفر گرفته درین  
مقبره بنام آنها را که در جنگ می کردند بودند شهید کردند .

[illegible]

۳ بطرف متر بمزار ساعت واقع باغ ارک، به اندازۀ تقریباً د و صد و پنجاه قدم در یزر، بجانب شمال در یک منصل خندق ارک که از باغ موصوف بدرو از مریخی و از دروازۀ مذکور بطرف طلبه میروند (تقریباً سی قدم دورتر از سرک) در یک صفت قبری است که اوج سنگ و غیره ندارد، قرار بیان باغبان هـ ن یسارت مریعاد الله می باشد

## ۴ زیارت مشہور بہ شہ صاحب کا بلی رح

پس متوجہ جنوب ارگت از دروازہ کلدہ کیمن مہمے مذکور چند اطاق چنانچہ مغرب در عقب اطاقی از ہیک کلدہ کیمن را ہی تاریک و اولاً چند گام سرالشیب بطرف

(۱) شاید (بودن) بوده باشد - هو (بودن) قدیمه

سال تاریخ وفاتش عقل : ا پیرسان شدم  
گفت این محزون دعای آرگردی در همون  
رب ارحمهم و کمال الله  
النبی پس سال ۱۲۹۸ هجری

• • •

در احاطه مذکور یکی از مریدان پیر صاحب مدفون و تنبیه :  
این است :

بسم الله الرحمن الرحیم . لا اله الا الله محمد رسول الله  
جناب شیخ مه لانا ابو بکر خان غازی قوم غازیان قریه و  
قریه مخنه بل قندهار . جناب شان بر من شکر و تعظیم و احترام  
و در زمان سردار محمد ایوب خان در سجنای قندهار بود و در آخر  
عمر بقا مند ری بر مرده در شب اجانبه از راه قندهار سنه ۱۳۵۱ ق . سابق  
سنه ۱۳۱۱ ش از دار فنا رحلت نمود .

این مه وضع که باغ پیر صاحب قندهار و پیران و پیران و پیران  
جناب نقیب صاحب به ده که حالا هم پسران شان را در راه قندهار  
مرفه الحال بر سر می برند .



## در گذر سوته پای ها

۱ پهلوی باغ حاجی قادر بتکر قبرستانی است که دور آردبوار ای احاطه کرده در میان آن یک احاطه خور دی و درین احاطه قبری است مشهور بز بارش خود اچه سبز پوش لیکن لوح سنگش ندارد :

۲ درین قبرستان قبری دارای دو لوح سنگ است بالای سر مزین بکلمه طیه و آ پایه قرآنی و بعضی ابیات اسف انگیز و کتیبه لوح سنگ طرف پای آن این است :

من کلام طرز زنی تاریخ وفات پیر دوست خان اچکزائی  
فریاد میکنم ز جفا های آسمان کز وی چه فتنها که باهل زمین رسید  
هر دم زوی هزار بلا های ناگمان بر خسروان روم و سلطان چین رسید  
طرز زنی زمرگش نمک و چه دارد آه از قضا از مادر هر که ز ادبا و خود همین رسید  
یکسر ز دست مرگش لاشه نیافته است گوی المثل کسی بسپهر پرین رسید  
خوشدل دلی که تا ام را پسین مرگش ایمان ببر گرفته بجان آفرین رسید  
طرز زنی چه سال بحالت از خواست از نبرد گفتا که پای وی به بهشت برین رسید

سنه ۱۲۸۹

۲- درین مقبره ، قبر دیگر دارای دو لوح سنگ که لوح سنگ بالای سر مزین بکلمه طیه و اسماء الله و آیات قرآنی و کتیبه طرف پای قبر مذکور این است در متن

وفات مرحمت و غمران پناه عالیجاه محمد صدیق خان محاف عالیجاه رفیعجا یگاه  
عبد الله خان اچکزائی در بیست و هفتم رمضان المبارک در یوم دوشنبه یجنگ  
کفاز زخم برداشته و در دوازدهم شهر شوال المکرم سنه یک هزار و دو صد و پنجاه و هفت  
شریعت الهیه چشمیده از دار فنا بدار بقا رحلت نمود .

در حاشیه

ایسر و صابنه از سر ما بر گرفته خبر د رفته و عالم دیگر گرفته  
ای خاک لیره دلبر ما را عزیز کین نور چشم ما است که در بر گرفته

\* \* \*

ای مرگ چه خانه ها که ویران کردی

در ملک و جود غارت جهان کردی

هر گویا نایاب که آمد بجهان

بردی و بزهر خاک پنهان کردی

قبرستان مذکور چند درخت لوت هم دارد :

جنوب و بعد بطرف مغرب رفته این راه مانند خانه های زیرزمینی (ناکو) بوده نصف آن قدری بلند تر سنگت کاری پخته و نصف دیگرش پادان تر بوده بجز تیر کش که بطرف بیرون سوراخ کاهشته شده دیگر روشنی اندازد چندین گام همچنان رفته به وضعی در حدود پانزده راه مذکور و صند و قه سنگ کلان میباشد یکی آن که از جانب مشرق متصل به سنگت کاهی مذکور است ، طرف پای آن هم بتقریباً ۱۳۰۲ انگشت مسافت پیوست به سنگت کاهی مزبور میباشد که خواندن آن در آن بود . از بهای روحانی مخصوصه طلب است اندکی برده بروی آن مالیده گشته و ارد این جسم را در آنجا لا مکان چنین معلوم شد «تاریخ غات رحه ماله فو» ایام محمد حنفی هر حاجی چه تیره رسنه آن معلوم نیست ، بطرف فوقی آن حرقه چوبی در آنجا نه دو صند و جانب مغرب آن که متصل به سنگت کاهی است مزین به تیرهای میانی شده و سطح طرف سر هم مستوی ، به سنگت کاهی است .

صند و قه سنگت دیگر به وی صند و قه سنگت کاهی ، ایام محمد حنفی در آنجا بالائی بوده طرف فوقانی منتهی و به فنی ازیات شده و نیز در سمت جنوب سنگت کاهی فعلی شود ، دیگر اطراف مزین به آیات قرآنی و سطح طرفین آنجا یکجا حک شده و خوانده می شود چنین مرقوم است : «تاریخ و دست هر حرم المذکور و بر زامحمد این حواجه ایل محمد ... .. و باقی صند و غیره مرقوم نبوده بهای آن حک نشده مانند است .

قرار شهرت مردم این جناب ، همانا صاحب کابلیست که حضرت مرزا صاحب یدل رحمة الله علیه ذکر احوال و لایست مالیشان را میفرماید و الله اعلم



ای دور ساخته برو و روی چرخ واژگون  
 یکدل ز جور تو نبود شاد در جهان  
 کشتی چراغ سرور و سر دُر ذوالکرم  
 از تند باد مرگش به نه روز ناگهان  
 مردار نیک رای چو از مرد کوهی  
 محمد صادق خان گل صد برگ دوستان  
 پوری چو از گشتن عثمان خان لرست  
 مرد سخنی و با کرم و خاق و عز و شان  
 یک جدا و او اب صمد خان امیر ماسک  
 یک جدا و او اب اسد خان دهم نشان  
 محمد زئی باصلی درائی که هر یکش  
 سالار بوده اند بسرخیل و سروران  
 هفتاد و سه ساله بود که از دهر دون رفت  
 بر سری خاند و کوثر و انهار و حور یان  
 درویش مولد نبوی (ص) را حق گرفت  
 از بهر آن بداد پیرانش سسوی چنان  
 تاریخ رحلتش چو بجستم ز پیر عقل  
 گفتا هزار و سه صد و سه سال ای جوان

• • •

در زیر کوه آسمانی بطرف شمال راه مقابل پل هار تن احاطه بوده میان آن  
 قبری دارای کتاره آهن پوش و لوح سنگی بوده که نوشته لوح سنگش اینست :  
 « وفات حسرت آیات سلطن بیگم بنت شهزاده محمد اعظم خان بن نورالدین خان  
 بن اشرف خان بن تیمور شاه سدوزائی بتاریخ یوم جمعه ۱۳ صفر المصفر سنه  
 ۱۳۲۶ هجری قمری مطابق سنه ۱۳۰۶ شمسی »  
 پهلوی آن زیر کوه مذکور و طرف شمال راه قبری يك توغ داشته و بارت گاه  
 مردم و مشهور به زیارت شهید است اما لوح سنگ ندارد و اسم او هم بساکنین  
 آنجا معلوم نیست .

## درب گذر باغبان کوچه

در مسجد چر بلبل ابو احمد خان بسمت مشرق چه یار مسجد قبر بی در یک نهان  
چوب پوش می باشد که کفیه لوح سنگش اینست :

آه و فریاد زین مهر دوروی      بشد از دهر ز بساده اعدوی آن  
نحان ابو احمد محجبه سده اهاد      کس چه او غایب راه ندان نشان  
محکم از صدق برده ملو و صیام      باد ره یسار حافظ قدر آن  
رحمدل چیست از خرد دار پیخ      گفت مهره : باله بخت ندان  
از دود و غم دور حاصل کن      سال تا پیخ آن برده مدد یگان  
عدد دودود و (غفر) ۱۳۰۶ م. شود شاید در ۱۳۰۶ هجری قمر مرگت  
شده باشد. مرحوم یکی از رجال نامی کشور در سده ۱۰۰۰ هجری قمری امیر و  
صاحب مناصب جاهله اند .

• • •

در گذر چه بفروشی سرای مادر و وزیر د سمت هنرمند چه یار در د به ن  
سرای مذکور : قبری است که چر افغان کلا دشت کاه قتل کور می باشد  
وسه توغ (عالم) هم دار دهر دم میگوینا زیارت پاک میبد و شهید میباشند. لوح سنگش  
قدارد .

• • •

در ده افغانان بطرف جنوب چوبی شیر قبر محمد ایتق خان دارا سراج سمنان  
بوده لوح سنگش بالای سر مرزین بنامه طیبه و آیات قرآنی به لوح کتبی طاف  
با مستطور است :-

البچرخ بومتیزه زجه ورت ۱۰ صدفه ان

کردی بهار این کذل بر خد اورا خد و ان

از تیشه س تیزه فوت و فتنه نسنگون

کردی فگنده قاضیت این سر ورا یسگان

آه و فغان و ناله زآ شوب دست تو

دارد همیشه خاق زن و مر دو اند و چران

در روز و شب به تیغ اجل هر جفا کنی

مقتول دست خویش امیر و فقیرو خان

## نزهت‌یگانه در آن غریب جنوبی وزارت سریره

گدای آهن پوش به شکل مسدس (شش‌رخ) بوده در رخ مسدس جنوب آن  
چنین نوشته است

الله اکبر

ما شهید ستم رخ فرنگی شده ایم

مسدس دایره رخد ایم بهشتی شده ایم

قرار بیان مردم در اینجا چند نفر شهدای دفن شده اند که لشکر انگلیس  
(بمنصبه رای را برت) ایشان را به شهادت رسانیده ،

نوشته فرق در لوح سنگی محکوم گردیده بلکه به رنگ در رخ مزبور (که دونه  
کاری است) مرقوم می باشد ،

شخصی اعتراض نمود که فرنگی و بهشتی خوب با هم قافیه نشده اند ادیبی حاضر  
بود بیان کرد که بیت مذکور از زبان شهید است شهیدی نفس که همیشه را هم گفته  
جای آهن است .



در سمت مغرب جزو باغ صدارت عظمی از دیار سمت مغرب و دیوار  
سمت شمال باغ) قبری است مشهور به قبر شهید که اسمش از محمد سرور خان  
پاشی تحریرخانه پرسیده شد گفت از محمد ایه ب سگر که شخص معرود کن  
او در عتب مسجد میرهای ده افغانان است تحقیق شد روز دهم سگر مذکور شتافت اسمش  
را محمد علم معرفی و مزید معلومات حالش را محول به محمد یسین نام نمود  
و محمد یسین و بعضی ساکنین ده افغانان راجع به شهید موصوف چنین اظهار  
نمودند :-

«در هنگامیکه من از باغ افغانی بالشکر انگلیس (که متعبدارشان جزال داریت بود)  
می جنگیدند محمد علم موصوف بشهادت رسید و همین موصوفی که حال مدفون  
است قبرستان بود و در عهد ضعیفیه که اینجا باغ ساخته شد دیگر قبر و قبرستان  
مذکور خراب و داخل باغ گردیده و قبر موصوف بحضرت شهید شش و اینست که  
جسدش هنوز سالم بود خراب نگردیده و پائی ماند .

• • •

در احاطه مسجد باغبان پاشی متصل به منزل معین السلطنه مرحوم که حالا شین  
گاه اولادش میباشند پیوسته دیوار سمت جنوبی احاطه مذکور دو قبر میباشد  
که راجع به یک قبر آن رئیس سفیدهای ده افغان میگویند و شنیده ایم شخصی  
متدین و زاهد و امام همین مسجد بوده پس از فرارش در اینجا دفن شده و قبر دیگران  
از قدیم زبانه گاه مردم بود و نام و احداثش معلوم نیست .



« قد ارادت من دارا الغرور الى بجرارا ارحمة السالك الغفور راضية مرضيه بمشيتة الله و ارادته مزنيته بجواهر الايمان وحليته الايقان الصالحة المعصومة المـرحومه فخرا لمستورات وزين المحددات .. العظام الامراء الكرام حسبا المقتـها ... بنت المـرحـوم و راجع راجعات الدین : محمد لاشهرخان کوكلداس الهروي وفي رحمة الله عليه يوم الاثنين ستمته من شهر محرم احرام السنه تسع و عشرون و الف » سه مذكور بدون شبيهه ۱۰۲۹ مي باشد و نزد ريک گوشه سنگ مرتبه اولين منقور است نسبت خطرات سنگ، باويک :

« بتاريخ ... طيار کرده بکا بل آورد و شد »

و در سطح فوقاني هجين سنگ گهواره اين سطرانيز منقور است :

« الميرت کاس و کل انقاس شاريه القبر باب و آل الداس داخله »

کلمه ديک قبر د يگر که داراي سنگ هاي سفيد پر نقش و نگار است و بطرف سرش

کلمه طيه مرقوم است طرف پاي اين سطر و تحرير يافته :

« تاريخ وفات خشحال بيگ ابن قاسم خان سنه ۹۷۱ »

هاتمي پنج شش قبر د يگر معلوم است اطفال خورده بوده زيرا سنگ هاي آن هم خوي

خورده است نقوش و بعضي آيات شريفة در آنها خوانده ميشود اما کدام ناهي و نشاني

بدست نمي آيد بناء بهمينقدر اختصار رفت :

## مزاراتيکه دزده مزنک ( بريکوت ) است

### ۱- زیارت میران

اين زیارت در حفنة دامنه کوه ملحق بآباديهای ده واقع و دوزادورش ديوار

است لوح سنگ و لوشته دران ليست، مردم ميگويند اسمش مير کرمان است

ولي در بين عمومي مردم به ميران پادشاه شهرت دارد ، بعضي او را برادر

مير نشان که پير و ن در وازه باغ بابر پادشاه مدفون است ميدانند :

### ۲- زیارت سيد نجيم آغا

اينهم بدامنه کوه واقع ولي از آبادي دور است ، ديوار هاي کوتاه دارد لوح و نوشته

ندارد ، بعض خانها نزديک بآن حالا آباد شده ، مردم ميگويند از اولاد

پادشاه صاحب پاي منار است ، در موقع جنگ انگليس با افغانستان ، در حالیکه

داماد يک شپه بوده بشهادت رسیده .

## در شهر آرا

زیارت شاه ولیخان

این زیارت در شهر آرا در محله جوی پهلوی مسجد بزرگ آرا واقع و مردم در  
صد و آریای آن میباشند و یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه و شنبه و یکشنبه و سه شنبه  
فصلی نور و گلستان دارند مشهور زیارت شاه ولیخان است و زیارتش بسیار است  
۱- قبر خود و موصوف که چراغدان و طوطی زبانه در بالای سر خود دارد و در دو سنگ  
گلستان صدوقی منان فرار آن میباشد طرف فوقانی سنگ آنها نقش های زیاده  
آراسته است و طرف دیگر آن با آیه الکرسی شریف بالای سر آیه کرمه  
(کلی من عابها فن الیخ) بنظر عربی زیبا مرین و طرف پای این ایات  
بنظر فارسی معمولی مرقوم است :

شاه ولیخان در جهان رفت حریف	جزستم از گردش دوران ندید
بالب خشکشد رهن روز و دار	در رمضان شهد شهادت چندید
گشته شمیر سیاست چو شد	رشت با قلم سعادت کشید
رفت بخون غرقه کفن لاله سان	زخم منم بسکه بجانش رسید
بود خرد در پی نارنج او	صیحه دم از غیب اندر شنید
کز چمن لعلد برین هانفی	لعل زان گفت رایحان رسید

سنة...

اعدا... سنة میشودن گشته لیکن عدد چاه (وایخان رسای) ۹۷۱ و شود در غالباً  
همین عدد ستمه مذکور است.

۲- قبر دیگری که سنگ منصوبه بالای آن مانند سنگ قبر اول و بهمان ترتیب منوش  
و مشرف به آیات شریفه میباشد در حقه طرف پایش مرقوم است :

تاریخ وفات ... هجری بنام عیسی خان

۳- یک قبر دیگر که یک سنگ در مرتبه او این دارد در دوراد و در شمسبه  
و آیه الکرسی شریف مرقوم است و در بالای سنگ مذکور که سنگ تهرانه  
دیگری است و این هر دو سنگ از نوع مرمر است بد و طرفه آن که از یک طرفش  
قدری شکستگی ها و بریدگی هم دارد علاوه بر کاه طیبه احمد الله شریف که  
هر فوق آن تحریر یافته این چنین تعبیر شده :

## زیارت سادات درده بوری

بین راه میرو پس میدان و کارته؛ در قریه ده بوری که حالا کارته و جاده های جدید  
تأسیس یافته در حصه وسطی لب دریا و جاده بزرگ کارته یکت زیارت متصل و یک  
قریب مسجد نو ساخته آ لجار سرك عمومی و چوی واقع است بدین تفصیل :-

### ۱ - زیارت متصل به مسجد

درین زیارت دو قبر است مشهور به سید محمود و سید سعید، مردم میگویند  
این هر دو برادر هم بوده در عین جوانی که هنوز متاهل نشده و خود مردم محترم  
و مرجع اخلاص بودند و فات کرده بعد از وفات هم قبورشان از سالیان دراز نزد  
مردم زیارتگاه است. بالخصوص کسانی که بحس اول دچار میشدند بمجرده  
دریدن باین مزار از آن تکلیف لجات می یافتند.

سنگی هم بالای سربگی از آنهاست که اکثر حصص آن شکسته و پریده صورت  
ابیات بسخط نستعلیق در آن معلوم میشد اما نام از آن استنباط نمیکرد، کلمه فارغ  
که مشعر ۱۲۸۱ شرد در آن وانهح ماده تاریخ است.

۲- زیارت دوم که تقریباً پنجاه قدم از مسجد فاصله دارد هم بنام زیارت سید است  
سنگی دارد مگر باحفاظ است منشور شی ز یاد پیدا کرده که خوب خوانده شده  
نمی تواند مردم معتقد بر کات روحی ان میباشند و یکی از کراماتش چنین میگویند  
که گرفتاران ب لرزه و انحصش شرف بانجا سبب حصول شفا الی دار الشفا  
لحد اچل شانه میگردد.

## ۳ - قبر مرحوم محمد غوث خان نائب سالار

این قبر داخل یک گنبد خورده پخته کاری نو احداث است و در بین آن قبر همین مرحوم؛ سنگی هم برایش ترتیب شده اما ناکنون تحریر و نصب نشده به لحاظ گنبد و شخصیت مرحوم و مراعاتیکه سنگ آن در آن پندۀ قریب نصب شد نیست بهر ضعیفه شخصیت این مرد عسکری و طبع پوشیده همانند تاجائیکه معلومات بهر است متذکر میشوم :

مرحوم پسر محمد افضل خان ولد محمد منصور همان قوم بسارک زائست در سنه ۱۲۷۹ هـ ق بهمین قریه ده بزرگ تولد یافته، علوم متداوله دینی را از اساتید آنوقت فرا گرفته و معلومات در تاریخ حاصل کرده بود ، در سن ۲۲ زمان ضباط المله و الدین بگارد معروف شاهی بصفت سر باز و پس از ده سال الی اخیر پاشاهی سراج المله و الدین منتصب اجیدن ( معارف کند کمشر ) را حائز بود .

در اول سلطنت امان الله خان بر ثبه کند کمشری و بعد بر ثبه غند مشری و فرقه مشری ناال و اخیراً بقوماندانی عسکری هرات مقرر گردید :

بعد انقلاب دوره ستوی وارد کابل شده در سال ۱۳۰۹ ش بهمان رتبه بقوماندانی اعلائی عسکری و ملکی شما لی مقرر شده و در همان سال بر ثبه نائب سالاری سر فراز و برای فرونشاندن بغاوت ابراهیم بیگ ولایت ترکستان اعزام شد سپس بقوماندانی قول اردوی مرکز مقرر گردید در سال ۱۳۱۶ ش بقوماندانی اعلائی غزنی مقرر و اعزام شده شرارست جمعی از قوم سلیمان خیل را فرونشاند در سال ۱۳۱۹ ش بر روز پنجشنبه ۱۵ رمضان المبارک داعی اجل را لیکه گفت و در بن خوابگاه ابدی خفته :



گه بسه اینچو لب مرا چوه گردند لا در سنگی که هندو قه اند برای ملاری  
 ما خطه بردند کنیه بنویسم بنده مطالب میده اسم و شخصیت را تا بخشد  
 را در پنج بیت اندود و در سنگ مرصوف خامه خورد نگاشتم که بعد از ترمیم  
 احاطه که زمینش را بهار چه سنگهای زیبا آراسته آن سنگ را هم با لای  
 در بنش نصب کردند، کتیبه مذکور بعد بسم الله شریف و کلمه طیه بدین قرار است

محو اجمه ملا عارف و شریض میر	صاحب علم و عمل عید البصیر
داشتی از احمد الجامی نسب	زنده بیل آن شیخ الاسلام کبیر
کرد در هفتاد و نه سال حیات	عالم دین تعلیم بر برنا و پیر
رفت و شد بعد از صد و بیست و صد سال	کشتم اکنون وقت فوت آن شهر
گفتم از روز و ماه و سالش خایل	ز پنجها پنج رجب شد گوشه گهر

۱۲۵۱ هـ ق



## زیارت و خواجہ ملا

این زیارت دور سطر راه دارالان و ده زنگ و اتع و همان قریہ بنامش معروف است، صاحب رقت از ان عامای زمان تحریرش بود و نسبش بہ حضرت شیخ الاسلام احمد جام قدس سرہ (۱) منتهی میشود

دور مصریکہ اولاد شیخ الاسلام از خود در بت جام و ہرات ہذا السلطنت کابل خواستند و بواسطہ مہم دولت شامل ساختند زہنہای حصص قریہ خوالیہ خواجہ ملا و جری شیر و تہرہ و سن را بطور جا بگیر ہسرای معیشت و بود و باش شان دادند خواجہ ملا ہم از مر بوطن ہمدین مردم و متمکن ہمدین جا و با قرام ہمنسب خود، ہم جوار و وظیفہ تعایم عارم دینی را متحمل بودہ اولاد قنہ خود رد و کلان اقا رب و بعد چندی طلاب حصص دورتر رانیز درس میگفت و مدرسہ جاشہرت فضا نداشت یافتہ طلاب عام ظاہری و ارادت کیشان باطنی بدینہ

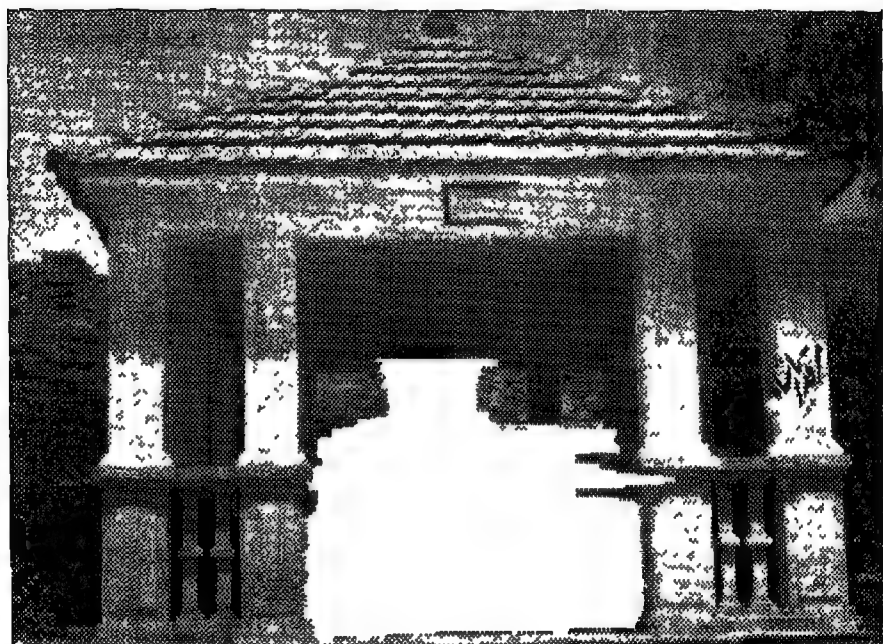
قد ریشش شامل و بخند مت حاضر شدہ استفادہ مینمودند تا اینکه کتاب زادگانیش شیرازہ گسیخت و دست اجل زہر مرگ در گامش ریخت و در قرب منزل خود دفن شد قبرش یکی از مقابر محتشم بشمار رخنہ از آبرقت قاحال مرجع عموم است

یتقاضای اہالی قریہ و وصف ریاست فابریکہ عجماری و انجاری در ترمیم احاطہ ہزارش کہ منہدم شدہ بہ ود ہر آمدہ و دوسال قبل

(۱) احمد الجامی قدس سرہ و شیخ الاسلام ابو نعرا احمد بن ابوالحسن المامق الجامی و از فرزندان جریہ بن عبد اللہ الجہلی رضی اللہ عنہ است کہ در سال رحلت حضرت رسول اکرم رضی اللہ علیہ وسلم ایمان آوردہ و بسیار جلالت مقام و زیبا جمال بودہ و امیر المؤمنین حضرت فاروق اعظم رضی اللہ عنہ و بعد از او سفایین امت خواندہ در کتب اہالی معرفت و کس را شیخ الاسلام لقب دادہ اند اول حضرت خواجہ عبد اللہ انصاری رحمۃ اللہ علیہ کہ او را پیرہری نیز خوانند و از آن پس شیخ بزرگ احمد جامی ملقب بزندہ بیل قدس سرہ کہ از مشاہیر مشایخ بودہ و الا تش مقللا در کتب مر قوم مر قوم است سال ولادتش و (احمد جام رہنمای اول ۴۴۱) یا تہ اندواز و ماتش را کہ در سائر کتب و تذکرہا بیوقت آن است در سنگ مزای چنین ارقام نودہ اند

مرشد نامی، شیخ گرامی، احمد جامی، عم برہ۔

(احمد جامی قدس سرہ ۵۳۶) سال وفاتش، اگر بجوئی



## مرقد بابر شاه

بابر با دشاھ مآقب ظھیر الدین بعد از فوت پدرش عمر شایخ میرزادر اندجان به سمنند حکمرانی لشکر و چندین فتوحات در ماوراءالنھر کرد و متدرجاً قوی گشته در سنه ۹۱۰ هجری عزم تسخیر کابل از ضعیفان سرزد با لشکر فراوان به سمت کابل شتافت و محمد مقیم پسر امیر ذوالنون که از طرف شاه حسین به حکومت قندهار و گرجه میر مقرر بوده و بکابل ر و آورده و متصرف شده بود تاب نیاورده و افس بجانب قندهار شتافته و کابل را بابر شاه تصرف کرد، بعد از تصرف کابل به تسخیر خزلون و قندهار و هزاره جات و امام متصرفات هندوستان خود موفق آمد تا که بشار بیخ روز دوشنبه ۶ جمادی الاول سنه ۹۲۷ بمصلحت آیه کریمه (ذا جاء ا جاھم لا یستأخرون ساعة ولا یستقدمون) داعی اجل را درھند ای یک گفت و نعلش را بحسب رسمش در کابل آورده و درن گلن گاه بمیر ضعیفک حال موسوم بیخ با پر است دفن کردند؛

چون تفصیلات دور زندگی و غیره این مرد نامور در تذکرک بابر و غیره ترا بیخ هندرج است که بر اھل خیرت پوشیده نیست و ذکر قمنند ان هم میتوانند از کتب ترا بیخ معارف حاصل کنند بناء بهمین اختصار اکتفا کرده بلد کر مرقد و ملاحظاتش میپرد ازیم؛

مرقد مرصوف در آخر باغ مشھور باسمش (متصل کوه) میباشد، در ور قہر کتارہ سنگی و پختہ کاری آھن پوش و بیک طرف لوح سنگی بالای سر (یا رحم الراحمین) و دیگر اسمای بار پتعالی و مضمون ذیل مرقوم است:

ہاز فیض عنایت بیغایت الہی و قتیکہ بزیارت روضہ منورہ فردوس مکانی ظھیر الدین محمد بابر بادشاھ غالی، ابو الھ ظفر نورالدین محمد جہانگیر بادشاھ ابن حضرت عرش آشیانی جلال الدین محمد اکبر بادشاھ غازی کامجو گردیدند ابن لوحہ را فرمودند سنہ جلوس جہانگیری عطا بق (۱۰۱۶) ہجری؛ بطرف دیگر ہز دور بعد از اسماء اللہ کلمہ طیبہ واللہ اکبر چھن مرقوم است:

پادشاهی کز جبینش تا فنی لور الہ      آن ظھیر الدین محمد بود بابر بادشاھ  
پاشکرہ دولت و اقبال و عدل و داد و دین      داشت از اوفیق فیض و فتح و فیروز و سپاہ

عالم اجسام را بنگ-رفت شد روشن روان  
 بهر فتح عالم ارواح چون نور نگاه  
 شد چو فردوسش مکان رضوان تاریخ جست  
 گ-فتمش فردوس دایم جای با بر بادشاه

۹۳۷

در بالای سنگ مذکور را لحاقیه جدید سنگی است و در آن دستور  
 «هو الغفور الرحیم - این حظیره حسرت بنیاد که ملاحظه آن اقوش بی ثباتی  
 حیات را به خاطر می سپارد و بدن آثار و رکاش برده اهل پیش حسرت  
 می افزاید آرامگاه بانی سلسله مغلیه کبر در افغانستان و هند اعنی ظهیر الدین  
 محمد بابر شاه کورگا نیست که در سنه ۸۹۹ ق جلوس و در ۹۳۷ ق بهمر ۴۹  
 سالگی در آگره مرحوم گردد و میت او را بموجب وصیتش یکا بل نقل  
 و به خاک سپاریده اند چون مرور دهه را بنیه مختصری را که نرا ده او  
 نورالدین محمد جهانگیر در سنه ۱۰۶۶ ق بران افراشته بود از هم هاشید  
 و موقعیت این مکان تعمیر مجددی را ایجاب مینمود در سنه ۱۳۵۲ ق حسب  
 امر بادشاه جلال القدر افغانیان اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید  
 بنجدید بنا و بر تزیینات صحن احاطه آن آغاز گردیده در سنه ۱۳۵۴ ق انجام  
 و اتمام پذیرفت :

سنگ صندوقی بالای مرقد مرثیه دارو ملون میباشد

۱- پهلوی احاطه موصوفه کتیبه لوح سنگ بالای سر یک قبر (بعلاز کاحه طیه)  
 چنین است : «الرفیض عنایت الهی و قتیکه بزیا رت روضه حضرت  
 ظهیر الدین محمد بابر شاه غازی ابو المظفر نور الدین محمد جهانگیر  
 بادشاه غازی که مجو گردیدند لوح مرقد میرزا هندال ابی ظهیر الدین  
 محمد بابر بادشاه غازی را فرمودند سنه ۲ جلوس جهانگیری مطابق هجری  
 سنه ۱۰۶۶ هـ صندوقچه سنگ سر قبر بدو ن نوشته است :

۲- پهلوی قبر مذکور کتیبه لوح سنگ بالای سر یک قبر این است  
 «الله اکبر - بفرموده ابو المظفر نورالدین محمد جهانگیر بادشاه  
 غازی این حضرت جلال الدین محمد اکبر بادشاه غازی لوح مرقد میرزا



و بد عشان و فرار لدر محمدخان از باغ بشهر طان و تعاقب فریقی از کار طالبان و لبر داری  
او در آن سرزمین با آن گروه فیروزی لسان و هزیمت او و ظفر سپاه رز مخواه در آن  
میدان که بمحض کرم کار ساز حقیقی نصیب این نیاز مند و لبتخواهان این بنده  
شر منده احسان حضرت یزدانی گشته آخر سال ۱۹ جلوس میمنت مانوس موافق  
سنه ۱۰۵۶ هجری در عرض دو سال بچهل هزار و پیه انجام یافت

• • •

۱- از پارچه میر لسان در متصل سراچه باغ بابر بطرف مشرق راه در گذرند میباشد  
نوشته ندارد :

۲- در اول گذرگاه در تپه بلند مقابر متصل بدیوار باغ بابر پادشاه قبریست در بین  
یکخانه که دروازه اش قفل میباشد و مجاور دارد توسط مجاور آن دروازه را  
کشوده و رفته سنگ تریب آنرا که صندوق منقش و مزین آیات قرآنیست  
ملاحظه نمودم در طرف پای مذکور مرقوم است و تاریخ وفات مرحوم منتهور  
امیر بیگ محمد بن امیر یعقوب سنه ۹۴۴

• • •

محمد حکیم ابن جنت آشیانی هه ابون بادشاه غازى صورت اتم پند یرفت

سنه ۲ جلوس جهانگیری مطابقی سنه ۱۰۱۶ هجری

۳- بطرف مغرب احاده مرقد با برپا د شاه لوح سنگ طرف سر یک قبر مزین  
بکلمه طیه و آیات قرآنی و اسماء الله شریف و نقوش اعلا و سنگ طرف پا  
بکجانب منقش و بجانب دیگر هه ازا مرقد شریف منوره منفرت ماب  
خدیجه تازی دنی و خال آشیانی لراب گره نسا بیگم بنت فر دوس آرامگاه عالمگیر  
ثانی بادشاه غازی بنار بخ ۲۷ شهر شعبان المعظم از دار فنا بدار بقا رحلت نمود.  
۱۲۰۲ صندوق سنگ سر قبر نوشته ندارد.

۴- بطرف جنوب کثارت مرقد با برپا د شاه یک صندوق سنگ غور د پیا شد که  
بطرفین آن مرقد است :

۱- در گیل تنگدل ای غنچه و عنای چولی      بترها غزله بخولیم لویی ما چولی  
مالک جمعیت مایه تو گسسته است ز هم      ما که چهیم چنینیم تو تنها چولی  
در سنگ طرف پا : و تاریخ و فایده مرحوم شیر محمد میرکه : د : د :  
۵- در مرتبه بالا مرقد با بر شاه قبریست دارای صندوق سنگ مرتبه دار  
طرف فوقانی بسم الله رآیه الکرسی طرفین راست و چپ منقش ، جانب  
پا در یکطرف : (( مرقد منور حضرت مآتب خدیجه الزمانی رتبه  
مسلطان بیگم بنت حضرت میرزا هندال سنه ۱۰۴۰ بد بگر طرف : بن حضرت  
ظاهر الدین محمد با برپا د شاه غازى لار الله برهاته  
عبارت طرف دوم سنگ ، دایره سطر طرف اول است که برزا هندال را ابن  
حضرت ظاهر الدین میگوید

• • •

گنبد مسجد سنگی باغ با برپا د شاه که بسطیح بالای رواقها مرقوم است :  
« ابن مسجد لطیف و معبد شریف که مسجد هگاه قدوسیان است و هگاه  
کرو بیان بفرمان ادب د رحیم محترم این سنگ رگاه ، الا اعلی اظرگاه عالم بالا  
هتی روضه منوره با د شاه غفران بنه رضوان د سنگاه خلد آرامگاه حضرت  
فردوس مکانی ظاهر الدین محمد با برپا د شاه غازی جز آن عارنی اتوان ماخذ  
بهر سود هه ابن قیاز مند تمام شکر سرا سر ستایش سرا پا نیایش درگاه الهی  
اواله خلفه شهاب الدین محمد صاحب قرآن ثانی شاه جهان بادشاه غازى بعد از فتح باغ

شخصیت ایشان هم قابل باشد زیرا عمارت انهدام یافته آن در کشف بسیار  
که دیگر خانه و محاوره و دیگر خاله و دیگر خاله های لازمه هر چیز داشته و عمارتی  
بسیار بوده ، و اینکه میله دویی هادر سابق آنجا میشد هم گمان می رود که ذات  
مصرف مرشد و پیر این پیشه و ران بوده و تا این زمان سلسله اخلاص و عقیدت  
خود ها را چنانچه و رمی چنانند و الله اعلم

لیا گفته اند بعضی ها به عقیده و محاوره این اعتقاد دارند و آن  
از این رو است که در کتاب فبوح الهمدان بلا ذری بغدادی (رح) تذکر یافته  
ولی مختصر تذکره کتاب مذکور چنین است :

« عید الله بن ابابکره (رض) از طرف حجاج بن یوسف ثقفی موجه و الی شد  
به مسجدستان و بعد از قبول مصالحه با تپیل و شرایطی که با او گذاشت در حصص  
بست به دردگوش و باغبان آن به مرض دیگری فوت شد و شریع را که از همراهانش  
بود و طرف مخالف او را برده بودند کشته شد بعد از فوت حضرت عید الله  
پسرش و الی گوردید در این مجلسه اولاً و اخصاً مع میگردید  
که عید الله بن ابابکره است نه پسر حضرت ابابکر الصدیق رضی الله تعالی عنه  
و دیگر اینکه آن ذمه شریف هم در بست و فاته یافته اند نه در اینجا چیزی که بیشتر  
قابل ذکر است همین است که ابابکره دیگر ذات مکرمی است و ابابکر همان  
صدیق و خلیفه اول و بار خا رسید الابرار است بنرضی که بهوم موضوع  
روشن باشد اینهمه توضیحاً می داده شد »

## در نزول دارالامانی

مزار خواجه طواف روح

این مزار از طوریکه ملاحظه شد در جنوب مغرب دارالامان بین دو تل در بلندی واقع است که حاوی برچهار مزار روشن و همین بدون کدام لوح است و شهرتش از مردم بدینتر است :

۱. مزار خواجه طواف این مزار را بدرن کدام اثبات و منطبق و سند و دایل خود ابگاه حضرت هیدالله بن ابوبکر الصدیق رضی الله عنهما میداند که از سنگ کاری خام و کهنکلی نه شده
۲. متصل آن مزار ای است که تنها سنگ و گل بر آن میباشد که آنرا هم بدون کدام مسک مزار حضرت والد ماجد حضرت عبد الله رضی الله عنهما میداند
۳. بطرف دیگر آن مرقدی میباشد که جز سنگ و گل چیزی ندارد و مشهور به زبارت خواجه گنگار است

۴. ساز احاطه مذکور قدری دورتر از بن مقبره ها یک قبر است که معبر آهم از سنگ و گل خام و مشهور به خواجه بقال است

خواجه احمد نام که بسلسله نسبی خود دارن مجاورت این زبارت را داشته در یک قطعه کاغذی که در سنه ۱۳۲۴ تحریر یافته حالات این مزارات متبرکه را تذکار میدارد که از جهاد صفین حضرت شاه کرم الله وجهه حضرت خواجه عبد الله بن ابوبکر صدیق رضی الله عنهما ۱۷۲ نفر که سر دار آنها تعیین شده بود باینحد و فرستاده و بشهادت رسیده اند و در پنجاه دفن شده اند و این کاغذ محض یاد داشت گفته می شود :

که همین سلسله مجاورین بر این یاد داشت لسل آینه نمود معلومات گذشته اند ؛ و یک لوح سنگی را که در آنجا گذاشته اند با این مزارات ربطی ندارد و متوش آن بصورت واضح و کامل خوانده میشود که حاوی بر فوت مرحومه مذکوره اورجهان خانم است که بتاريخ روز جمعه ۲۱ محرم الحرام سنه ۱۲۰۴ بود ؛ لغاریه :

این مزار را غیر از پنکیه مثل شهرتی که از مالیان دراز داشته مزار خواجه طواف و خواجه بقال و خواجه گنگار بشناسیم دیگر نامی بر آن مانده نمیتوانیم و تحقیقات بدست آورده اتواستیم که ذرات موصوف را مبرهن سازد و گفتار ما را بر استقامت داشته مجاورین قطعاً قایل اطمینان نیست ؛ و در بزرگی

قدم نها. چه در عرصه جهاد فرنگ  
 درید پرد : ناموس کفر را بکسر  
 بروز معرکه در کارزار رستم بود  
 فرا سیاب شکوه آن بل فریدون فر  
 الز بن سر اچه فانی و دا بو بیبا  
 چو آن مجاهدین مین بست کمر  
 ز داغ مائیم او صبح زد گریبان چک  
 نمود شام ابا س سیه ز غصه پیر  
 همین بس است که در راه دین اخمد شد  
 شهید اکبر و هت ل خالق اکبر  
 ز عقل سال وفانش بجست معز و ن گفت  
 سر بها. بیضا با سم پیغمبر  
 ۱۲۵۴ + ۳۳ سنه ۱۲۵۷ ه ۱۲۵۴ ق

## درین ده دانا و دارالامان

مزار است مشهور به ( پیگمان ) در بین مزار دو نگین بدورت صند و قسمت که  
 نقش های زیبا دارد ، کلمه طیه و آیه الکرسی شریف در آنجا طریبا مرقوم  
 است طرف پای که جای لام است چیزی نوشته ندارد .

## در قریه ده دانا

متصل محله های مردم. باعچه ها زیارتی بنام ( بابازنگی ) است در اینجا تنها  
 مزاری در بین یک قبرستان دارای طعنه و چر اعدان گلیست ، قرار بهمان  
 ده سفیدان خود بابازنگی در تکیاب مرفر نیست این مرقداز ( آخند ابدال )  
 میباشد که ابازنگی در مزارش آمده ، چله کشیده و زیارت بنام وی  
 شهرت یافته

## در ده قلندر

در ابتدای این ده ابسرك عمومی د، مقبر : متصل باهم است که بین هر دو مسجد  
 خور دیست ، این هر دو مقبره بچرا اعدانهای گلی و طرغها آراسته است همه  
 مردم اینهارا مزار شهیدانی میدانند که در جنگ افغان و انگلیس شربت شهادت  
 نوشیده اند ، نام یکی خواجه عارف و از دیگران ، خواجه محب است .

## مزار عبد الله خان شهید

در قلعه سرخ

عبدالله خان اچکزائی در قیام ملی افغان علیه انگلیس که به بتاریخ ۱۷ رمضان المبارک ۱۲۵۷ آ غاز شد از عالم برداران و مجاهدین درجه اول پرده و درین جنبش و شورش ملی عبرت اسلامی و وطن دوستی و ملت خواهی خود را به تمام و کمال ثابت و ظاهر نمود تا آنکه در ۱۵ شوال ۱۲۵۷ چراخت برداشت و درین مردم آواز و شهادتش شائع گشته اضطراب و آید کرد، بفرضیکه اشتباه قوم را از شهید شدن خود رفع و تشویش عامه را تسکین نموده باشد تا بسبب اختلال و پراگندگی جمعیت قومی نشود طوریکه از سکندر نقل میکنند او هم با آن مجروح بالای اسب سوار و در بین مردم گردش کرد و اطمینان قومی را فراهم ساخت ولی چون زخم شده بود دو روز بعد باثر آن داعی اجل را لبیک گفت، لیدی سیل در کتاب (روزنامه حوادث و تحیم در افغانستان) مؤلفه خود وفات عبدالله خان اچکزائی را بتاریخ ۳۰ نوامبر ۱۸۴۱ قید کرده و چون قیام ملی بتاریخ ۲ نوامبر ۱۸۴۱ مطابق ۱۷ رمضان ۱۲۵۷ شروع شده بود معلوم میشود که شهادت مجاهد مذکور ۲۸ روز بعد واقع شده.

معروف است که عبدالله خان در روز رسیدن سردار محمد اکبر خان غسانزی به کابل زخم برداشته و چون سردار موصوف ۲۵ نومبر که مطابق ۱۰ شوال باشد وارد کابل شده بود پس چهار روز بعد، شهادت مجاهد اچکزائی رو داده که همان ۱۵ شوال المکرم ۱۲۵۷ هـ ق مطابق ۳۰ نوامبر ۱۸۴۱ باشد بهر طریق یا ۱۵ یا ۱۷ شوال المکرم ۱۲۵۷ شهادتش واقع شده.

مجاهدین ملی بعد شریف آن سرغن نامی و سر باز زرنگ خود را بعد از شهادتش در یکی از تپه های بلند قلعه سرخ در پیش خور چهار دهی بقدر دالی و اعز از تمام بمخاله میزد و در همان زمان لوحی سنگی بالای مزارش تهیه و نصب نموده اند که هو شیخستانه لوح مذکور را کنه و لاهم فراز مرقدش موجود و سواد آن قرار آتی است:

دربغ و آه زبید اچرخ دون پرور	فغان ز گردش افلاک و کینه اختر
لبو در رخ آنا که رهگذار غبار	بین که عاقبتش فرش خاک شد بستر
امپرشکرو و لار قوم عبدالله	همچسته منظر و لالاباز و لیکه سر

بیاد گار بنا کرد در جهان کساری      که تا جهان بود از وی بماند نام و نشان  
 علی ملنگ مزاری بود بجانب کوه      که اقتدار الهی است آشکار از آن  
 ز صدق دل برضای خدای حق قدیم      پی عمارت تعمیر این بیست میان  
 ز سنگ سر زده خورش چشمه زلال، چه حوض      که و صف چشمه و حوضش لگن جدم به بیان  
 چه طر فیه آب که آبش چو آب زمزم صاف      چگونگی چشمه که بهتر ز چشمه حیوان  
 چو پور جرعه آب ز چشمه اش نوشد      رهدل پیری و گرد دل شوق باز جوان  
 بگفت از پی تار یخ سال او خادم      بر آمد آب چه آبی ز صحن باغ چنان (۱)

۱۲۲۹

عطا محمد عطای محمد است برو      که بود سنگ تراش فرید در دوران  
 بسنگ نقش نموده است این همه ابیات      که تا بماند از یاد گار در دوران

(۲) ۱۲۹۸



(۱) عدد (آ- چه آبی) ۲۴ میشود غالباً الفبای مملوده را دود و شمرده که ۲۶ شود  
 و از عدد (صحن باغ چنان) که ۱۲۵۵ میشود بر آورده که باقی مانده (۱۲۲۹) سه  
 آن است.

(۲) ارفا، این اعداد معلوم نشد که برای چه ؟

## در جوار قصر معروف چهل ستون

این باغ پر گل و ریحان و دارای اشجار و آب روان که تفرجگاه عمومی اکثر مردم کابل در موسم بهار آن است در تپه بلند ماحق بکوهش عمارتی موسوم بچهل ستون از سابق بنا یافته بود و در هر عصر در آن تزیید و تزیینی بوجود می آمد در این او اخر عمارت مذکوره بنام ( مهمانخانه دولتی ) تخصیص داده شد و عمارت خیلی متین و پخته و زیبا تاسیس یافت اکثر مهمانهای بزرگ دولتی را در آن ها اقامت داده میشود مقابل این باغ و عمارت مناری است و در قریب آن زیارتی اکنون مناسب دانسته در آن و در یاد داشتهای خود را ثبت مینمایم .

۱ - مضمون و اینکه در منار یادگار قصر چهل ستون مرقوم است .

« در عهد سلطنت شهریار نصفت آئین حامی دین بین حضرت ختم المرسلین (ص) ماحی آثار ظلم و کین اعلی حضرت سراج المائنه و الدین امیر حبیب الله خان درالی محمد زالی بارگزاری بنای این ۱۰۰ در کوه چهل ستون که دو شرقی باغ چهل ستون واقع است بامر جهانمطاع بطریق یادگار بتاریخ یوم پنجشنبه غره ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۲۸ گداشته شده بتاریخ یوم پنجشنبه ۲۹ شهر شوال المکرم سنه مذکور اختتام یافت . »

۲ - زیارت علی ملنگ

این زیارت در قریب قصر چهل ستون در کمر کوه محل معروف است در آنجا بطور مرتبه دوسه حصه مسطح داشته که گنبدکاری میشود و اشجار و آب جاری هم دارد و مقام از همه فزاینده چند حجره در آنجا بنا یافته قبرها در آنجا ملنگ در همینجا بدون کدام سنگ و علامه فوق العاده بصورت عادی است

و در یکی از حجره سنگی است و در آن بدین قرار مرقوم : -

د. سطر اول بخط عربی کلمه طیبه و بعده اللهم اغفر لـ ا. کاتبه و سپس از آن این است :

بدو و حشمت سادات عهد شاه محمود	شه شهان در دران محلیقه حسن
بدهرود یکی صوفی صفا ا کیشی	که از صفای صفا اتش ضیا گرفتار جهان
بنام نور محمد که از ممتد ریش	فرخ پرده ا. محمدیست معان

## مزار جناب سید جمال الدین افغانی

این سید جلیل الشان و ابن نایفه عصر و زمان که پرتو شهرت آفتاب فضل و کمال و شعاع لیر اسلام حواشی و آزادی دوستی و جذبات فوق الحد گفتار و افعلش در سراسر گیتی پهن شده در ماه شعبان سال ۱۲۵۴ هـ ق مصادف سال ۱۸۳۸ مسیحی در علانته کبر در خانواده عالم و متقی با بدایا نهاد (۱)

پدر او سید صفدر ز اولاد محدث مشهور سید علی ترمدی و از همپنجاسلسله نسب او محضات امام حسین رضی الله عنه میرسد، مادر سید از طرف پدر بعشیره یوسف زائی و از طرف مادر بیات خانواده سید هندو ب بود.

سید در مولد خودش تا سال ۱۲۶۱ هجری در دامان تربیه والدین مشغول تحصیل ابتدائی بود، گاهی سید فقیر پاچای کنری از سادات مشهور و عالم گذر بود و نیز سید درسی میداد.

در سال ۱۲۶۲ پدر سید پدر بار کابل (در بار امیر دوست محمد خان) احضار و پسر هشت ساله او (سید جمال الدین) نیز بغرض تحصیل در معیت پدر بود، تا قف پدر و تحصیل پسر در کابل تا سال ۱۲۷۱ طول کشید، سید در طول این مدت علوم محققه اسلامی، حکمت، ریاضی، نجوم و تاریخ را تحصیل نمود.

در سال ۱۲۷۱ هجری پدر سید ز کابل مرخص و با پسرش یکجنا روانه کنر گردید، ولی پدر سید زودی زین چشم پوشید. پسر پر شور و علم دوست او در اوائل حرمینی برای بار اول از وطن بقصد مسافرت و تحصیل خارج گردید. در سال ۱۲۷۲ - ۱۲۷۳ بود که سید در کنر رهندوستان برای آگاهی از علوم اروپائی و فلسفه جدید مشغول تحصیل شده برای ایام فریضه حج و سیاحت بلاد اسلامی عراق عربستان و شامات از هندوستان خارج گردیده پس از فراغت از راه بارچین در حال هندوستان از آنجا بجانب افغانستان سال ۱۲۷۴ روان شد. و قتی که سید در سال ۱۲۷۴ وارد دافغانستان گردید بلافاصله در دربار امیر دوست محمد خان قبول و تربیت و تعلیم امیرزاده محمد اعظم خان متوجه شد، زیرا او میخواست

(۱) اقتباس از مجله آریانا شماره اول سال سوم اول دلو ۱۳۲۲ ق ۲۵ مقاله سیاه غبار

## زیارت سید

این زیارت بفرز محمد دارالمعلمین و ائمه عری حقیقه خواه های علی آبه اد  
و مزار حضرت سید جمال الدین افغانی رح در دامنه که واقع، بنام سخی مشهور  
است که حالا بنظر بکار نه که در اتصال آن بنا یافته و جاده یوه ست مزار حضرت  
سید تمهید شده این کار ته و جاده را جمال هیبه نام بها اند .

احاطه این زیارت تماماً دو لیم چ یب است چهار دروازه در چار سمت  
خود دارد اما دیوار های احاطه که بالا سر رسیده .

در حد دیوار شمالی که طرف که است سنگ کلان شق شده و دارد که  
بالایش یورقیست ، عقائد و زبانزد عموم است « وینا حره مبارکه حضرت  
سید عالم صلی الله علیه و سلم را در عصر اعلا حضرت احمد شاه بابا عری از  
بخارا نقل داد ، بطرف قلعه ها میبردند پاك شب بادوب که شهر کابل به قف  
آن افتخار داشت در همین حصه بالای همین سنگ میبرد چو ن از اجزا حرکت  
داده شد سنگ در فراقش شق شده .

در وسط این احاطه دو گنبد متصل پخته دارای جدید ساخت است که فرزند دودی  
آن قبه های نقره است و در صحن داخلش که عمارت دو لاه گفته میشد هم  
سنگ های سفید و سپاه فرش است .

در داخل گنبد اول مجاورین شسته و علامانی نیست ، درون گنبد دوم در وسط  
یک پایه سنگی منقش است ، بدینگر طرف يك دیگک نمایی می که نصفش از این  
و نصفش بالای زمین است ، در يك گوشه دیگر را هست زینه در بطرف پادشاهی  
که نحتای سطح همین گنبد دوم و بصورت چله خانه و زبر زین است ، که علامه  
قبر و غیره در اینجا هم نیست ، بعضی میگویند اینجا پیر اعلم همین است بخارا  
وقوف حره مبارکه احترام شده و برهی میگویند نظر شاه شاه از این حضرت  
اسد الله الغالب مظهر العجائب و الغرائب کرم الله وجهه است .

بخارج میرد و گنبد در داخل و خارج احاطه قبرستان عموم میست .

گردید، ولی حوادث طوری فراهم شده بود که سید بزودی هزیمت کشور مصر نموده در مدت یکنیم ماه ارتباط محکمی بادالشمندان آنجا بهمرساند و چند روزی بتدریس طلبه سوریه و مصر در جامع الازهر مشغول شد و باز عازم اسلامبول گردید ، و تا سال ۱۲۸۷ در آنجا اقامت داشت . در طی این مدت بود که سید در جوامع اهاب صوفیه و (سلطان احمد) مواعظ اجتماعی و دینی و در مجالس سیاسی و دارالفنون کنفرانسی ایراد کرد و بالاخره ارشادات سید سید در آنجا مهمه و حرکتی تولید و در اثر مخالفت حسن فهمی افندی و مداخله حکومت در او اخر سال مذکور بتزلزل مایل گردید . سید مستقیماً وارد مصر شد و بلافاصله باصلاحات و ارشادات علمی، سیاسی و فعالیت سریعی آغاز نمود از قبیل تشکیل حزب، تدریس علوم، تحریر یک سیاسی و مبارزه و بایکات و غیره. اقامت سید در مصر تا سال ۱۲۹۶ طول کشید ، در طی این مدت بطور عجیبی در امور اجتماعی آن کشور رول داشت، اخیراً سید از الجاهم بامحکومت خارج گردید .

در سال ۱۲۹۶ سید مجدداً از مصر عازم هندوستان و در دکن ساکن گردیده و بعد از آنکه غایب مصر رفع شد سید را در سال ۱۲۹۹ از هند و متان اخراج کردند ؛ البته سید در زمان اقامت هند دست از اشاعه و تعمیم افکار و نصب العین خود نکشید ؛

سید جمال الدین همینکه از هندوستان خارج گردید هزیمت امریکال و بعد از چندی در سال ۱۳۰۰ بلندن رفت ، ولی متعاقباً بهار یس کشید و تا سال ۱۳۰۲ در الجاماند ، در همین آن بود که به نشر جریده عروة الوثقی اقدام نمود ؛ در سال ۱۳۰۲ مکرراً سید را بلندن دعوت و مدتی نیز وسائر محروین از استقبال کردند . صدراعظم انگلیستان او را چند باری در هتل مسکن سید بملاقات آمد ، اما بدون آنکه موافقتی در نظر حاصل شده باشد در سال ۱۳۰۳ سید از لندن خارج شد .

سید بعد از خراج از لندن داخل مملکت فارس شد، ولی در سال ۱۳۰۴ از آنجا بحکم پادشاه وقت ناصرالدین اخراج گردید ؛ سید از فارس باستقامت روسیه حرکت و دو سال در ماسکو و پتروگراد مشغول دیدن سیاستون، و زرا ، حتی

این شخص بر این مامداری آینده و اصلاح افغانستان حاضر و آماده شود. در سال ۱۲۷۹ سید معیت امیر در سفر ولایت هرات شرکت داشت و هم در آن سال امیر هشم از دلا و شهید و آتش جنگهای داخلی بیه یک دولت جدید التاسیس و ولایات خود سر و خوار این و سر داران در گرفت، در هر حال عجلتاً پادشاهی امیر شمسیر علیخان که برادران بزرگتری چون محمد افضل خان و محمد اعظم خان داشت اعلان کرد و بدو سید در حالیکه طرف بیمهری امیر جدید و کینه دیرینه پیشکار او محمد رفیق خان اودی قرار گرفته بود در جای خود باقی ماند.

بعد از آنکه در سال ۱۲۸۱ محمد اعظم خان از سقیا بامیر شیرعلی خان مغلوب و از چاگیر خود دوش (ز رست) به پنجاب و راولپندی فرار کرده بود مجدداً در سال ۱۲۸۲ یکبارگی حمله بر بجانب قندهار حرکت کرد، امیر شیرعلیخان در جنگ (سیدآباد خزلین) مغلوب و پادشاهی برادر بزرگش امیر محمد افضل خان از طرف محمد اعظم خان در سال ۱۲۸۳ در شهر کابل اعلان، و ازین وقت عرصه فعالیت سید جمال الدین گشاده نگردد، یکسال بعد ۱۲۸۴ امیر محمد افضل خان از دنیا گذشته و جایش را امیر محمد اعظم خان اشغال، سید بصفت مشاور و تقریباً بر مستقیماً داخل امور درات شد، ولی جنگهای داخلی فرصت اصلاحات را مساوب میداشت.

سال دیگر ۱۲۸۵ امیر محمد اعظم خان در هر دو جنگ و موم به (کیچه مرسل) و (ششگاو) مغلوب امیر شمسیر علیخان گردیده و برای همیشه افغانستان را ترک گفت و هم در هارج جان داد.

این است که سید جمال الدین از عملی ساختن پروگرام خود بسکلی مایوس و مجبور شد افغانستان را در همان سال ۱۲۸۵ ترک گوید، خوشبختانه امیر شیرعلی خان توانست قسمتی از آن پروگرام را در افغانستان عملی نماید از قبیل: اعلام استقلال سیاسی، ایجاد روابط دول همسایه و اسلام تشکیل کابینه، تأسیس مکتب و مطبعه نشر روزنامه های (شمس النهار) و (کابل) انتظام مالی و پوسته، ترویج صنایع مخصوصاً صنایع حربی، تشکیل اردوی منظم و قوی، تمرکز اقتدار دولت و انحلال خود سری های حکام ولایات و غیره.

در سال ۱۲۸۵ سید جمال الدین از افغانستان برای بار دوم خارج و وارد هندوستان

۶ جدی تابوت او را هور باستقامت پشا و در حرکت افتاده و در ۶ جدی وارد آن شهر  
گردد ، در ۷ جدی تابوت سید سرحد افغانی را عبور و همان روز وارد شهر  
جلال آباد گردید :

در کشور عراق ، کراچی ، پنجاب و پشاور از طرف مامورین رسمی دولت و برادران  
هر اقی ما ، و همچنین مامورین رسمی و اتباع افغانی و مسلمانان هندی و هند و وسایط  
باطایه معارف و مامورین رسمی حکومت پل بره بخیلی صبحی و پر حرارت گردید  
و روزنامه اصلاح در ۲۸ قوس پروگرام پذیرائی تابوت سید را در افغانستان  
از سرحد تورخم تا کابل نشر داد و هیئت مستقایی وزارت معارف و ریاست  
مطبوعات افغانی تابوت و ادر تورخم ، مامورین سرحدی و اداری و اهالی  
سرحد ناجه - لال آباد با استقبال نمودند . در جلال آباد موقع ورود آن تابوت  
از مویش شخص والا - حضرت - در اعظم - افغانستان در مراسم استقبال شرکت  
و در - - - - -

روز شنبه ۹ جدی تابوت سید وارد شهر کابل و در عمارت فاکولته حقوق گذاشته  
شد مراسم استقبال تا منزل بگرامی از طرف کابینه وزراء و تمام مامورین  
عسکری و مدنی و طبقات اهالی عملی گردید ، در شهر کابل ما دورین جزء تمام  
صنف اهالی و کل طبه مدارس با قطعات عسکری و پولیس در مراسم استقبال  
مشارکت کردند ، شخص والا - حضرت - و نصد ارت عظمی  
و وزیر معارف این مراسم را بخطابه خود تمام نمودند :

روزی یکشنبه ۱۰ جدی مراسم تدفین سید در شهر کابل در منطقه علی آباد بابشول  
هیئت وزراء و تمام افسرهای عسکری و مامورین مدنی ، طلبه معارف ، طبقات  
مختلفه اهالی قطعات عسکری و پولیس ، هیئت کوردی و مایات در نهایت حرارت  
و صمیمیت و شکوه عملی گردید ، بطوریکه توان گفت نظر آن در مورد  
علماء و فضیلات نامداران کشور کمتر دیده شده است :

روز دوشنبه ۱۱ جدی اعای حضرت همایونی پادشاه افغانستان به ذات خود شان  
در مرقد سید بشریف برده و دسته گلی گذاشتند :

کذا تمام اهالی پایتخت مزار سید را باندسته های گل مزین ساختند ،  
از سی سال بانه طرف در مطبوعات افغانی (سراج الاخبار) ، مجله کابل رساله

مانده و امپراطور به مصروف اقدامات سیاسی و طرح ایزه تری در عالم سیاست بود. که چو اینهمه بجای نرسید.

در سال ۱۳۰۶ سید از روسیه پراخ پویند روانه جرمنی شد، هوزد موخ بود که ملاقات او با پادشاه فارس اتفاق افتاد و دعوت او را به آن کشور پذیرفت سید از آنجا دوباره در روسیه برگشته و بعد از سال ۱۳۰۷ قمری فوت اما اسامه الدین و درباریان او همان نقشه بر سر پادشاه سید را در سال ۱۳۰۸ از فارس پراخ مصره خارج نمودند.

در سال ۱۳۰۹ بعد از آنکه سید از خستگی سفر فارس بهتر شده بود عریضت لندن نمود و به نشر ضمیمه الحاقیتین و ایراد خطاهای راجع به چون شریعتیه الحاقیتین معطل شد، سید در سال ۱۳۱۰ با اسلامبول سفر نمود و تا آخر عمر بعد از ۱۳۱۴ قمری آنجا ماند ولی بالاخره هم در ۱۳۱۵ قمری سال هذکوی را انجا به خلی سرطان گذارفت و در ماه شوال ۹۹۹ هجری قمری ۱۸۹۶ مسیحی در آنجا در دنیا بست و مشایعت نجم غفری که هژده قمری زای زلف شد و قمر متولد شد و دفن گردیده و حجة الله تعالی علیه.

در هر حال مزار سید در سال ۱۹۲۲ مسیحی از طرف پیکر مستشرقین حساس و لائق امر به کاشی مسخر چارسنگر بن مسفر سابق آن دولت در چن، در اسلامبول بشکل درستی تعمیر گردید.

با زنگشت سید به وطن

در ۲۲ قوس ۱۳۲۳ هـ ش مطابق ۱۴ دسمبر ۱۹۴۴ روزنامهها به کلی اطلاع دادند که در اثر مذاکره سفارت کبرای افغانستان (رضا غلی فیض محمد خان) مقیم انقره و موافقت حکومت ترکیه نعلش سید جمال الدین افغان را اسلامبول حرکت و برای انقاره جالب عراق روانه شده است.

شیخ غلی عبدالرحمن خان وزیر مختار افغانی مقیم عراق هم ز اسلامبول کابل ابوت سید را مشایعت خواهد نمود. در ۱۸ قوس تابو سید وارد مدد دواز طرف اردلان عراقی و مامورین رسمی آن دولت بملور شاهانی استقبال گردد بد متعاقباً در ۲۶ قوس روزنامه اصلاح اطلاع داد که ابوت سید وارد شهر کراچی شد (از راه هوا) در ۳ جدی ابوت از کراچی حرکت و در ۴ جدی وارد شهر لاهور گردد بد عصر روز

عبد السلام مویاجی پاشا، ابراهیم لقانی، علی مظہر (از نوابخ و فحول علمای مصر) سعد زغلول، فتحی زغلول، ادیب و استاد مشہور اسحق، اعرابی پاشای معروف، عبداللہ فکری پاشا، رضا پاشا، فیضی افندی، عبدالکریم بیگک حمدی بیگک، یوسف ضیا پاشا، سید فضل پاشا، علی تقی بیگک، ادم بیگک سید جمال الدین اصغرفہائی، شیخ رئیس انقلابی، شیخ احمد روحی، میرزا حسن خبیر المالك، ابولحسن میرزا: میرزا آقاخان قزمانی، حسن خان قوئس، افضل الملک، شیخ محمود، جواہری زادہ و عدہ بسیاری از دانشوران ادبا، کتاب و سپاسیون ممالک اسلامی رحمہم اللہ اجمعین :

اگرچہ موانع مختصر و گذارش نقل تابوتش نگاشته شد از تزیین عمارت مزارش نیز تذکری داده میشود :

مزار این رادمرد لامور کہ در منطقہ علی آباد قرار گرفت برای تعمیر بانجیل آن اعلان شد تا ہر کس نقشہ تزیین نماید و ہر نقشہ کہ دایم و مطبوع افتد جائزہ آن دہ مزار افغانستان، ارباب فن ہر کس کہ مال خود را ہراز دادند، از آنجملہ پکنفر جہتہ را برد و مطابق نقشہ آن طرح عمارت خیلی بہ پختگی و زیبائی در وسط میدان وسیعی کہ برای آن مزار تعیین شدہ است شروع بہ کار گردید، و از همان سال تاحال کار آن جاری می باشد ولی چون عمارت خیلی مهم و عالی و مضبوط در نظر است با آنکہ کارش با ختم قریب شدہ باز ہم بعضی کار ہایش ناتکمیل و امید است عماد قریب بصورت تمام انجام پذیر گردد :

کار تہجد و جادہ کہ در قرب آن احداث شدہ ہم بنام لای وی بہ (جمال مینہ) مسجی شدہ است، پختگی و شکوہ تعمیر مزارش را جائزہ نقشہ آن و اختتام نیافتنش در بندہ تہ چہار دہ سال بتمام معنی آن شکار میسازد حاجت دیگر نیستہ لوت :

ناگفتہ نمائند کہ سوانح این مرد نامی از طرف اکثر نویسندگان انتشار یافتہ خصوصاً ترجمہ (نجمۃ البیان در تاریخ افغان) اثر خود آل مرحوم از طرف جناب فاضل مولوی محمد امین خودگیانی و رسالہ بقلم مرحوم اعظمی و مجاہد کابل شمارہ ۱۰۶ سال ۹ ماہ و ۱۳۱۸ حاوی تحقیقات و نگارش نویسندگان معروف و ذہیرہ اثرات کہ در پنجمہ راجع بہ آن نابغہ معارف و فصل میدہد و اشتہار نویسندگان ایران را کہ بہ منامی جمال الدین واعظ اصفہانی کہ یکی از پیروان سید بودہ بدلائل کافی و اسناد قوی رفیع مینماید، ولی در اینجا آن تفصیلات را غیر از موم دینہ بسواد ہمین قدر از سر الحش کہ مختصر تر بود لازم دانستہ بہ تحریر پرداختیم : بانجیل

سید جمال الدین حیات سید جمال الدین، روزنامه های اصلاح و انیس کابل نقره  
پنجاه نفر نویسندگان و شعرائی افغانی (۱) راجع بشرح حال و کارنامه های سید جمال الدین  
قلم فرسایی کرده و مواد بسیاری در خور یک کتاب ضخیم انتشار داده اند  
آثار سید :

سید در مدت حیانش وظائف خود را بشیرعلی و در سر دسر شرق و مخدوم  
مدالک اسلامی جنبش های علمی و اجتماعی برپا و اقدامات و مجاهدات و اندالو صلی  
از خود بروز داده بهام سرشار و ذکر - ام مفراط و قریح - حید و چاذبه خدا داد  
و شجاعت و بهورانه حصه بزرگی را از مقاصد خودیش عملی نموده است و درین  
راه از ارشاد ، تدیس و ولایان خود کار ، یگرفت بحدی که دست روی قلم کرده  
و آ لهم در موارد ضروری به می گذاشت با آن آثار قلمی او از اینهاست : رساله  
رد علی الدارین ، مقالات جمالیه ، مقالات عروۃ اولی - قی رساله السیران  
فی الانگیز و الافغان ، مجمره ضیاء الخائفین ، ماده بابی دائرة المعارف  
بستانی ، نمة البیان در تاریخ افغان ، سوانح عمری سید بشکل کتابی ، مقالات  
منقره در جرائد اسلامی و اروپائی بنامهای مستعار ،

شاعران و دبیران مشهور سید در خارج  
سید سلیمان باختری (افغان) ، برهان الدین بلخی پسر سید سلیمان ، یعقوب خان  
لواب حسین خان ، محمد صدیق خان ، شیخ محمد عبده ، عبدا لله لدیم ،

---

(۱) سیدان محمد خان افغان در سراج الاخبار ، محمود طرزی مدیر مشهور سراج الاخبار  
غلام جیلانی خان اعظمی ، میر غلام احمد خان کدکشره ، عبدالغفور خان امیر ، غلام جیلانی خان  
جلای ، سید قاسم خان نقشا ، عبدالرحمن خان پروا ، احمد الله خان تربس ، امین الله خان  
زمریان ، صدیق الله خان رشید ، عبدالخالق خان اخلاص ، خلیل الله خان خلای  
اوراد الدین خان ، اختر محمد خان ارسلان خان سائیم ، سید محمد بن خان پاچان کوری  
عبدالله خان افغانی نویس ، محمد امین خان شوکیانی ، محمد صالح خان قاری ، عبدالله خان  
(در دیوان قدیمی خود) ، محمد قدیر خان تیه گس ، محمد عبدالغنی مدنی ، محمد خان اپروز  
عبدالحی خان حبیب ، احمد علی خان کهنه ، میر امین الدین خان اساری ، حبیب الله خان  
تور وایانا ، خواجه محمد عت غلام حضرت شانی ، محمد ابراهیم خان خلیل ، عبدالرحمن خان  
دبیر مختار افغانی در عراق فاضل ، عبدالجلیل خان (فوسن خطبه) ، روی ، امداد وید  
سروری ، فیاض الدین خان شاد ، محمد حسن خان جندی ، عبدالغفور خان ، آقای بیوا  
عبدالمظفر خان ارباب ، شاعلی نباتی ، آقای شاد من محمد ، بر خای غر غشت  
ع دستگیر اوریان

میکنند مرغ روانم سبزه باغ قدسیان  
 این مدد از خاک پای میرا صبر دیویده ام  
 هست محراب هلالش قاب قوسین را دایم  
 آهوی چشمش بغایت مست و دایر دیدم  
 میکند وقت تکام از لبش آب حیات  
 خاق او را بهتر از سرشار کوه دیده ام  
 گرسرعرش است لوح سینه بی کینه اش  
 منکرش را پیگمان زندق و کافر دیده ام  
 می دهد رف-تار او تم-لیم بر باد صبا  
 قامتش را در چمن رشک صنوبر دیده ام  
 صحن کویش میدهد بر عاشقان یاد از بهشت  
 خاک بستان درش را من معطر دیده ام  
 در بلا دکان و در قریه پا هم-نار  
 در شب تاریک عالم بد را نور دیده ام  
 هر که شد خاک درش با تاج سلطانی رسید  
 هست صاحب بخشش و اما قلند دیده ام  
 چون مسیح از دمش صد مرده جان یافتند  
 سوی ایران طریقه خضر و هب دیده ام  
 خوب رویان دیده مسکین درین عالم بسی  
 در جیب یار خود الوار دیده ام  
 مجاور زبانت میگوید گریخته این ایات  
 بعد از شهادت شان پیدا کرده و آرزو داشت در محافل هائیکه خیرانی کنند  
 قبولش نمی کردند بالاخره در خوابی فیض گرفته و بالای گفتار آمد ، و و ازین  
 گفتار ، اول خود او هر چه گفته است و بالی کسیکه نوشته ، هر دو اثبات بیسوادی  
 خود ها را نموده اند در بیت اول پیغمبر نوشته بود لاچار پیغمبر نوشتیم در بیت ۹ سان  
 نوشته بود مجبور را آصحن نوشتیم ، فهمیده نشد که این نوشته بالای مرقد چه فائده  
 می بخشد ؟ نه هر فن صاحب زرار می کند که از تاریخ شهادت معلوم می دهد . خلیل

## زیارت پان‌شال صاحب روح

این زیارت در پائین کوه پایمنار واقع و هر صوف یکی از عرفان مشهور و صاحب تابهات عرفانی و کمالات باطنی است .

جناب حاجی صاحب پایمنار ( شیخ سعدالدین احمد انصاری رح ) از بهر یافندگان ابن عارف بزرگ و اولاد داد خود شان و باز از میر محمد اکبر خائف آن مرحوم و بال از میر بشیر خان دیگر پسر آن مرحوم بودند .

بد ریافت شرح حال مفصل این جناب تا کنون موفقی نشده ام ضروری و سطحی را که بکوشش زیاد بصورت تحقیق دریافت کرده ام در کتیبه مزارشان درج است که در ذیل این سطور مطالعه میکنند :

از تصنیفات شان تنها نسخه خطی کتابی موسوم به ( عین الحقیقة ) که منصفه عام تصوف و معرفت است بمطالعه ام رسیده .

شانزده سال قبل که زیارت شان مشرف شدم جز یکدشت و دران قبری و بالای آن طوغهای بسیار کتیبه و عمارتی وجود نداشته :

اما درین چند سال که رجوع اخلاص کیشان زیاد شده در آبادی آنهم همه گماشته اول خود قبر را بوجه خوب آسنگ درسته کرده و چاه حفر نموده اطاقهای خوبی که قابل بود و باش زائرین است آباد کرده اند :

سه سال قبل از اکنون که ۱۳۳۷ هـ ش است بانفاق دوسه نفر رفیقان با هم زیارت شان رفتیم این آبادیهای متذکره را دیده و لوحی نیز بالای سر قبرشان جناب نظارم آمد که از طرف پیر محمد سنگتراش تهیه شده و بر روی آن بسم الله شریف و آیه انکسری واسم خود سنگتراش و پسرانش در آن درج شده و در ظاهر آن این ابیات :

ای عزیزان در جهان پور پیر دیده ام

در جبین میر عرفان شیخ زور دیده ام

همچو مرسای کایم رفتم بشرق طبرد ل

و - و الله را بق بن روی اکبر دیده ام

همه ادایب بوستان دلف - نگار اصغر م

بزم طبع را منجلا از روی مظهر دیده ام



چون از زیارت عردت نمودیم یکی از رفقا گفتند که ازین لوح چه دریافت شد  
گفتم هیچ، برای ترتیب یاک سنگت جهة مزارشان که حاوی معلومات شخصیت  
آن بزرگوار باشد اظهار آمادگی کرد چون دو سال قبل دیگر ریس این اراده را  
نموده بود و پس از بسیار معاومات کتیبه برایش بنظم لوشتم و توفیق بآن  
لیافت، همانا با این شخص که حاجی محمد یعقوب تاجر بامیال است بدکان  
سنگتراش رفتیم و درمایش سنگت را نمود که سنگت صند و فی کلان و مضبوط  
تهیه شد و همان ابیات را برای شان دادم که بسم الله شریف و کلمه طیه را در سر  
و ابیات مذکور را در دو طرفه سنگت تحریر و حکت نمود و در هذا سنه بالای  
مرقد نصب شده و فی الجماعه ازین شخصیت بزرگ معرفتی مینماید و هو هذا

ولی حق محمد زور الدین پادشاه صاحب

که در عالم و عمل بوده بعد خویش بیهمتا

ز صاحب حضرت سید حسین آتعارف لای

که بولد نسب با طوٹ اعظم میسر صد اورا

فقیر و سالک و فیاض و ریاض و صفا باطن

توکل پیشه و یادانش و به از هد و تقوی

بمطابق بندگان گواش بمطابق ارشاد اطوارش

تواضع و وضع و گردارش بسر معرفت دانا

اسیر عشق میبحالی افوراز عالم فانی

بتمنیفات عمر فانی بسی گشته قلم نسر ما

ز هر فاش جهان روشن ز تعریفش زبان الکن

فزونتر مدحش از گفتن صفاتش ز انداز املا

گراما که و کمالاتش عروج شان و حالاتش

چو کشف و محرق عاداتش ز مقدور بیان بالا

باین عالم و باین عرفان باین عاونه مقام و شان

باین انقباض و انقباض او را نشان باین طبع و دل به شما

ربیع الاول و یوم الخمیس و یسار دهم بود

که شد رجحش بعزیز و جسمش دفن گشت اینجا

طویل شاه لولاک و بحق آل و اصحابش

بود از رحمت حق شاه دمان در جنه الماری

بهازل ارسال فوتش در دو صورت گفت یک مصرع

(هزار و یکصد و پنجاه و یک شد روی اهل حق)

## زیارت شیخ سعدا لدین احمد انصاری

مهر و فی حاجی صاحب پایمنار

۱ این مزار در قره دویچی و تنگی جویبار که مشهور بقاعه حاجی صاحب

مذبح است در بین قلعه اقامتگاه دوره حیات شان واقع میباشد

احاطه قلعه بخمینا در حدود دولیم جریب زمین است ، از حصه نصف احاطه

عمیر زیارت و هر بو طاتش آغاز شده ، حویلی بدو حصه انقسام یافته که این

بصورت خیابان و دو طرف باغچه و سرک بوده عقب آنها قبرستانی و بعد آن

عمیر مسجد و مزار و در وسط احاطه مسجد بزرگت جامع گنبد پوش و بطرف

جنوب مسجد جامع ، مسجد دیگر است

بطرف شمال مسجد جامع ، رهرو احاطه پیش روی مزار است که از این رهرو

داخل احاطه مذکور شده و بعداً داخل گنبد میشود ، اطراف گنبد چندین

حجره های محورد منظم دارد ، در بین گنبد که بالای پخته کساری آن تما

پخته سنگ مرمر نصب بوده و حالا جز بعض تخته های سنگ افتاده چیز دیگری

از آن باقی نیست ، اولاً مزار خود بزرگوار است که اطراف مزار بصورت

صندوق و دارای کنار سنگ مرمر است و در اطراف آن کتاره ای پنجاه

مهر و ظفران ماب مرقوم است :

میشود پیدا شراب از چوب خشک نساك ما

بوی جان می آید از آب و گل لمانك مسا

قبیله اجساد مسا شد روح پاك صادقان

لست گره آلود هرگز دایق افلاك ما

طوف خاک ها کند چوق ملک از آسمان

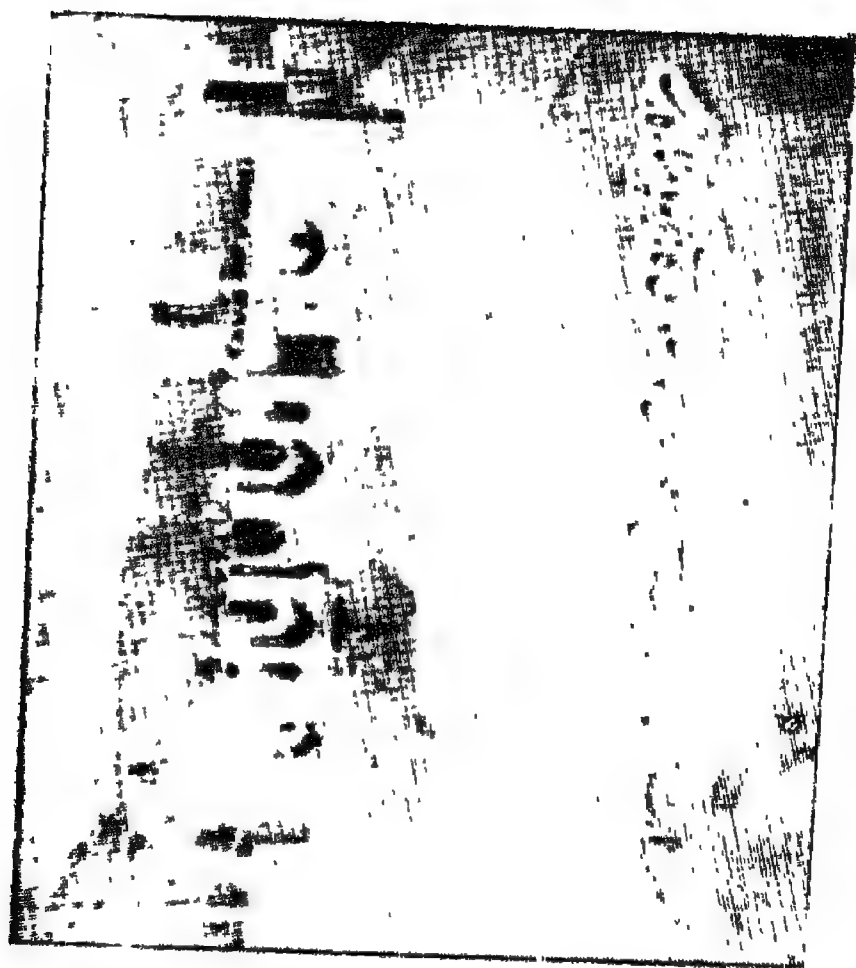
کس نمی بیند ولی می بیند شادراک ما

جسم زن چون عود اندر معمر دل سوختیم

نگهت نفرسد آید از نسیم مسا لك ما

سوزن اخلاص الدردید شک میغلان

پاره دل که نرفو با نارسینه چاك ما



- زهر کس سال تار بسخ و فائش . همپدر سید مخلص گناه و بیگه  
 که لاگه عقل در گردش دلش گمشت (کمال شیخ سعدالدین آگه (۱))
- ۲- طرف مشرق مرقد نخمباً فاصله ربع زرع مدفن میرزا احمد خان  
 فرفرازی که از اخص مریدان و اکمل مخلصان ایشان وبالی مسجد و مزار است  
 میباشد که لوحی ندارد .
- ۳- بیرون گنبد و احاطه عمارت مقابل طرف جنوب مغرب مزار حضرت  
 میر ظهور الدین پسر بزرگ ایشان است که لوحی ندارد .
- ۴- طرف جنوب مشرق گنبد مرقد امام مسجد و خطاط زر درمست که بیشتر  
 کتیبه ها بقلم اوست و از خواص مریدان میباشد و لوح سنگی بالای  
 قبرش نصب و چنین مرقم است :-
- گر منفعلم لجرم بسیار از تو      تو مید انیم بهیج کردار از تو  
 خواهی تو مرا سو زخم اهی بنواز      من از تو و جمت از تو و از تو
- تاریخ ۲۱ شهر رمضان المبارک حضرت آخوند ملا مصطفی  
 هروی خادم خاص حضرت شیخ سعد الدین احمد الصاری
- از دارالافتاد بدار البقا ، حلت لعود الهم اعفر له ولاستاده آمین یارب العالمین
- ۵- خارج احاطه قاعه قبرستانی ملحق بقاعه است که در این قبرستانی بسمت مغرب  
 تربت حرم محترم نشان است و در لوح آن مرقم میباشد و تاریخ وفات  
 بی بی صاحبه بنت ملک لطف لله بیگم امقابی منکر حه جناب فیض ماب  
 حضرت شیخ سعد الدین انصاری قـ س س ه «
- ۶- در همین مقبره فرار قبر دیگری یک لوح طرف سرویکه طرف ای است در لوح  
 ط ف سر آیات ینت قرآنی طرف ایان عبارت  
 و تا بود گفتگو سخنم لاتمام بود      لازم بهامشی که سخن را تمام کرد

(۱) عدد مصرع اخیر که ماده تاریخ است (۱۲۵۶) میشود ولی ناظم بدون شبهه  
 ارعد واقفیت بقواعد استخراج تاریخ در نظم اشتباه کرده بدلائل ریاضی که یکی ارا انجمه  
 ماده تاریخ است که همین شاعر برآورده (رحمت الله تعالی) و تفحص بسیاری  
 سال رحلت بصورت محقق که در رساله (یکمرد بزرگ) مفصل نوشته است (۱۲۲۵ هـ ق) است

دی رفردائی لدارد و عد : صا حید لان  
 صید حسا جتها بسی بستند بر فته راکد -  
 کلام مال روح اعظم نکته سنجی میکند  
 گشته مشهور چه الی قصه بیباک ما  
 هر نفس از این مکان تا لامکان طی میکنیم  
 کسی را صد ر طرف بچستی رفتن چالاک ما  
 ملک دل را کبریا تعلیمش در عشق کرد  
 نیست غیری تا کشد از قبض ما املاک ما  
 گوهری کاه و روغن گرم گردیش در طوفان آب  
 هیچ بیا فردا طالب از توده های خاک ما

کتبه فخر الدین ابن حضرت شیخ سعدالدین رحمه الله تعالی ۱۲۲۰  
 نوشته های لوح سنگ طرف سر :  
 در یکطرف کلامه طایفه و آیات مبارکه بانهوش غیبی اعلی و زن ، طرف دیگر همچنان  
 نقوش و آیه الکرسی شریف مرقوم ، در ذیل آن این عبارت تحریر است  
 « عمل آقا بابای اصفهانی کتبه مصطفی الهروی الخراسانی »  
 لوح سنگ طرف پا :

یکطرف تماماً نقش کاری طرف دیگر این ابیات مرقوم است :  
 شمه افراد سعد الدین مجذوب که عقل آنگه اشد از حال آن شه  
 هزار و یکصد و چهل بود کان مهر در برج سعد طالع گشت چون مه  
 خلافتی شاد گشت و تهنیت گر که آمد سوی ما از حقی خوابمه  
 چنگویم و صف آن انسان کامل ؟ که ختم العارفین بود آن شه نشه  
 چو در هشتاد و پنج عمر شریفش و سیده بود آمد بیک لا گسه  
 خطاب از جوی آوردش از حق که بشتاب و بیای بر گزیده  
 ده ۶۲ و دو از رجب شب از دوشنبه بحق پیوست فخر اهل جمنه

## مزار حضرت نورالمشایخ

این مزار در قلعه جواد چهاردهی کابل بطرف مغرب باغ و عمارت اقامتگاه زبان جوانک شان بسمت جنوب مسجد جامع که خود آن مرحوم بانی آن بوده واقع است.

بالای مزار او لا اله الا الله بصورت تمامه بعجله از طرف خلف الصدق شان محمد ابراهیم المعجد دی بنا یافت، بعد دو سال بقرار نقشه علیحدہ آن حال بعمارت پخته کاری نموده اند که حالا دیوارها بلند شده و کار چریان دارد؛ این عمارت بصورت خیلی زیبا و پخته سنگ و سمنت بنا یافته.

در بین عمارت حاضر آئینه مرقد آن مرد نامی و عارف گرامیست، فعلا در دیوارهایش قطعات تاریخ و مرثیاتی که هر یک از شعرا اشعار نموده اند بخط های خوش و قطعات مرقوم و چوکات و آئینه شدگی نصب است

نام لای این شیخ نامور حضرت فضل عمر ابن حضرت غلام قیوم صاحب این حضرت غلام صدیق صاحب ابن حضرت میان عبدالباقر صاحب است که سلسله نسب شان یامام ربانی غوث صمدالی حضرت شیخ احمد فاروقی مجدد الف ثانی قدس سره منتهی میشود.

شخصیت این بزرگوار در عصر امروز در وطن عزیز و خارج وطن بحدی مشعشع است که حاجت تفصیل ندارد.

خلفایش در هر گوشه و کنار داخل و خارج موجود و بارشاد طریقۀ عالیۀ بنقشبندیہ مصروف اند، مراسم فاتحه خوانی شان تا چهل روز دوام داشته و عموم خلفا و مریدان و مخلصان که از هر طرف آمده بودند در محافله صرف طعام میکردند در سال اول و دوم مراسم عرس و نهجیات قرآن مجید و صحاح سته و دلائل الخیرات و صرف طعام و افره بوجه خوبی انجام یافت، امید است سالها این وضعیت چریان پذیر باشد:

همین خلف ارشد شان تصمیم دارند که عمارت پخته کاری باشد ولی در خود قبر چوله و سمنت و پشت پخته صرف نگردد؛ بنای قبر آنها از گل و سنگ پارچه باشد.

از العجا که بمقتضای القلاب دهر دو ادوی ثباتی عمرنا استوار: ابطه پیکره و ولایتی  
گسسته بهکسانه بکشور بقا شناختن و سر بخوار نگاه لنا افراختن از خدای صممکناسه  
لایساض هستی مرحوم مغفرت قرین میر ضیاء الدین و اندام مرمر او الدین مرحوم  
ابیر حضرت مغفورت رحمت مکان جناب حاجی صاحب هاید الرحمة بنار یخ پر دم دوشنبه  
دهم ماه حمل ۱۲۹۹ ش سنه ۱۳۳۹ ق پر سنای خداوند پیوست .

۷- در وسط پای منا متصل باغات بعد از مزار پادشاه ، احب پسای منار مزار بست  
که از عمارات قاعه قدیمه آن : سه دیوار پخته کاری پیادگار مانده اوج سنگ  
طرف سر آن : به کلمه طبعیه و آیه الکرسی شریف مزین و به  
نقوش نفیسه هنر شایسته اوج طرف پسای جنبه ن است :  
و تبار یخ وفات ما اینا عبدالحق رحمه الله علیه  
اینهاست :

محباب فضل و گمان هوشمند ، محیط عالم و عقل آن دیکنا  
کشید القصر رغبت هستی خویش بسوی آسرا از دار دنیا  
چو مال فرات او پرسیدم از عقل بهشتی روزی او به اد گفته ا  
سنه اربع و خمسمین و تسعممسانه هـ و ا ل هجره ۱۰۴۰ هـ

ز پارت حاجی صاحب و ملحقانش فوقاً ارقام یافت چون شخص حاجی صاحب  
یکی از عرفای لامی و زیارتش مرجع عموم است میشود که به غیر تفصیل حالات  
شان مشتاق باشند بناءً تذکر را لازم دیدم که کتابی در مراسم به (یکمرد بزرگ)  
راجع بهمین شخصیت نگارنده تألیف نموده ام که در سنه ۱۳۳۵ ش طبع شده  
رجوع فرمایند :



۲- اثر اینجانب محمد ابراهیم تحلیل :

جناب فضل عمر لطفه به جلدیهان

که قطب دور زمان بود و مرشد کامل

میریدو معتقد و مصلحتش زحدا فزون

بعلم و فضل و ولا پیش جهانیان قائل

لشال خدمت ارشاد خاق و طاعت حق

بمعرفت خویش بهفتاد و سه سینه غافل

بدین وقت و موطن دانت سخت غمخوار

برای خدمت اسلام بود پس مائیل

اساس مدرسه عالم دین بغزانه گذاشت

کزان برآمده بسیار عالم و فاضل

بنای خیر و گهر هم از و بس مازده

که روشن است چرخ رشید نزد هر عاقل

شد از کمال شجاعت بهجت گنگ استقلال

خطاب و مشائخ به خدمتش حاصل

به موقع نظارت و وطن ز عقل مایم

امه دفعه مهمات و دل هر مشعل

چرا که صاحب رعب و قار و عزم و ثبات

بجسته و محضر و فرخنده خوی و روشد

در بخت و دکه آنعارف مدبر ملک

هزار حیف که آن فیض بخش هر سائل

چون آنکه لورمه و مهر زیر ابر شود

کثرن لخال کشید و پروا نداشت

بحق صاحب اولاک (ص) و آل (ض) و اصحابش (ض)

کنند مراحم خود حق بحال وی شامل

خال بر ربه و مال رحمت انشا کرد

( به بیست و پنج محرم شد او بحق واصل )

۱۳۷۶ هـ ق

لوح ثانوی را برای جناب عزیزالدین و کیلی فوفلزئی برای تحریر سپرده اند

و آنها نیز کار تحریر را انجام داده اند که پیش سنگتراش برای کندن است .

ولی در لوح سنگ مرمر بسیار زیبا و متن و زرنگ تهیه کرده اند که در آن  
قطعات تاریخ و غیر آن مرمر گردیده یکی را که برای جناب صوفی عبدالحمد بدخان  
فضل و هنرور امانی داده و قطعه تاریخ که بگو از طبع ج. ب. حضرت فضل احمد  
مجددی دامادشان ( رئیس امیران ) و دیگر عمار این جناب میباشد برای  
نحس بر آن التماس شده و جناب صوفی صاحب این قطعه را در یک طرف سنگ  
و دیگر را بطرف دیگر سنگ به خط خوش و دلکش بخود یادگار شریف و کرامت  
طیبه نوشته اند که زیر کندن است و هنر ز دره از نصب شده و اینک بسواد هر دو  
قطعه میپردازم :

۱ - قطعه اثر رئیس صاحب اعیان .

آه و او - لا وافغ - از بن سپهر کوه در  
گو بخاک دنگ دلاجر در دردن امور  
حضرت نور المشایخ فضل عمر آذ - که بود  
که - کان مسلک راه یقین را راه بر  
بدقه و ام اولیایم جهان یعنی صفی  
خلف صدق از مجدد راده سل عمر  
از فیوضات کمالش بهره ور شد خاص و عام  
وزن جلایات نورش شد مور و مور  
چون لدای ارجعی بشنید از رب الرحیم  
مرغ و حش جاب عرش رین بکشود بر  
در جوان رحمت حق شد و آ آ مرگ - اه  
در عز او و حش بگ - رسته جن و ش - ر  
در بهشت رسیده اند حور و ملک شادی کدان  
وز غریو خاکبان گوش فاک گریه دگر

سال تاریخ و صاانش را هر جستم از ملک  
پرفکنده گفت به ده پیر و خبر البشر (ص)

۱۳۷۶ ه فی

۳ - در سنگ مرقد سوم نیز بهمان قرار مرقوم و در آن حجر این عبارت «تاریخ وفات مرحوم مغفور هو اجگی نعمت الله سنه ۹۳۹»

۴ - سنگ چهارم هم بهمان قرار است و در آخر آن چنین: «تاریخ وفات مرحوم مغفور هو اجگی عبد الفتاح بن خواجگی نعمت الله سنه ۹۱۰۳»

۵ - سنگ مرقد پنجم نیز بهمان قرار و در حصه آخر مرقوم است: «تاریخ وفات مرحوم المغفور...»

۶ - در سنگ قبر هشتم که اینهم بهمان قرار میباشد مرقوم است: «تاریخ وفات مرحوم المغفور رأیجه بنت خواجگی...»

۷ - در سنگ قبر هفتم که آنهم بهمان قرار است اسم و سنه پوره و واضح نشد سه سنگ دیگر اطفال است و اسمی از آنها خوانده شده نتوانست:

در قرب زیارت حضرت حجاجه مسافر علیه الرحمه مقبره پادری است و در آنجا قبر محمد یعقوب خان ولد میرداد خان ولد میر هوتک خان متخلص افغان است که لوحه دارد و در آن تحریر است:

نزیست یکدل دمی باخاطر شاد	چنگاریم از چقا و جور افلاک
ز آرا می بنار احمی بقریه یاد	اگر احظه کسی آرام جوید
رهی و بالسب بس عالم اجداد	که یعقوب خان بدی از قوم پوپل
ضمیرش صاف و طنیت لیک بنیاد	علیهم و عالم و دانا و سید
ز نسل میر هوتک خان ابن میرداد	سخن و با وفا و حلق نیکو
رفیق و مشفق مردان آزاد	خدا جوری خدا گوی، خدا ترس
مثال او کسی...	بقوم او چنین صاحب تحمل
محرم یوم جمعه جان بحق داد	بس هفتاد سه و بیست و هفتم
.....	غریو و ولوله از اقربا یش
.....	بر مزق طریق قادری داشت
.....	هزار و دویست و سه بود و نود

۱۲۹۳

چون در قبر خواجیه مسافر لوح و نوشته نبود که معرفی شار را نماید و از قبور مربوطه شاه نعمت الله و پدر و برادران و اولادش همانقدری که ارقام یافت در لهائح شان کسب معلومات حاصل شد، با آن بکتاب مراجعه نمودم

## زیارت خواججه مسافر (رح)

این زیارت در مابین پغمان و قرغه در قریه که باسم آن بزرگوار شهرت دارد واقع است میان قبرستانی معروفه که احاطه دارد کنبدی بچار دیواری پخته و در بین گنبد و مرقد است یسکی از حدود حضرت خواججه مسافر و دیگر از حرم محترم شان لوحه سنگت و نوشته دینی در قیروجود ندارد عقیده اهالی چنان است که ه همین دو قبر زمین شده و عبال است و آنهارا از اولاد حضرت امیر المومنین سیدنا صدیق اکبر رضی الله تعالی علیه میدانند .

متصل آن نیز گنبدی بهما تعلق است که در پیش و قبر کلان و چهار قمرخورد است بالا یک قبر کلان که مشهور شاه عالم صاحب بد شاه نعمت الله صاحب است لوحه میباید که بدو طرفش آیات بنیات قرآن است و یکطرفش ساده و یکطرف آن این مضنون مرقوم است و این بخ وفات المرحوم المفقور خواججه عالم بن خواججه . . . صده ثلاث و ثمانه .

در یک قبر دیگر نیز گهر از سنگت است فقط است خواججه از ان پدر صبی فیهید شده و بس .

پیش و در این گنبد در قبرستانی ایشان بالای قبری سنگت گهر از است که به اطرافش آیات قرآنی مزین و منقش و بطرف با چنبر مرقوم است و در این بخ وفات مرحوم المفقور قاسم خواجگی ابن خواجگی نعمت الله .

در گنبدی که جدید آباد است و در دود (حبیب الله) بچه سقا ، فر از این مقابر بنا یافته نه قبر خواججه و کلان دارای سنگت های قدیمه منقش و مزین به آیات قرآنی و تاریخی هاست بدینقرار : -

۱- سه طرف سنگت این قبر به آیات قرآنی و کلامه طیبه مشرف و در فرازش ابن عبارت مرقوم است و تاریخی وفات مرحوم المفقور قطب اولیا خواجگی نعمت الله بن خواجگی عالم اولاد امیر المومنین علی گرم الله وجهه ، در حصه آخر مرقوم است . در دانه اجل رسیدن شاه گذشت فر یاد و فغان از فاک و ماه گذشت ۸۳۹ تاریخ وفات خواججه شاه . . . قطا افسوس که شاه نعمت الله گذشت

۲- گهواره دوم این بهمان رنگ منقوش و مرقوم است در حصه آخر تاریخی وفات مرحوم المفقور :-

## مزارات قلعه قاضی

- ۱- زیارت شاه آقا :- در یک تپه قلعه قاضی (۱) میان گنبدی بوده سر قبر از سنگ مرمر صندریقه چهار مرتبه کدبالاتش گهواره نماست سنگ کا ری شده و طرفین سنگ گهواره نماسوره مبارکه فاتحه و اخلاص و دود شریف مسطر ر بوده کتیبه از ح سنگ بالای سر شان این است :-  
مزار فیض آثار فدیة السادات العظام ، عمدة العرفاء الکرام غرض بحر طریقت و آشنای رموز حقیقت سید عبد العظیم شاه مشهور بشاه آقا ابن غفران هاب سید مهر آقا جان و لدمرحوم سید محمد شعیب شاه قوم شکرزائی که از اجله سادات معروف قوم فوشنج قندسار بوده و از مدت مدیدی در قلعه قاضی اقامه داشتند و بتاريخ ۲۴ ربیع الاول سنه ۱۳۳۵ هجری قمری داعی اجل را لبیک وار دیبای فانی پسر ای جاودان بجزار رحمت ایزدی رحلت فرمودند ، این مزار از طرف اعلیحضرت امان الله خان غازی پادشاه دهانت اکتناه افغانستان از وجه عین المال مخصوص شاهانه شان تعمیر یافت .
- ۲- طرف شمال مرقد شان قبری است که چونه کاری بوده لوحه سنگ ندارد و قرار اظهار مردم قلعه قاضی قبر والد شاه آقا و صوف میباشد .
- ۳- پهلوی مرقد شاه آقا ( طرف مشرق ) قبر محمد شریف جان پسر شان است که چونه کاری بوده لوحه سنگ ندارد .
- ۴- اندکی دورتر از قبر شاه آقا صاحب موصوف ( در میان همین گنبد ) قبر محمد کریم جان برادر شان و سر قبر چونه کاری بوده یک لوحه سنگ که بالای سر شان میباشد آیه الکرسی مسطور است .
- ۵- در سر کوه طرف شمال قلعه قاضی زیارت خواجه دریا باد ولی است که مردم میگویند برادر خواجه مسافر است . قبر شان لوحه سنگ و عمارت ندارد .
- ۶- در یک تپه بالای چشمه های چغندر قبر شیخ شهاب الدین نام است و عمارت و لوحه سنگ ندارد .

\* \* \*

(۱) قلعه قاضی بطرف مغرب چهاردهی کابل واقع است که بنام قاضی عیسی الله خان دولتشاهی معروف شده و مرحوم یکی از رجال نامور دوره سد و را می خصوصاً عصر تاجور شاه درانی بوده

خواجہ مسافر را کتاب خزینۃ الاصفیاء خوازمی میگوید و مدفوش را نصریح  
لمیکنند بناءً یقین گفته اند متواتریم اما بکمال غالب علی صاحب مرقدہ انکس است.  
از شاه نعمت اللہ را کہ از کتاب (رجاء حبیب السیر) و ملحات خود ہم در سادہ  
رحلات با تخریر میسنگ مرقدہ پنجسال فرق است با آنکہ مذکور از ابن ہریرہ  
کتاب را ارجع بہ ابن دود شخصیت ذلالت میگویم .

۱- کتاب خزینة الاصفیاء و اواجه مساندره از می قاسم بن محمد بن ابی سعید صاحبان  
 اوجه بها و الدین فی شریف قدس سره است، چون خواجہ بنی قاسم بن محمد بن ابی سعید  
 پیمبر است و اوجه مسافر بخدایت خواجہ محمد یاسر صاحب شده است که سود  
 بتکمیل رسانید و وی بسیار معمر بود و سماع بسیار عمل داشت و روزی که خواجہ  
 بها و الدین در حال کتبی وی سماع می شنید نزد او آمد و بعد از احوال فرمود و بعد  
 قوال را را خواجہ ش ساخت و از این کتب فرمود که این کتاب را در کتابخانه  
 میکنم و فائز در شمس و سحر و با در دست

۲- از کتبه و رجاء حبیب السیر

۲۔ از کتاب : رجال، حبیب السیر

«کاشف الاسرار» فی الامور الدنیویة و الدینیة

[illegible]

سکرات طوطی طبع شکر افشاں بنظم رباعیات لطافت انست زامیر ،  
قطعه

لعمت اللہ جان بجا مان داد و رفتہ  
کل شیء ہا۔ ال۔ حک الا وجہ  
چون لدای او رجعی از حق شہد  
لعمۃ اللہ دوستان یادش کنید

بر در میخا نہ دست افتا دور رفت  
ہ۔۔۔ واند بر دلیای بی بنیاد و رفت  
ز لندہ دل در عشق او جان داد و رفت  
ناگفتنداری کہ رفت از یاد و رفت

## مزار عارف معروف و شاعر فیلسوف اسلام ابوالمعانی

میرزا بیدل (رح)

نام این شاعر بزرگ و نابغه زبان فارسی، میرزا عبدالقادر و تخلصش بیدل و نام پدرش میرزا عبدالخالق و از قوم چغتای مغل، از مغلان ارلاس است. بسال ۱۰۵۴ هـ ق در پتنه بلده عظیم آباد تولد شده و بزودترین فرصت گردیتی می برچهره حالش نشست، در او اسط سال ششم از خدمت والد خود حروف شناس و بختم قرآن مجید فائز شده و در همان نزدیکی والد اش نیز عالم فانی را وداع گفت، بمصداق (رب المساکین فضل الله) با همه بیکسیها کس بیکسانش بجائی رسالید که عالم، فاضل، ادیب، فیلسوف، عارف، شاعر و دارای همه فضائل صوری و معنوی و هنای نفس و اوکل و قناعت و غیره و غیره شده، مقام نظم و نثر و بیان معارف و حقائق و علو همت و اخلاق و دیگر او صافش را چیز که باین بیت مختصر لایم چاره نیست چه تفصیل بد فترها میکشد:

کتاب فضل ترا آب بحر کافی نیست که ترکنم سرانگش و صفحه بشمارم چون علاقه بجهان نمیگردم مدنی در حدرد گنگ، بهار، او دیسه و زیاده تر در بنگاله با آزادی و بی تعینی بسر برده دشت و بیابانها پیموده عجائب قدرت الهی تماشا نمود که برخی از آن رویداد هارا در چار عنصر که در ۴ سالگی به آن شروع کرده درج است.

بعد آن چندی ببلده اکبر آباد و باز بدار الخلافه شاه جهان آباد اقامت و عزلت گزید (لواب شا کر خان و نواب شکر الله خان که از اخص دوستان و مخلصانش بودند بیرون دهلی درو از شهر پناه در محله کهیکر بان بر کنار گذر گهاک لطف علی حویلی خریدارند و در آنجا در سن و شش سال بقیه عمر در آنجا بفرایغ بسر برده در ماه محرم نب برایش عارض شد چهار پنج روز بحرارت گذشت بعد از آن تب مفارقت کرد غسل فرمود و دو روز دوم از غسل بتاریخ صوم صفر روز چهارشنبه وقت شام حرارت شدید روی داده، شب گاهی بافاق و گاهی بغش گذشت و در وقت افاقت بی اختیار خنده از ایشان سر میزد، تا صبح حال دگرگون شد، یوم پنجشنبه چهارم ماه صفر ۱۱۳۳ چن بجان آفرین سپرد، در همان حویلی اقامتگاه که چو نثره برای قبر خود از مدته سال پیشتر راست کرده بود بخاک

در قاده باغ اسلم جان (و اقع قلعه قاضی) يك چشمه آبی است كه چند درخت هم دارد و نزد مردم مشهور بنظرگاه حضرت غوث الا عظم (رح) است مگر تنها خوش عقیدگی مردم است و رنه نظرگاه حضرت غوث در حیات شان در اكثر جاهاست ولی همه جاز یارت قرار داده نشده فقط پیژیکه موجب رجوع مردم بود اولاً چشمه آب و بالاین شهرت کدام قبر و غیر آن در آنجا وجود ندارد .  
۷- نزد يك قلعه امیر محمد خان ، بطرف جنوب راه عام قبر ملا مریم - میباشد ، میگویند شخص عالم و متدین و مدرس بوده قبل از وفات شاه آقا غوث شده قبرش کنار چوبی شکسته داشته اوحی ندارد .

۸- مرقد جناب سید عظامحمدشاه آقای فوشنجی خطاط معروف و وطن .  
قبر این سید عالی نسب تقریباً بفاصله یکمیل بطرف شمال غرب زیارت شاه آقا در باغچه وقفی خودش كه قبرستانی خاندانش از سابق بوده واقع است . مرحوم از اسمائیل اجل خط استعالمی در دور خود بوده كه قطعاًش زیب در قعات علاقه مندان خط و شهرتش جهانشمول است ؛ علاوه بر حسن خط صاحب علم و فضل و سجاای عالی هم بوده .

مرحوم سن ۷۳ در شام پنجشنبه ۲۰ صفر المظفر ۱۳۴۱ در کابل وفات نمود و در صیاه سنگت بجوار زیارت حضرت جی علیه الرحمه دفن شد ، پس از ۲۸ سال بنار یخ یوم پنجشنبه ۱۴ محرم الحرام ۱۳۷۰ سید محمد عثمان پسرش تابوتش را از آنجا در پنجاقل داده است و احاطه خور دی برای مزارش مرتب نموده و لوحی هم تهیه کرده اما حال لوح از آحریر آبرآمده امید است در همین نزدیکیها نصب لوح صورت بگردد .



تحقیقات برآمده از بنده هم استعمال نمودند صورت شنیدگی و دیدگی خود را بر ای شان نوشتیم چند روز بعد تشریف آورده فرمودند همین نوشته خود را عرص کنید و بجای آره خیل خواجه رواش بنویسید طاعت کردم (۱)

همان است که شرح شنیدگی و برعش هائی را که تحریری از هر کسی کرد بودند بصورت مفصل در تحت عنوان (مزار حضرت مهر زاهد ابقا در بیدل در کابل است) در شماره ۱۰ سال ۱۴ سال برج عقرب ۱۳۳۵ لمر ۱۶۶ مجله آریانا نشر کردند ، متعائناً در شماره ۱۱-۱۶۷ همان مجله چهار صفحه (۱- و شته را عکس نمودند که با دعای آقای موصوف و امضائی که در آخر آن صفحات بود بخط قاضی سید حسین نام بیدل تحاص معروف باین قاضی است .

از آن نوشته ها بر می آمد که بیدل در سال ۱۰۷۰ در ظرف شهر تولد شده و در سوم صفر ۱۱۳۳ در عمر ۶۳ بر حمت حقی پیوسته ، ( از جمله عین متع عبارت چهار صفحه ) « و مدفون میرزا صاحب ظریف در شهر کابل در انقرب چیل خواجه راست عایه رحمه متصل لقاره خانه درجه وار قبله گاه خود و محمد ظریف برادر و والد خود در سدره مدفن شد »

ماحتی باین نشریه المجمع تاریخ الزاریاب تحقیق و لو پسند گان معلومات و اسناد و نظریات خواستند ، در شماره ۱۲-۱۶۸ بعد آن مقالاتی التشار یافت که الزالم جناب فاضل عالمشاهی و جناب استاد خلیلی و این عاجز بود که از فحوای آن ها مستفاد میشد که باین تحقیق قانع نشده بلکه نشریه چهار صفحه را از روی لفظ و معنی غلط و بی اساس و تقریباً جدید خواندند و از جناب آقای حسینی برای رفع اشتباهات خود دلائل مقننه خواهش کردند که مقالات دارای تفصیلات است و اندکی از آن را آوردن بطول می انجامد ال ذوقه ندان مطالعه آن شماره مجله را خواهش میکنیم .

---

(۱) علت تغییر اسم قریه را نفهمیدم ارفرار حدس غالباً ، مطربك بیت نائمه توده باشد که قصیده مفصل مدکور در شماره دوم سال ۱۵ تاریخی - و ت ۱۳۳۵ مجله آریانا مقدم نگارنده نشر شده و اکثر مرادات را ذکر نموده و بیت مذکوره این است : « میر بیدل بیگ همان عارف مجذوب خدا مرقش در قریه چیل پهلوی غازی خان است » موضع معینه این مزار و اراضی صاحب شاه حال هم تمام قریه تریه خیل است « خواجه رواش .

سپهر دلش ، میرزا محمد سعید پسر هایش میرزا عبادا لله سجاده نشین و مجلس  
آرای عرس آنجناب شده از شعر ا و ناز ک خیالان هجمه تر تیب میداد .

\* \* \*

دوازده سال قبل که نگارنده در دهلی رفته و یمر قد هبار کش شرف شدم این  
مرقد در شهر نو دهلی قریب بر هنا قلعه - (قلعه کهنه) مقابل هر ار ح - حضرت شیخ  
ابو بکر طوسی (رح) وه شهید به گه . الا باباست واقع به د که در مقاله مفصلی  
که راجع بترتیب مراسم عرس اینست در ذیل مجله نمبر ۱۰۸ شماره ۱۲ سال  
ایه اول جدی ۱۳۳۰ آریا با نوشته ام مضمون سنگ و عسکس مزار و عکس  
خط خورت ابو ال عا ، هم با تفصیل سوانحش در آن وجود دارد .

این محضر بعضی تک کبر طحی اقام شد البته علاقمندان مزار شماره  
مجانم میپردازند در اینجا ملحوظ ذکر شد پنج و غیره در مات ایشان بره فقط  
بلحاظ تذکر مزار شاد ، نگارش این مصور به . ختم .

\* \* \*

شهرت مزار آن یگانه شاعر عارف در قریه نره جل نال

قریباً ۲۰ سال قبل از اکنون که سنه ۱۳۳۹ ه ش است ز زبان بلده نره خیلی  
(صاحب شاه) که بامن شناخته بود شنیدم بر روه خیل مزارشان است . نکست هم دارد  
در اینجا رفتم ، در بین اراضی شخصی خود ، قبرستان بلده در ایشان داد  
که علامه سه قبر در آن بود بالای یک قبر سنگی وجود داشت که اثر شکسته  
والی بین رفته و در اقل آن ابن ابیات مر قوم بود :

گل باغ شرف پژمرده شد حیف      فناء از غند ما د آن سرو آزاد  
در ایام وراقش اهل دل را      بر آمد دود آه از جان نا شاد  
چو د اثم در هزار میوه کارش      بتار بخش بگو (داد غز ، داد)

۱۰۲۶

دیگر آثاری که مثبت این ادعا شده بتواند و راجع بمزار حضرت بیدل دلیل شود نبود  
اما مردم گفتند که از سالها همین مزار بنام مزار حضرت بیدل نزد ما شهرت دارد .  
در سنه ۱۳۳۵ تقریباً ۱۲ سال بعد ، این قبر را جناب سید داؤد الحسینی شنیدند  
و در الحار فته آن سه قبر را حضرت بیدل و پدرش و ما با پیش شناختند و هر صد

با وجود اینکه ما خلد که مدفن و جریان مراسم عرس را تا سی سال در ضاحت بیان می‌کنیم و باز از ویرالی خواه و فیهود شدن قبر تذکر می‌دهد ، که واقعا چون قبر تعمیر پخته ، و لوح سنگی نداشته (زیرا اگر می‌داشت ، يك تذکره از ان ذکر میشد) و خانه و یران میشود و شهر کهنه از نظر می‌افتد و هرگز محمد سعید هم فوت نمیشود باید قبر ناپدید و نامعلوم گردد . چگونگی او را مدفون خواجه راست بپول کنیم ؟ و همچنین سال ولادتش را که خودش در بنقطعه :

بسالیکه بیدل بماسک ظه- و ز فیض الزل تافت چون آفتاب  
 بزرگسی ح-ر داد ارهوا شد ک هم (فیض قدس) است و هم (ال انتخاب)  
 در ده جمله بصورت واضح و مکرر می‌نویسد : ۱۰۵۴ ۱۰۵۴  
 سن عمر س-ا که از روی طبق سنه صلی فوت که در چار صفحه لیز همان سنه  
 ۱۱۳۳ قید است و اهل اب در جمله دیوان آراب ۷۹ یافته اند ، چگونگی  
 میته الهم که سال لادت را (۱۰۷۰) و مدت عمر را ۶۳ قید کنیم ؟

علاوة اگر بادعای حناب حسینی مدفن اله العالی را در ان دخمه فرض کنیم  
 بقرار قبل چناب استاد حایلی منتشره همان شماره ۰۸ مجله آریانا که دخمه  
 را با بنای آقای موصف مشاهده کرده اند و در ان دخمه سه قبر است یکی از  
 همان شخص که ابوح نیرش به ح دامت و ماده ۱ پنج در لرح قبرش این جمله  
 نگارش یافته (د ادعز ااد) که بحساب اجد مال ۱۰۲۶ هجری از ان بر می آید  
 و این قبر نه از می ز ظریف است به ار پسر بیدل ، زیرا پدر بیدل بعد از سال  
 ۱۰۵۶ که تولد بیدل است وفات نموده و اگر قبر دوم و سوم از پدر بیدل و میرزا  
 ظریف باشد پس برای شخص چهارم قبر چهارم بکار است ،

پس با اینکه دلائل در قبولی این امر تسلیم شده قرار استم .  
 چون حناب آقای حسینی در ادعای خود ثبت قدمی نشان میدهد گرچه تا کنون  
 کدام تحریری صادر در تردید ، رفع اشتباهات مذکور نخواهد اما یقین داریم  
 که در صد بدست آوردن اسناد هستند که قاعت هل تحقیق را فراهم نماید  
 احیاناً که عظم آن عارف رشعرو لا مقم قلد داءه شده باشد باستاء . کدام کتاب  
 یا مقام و روایت تذکر باید که همه را قناعت حاصل گردد ، از آنجا که در این  
 باره سعی بلیغ دارند موفقیت شان را آرزو مندیم .

متصل باین نشرات در شماره ۱۸۲ مورخه عقرب ۱۳۳۵ سال ۲۰ محله عرفان مطبوعه آقای گویای اعتمادی در شب عرس حضرت بیدل داده بود و بقول خوشگو، اندرام مخلص، میر غلام علی آزاد بلگرامی میر عبد الولی عزت، غلام همدانی مصحفی، ثواب دگانه قلیخان سالار جنگ و سراج المحققین همان آرزو که همه شاگردان و معاصران و شعرا و نویسندگان آن عهد بوده اند مدفنش را در محله خودش در دهلی و ترتیب عرسش را در هر سال توسط میرزا محمد سعید اشعار مبداشت،

و هم در شماره ۱۹۷ سال ۲۲ سنه ۱۳۳۷ محله عرفان تحقیقانی درم ورد پایان زندگانی و مدفن حضرت بیدل ترجمه تحریری انگلیسی دو کتور عبد العزیز انتشار باعث که تمام اطلاق نام در قحطی بود. راجع تاریخ سوم با چهارم صفر نگاشته که چون جان آرزو یکی از گیرندگان عرس و نیز تاریخ وفات بیدل چهارم صفر بود مابین نظر و اب دگانه قلیخان نمیتوانیم و افقت بگیریم، ولی ممکنست شاعران شهیر اهمیت زیادی را بعرس قائل میشدند و فعلایتهای مقدمانی را روز سوم صفر آغاز میکردند و خود عرس را بر روز چهارم صفر میگذراندند، در صفحه ۴۴ مینویسد این امر ریشه‌ای است که با وفات

میرزا محمد سعید سجاده نشین بجانشین روحانی بیدل فعلایتهای مربوط بعرس اگر کاملاً متوقف نگردد لافل ضعیف شده مصحفی در تذکره عقد ثریای خود که در سنه ۱۱۹۹ تالیف کرده میگوید و در ادو قحطی حاتم بیدل ده در صحن حویلی آد قبرش واقع بود بحالت ویرانی مطابق بود و باز مینویسد «و باعث خفالت و عدم توجه دانمی قبر این شاعر بزرگ مجهول» باید گردید.

فائق الزمعه کتاب (فیض قدس) مؤلفه نویسنده شهیر و سخنور نامی استاد حایلی است که حاوی شرح ۳۰۰۰ فصل حضرت بیدل میباشد و در سنه ۱۳۳۴ هـ ش در کابل طبع شده، باستناد تحریری تمام تذکره نویسان که از اثر آنها در فوق نام برده شد مؤید این معنی است که رابو المعانی در دهلی بحاله خود دفن شده و هم از صفحه ۷۳ آن کتاب روشنی میشود که علام همدانی مصحفی قبرش را در صحن خاله اش ۶۶ سال بعد از مرگش زیارت کرده.

زعفران زار که که شمیر بدعوئی دارد  
 زرد رو پیش گل خواجه بسیار است (۱)  
 ارغوان زار که دیگر حصصاً دارد  
 لاله چی نام دهی ۲۰ که همه نخاستانست  
 هست تا لایب دگر رسد نظر سواری را  
 کوه بصد مرتبه به از دل بیپایان است  
 کوه بیخال به از کوه گنرگاهش نیست  
 عاشقانند در آنجا که همه شاهانست  
 مرقد حضرت مردوس مکانیست درو ۳  
 لذتگرش شام و سحر از برد رویشانست  
 کرده درگرشه آن کوه شهنشا و وطن  
 فیض بخش است همیشه گنر مردانست  
 نور میبارد از ان روضه پا کیزه سرشت  
 که سرشتش ز ازل از چمن رضو انست  
 در قفا یش بخدا سخت تماشا ج' نیست  
 نظر خضر و ۴ عجب گوشه گورستانست

- 
- (۱) خواجه سیاران در دامن کوه چهارمکار مرکز حکومت اعلای پروان (کوه دامن و کوهستان) موضوعیت ریاضیه نگاهبست روح اقرا که گل ارغوان برد و مخصوص آنجا است در سه ماه بهار همه ساله ارو و نور گل ارغوان و هوای صاف و میدان و سمع و فضای زیبای حدود حال تمام اهل دوق و بدیع پنداران است کتب لغات وحه تسمیه ای را چنین می آرد ، «خواجه مود و دجشتی (رح) خواجه خان سعید (رح) حلیفه موصوف ، خواجه محمد ربکچ روان (رح) حلیفه خواجه خان سعید ، در اندو وضع بهم صحبت داشته اند و باین نسبت این نام بران نهاده شده .»
- (۲) دانه چی . موضع معروف است که از شهر آرا بماصله نیم کوه بالا واقع و بابرکی ملحقات ، انگور و غیره انبار آن در زمرة بهترین انبار محسوب وار همه باغستانها مرکز کامل برد بکر میباشند .
- (۳) مراد از آرامگاه پادشاه علیه الرحمه است که در همین کوه گذرگاه بهایع نامبر و هوتل نامبر شهرت برادر دارد و فرحتگاه عمومی اهل کابل است و در ص ۲۱۸ این کتاب تفصیل اراش ذکر شده .
- (۴) مقصد از پشت کوه گذرگاه است که آنجا چشمه ایست خوشگوار مشهور به چشمه خضر و شرح این شهرت در صفحه ۲۹ کتاب هذا مندرج است .

### قصیده شش‌بیتی و هفت‌بیتی

در پایان این کتاب مناسب دیدم قصیده مذکور را که در تعریف کابل با قنفا از قصیده معروف استاذ و سخنور لایمی صائب است و اکثر محو اندگان آن را مطامع کرده اند که مطامعش این است :

خوشا عشرت‌رای کابل و دامن کهنسارش

که ناشن بر دل‌گل میزند وزگان هر خسارش

درج سازم از احاطه که درین قصیده بیشتر مزارات را تذکر داده است ، گرچه در پختگی و اهمیت شعری این قصیده بقصیده آن شاعر نامی رسیده نمی‌تواند اما در حد خود شعر روان و در موضوع دارای معانی است .

قصیده را از یک کتاب جنگ خطی قدیم که در سنه ۱۱۸۱ تحریر یافته بدو فاضل گرامی دوست محترم آقای گویای اعتمادی هدیه شده و در مجله امیر شماره ۲ سال ۱۵ تاریخ حیرت ۱۳۳۵ آریانا با معرفی لاله جنگ شر نموده بودم و اینک از آنجا اقتباس میکنم :-

خار صحرای وطن به زگل و ریحانست

سنگ کهنسار و وطن به زگل و مرجانست

فرح آباد مرا کی بنظر می‌آید

کابل ما که بخویشی به از اصفهانست

شهر آرای تو منزلگه شاه اجف است

بهر او به شهابه لاله بهستان است

به آید و آب روان گردد سر هر چمنش

هر طرف خرمین گل لاله بهید عنوانست

سر به یوق برآورده چنان از هر سو

قمری و فاخته شمع کنان (؟) خو شخوان است

بلبلان شعور و شغب بر سر دریا دارند

در چمن هر طرفی چه به چه سرخانست

قطب حیدر (۱) که حصار بیست نهائی مغنون  
 خادمانش همه در زمره معصومانست  
 حاجی غازی (۲) سرمست قلندر شہ دین  
 معد لش پشته بار شته ما راجا نسه  
 مہر سد پا د پجسار را پسر تر بک او  
 ہر شب جمعہ گذر گاہ شہ مردانست  
 ہر کہ آمد بطواف در کو پیش یا مید  
 ہمہ نو میدنگردد کر مش چند است  
 خضر مت میر علی سید شاہ ہمدان (۳)  
 مقد مش بر سر راہ صف درد متدالست  
 د دہندیک رسد بر سر آن دو ضہہ بدندق  
 خاکپا پیش ہمہ در دورا در ہا است

(۱) قطب حیدر مزار معروفست در سمت جنوبی بلا حصار متصل بدیوار قدیمہ ، کلامہ  
 (نہائی مغنون) فہمدیہ نشد غالباً سہو کاتب دران دحالت شدید دارد .

(۲) درین بیت اغلاطی نمایان است کہ مکان ار طرف نقالان وارد شدہ باشد ،  
 در مصرع دوم معدنش مدفن خواهد بود ، (پشتہ بار شتہ مار نجان) بگمان عال ( تپہ پشتہ  
 مرنجان ) است و مراد از مزار حاخی قلندر خواهد بود کہ در دامنہ سمت مغربی تپہ مرنجان  
 واقع وطول قبر تحدیداً ۷ متر وعرض آن سہ متر است و چراغانہ مجرابی بالای قبر ساختہ  
 شدہ وبس ، در دهن دروارہ احاطہ نیز فیرست کہ مردم آن را موقد خلیعہ حاخی قلندر  
 میدانند ، اما از فحوی بیت ما بعد مبرهن میگردد کہ موضوع بخاریست .

(۳) بنام شاہ ہمدان مزاری در زنده بانان موجودہ رجود دارد و لوحی بالای آن نصب  
 و ابیاتی دران نقر است اما مضمون ابیات مشعر بروفات میر خورد است ، آشکار است کہ لوح  
 مزار دیگر را بران گذاشتہ اند ، چند نفر ار موسفیدان بیان کردند کہ چون حضرت  
 قطب صمدای ( میر سید علی ہمدانی رح ) در گاہل توقف داشتند صاحب مزار ہذا خدمت  
 سرتراشی آن وجود معظم را کردہ وموہای سرمبارک شایرا در ہمین مدفن دفن میکرد  
 وبالاخرہ خود او را ہم قرار وصیتش درینجا دفن کردند ، نام و نشان دیگری اروی کسی  
 ندیدند اما شہرت مزار سالہا بنام شاہ ہمدان است .

میر کوثر که شده گوشه نشین دریر کو  
 همدم حضرت خضر استر پی احسانست  
 چشمه میر گل مست بهنگام سمو (۲)  
 هر که آید بطواف در شان ایشانست  
 خواجه روشنائی و هم شراجهر نور صفا (۳)  
 همنفس آتش جانبا زلاگر دانست (۴)  
 زدگر سوی سید مهدی و (۵) آن شاه شهید  
 آینه در کف ز پی قتل بلا عریسانست  
 حضرت قطب از صالح معجزان حداد (۶)  
 سالکانش همه در زمره معجزان است  
 هست با میر چاپاش سر الفات داد  
 که با سادها و با ضحک بهنگام است

- (۱) میر کوثر دران همی اکنون نامعلوم است ، مؤلفان این بیان نام حائس را  
 نشانده اند ، احتمال می رود ( م. ا. ر. حضرت تمیم رش ) باشد که اسم شان به صورت صحیح  
 نرد برد - معلوم نبود و تا چند سال قبل که تحقیقات صحیح بعمل نیامده و گفته می  
 نسیب نشده بود باسم جابر انصار رح شهرت داشت و چشمه آب زلال این - ران موجود بود  
 که بنده را خوب بیاد است و بار بار در کنار چشمه آن بنده آمده ایم - بهشتار چشمه  
 زلال و احترام مقام اگر این نام را بران گفته باشد دور نیست ، والله اعلم
- (۲) این چشمه و نام آن اکنون دروادی شهدای صانعین و هم میدان زیر خواجه  
 روشنائی نام و نشانی وجود ندارد .
- (۳) خواجه روشنائی و خواجه صفا از مرآت معروف کابل اند ، تمهیل در تحت اسمای  
 خود شان در ص ۴۸ و ص ۱۴۲ کتاب هذا مطایفه شود .
- (۴) زیارت حائبار بلاگردان در شهدای صا این مقام معروف است و اصح این  
 در ص ۲۳ کتاب هدایا آمده بود .
- (۵) مراد از حضرت سید مهدی آتش نفس رح است که در ص ۸۲ کتاب هذا مشرح درج  
 می باشد .
- (۶) مقصد از مزار حضرت شاه ابو اسحاق ختانی مشهور بشاه شهید است که در ص ۶۵  
 کتاب هذا بوضاحت ذکر شده
- (۷) مسلماً صالح نام محبوب یا معنوی بوده که در اوقات مزار می معلوم و نردم در مشهور  
 بوده ولی کدام کعبه و کتیبه البته نداشته که اکنون اثری اران وجود ندارد ، شاید  
 کوییده نصیده او را در حال حیات دیده که الفتش را با میر جلجل متذکر شده ؟

میر بدل بیگک همان عارف مجذوب خدا (۱)  
 مرقدش در تره خیل پهلوی غازی خان است (۲)  
 بابها هم سر بابای ولی در شهر اند (۳)  
 عاشق و عارف کابل چومه تابالست (۴)  
 آبدان دار خدا پال گرم همچو دیار  
 که دعاگوی وراثت خوش الحان است




---

(۱) (۲) میر بدل بیگک فعلاً بصورت صحیح شناخته شد ، ممکنست آینده محققین در اثر مطالعات و کشف کتبی معرفی او را بداند ، همچنان غازی خان معلوم شد که کدام غازی است ، اما قبری در تره خیل از یک نفر غازی دارای لوح است که به اراضی صاحب شاه نام میباشد و تاریخ رحلتش باین جمله بحساب اجداد در نظم قید شده ، (دادغز داد ۱۰۲۶) و همین مقبره را آقای حسینی مرار حضرت بدل ادعا کرده اند چنانچه در تره خیل هم بهمن شهر تست و تفصیل در ذکر حضرت بدل پیش ازین داده شد .

(۳) مراد از باباها ، بابای خودی ، بابای کیدانی ، و بابای قوری خواهد بود که مزار آنها درین شهر شهرت دارد و درین کتاب هر یک در محل خود ذکر شده اند ، بابای ولی همان مرار است که در بارانه بطرف مشرق احاطه گه پیشتر تذکریات واقع میباشد و کتیبه ندارد .

(۴) مراد از زیارت عاشقان و عارفان علیهما الرضوان است و درین کتاب مفصل ذکر یافته اند .

میرزا اهد که مدار فلک علم بود (۱)

همچو گنجیست که در ذابل مایه‌هاست

هاشم کابلی و (۲) واعظ (۳) شیرین کلمات

خفته بر صدر جنان هم م سرستان است

کرده است جامه بدل گرچه بظاهر ز جهان

رفته از دار فنا سوی بقا ساطع است

۱  
۱

آب هرگز نکسی خشک ز جویش یارب

پل مسان که گدازد در همد و سنالست

(۱) مراد از میر محمد اهد هروی است که صاحب تألیفات حاشیه را هدییه بر شرح موافق ، شرح رساله قطعه ، حاشیه بر شرح تهذیب معنی حیل الدین دوان میباشد ، وفاتش در سنه ۱۱۰۱ و دانش در مزار عاشقان و عارفان و شهرتش در نفوس عقلیه ابد حق هرویست و در ذیل زیارت عاشقان و عارفان در کتاب هذا تذکر بافته .

(۲) شناخته شد طبعاً بهرور زمان شهرت و آبادی مزارعی ازین رفته .

(۳) باسم واعظ مزاری که ازان سنوات باشد نیافتم ، اما میر واعظ معروف ارسادات عظام و مجاهدین کرام و علمای ذوالاحترام و طین بود که نواسه اش دختر « رعتیق الله » ( بی بی حاجه ملقب بودو جان ) ملکه مقتدره علیحضرت ضیا و الاله و الدین و در حدود وسعت نام حاتم طی کرده بود ، مزار این واعظ معروف و اولادش در گداز بارانه کامل احاطه ایست مشهور زیارت بابا اولی و قبر خود میر واعظ مرحوم پهلوی قبر داداوان است مگر اوجی ندارد ، چون سنه تحریر کتبه بیکه نصیده هذا دران درج است ۱۱۸۱ میباشد بر طاهر است که مرام گویند ، ازین واعظ معروف ، ندوده مگر تذکر آنرا لازم دیدم تا دیگران نوی مشتبه نشوند .

(۴) پل مسان ، پل معروف نیست در بین الا حصار و زیارت شاه شهبه که ارسالیان دراز همین نام شهرت دارد ، بخنور شهیر صائب تبریزی نیز در نصیده کامل خود ازان چنین یاد می کند ،

چه مور و نست یارب طاق ابروی پل مسان خدا را چه شور اهدان بادا که هدارش

(قبر اول) از والده جناب علی محمد خان معاون اول صدارت عظمی است تاریخی ندارد  
(قبر دوم) از عزیز الرحمن خان است که از خدام دیرینه وزارت معارف بوده  
و این عبارت در سنگ قبرش مرقوم است :  
«الحاج عزیز الرحمن خان فتحی که بتاریخ اول ثور ۱۳۳۸ هجری قمری داعی  
اجل را ایما گفته»

۴- در چوار قبر قاری ملک الشعراء که محلش بعد قهر آن مرحوم در ص ۵۳ کتاب  
هذه است قبر ستالی نوسنگ و سمت بنا یافته که ارتفاع دیوار هایش بالدازه یکنیم  
فوت است و در آن قبر رسید باوجود آن ۱۲۹۰-۱۳۷۴ ه ق که از معاریف است بوده  
و در سنگ خور دی اسمش مرقوم یافته و این قبری است که در سنگ این ایما ت  
مرقوم است :-

بمهر هژده غلام حضرت رشید جوان

که بود شاه نعل تحصیل مکتب عرفان

هزار و صد و پانصت و پنج سال قمر

غروب شمس ز شنبه و هم شش از شعبان

و در قبر دیگری که در همینجا قدری بلند تر بصورت چوبه پاره های خشک

پخته و سمت بنا یافته در سنگی این ایما ت مرقوم است :

این خاک دوده مسکن و ماوی آن کسیست کز دست ظلم و کینه شوهر شهید شد

این مدفن کسیست که در موسم شباب د پیا چة کتاب حیالش سفید شد

اوراق زانند گشایش از صبر صرستم درد شک بیگران چقا لسا پند شد

دست چقا و ظلم و تعدی گداوی او بفشر دآلقد رکه زجان نا امید شد

این آسمان صفت و پا کیزه دامن د رقتلنگا ه جور قیل السعید شد

در لیل چهارشنبه ۱۰ حمل ۱۳۳۹ مطابق ۳ هیدر مضان مبارک ۱۳۷۹ بشهادت رسید :

درد بگر قبر که مرقد مهر من زرین است بالای سنگ صندوق لمائی مرقوم

است :

« بتاریخ یکشنبه ۵ برج ثور ۱۳۲۸ ش در سینه خاک لمانک بخت و داغ چاو پدان

در دل دهستان علم و ادب و محال داند خود بگذاشه»

## بعضی قبور که در ثانی بنظر رسیده

- ۱- در تپه بلند طرف جنوب مزار حضرت لمیم رضی قبری است بالای آن سنگی صندوقی لما که بطرف فوقانی کامة طیه و اقوش است و بطرف سر آیه کسره (کل من علیها فان الخ) و بدو طرف آیه الکرسی شریف و بطرف پای این عبارت مرقوم: وفات المرحوم: . . . جواد ابن . . . محمد الحسینی . . . فی تاریخ ۹۴۸ هـ اگرچه قبلاً یا - داشت نشده بود و آنچه حالا هم از آن خوانده شده - توالت نتیجه لداد مگر بلحاظ قدامت و ریائی سنگ آن نگاشته شد، مخصوصاً بملاحظه که در تپه مذکور فعلاً یکنفر اهل زیاده شایسته و بتکلیف شاق با آنها آب میرسد و ممکنست این اهل هاشم و صاحب ثمر شولد، چون همه زحمات را بر عایت صاحب همین قبر تحمل نموده بقاء همینقدر که خوانده شده توالت ثبوت افتاد. و محل تذکر این قبر ص ۲۷ کتاب هذا قبل از قبر لاف برده .
- ۲- سه سنگ از قدیمه قریب بگنبد مرحوم شاه سابق بخارا در سر راه هستند که از بالای قبور خود هایلین افتاده و هر سه منقش و آیات قرآنی مزین اند و ص ۵۲ کتاب هدایع از گنبد در بیت محل یاد نمودن اینها بود که اینک شرح داده میشود:  
(سنگ اول) علاوه بر نقوش و آیات مبارکه در بالای خود شش مصرع فارسی بخط تستعین هم دارد که بلحاظ قدامت خوانده شده لمیتوالد تنها یک مصرع آن چنین خوانده شد «لا رقی لای کل لحدان بد»  
بطرف پای این سطور مرقوم است: «تاریخ وفات مفور و مستوره بیسی بنت عزت لسان . . .»  
(سنگ ثانی) که بطرف پایش چنین مرقوم است «تاریخ وفات مستور و مفور و صالحه سائده بنت مرحوم میر جانگیر . . . آینه رخ خورش را اهان کرده»  
(سنگ ثالث) که بمحاذی قبر شاه موسوف است و بجانب پایش بخط استعین این عبارت مسطور میباشد: «مرحومه مستوره بیگه سلطان بنت ایلانده محمد سال هزار و هفتاد و شش بیست و پنجم شهر صفر»
- ۳- از دیکه بمزار غلام محی الدین خان که باید در ص ۵۰ کتاب هذا عقب مزار مذکور می آمد قبر ستانی خور دیست دارای دو قبر:

## مدفن میر خیرالدین آقا

این قبر واقع است در بلندی، لمحق برای بالا که در وسط کوه از آغاز الی العجم شهدای صالحین راه پیاده رورفته، محاذی قبرستانی که در پایانه دارای باغچه و مسجد و چاه و اطاق های متعدد برای مجاورین میباشد و حاضرآ بقبرستانی مرحوم میرزا محمد سروژ خان مستشار شهرت دارد که موصوف در ادوار سابقه مستشار وزارت داخله و ثانیاً حاکم اعلای فراه و ثالثاً حاکم اعلای مشرقی بوده و بالمدتها به بیکاری گذشتانده و از رجال نامور و صاحب اوصاف ستوده عصر خود بوده و در ماه مبارک رمضان ۱۳۷۹ هـ ق بعمر ۷۷ بر حمت حق پیوسته:

میر خیرالدین مرحوم ولد میر غیاث الدین و از سادات معروف کابل بود و صنایع زلدگانی خود را بحق جوئی و محله پرستی گذرانیده و بطریقه عالیة قادریه طی طریق معرفت میکرد و از جناب ملا فیض محمد و اولادش از چهل سال باینطرف خلافت نیز داشته.

مرحوم مرتاض، قانع متواضع و مدت مدید امام مسجد سید مهدی پادشاه بوده در اواخر سبب کبر سن و ضعف طبیعت ازان وظیفه نیز باز مانده و اوقات بعبادت خالق متعال میگذرانید، تا آنکه بعمر ۹۵ بقاریخ روز جمعه ۶ جوزا ۱۳۳۹ مطابق غره ذیحجه الحرام ۱۳۷۹ بر حمت ایزدی واصل و در پنجا دفن شد. ارادت کیشان مقبره اش را بخش پخته و سمت ساخته و سقفش را آهکی چادر گرفته مربوط و متصل آن احاطه خوردی برای ادای نماز عابرین نیز تخصیص داده و علاوه محراب بر آن کشیده الدخد ایتعالی مرحوم را بیا مرزد و بانی را اجرد هد محل این مدفن ص ۵۰ بود.

۷- در اتصال همین راه بالا، در حدود وسط بهی قبر میر خیرالدین آقا و گنبد مرحوم شاه سابق بخارا قبرستانی جدید ساخته شده دارای دوسه قبر بسالای یک قبری که از جوانان محصل معارف بوده و قبرش زیبا ساخته شده این ابیات اثر طبع نگار لدمه مرقوم است که محل این قبر هم ص ۵۰ کتاب هذابوده:

هزار حیف که خواجه شفیق احمد جان      نهال گلشن حاجی فتح محمد خان  
دیده ناله قد افرات در بهار حیات      بر انگ گل بگلستان و سرود در بستان

۵- در آغاز جبهه بعد از باغ لطیف در لایه مقبره میر مشهدی متصل بر راه عام که محل ذکرش بعد از ص ۵۶ کتاب هدا بود قبری نو ساخته شده بسنگ و سمت که دو مرتبه سنگی دارد بالای آن طوطها و سنگ صندوقی است، در سطح فوقانی سنگ تسمیه شریف و کلمه طیه والله اکبر و بدو طرف آن این کتیبه اثر طبع نگارنده به خط عزیز الدین خان و گیلی تحریر یافته :

و مرده نجیب و لائق و فعال و کار دان	صادق بملک و قوم محمد حسین محمدان
در دوره که بود رئیس مختارات	پنجاه و چهار سال گذشت ز عمر آن
در لول بیست و ششم مو بود خبر خلق	در خوا بگا بهویش بهایوی طفلستان
از دست چند دزد تبه کار بد سرشت	لوشید جام شهد شهادت بناسگهان
شد جری خون زمانش از چشمه های چشم	اهل و عیال و از خرد و بیگانه راروان
با رب بحق سید کولسین و چارپسار	داری و را ز دولت دیندارشادمان
بنوشت سال واقعه را در رقم تحلیل	( باشد بعیش از کرم حق دران جهان )

۱۳۷۹

امیر ارتش ز وفای کرد خسانهش      تا سالها به چشم عزیزان بود عیان  
مرحوم از تحصیل یافتگان فرانسه و الحق الخدام صادق کشور بود



پدرش در الحجا بر حمت حق پیوست ، مرحوم از مکه معظمه وارد هند گشته در مدارس آلحجا علوم دینی را از قبیل تفسیر ، حدیث ، فقه ، صرف ، نحو و غیره تحصیل و شهادتنامه اخذ نموده دوباره عالم بیت الله شریف شده در دارالعلوم مکه مکرمه شامل و علوم عربیه را که در هند تحصیل نموده بود دوباره از علمای عرب تعلیم گرفته باخذ شهادتنامه موفقی شد ، بعد از آن قرآن کریم را نزد شیخ ابراهیم سعد مصری که شیخ القراء مصر و حجاز و قاری هفت قرائت و چارده روایت بوده و در مکه معظمه در اوقات بتدریس قرائت سبعة مؤلف بود شروع و بهفت قرائت و چارده روایت تعلیم گرفته و کتاب شاطبیه موسوم به حرز الامانی را که بنظم است و بیان هفت قرائت و چارده روایت را نموده نیز حفظ نمود و سند هفت قرائت و چارده روایت را زیاده بر شهادتنامه های علوم عربی حاصل نموده مسدست سازده سال در مکه معظمه مقیم بوده یازده حج نمود ، بعد از آن عازم وطن عزیزی خود افغانستان شده حکومت آنوقت بتعلیم علوم خصوصاً تعلیم قرآن کریم مؤظف شد نمودند که شاگرد های زیاد از حلقه های تعلیم شان برآمده ،

و نیز در علم قرائت کتاب زیادة التجوید و تحفة الاطفال را بنظم باحواشی تصنیف نموده که در خود کابل بطبع رسیده اند ، و کتاب دیگری در علم فرائض میراث موسوم به عمدة الفرائض بنظم و لثر تالیف نموده که آنهم بکابل طبع شده ، و کتابی بنام تحفة المؤرخین در تاریخ انبیا علیهم السلام نیز تالیف نموده ، و یکتعداد زیاد از پاره های قرآن شریف را که رموز اوقاف آن بقرار علم تجوید میباشد در هند بطبع رسانده برای استفاده مسلمین گذاشت که اکنون پاره های موصوف در ورق سفید در اکثر محاله ها موجود میباشد ، پس از خدمت طولانی در برق راه مقدس بعمر ۶۳ بتاريخ ۲۳ صفر مریض و در شب جمعه اول ربیع الاول ۱۳۴۲ هـ ق در کابل داعی اجل را لبیک گفت ، چشمدش در همینجا بخاک سپرده شد .

۱۰- مزار پیر بلند یا خواجه روشنائی ؟

در تپه بلند باغ بالا در حصه که بجناح مغرب عمارت آلمو ضح معروف ، واقع و متشکل از یک تپه خاکی و سنگی میباشد و علامات مرگ برانی و تهداب

دمیکه صاحب تمییز خوب و بد گر دید  
دمیکه مستعد کوشش و عمل گردید  
دمیکه گشت پرومند حسن خاق و ادب  
رسید پیک اجل پرد روح از بد نش  
ز سوز دوری او ما درو پند شد داغ  
بحق صاحب لولا لکرم و آل و اصحابش  
ز سال رحلتش الهام شد ز غیب خلیل  
(ز چو در رحمت حقست جای وی بچنان)

۱۳۷۸ هـ ق

۸- همینکه از باغچه سادات که در محاذ قبر ملک الشعرای مرحوم است بطرف زبارت میان - احب و سه الخ بالا رفته شود در وسط بلندی همین راه قبری جدید ساخته شده که چند رواق و پایه ها و گنبد پخته کاری دارد و مجلس ص ۴۷- کتاب هذا بود

این قبر از عصمت الله نجاتر باشی است که بیچاره اتفاقاً در سنه گذشته باره برقی کارخانه ارمه کشی خود گیر آمده از فرق سرتا گردن ارمه شده چنان بحق تسلیم نمود چون هنوز هم کار مقبره در جریان است و امام نام لیاقت سنگی را جمع بند کر حالش در اینجا نصب نشده ممکن در ثالی شود فعلاً بهمین قدر از ذکر وی اکتفا فرست ۹- در دامنه کوه خواجه صفا قریب بقبر حاجی محمد مقیم که محاش ص ۱۴۲ کتاب هذا بود بقبری برخوردیم که از سنگ و گل محامه ساخته شده و بدو طرف خود سنگ های لسان بلند و کلانتر از سنگ های دیگر قبور داشت ، لوح و نوشته در آن نبود ، پرسیدم قبر کیست ؟ گفتند : قبر قاری لیک محمد لسان است ، چون مرحوم یکی از اهل اساتید قراء و طین و حافظ جید عالم و صاحب نفوی و تالیفات بود ، گرچه قبرش لوح - داشت بقدری لسی شخصیت بزرگش خود را مکلف دیدم تا معرفی چنانچه راحت الامکان لماهم و مدنی در بدست

آوردن معلومات ثقه القضا پدیرفت و اینک شرح داده میشود :

الحاج مرحوم ابن حاجی محمد خان ساکن دوله چهار پکار سمت شما لسی کادا ، بود ، در ابتدای شباب بایدر خود عازم بیت الله شریف شده بعد ادای حج

«الف»

## تقریظ

بخامه نویسنده فاضل و مقتدر جناب عبد الهادی خان داری  
غالباً هر مرده داری که از نویسندۀ دل زلده صالح ما محمد ابراهیم خلیل  
مرثیه می التماس کرده، جناب موصوف رد نموده است. خاطر آزرده بی را  
باینصورت خوش ساخته اند، میرزا مطهر جانان رح میفرماید:

خو شترست از کل خورشید بدستار زدن

لو گلی بر قفس مرغ گرفتار زدن

این عادت جملة شاید شاعر فاضل را بفر آن انداخته که به احیای نام و نشان  
همشهریان فراموش شده «وادی خاموشان» کابل پرداخته گلهای بی خزالی  
بمقایر آنها اهدا نموده، برای خود نقش یادبادی، باقی بگذارند

غرض نقشیست کز ما یاد ماند که هستی را نمی بینم بقای

مگر صاحب دلی روزی بر حمت کند بر یاد درویشان دعا یی

«سعدی رح»

همانقدر که قانون «فساد» قانون «نکون» را تعقیب کرده، در پی امحا و تخریب  
زندگی و هستی است، خصوصاً برای تاریخ وطن عزیز هماندر مساعی جملة  
کسانیکه میخواهند این تاریخ را حتی المقدور از محور فساد نگاه دارند مشکور باد  
رفتن باین هدیره ها و مزارات از هم دور افتاده و خطهای مغشوش و مغیر اواح  
آنها را تدقیق کردن، و بعد در صحیفه های کتا بها اح-وال آنها را با فتن  
و یاد داشتهای سینه های پیران را پرسیدن و جمع نمودن به «تراجم مشاهیر ملیه»  
خدمت نمودن، بی مشکلاتی و زحماتی لبست امیدمت ارباب خدمت، مناطق  
دیگر و لایات کابل و سایر ولایات و طوق رالیز با کوشش های نخستگی ناپلیر  
تفحص و آثار گران بهای مفاخر منسیه مارا تدوین و طبع نمایند.

تازه خواهی داشتن گردهای سینه را

گاه گاهی باز جوان این قصه پارینه را

خوابگاه - کابل

کندگی در آن معلوم می شود قبری است دارای طوغها که کسی پیر بلند و کسی  
هوای روشنایی می گویند ولی و<sup>۱</sup> نمحا اسم و دسم این صاحب هر قدس  
معلوم لیست سنگی هم ندارد که معرف و ی شود .

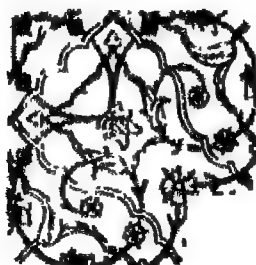
از زبان اکثر مؤلفین محقق و صاحب معلومات تقریباً ۲۰ سال قبل را جمع  
بایست مزار چنین شنیده شده به ضواء المآثر الدین در محیط موضع میباشد عمارتی  
بنائند گفتندش زیارت است فرمود باکی ندارد منهم پادشاه اسلام ، همان  
است که به تهداب کنی و سرلنگ پرانی آغاز کردند همینکه چند روز از اقدام  
کار گذشت کار را معطل کرده بیان نمود که صاحب هر قدر در خواب دیدم  
مرا تهدید کرد بلکه سیلی برویم ، اخت که در حالت بیداری هم احساس درد از این  
سیلی بروی خود میکنم بناءً از بن قدام صرف نظر و کار آن را معطل کردم ؛  
حالا هم زیارت مذکور در همان تپه باطرغهای هریدا و آثار سرلنگ پرانی  
و تهداب گذاری آنوقت در پیرامون زیارت ظاهر و پیدا و مرجع خاص و عام  
است . جای لگارش این زیارت در ص ۲۰۴ بود

نمک

خدای بزرگ و مهربان را شکر گزارم که کتاب خدا صورت اختتام پذیرفت  
و بحکم المبع آراست شد ، از مطا - ا - م - فرمایان امیدوارم که -  
بگل فانحه روح مرا شاد کنند

محمد ابراهیم خلیل

روز شنبه ۲۷ سرطان ۱۳۳۹ مطابق ۲۴ محرم الحرام ۱۳۸۰ دارالسلطنه کابل



## ﴿ ج ﴾

### اثرات :-

- ۱ - کلیاتی در اقسام نظم حاوی هژده بخش بموضوعات مختلف که بالغ بشانزده هزار بیت است و منتخبی از آن در سنه ۱۳۳۱ در رشت ایران از روزنامه ها و مجلات وطن جمع و طبع شده .  
همچنان رباعیاتم که بخش ۱۶ کلیات است در سنه ۱۳۲۹ بروز نامه انیس انشرو طبع علیحدہ شده .  
و نیز در سنه ۱۳۳۶ از طرف عبدالشکور حمید زاده نسخه خطی خودم با فسیف در کابل طبع شده .  
رساله عروج و نزول اسلام که بخش ۱۴ کلیات است در سنه ۱۳۳۲ از طرف ریاست مسئول مطبوعات نسخه خطی خودم در کابل با فسیف طبع شده و دوبار دیگر در سنه ۱۳۳۴ ، ۱۳۳۶ مجدداً طبع شده .  
گلچینی از آثار با شرح حالم در سنه ۱۳۳۴ بکوشش عبدالشکور حمید زاده در مطبع تجدید ایران طبع شده .
- ۲ - کتابی موسوم به ( یکمردینزرگ ) متضمن شرح حال شیخ سعدالدین احمد انصاری کابلی در سنه ۱۳۳۶ از طرف الجمیع تاریخ و وزارت معارف در کابل طبع شده .
- ۳ - کتاب « استخراج تاریخ در نظم » ترجمه و نگارش از طرف الجمیع تاریخ و وزارت معارف در سنه ۱۳۳۷ - طبع شده .
- ۴ - اشعار دوره صبا و تم توسط مجله پوهنی لنداری در سنه ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ در کابل بصورت نا تمام طبع شده .
- ۵ - رساله راهنمای خط نسخه خطی خود من در سنه ۱۳۳۵ و ۱۳۳۷ و بعد آلهم مکرر در خود کابل با فسیف طبع شده .
- ۶ - همین کتاب « مزارات شهر کابل » است که از طرف الجمیع تاریخ و وزارت معارف در هلداسنه ۱۳۳۹ ش طبع شده .  
علاوه بر این بعض کتب و مقالات و قطعات خط اشعار علی الدوام بجرائد و مجلات و طن اشاعه یافته مگر این همه بمقتضیات بار آورده زیر ا :  
همان بهتر که دست بی هنر در آستین باشد .  
زاده : شرح سوز دل من روح گذار است خلیل  
مکن اظهار و مشوبه اعثت آزار کسی  
سنه ۱۳۳۹ ش خلیل  
۱۳۸۰ ق

هو الباقی —



محمد ابراهیم خلیل ابا چدا از مردم کابل  
ولادت در سنه ۱۳۱۴ هـ ق در خود کابل  
شده در سنه شش اولاً نزد والدۀ مرحومہ ام  
شروع بخواندن کرده و باز شامل مکتب  
شده فقه ، تفسیر ، صرف و نحو را نزد  
معلمین خالگی میخواندم ، مریم در خط

لستعلیق و شکسته و ادبیات حضرت قبله گاهی

و در خطوط عربی محمد صدیق دولت شاهی هروی بوده اند ؛ بعداً بدفاتر حسابدی  
شاگردی کرده و حسب احکامات فطری اشعاری نیز میسرودم ، از بدو سنه ۱۳۳۷ ق شامل  
ماموریت شده در اوخر سنه مذکور در گر شکست تبعید شدیم ، یکسال بعد از خواسته  
شدیم ابتدا بوزارت خارجه و بعد بجزاقو تسلیگری افغانی در هند و سپس در سفارت  
افغانی در لندن و باز در پاریس بکتابت شامل شده پس از طی این دوره ها با اجرای  
امور و انتظام حر مسرای شاهی مؤلف گشته در سیاحت اروپا ( شاه سابق امان الله خان  
مرحوم ) معیت داشتم ، در عصر اعای حضرت محمد نادر شاه شهید در ح مدیریت محاصره  
ریاست تنظیمه مغربی و باز شامل شقوق بالکی بوده از اتفاقات ده سال در حبس  
بسر برده درین زمان از خواندن احادیث شریف و معانی و منطق و حفظ قرآن مجید  
مسرود گشته و به بسی محبوبین درس تفسیر و غیره دادم ، پس از رهائی یکسال  
مدیر اجراییه ریاست مستقل مطبوعات و از سنه ۱۳۲۱ هـ ش عضو الجمعۀ تاربخم ،  
در پنجاه و چهار سال و چند ماه مدیریت مجله آریا را نیز برده ام ، در ضمن همکاتب  
و دارالمعلمین درس ادب و تعلیم خط نیز داده ام ، نوشتن مقالات و قطعات خط  
و شعر سرایی من از همیق سال ۱۳۲۱ ش شروع میگردد ( گرچه در ایام صباوت  
اشعاری بدیگر تخلص سروده بودم که باز مدتها بدالطرف توجه نشد بود )  
در سنه ۱۳۳۵ ش بادای فریضه حج ، لله الحمد سرافرازی حاصل کردم ، در داخل  
و طین عزیز و خارج سفر بسیار نموده ام .

محمد مایمان . شهزاده شمس الدین جان ، حاجی عبدالعزاق تاجر (۶۳) عبدالعزاق تاجر ، دوکتور محمد رسول و سا ، عبدالرب خان (۶۴) آغا زجبه کهنه (۶۵) چهارده معصوم (۶۶) شاه طاووس ، احمد علی خان (۶۷) قنلب حیدر (۶۸)

### زیارت شاه شهید

خود زیارت ، گنبد عواجه ها (۶۹)

### زیارت حضرت جی صاحب

خود زیارت (۷۲) احمد خان ، غلام عمر جان ، مختار جان ، (۷۵) عواجه محمد پارسای مجددی ، محمد نعیم خان ، محمد رحیم سکندر خان (۷۶) قنلب سالار عبدالوکیل خان (۷۷) .

### در بینی حصار

عواجه ظهیر ، عواجه خورده ، ضیا الدین محمد (۷۷) و جی صاحب (۷۸)

### قبرستانی اطباء در تپه مرلحان (۷۹ الی ۸۱)

### زیارت سید مهدی آتش نفس

خود زیارت ، قبر سردار فیض محمد خان (۸۲) زیارت سید محمود (۸۳)

\* \* \*

زیارت بی بی مهر و عواجه حضور (۸۳) تاج مزار ، شاه همدان (۸۴) حاجی قنندر ، خلیفه جی شهید ، میر سید علی سرمست (۸۵) خلیفه جی ، سید میر جان مردان غیب (۸۶) .

\* \* \*

میان داؤد ، میان شیخ احمد (۸۷) در گذر قاضی (۸۸) زیارت ابدال و قبرستانی میرزا محمد عمر خان حاوی پنج قبر (۸۹ الی ۹۱) ملا فیض خان بالی مسجد از بکان حاوی چهار قبر (۹۲ ، ۹۳) زیارت سیدان حاوی سه قبر (۹۴) ،

### مقابر حضرات مجدیه رح

حضرت میان عبدالباقی صاحب (۹۵) حضرت حاجی غلام حیدر (۹۷) حضرت

غلام صدیق (۹۸) حضرت محمد عمر (۹۹) حضرت عابد اقدیر

## فهرست

### مزارات واقع در شهدای صالحین از صفحه اول تا ۵۸

مزار حضرت امیم و رضی (۱) حافظ محمد علی (۱۱) بو بوجان و برخی از خانواده  
مرحومه (۱۲) خدا داد ، علیاچاه (۱۳) والدۀ امیر حبیب الله خان ، علیا ربّه  
لویتاب (۱۴) رئیس خطه احوالات ، محمد یعقوب عثمان ، حاجی عبدالرؤف  
حاجی عبداله حیم ، محمد انور خان نائب سالار و محامش (۱۶) عبدالاحد خان  
عبداللہ خان (۱۷) ذوالفقار خان ، میر محمد صدیق خان ، سردار عبدالقوس خان (۱۸)  
میر صاحب قصاب کوچه (۱۹) میر محمد موسی صاحب (۲۲) سید امیر خان  
قوامالدان طیاره (۲۳) استاد قاسم (۲۴) عبدالکریم خان (۲۵) عزیزه (۲۶) قبر لداف  
(۲۷) نظر گاه خضر (ع) (۳۹) شیر سرخ (۳۰) سید جلال آقا (۳۱) جانباز (۳۳)  
والدۀ قمر البانہ صاحبہ ، والدۀ سردار حیات الله خان دهن - ران سردار  
محمد اعظم خان (۳۵، ۳۴) مستو علی ، درویش محمد ، پروانه خان ، میر ابو الفتح  
میر صاحب (۳۶) همسر شاه محمد و دافغان (۳۷) پنجه شاه (۳۹) آزاد ، بی بی مرجان  
خواجہ درویش ، فاطمه (۴۰) میان صاحب ، خلیفہ غلام نبی (۴۱) خلیفہ  
محمد اکبر ، کتیبه سنگهای مختلف و متفرق (۴۳) خواجہ کرباس ، معلّمه  
دینیات ، قبور متفرق (۴۵) سه اغر - الغ (۴۷) میر هاشم آقا (۴۹) علام محی الدین خان  
شاه سابق بخارا ، حاجی بدرالدین (۵۰) گنبد دو یتیم ، قازی ملک الشعری  
مرحوم (۵۲) میر حبیب الله (۵۳) ملاجان محمد شهید و مسجده اش (۵۴)  
میرستمداری و بنتش (۵۶) خلیفہ قادری ، خلیفہ نقشبندی ، باغ اطفی (۵۷) .

### مزارات واقع قلعه حشمت خان و قرب و جوارش الی - ص (۶۲)

امیر محمد افضل خان (۵۹) والدۀ ضیاء الملة والدین ، حرم ضیاء الملة والدین  
(۶۰) سردار غلام علی خان (۶۱) سردار حفیظ الله جان ، بی بی مرواری ، همشیره  
ضیاء الملة والدین (۶۲)

## \* \* \*

### زیارت شاه دوشمشیره رح

خود زیارت (۱۴۶ الی ۱۵۰) محمد کریم، صبیة حاجی محمد رضا، قاضی قطب الدین

(۱۵۱) زوجة مستوفی الممالک، حاجی صاحب درویش، بابہ جان محمد (۱۵۲)

\* \* \*

زیارت خواجہ شاه محمود (۱۵۴) اعلیٰحضیرت تیمور شاه درالی و شاه شجاع (۱۵۵)

شہزادہ لادر (۱۵۶) صبیة تیمور شاہ (۱۵۸)

زیارت خواجہ اسحاق (۱۵۹)

زیارت مولوی صاحب (۱۶۰) زوجة ضیاءالملقوالدین، صبیة احمد خان،

صاحب زادہ نقشبندی (۱۶۲) بریاسا محمد سرور خان (۱۶۴)

امیر عبدالرحمن خان، عضدا لدولہ، سردار عبدا لمجید خان (۱۶۵ الی ۱۶۸)

مجنون شاه و پدر و دو فرزندش (۱۶۹)

### مقابر باغچة آخند جی

خود آخند جی، سردار نصیر اللہ خان (۱۷۱) غلام محمد خان (۱۷۲) والدہ سردار

امین اللہ خان، صبیة سردار محمد یوسف خان (۱۷۳) والدہ سردار محمد کبیر خان،

محمد صالح افندی، عیال ربیع حکمت بیگ، سردار محمد عثمان خان، حرم

امیر عبدالرحمن خان (۱۷۴) ملا علی محمد آخند، ہاشم شائق افندی (۱۷۵)

\* \* \*

زیارت سید صالح، میانجی، سید کمال، غلام نقشبند (۱۷۹)

قبر شہید، شاه محمد، بابا گل محمد، شاه کمال حسین، خواجہ حسن خانقادر

۱۸۰ الی ۱۸۱

### در دروازہ لاہوری

چاچہ بیل، سید حسن، سید حسین، اسماعیل شاه، ماما فیض، سید محبت شاه (۱۸۲)

پیشن روی بابا لا حصار شاه لطیف، در کلالی محمد ز مانخان، در گنر شیر بچہ

پیر سفید (۱۸۳) ۴

حضرت عبدالاحد (۱۰۰) حضرت محمد یوسف . صرفی آغا ، (۱۰۱) :  
حضرت غلام قیوم ، حضرت شمس المشیخ ، (۱۰۱ الی ۱۰۳) حضرت جانان ،  
قاضی میر سید قاسم خان ، عطاؤ اللہ خان ، سردار محمد عثمان خان (۱۰۳ الی ۱۰۵)

### زیارت عاشقان و عارفان

خود زیارت (۱۰۶ الی ۱۰۸) خواجہ، قاضی بیگٹ (۱۰۸) علی مردان خان ، خواجہ میر  
(۱۰۹) خان ملا خان (۱۱۰) میرزا زاہد (۱۱۱) - میرجہان ، پسران قاضی  
فیض اللہ خان (۱۱۲) نواب محمد زمان خان (۱۱۳) نواب جبار خان (۱۱۴) حاجہ  
محمد حسن (۱۱۵) داکٹر عبدالعزیز (۱۱۶) سردار غلام حیدر خان (۱۱۷) سردار  
مہیاف اللہ خان ، والدہ امیر شیر علی خان (۱۱۸) سردار محمد علی خان (۱۲۰)  
سردار محمد عظیم خان (۱۲۱) سردار محمد عم - ر خان ، محمد سرور خان  
سردار محمد ہاشم خان ، صبیحہ امیر دوست محمد خان (۱۲۲) محمد قاسم خان ،  
دختر نواب اسد جان ، سردار امیر محمد خان ، جهان بیگم (۱۲۳) دختر محمد تقی خان  
ارد بیلای ، غلام محمد خان ، پرو فیسور (۱۲۴) یار خان فرملی ، قنبر علی (۱۲۵)  
ہیان عزت اللہ (۱۲۶) امین المملک ، جاندر خان (۱۲۷) بیگم صاحب (۱۲۸) میان  
شلام رضا ، میر منور علی شاہ ، حرم سردار عطا محمد خان (۱۲۹)

### زیارت بابای غوری

خود زیارت ، یکی از اولاد محمد علی خان ، سردار پیر محمد خان (۱۳۰)  
صبیحہ - سردار پیر محمد خان ، صبیحہ شاد محمد خان ، بی بی فاطمہ جان ،  
میرزا محمد جان خان (۱۳۱) میرزا فضل احمد خان (۱۳۲) ،

### زیارت سید مرد و مہماتاش (۱۳۳ الی ۱۳۵)

• • •

شیخ محمد رضا (۱۳۶) پیر اکرم خان ، سردار محمد اکرم خان ، ندیم (۱۳۷)  
خواجہ صفا (۱۳۸) خواجہ روشنائی (۱۴۲) بابای ہودی ، حاجی میرزا محمود خان  
حاجی شہنواز خان ، صبیحہ حاجی شہنواز خان (۱۴۳)

درگذشته غوث چنگ، میرمیران (۲۰۱)ء

از دہک شہرارا: سردار عبد اللہ جان ولیعہد، وفا بیگم، بنت گزراخان

ابوبکر خان (۲۰۲ الی ۲۰۴)

از دہک ارگ شاہی: قبر ۶ نفر شہید، کوکائاش، میرعباد اللہ، مشہور بہ

شاہ صاحب کاہلی (۲۰۵)

درگذشتہ رسوہ پایا: خواجہ سہیل پوش، پیر دوست خان،

محمد صدیق خان (۱۰۷)

درگذشتہ باغبان کوچہ: ابو احمد خان، درگذشتہ فروشی یاک سید، در دہ افغانان

محمد صدیق خان (۱۰۸)

در دہر کوہ آسمانی وغیرہ سلطان بیگم، یاک شہید (۲۰۹) یاک شہید

امام مسجد (۲۱۰)

از دہک وزارت حربیہ قبر شہدا (۲۱۱)

در شہر آرا: شاہ ولیخان، بنت عیسیٰ خان، کوکائاش ہروی، خدش حال بیگ (۲۱۲)

در دہ ہمراہنگ: ویران، سید نجیم، محمد غوث خان (۲۱۳)

در دہ ہوری زیارت سادات (۲۱۵)

خواجہ ملا (۲۱۶) بابر شاہ (۲۱۸) خواجہ طراف (۲۲۲) عبد اللہ خان شہید (۲۲۴)

در دار لامان، دہ دانا، دہ قلندر ۳ مزار (۲۲۵) منار یادگار، علی ملنگ (۲۲۶)

سخی (۲۲۸) سید جمال الدین افغانی (۲۲۹)

بادشاہ صاحب (۲۳۶) حاجی صاحب پایمنار (۲۳۶) حضرت نور المشائخ (۲۴۳)

## \* (ح) \*

درگذشت سید الماوك امير بار الدين ، بنت ميرزا بهادر ، محمد علي ، شتری  
آغا ، حیدر بیگ (۱۸۴) :

درگذشت باواله : زیارت بابا ولی ، میر عبد حسین ، میر واعظ صاحب ، میر حاجی -  
میر عتیق الله ، مہمان جی (۱۸۵)

در هندوی غربولہ فروشی یسکی از سادات ، اکرم گیل (۱۸۶) :  
درگذشت و پیکانخاله و باغ عایمردان و ششدرک

سید اقر در ، شاه اسمعیل ، سخی سرور پادشاه ، شہداء ، جمعیہ شاہ ، سید عبد الله  
سہ شہید (۱۸۷) بابای کیدانی (۱۸۸) ، مشہور بانام زین العابدین حاوی  
سہ قبر (۱۸۹)

### در لہن شاہی

موادی یار محمد ، مخلوقہ آقا محمد ، صبیحہ محمد عثمانخان بامیزائی ، فرح  
سلطان ، سائین میجاور (۱۹۰) :

\* \* \*

در آخر لہن شاہی ، فتح محمد ، در فرقہ شاہی ، میر بر ، پهلوان دوست ، قاسم خان  
(۱۹۱) سید جلال ، بابا شوقی ، مزارات گذراندرابی (۱۹۲)

زیارت دوست لہوالد ولی (۱۹۴)

\* \* \*

### در گذراندرابی

سید جعفر آقا ، عادلا ، امیر دولت ، خواجه بیگی ، خواجه مارک ، بیگم آغا ،

میر مقصود ، حسن علی ، بیگم ماہ ، خواجه مدللیم ، (۱۹۵-۱۹۶) :

بن امیر درویش محمد ، یار محمد العرش ، درویش محمد تکه ، قاسم بیگ ،

خواجه شکر الله ، خواجه سید میر ، فقیر احمد خان مجلس آرا (۱۹۷) امیر محمد اہال کلشن

خدمت علی خان ، عباس ، سید بیگم (۱۹۸، ۱۹۹)

در مسجد میر های ده افغانان : میر مسجدی ، میر علی ، میر محمد ،

میر محمد علی ، ۲۰۰ ، ۲۰۱



## فهرستنامه

اطفاً قبل از مطالعه اغلاط ذیل را تصحیح فرمایند

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱	۱۴	۱۲۲۷	۱۲۳۷
۱	۱۹	حما. الدولائی	حمادالدولابی
۲	۹	طایفه	طایفه
۲	۱۱	و	و
۲	۲۵	بعد از کلمات «کتب و تالیفات» اضافه شود.	
		در فصل چهارم خلاصه مقصد جمع کردن	
		این کتاب را ذکر کرده میگوید:	
۳	۱۸	بن نهارى	بن الهارى
۳	۲۹	ذلفنون	والفنون
۳	۲۹	سنة	صفحه
۴	۹	الاصابه	اصابه
۵	۱۲	عمر	عمر
۵	۲۶	نجارى	بخارى
۱۰	۱۱	صعصعة	صعصعة
۱۰	۱۹	۵	بالای سطر ۱۹ برده شود عدد (۵) مذکور
۱۷	۷	بفتادود	بفتاد، دو
۲۹	۲۰	و این	در این
۳۷	۱۱	معادت	معاودت
۴۰	۱	ندارید	ندارد
۴۶	۱	دروش	درویش
۴۶	۱۴	مهمان	همان

در خواجه مسافر

هو دخواجه مسافر و حرر عشق و شهادت الله و مرید طین شان

و به مقرب خاند (۲۴۶، ۲۴۷)

در قلمه قاضی

شاه آقا، الله و برادر، سرشاه آقا، خواجه دیا باد وای، شیخ شهاب الدین

(۲۴۹) ملا مریم، سید عطا محمد شاه (۲۵۰)

شهرت مزار ابوالمعالی بیدل (۲۵۱)، قاضی حمید و متخلص نایب (۲۵۶)

بهض قبور که ثاباً نظر میدهد

جواد، ساجده (۲۶۲) والد، مان اول صدارت، قاضی، حاج عزیز الرحمن خان،

سید بابو جان، غلام حضرت، شهیده، میرمن زرین (۲۶۳) محمد حسین خان (۲۶۴)

میر عمیر الدین، خواجه شفیق احمد (۲۶۵) عصمت الله، قاری، بیگ محمد خاند (۲۶۶)

پیر بلند (۲۶۷)

( م )

صفحه	سطر	ملاحظ	صحیح
۲۱۶	۲۹	سعدراخر متقدم و مؤخر آمده،	
		مزال و فالش اگر بجوئی	
		احمد جامی قدس سره ۵۳۶	
۲۱۸	۲۳	منه	منه دوم
۲۲۳	۱۳	مجله	جمعه
۲۲۶	۱۳	نیشبه	پنجشنبه
۲۳۳	۱۹	با لشمول	بشمول
۲۳۶	۲	عرفان	عرفاء
۲۲۸	۱۵	اقوی	اقوی
۲۴۳	۱۸	بنقش نامه	نقشینه
۲۴۸	۱۰	دوی	دور
۲۵۶	۲۴	شعور	شور
۲۵۷	۱۸	زردو	زرد
ب	۱۲	بجزال	بجنرال
ه	۱۱	رجی	وحی
ی	۵	الله	والله



فهرست

صفحه	سطر	عنوان	صحیح
۴۹	۱۲	نمایش	نمایش
۴۹	۱۳	عمارت	امارت
۵۰	۴	حایت	حیات
۵۷	۱۳	بالا آمد	بالا آمد
۵۸	۱	پرس	پرس
۵۸	۲۶	میگرداند	میگیراند
۵۹	۲۷	نام	نام
۶۲	۵	این خط	خط این
۷۷	۱۶	مردن	مردن
۹۰	۱۶	نامور	نام آور
۹۱	۱۴	مردن	مردن
۱۱۲	۴	جای دادن - ۱۰۸۳	حاجران - ۱۰۸۴
۱۱۳	۲۰	امر	امر
۱۱۷	۱۴	مردان	عیان
۱۱۷	۲۲	ذخیره	ذخیره
۱۲۸	۲	ردار	ردار
۱۲۹	۲	خوب آمد، آورد، بهر	خوب آمد، آورد، بهر
۱۷۲	۲۲، ۹	ذخیره	ذخیره
۱۸۰	۲۱	و بل	ذیل
۱۸۲	۵	شو	شاه
۱۹۲	۵	سپارد	سپارد
۱۹۶	۱۰	بنسبت	بنسبت
۲۰۰	۱	دو	دو
۲۰۲	۲۳	از نان	از نان
۲۰۵	۳	بسر	بسرک
۲۰۷	۲۷	در است	در ملک

### تقریظ

مساعی ارباب تحقیق ، در مـیات و آثار های ، در حکـم اهتمام می است  
که در نگهبانی حدود و ثغور کشور بکار برده میشود .  
درس زمینی که مبداء تاریخ آن از چهار هزار سال انسو تر است این قضیه  
بیشتر در خور افکات میباشد .  
وسعت کشور مارا حوادث بزرگی که قرون متمادی حفظه آست محدود  
گردانیده اما امتداد و عظمت تاریخ ما از نگاه اصحاب تحقیق پوشیده نیست ،  
تشبیه ها و تاریکه از تـریبـات زمانه محفوظ مانده و در سرنا سر کشور ما  
بحالت پراکنده بنظر می خورد و مظهر این حوادث و متضمن سیر تاریخ و مدنیت  
باشمائی ما میباشد .

بعقیده من هر قدر درین آثار کاوش و تتبع شود این قضیه روشن تر میگردد  
کاوش های که درین اواخر توجه دولت و سعی خاور شناسان در زوایای تاریک  
گذشته در کشور ما انجام شده آثار گرا نهایی را ازل خاک بر آورده است .  
در زمره این آثار آرمبگاه رفسگان و مزار گدشتگانست .

که اغلب فراوش گردیده و نبذی در مرور زمانه با افسانه و پندار عوام در  
آمیخته و حقیقت آن در غبار این پندار ها و افسانه ها نا پدید گردیده است .  
این الواح سنگی که بر سر تربت گدشتگان نهاده شده همچنانکه معرف نام  
و شهرت و کار نامه های رجال این سر زمین میباشد ، شارح هنر و صنعت شاعران  
و نویسندگان و حجازان و خطاطان هر دوره نیز شعریه میشود .

بناهای که برین اما کن طرح گردیده نیز متضمن سبک معماری در ادوار  
مختلف میباشد کسانیکه برای معرفی مزار بزرگان در کشور ما رسائی نوشته  
اند تنها از يك جهت آنرا مطالعه و از سایر جهات اغماض نموده اند .  
مهندسان این رسایل يك قسمت از تاریخ هارا روشن گردانیده و ازین جهت ارزش  
خاص دارند .

در هرات دو بار این کار را انجام داده اند و در ساله هزارات هرات امروزه  
مورد استفاده ادباء ذوق است .

پند و اندیشه شهر شاهانی  
برده و بهرام را هم عالمشاهی

### تقریظ

از دفتر زمانه فتدناش از قلم هر مدتی که مردم صاحب قلم نداشت  
باشد از جذاب استاد خلیل صمیمانه تشکر کنیم که در دفتر (مزارات کابل)  
نام جمع کثیری از شهداء عراق و بزرگان راقیه و زنده نمیدهند که در کابل و حومه  
آن آرامیده اند. شاید طبیعت نفسی و شاید آلودگیهای زندگی بهر کس مدقع دهد  
تا بر آشیای های خفگیان برود و بر روی مدفن هر یک که شعله در زوایای سر و کلاه  
و گوشه های دور افاده افاده اند به طور شایسته دقیق شود و برای معرفت آنها  
معلوماتی گردد آورد.

همه کس چه بداند در سینه خاک که با چه بزرگانی چه خردمندان چه جوانانی  
خوابیده اند؟ هیچکس در پی استفاضه از مجهول نمی افتد بشریکه با مرور کتابی  
و کار نیست و یا مبهوت ناکامی و پریشانیست از رسیدگی و شناسائی خفگیان  
مایل میشود.

آفریدگار توانا و اناج در سوره مبارکه نکهثر فرموده است (الهام التکثر حتی زرتم المقابر)  
حقیقتاً زیارت قبور و توجه بوضع خفگیان هر شخصی را از غفلتی که در اثر ثروت  
ثروت و یا وفرت مشاغل حاصل میشود و امیرها اند.

مجموعه را که شاعر عارف ما استاد خلیل تحت عنوان (مزارات کابل) تالیف نموده  
و حاصل مشاهدات، تتمعات و تحقیقات سالهای متمادی شان است ما را با شهداء و عرفاء  
و بزرگان آشنایم سازد که باعث برکات هستند. علاوه بر این مجموعه مرثی و  
مواد تاریخی منظوم فید شده که نمونه بارز از ادوات ما بشمار میرود.

با مطالعه حالات و خصوصیات گذشتگان شخص بکاره متوجه به مرجع اصلی و  
نابایداری این روزگار شده و بروح آنها درود میفرستد و با معرفت معنویت و شخصیت  
آنها برای استفاضه زیارت آنها میشتابد.

این مجموعه یک راهنمای مفید است که هر کس را به جمع نیکوایان آرمیده  
در خاک هدایت مینماید.

مادر عین حال که این مجموعه را یکی از آثار مفید و روحانی میداند از  
خداوند، ج آرزو مینمائیم تا مؤلف محترم آنرا در انجام اینگونه خدمات (صد در  
صد پیریا) توفیقات مزید عنایت نماید.

## ﴿ف﴾

معلوم نیست لغب دوتن است یا بر چند نفر اطلاق می شده ، این شاه شهید و این شاه ابوالواله‌الی و این مزار مبارکی که بنام حضرت لعل جبّه بلند کمال شهرت دارد و بزرگان دیگر مانند شاه طاؤس و چارده معصوم رضی الله عنهم هریک ازین ها بر اساس تحقیقات علمی معلوم شود که یوده اند و در چه عصر میزیستند ؟ و همچنین نقل کنیه های الواح قبور آنها و کسانی که بوقایع تاریخی کشور ما ماس دارند در کابل مدفونند البته این کار ها مستلزم عکاسی و تحقیق و کاوشهای بیشتر است بهر حال زحمت جناب استاد دانشمند محترم محمد ابراهیم خان خلیل درین اقدام قابل تقدیر و شایسته تمجید است و این مجوعه بلاشک خدمتی در احیای گوشه تاریخی کشور محسوب میگردد.



رسالة همدار مشايخ بلخ که هنوز لمية طبع ہو شیده اثر مفیدی است که  
خرابه های مزارات بلخ را رهنمون می کنند .

کتاب السیاحة الهر ویه که آنرا ابوالحسن هراتی تالیف کرده و در یکی از  
بلاد عربی طبع شده اهتمام علمای ما را از قدیم درین مورد نشان میدهد  
در میان متأخران یاد و اشنهای نافع در کتاب تحفه الکرام باوصف آنکه  
بسیار جامع نیست اما بسیار محققانه نگاشته شده و میتوان در قسمتی از مزارات  
بلاد ما نیز ازان استفاده نمود .

در غزنه مرحوم شیخ رضا که خود مردی محقق و با ذوق و هنرمند و در کتابی  
بامر اعلیحضرت سراج الملت والدين امیر حبیب الله خان بنام روضة الالواح  
تالیف نموده ، این کتاب هم محتوی بر شرح احوال رجساک است و هم حاوی  
بر ذفايق هنر است که در کتیبه ها بکار رفته و چون آن مرحوم خود از استادان  
خط بود این کتیبه ها را با رسم الخط و شکل اصلی آن نقل نموده ، اکنون این  
کتاب نفیس در موزه کابل محفوظ است .

درین اواخر شاعر و خطاط شهر ما بنیاعلی محمد ابراهیم خان خلیل در مورد  
مزارات کابل کتابی تالیف نموده و از لطیفی که به بند دارند چند صفحه ازین کتاب را  
بدسترس خط لاهمن گذاشتند به عقیده این عاجز این کتاب در حکم نخستین اقدامی است  
که در روزگار مادر مور دوزار حرفای کابل بعمل آمده .

این کتاب شاعران جلیل و با ذوق مادر باب اغلب مزارات مقدسه کابل نگاشته شده و  
از قبور کسانی که در جوار آنها بنیاد گسپرده شد و شهرتی داشته اند نیز شرحی به میان آمده ،  
این کار به حدیث یک اقدام اولی کار بسیار پسندیده و سودمند میباشد و میتوان آنرا برای تحقیق  
احوال رجالی که از آنها درین تذکره شرح داده شده محل استفاده قرار داد .

البته استقصای کامل در شرح حال کسانی که این بقاع به آن نامندوب میباشد و اظهار  
نظای علمی در مورد معماری بناها و خط و طو نقوشی که درین اماکن و الواح موجود  
است مستلزم تحقیق بیشتر خواهد بود .

ومی توان کتاب مبعوث عنه را روزی منن این شرح قرار داد ، مثلا این مزاری  
که در پناه دیوار جنوبی بالا حصار بنام قطب حیدر مشهور است ، این رستم داری  
که در عهد گورکانی آن نوشته شده است این عاشقان و هارغان ~~سکه هنرمند~~





## تشمگیر و خواجه

از دانشمندان محترم و ناموری که با نظاریط عالمانه خویش از این اثر نه قابل و ناقص  
قدر دانی فرموده اند بدینوسیله با کمال امتنان سپاسگزاری میکنم ، و کتاب را  
بدین قطعه تاریخ اختتام میدهم :

یافت چون طبع این کتاب انجام	[	صد ا قادر ا بحر حمتك
سجده شکر کردم و خواندم	[	عجز الوصفون عن صفك
این مناجات سال آن آمد :	[	ماعر فناك حق معرنتك

۱۳۸۰ هـ ق

